

# سپاوون

شماره اول حمل ۱۳۶۸ مطابق اپریل ۱۹۸۹ مطابق  
رمضان المبارک ۱۴۰۹ - سال دوم شمار مسلسل ۱۱



مورکیشیہ

صدای

جاودانہ

سدها

۲۰ لیلا، لیلا نوروز است

۲۱ خدا یاد دنیا دوروز است

۲۲ ۱۳۶۸ سال ولی دژر مار کال بولی؟

# لکی فایف



# ۵۵۵

دعوت کما حقہ  
و شخصہ مخصوصہ و شیر خوار شہرانیہ لاجنس صورتہ بگزار می نماید سالانہ  
لکے فایف ہمیشہ بکوشش اپنا خاطرہ خواہد بود

آدرس: شہر نسر - مقابل مسجد جامع شیرپور - تلفون: ۲۰۴۱۰



# یمار امین ویدیو کست

بعترین فلمعای ویدئوی گلچین ( پښتو، دړی، هندی وایرانی) آماده فروش دارد. • فلمبرداری از محافل خوش شمعای یدیرفته میشود. • ادرس: منزل اول فروشگاه بزرگ افغان ۲۱۷۷۶-۲۰۷۰۴

## عکاسخانه هروی

عکاسخانه هروی عکاسی محافل خوشرو سرور شمارا به بدترین وجه برگه از مینماید ( همچنان تیبویو بیسی )

اکسرس، چهار راه سردار  
تق برفخانه  
جمهوریت

## خوراکیه فروشی انوش

خوراکیه فروشی انوش تازه به فعالیت آغاز نموده انواع خوراکیه باب را به قیمت های مناسب عرضه میدارد. • مشتری دایی خوراکیه فروشی انوش باشید. • همچنان مجلات و جراید مورد علاقه تانرا ازین خوراکیه فروشی دستیاب کرده میتوانید.

اکسرس، چوک قلع فتح شه

# سباوروس

اعلان تان شمسار با شرایط بهتر نشه  
میرسانه

خوراکیه مورد نیاز شمارا به فروش میرساند. • همچنان بلوزهای بهاری هندی ولباس -

جین از قبیل براهن، دامن، جیسرهای زنانه، طفلانه و دخترانه ساخت وطن را با قیمت های نازل بدسترس میرساند. • جمعین محتس ترارمیدهد. • شما میتوانید مجلات و نشریه های مورد علاقه تانرا نیز بدست آرید.

اکسرس، سرکت ۶ قلع فتح شه تقصرو واخانه برادران هرسو

## خوراکیه فروشی سبزویش

## قرطاسیه فروشی سید احمد شاه

جدیدترین لوازم تحریر کلاسوف معارف.

اقسام کتاب و کتابچه، انواع قلم های خودکار خود رنگ و ده ها قلم اجناس دیگر مورد ضرورت تانرا به قیمت های مناسب و رضایت بخش دستیاب نمایید. • ادرس منزل اول فروشگاه بزرگ افغان. • نمبر تلفون ۲۱۷۷۶

## قرطاسیه فروشی اخبارک

کتاب، قرطاسیه، مجلات و کارتهای تریکی ارزان و خوب. اکسرس، منزل اول فروشگاه بزرگ افغان

## قرطاسیه فروشی دوست

انواع قرطاسیه، جراید و مجلات دخواهتان را عرضه میدارد. • ادرس توجه نمایید. • ما کجیت مکر و باغ کجیت

ضروری: در شماره یازدهم سال ۶۷ مجله سباوروس در شرح عکسهای مرسوط به استعدادهای تروت ملی ما، نام محتس قاری فاخره قاری و قاری تصحیح شوه.

شماره اول حمل ۱۳۶۸ سال دوم  
شماره مسلسل نهم

# سپاروون



نعیم پوپل

یلا

نوروز است صفحه (۲۵)

صفحه (۳۵)

## فاجعه



صدای گمشده  
جاودانه‌سده‌ها  
صفحه (۲۰)

صفحه (۸۴)

درسهای موسیقی

پاستی

سیرین

مخ (۸۷)

کوزیر

آیاتاسی دخیل

از مود تا سینما  
صفحه (۵۴)

علی فاضلی بسمل  
پروما جبرایلی را ایستاد  
دنیای عشق خود را  
سرگردانان

چون در این بیست  
صفحه (۲۲)

از گپها که ما خبر شدیم  
صفحه (۴۴)



صفحه (۵۸)

۱۳ ساله و در زمان جوانی  
مخ (۲۷)

زن ۱۳ ساله بی نام مرد

صفحه (۴۰)



چهارلی در صد سالگی  
صفحه (۳۲)

مدیرمسول: د. کورژا هرطنین  
تلفون: ۶۱۹۵۲  
معاون: محمد اصف معروف  
تلفون: ۶۲۷۵۲  
سویچورد: ۶۱۸۷۸  
ارتباطی: ۳۹ - ۴۸ - ۵۴



نشریه اتحادیه ژورنالستان  
جمهوری افغانستان

زیر نظر هیأت تحریر:  
بارق شفیعی  
محمود حبیبی  
عبدالله شادان  
لطیف ناظمی  
رهنورد زریاب  
شفیق وحدان

ارتزگرافیک: محمد علی فاضلی  
و جمیع حقوق محفوظ است  
مطابقی: کپی رایت  
هیچ نامی

اداره مجله در تصحیح و تدقیق مطالب دست از آزاد دارد. مضا مین  
وارد در صورت نشر یا عدم نشر مسترد نمیگردد. نظریات ارایه شده صرف  
نظر نویسندگان میباشد.

# مصیبت‌اشک

مباحثه: حسینا حافظ

امروز در نیای ماینس و تکالوژی، متاسفانه مواردی وجود دارد که نمی‌شود آن را با این همه مسایل و تکالوژی بیشتر-فته تدایو کرد. هیچ اندازه هم برای وابستگی انسانهای عصر ما به مواد مخدر معین شده نمی‌تواند. شبکه‌های وسیع برای کشتن انسانها توسط مواد مخدره فعالیت میکند. مافیا امروز در هر کجایی شاخ و پنجه زده است. تاجران مرگ با وسایل گوناگون داروی مرگ را عرضه میدارند. این تاجران هیت‌های مختلف دارند، در هر کشوری سرولگه‌شان پیدا است، به قیمت جان هزاران جوان آنان زنده کسی آبرومندان و شاهانه می‌نمایند چرا اعتماد از بین نمیرود؟ چرا نیروی جوان و فعال کشورهای جهان سوم عمدتاً و انسانهای کشورهای پیشرفته به حلقه‌های معتادین کشانیده میشود؟ برای اینکار بازی‌های تجارتهی وسیع است. ادامه دارد، و اما اعتماد و وضع اعتماد در کشورها چگونه است؟ مجله ما از کار این برایم نمیتواند به ساده‌گی بگذرد. چنانچه در شماره‌های قبلی خویش نیز در مورد نوشته‌هایی داشتم و اینک در این شماره با هم با دکتر عبدالسلام آثم رئیس بخش صحت روانها حبه‌ی ترتیب داده و توجه خواننده‌گان را به آن جلب میدارم و تقاضا دارم آنرا تا اخیر بخوانید.

س: اعتماد دوا بی‌چی مفهومی دارد؟



ج : وابستگی دوايي که به عوض کلمه اعتياد دوايي يا معتاد شدن از طرف سازمان صحت جهان پذيرفته شده است عبارت از مجموعه عوارض جسمي و زکامی و سلوکي مي باشد اين عارضه در اثروابستگی به مواد الکولي يا مخدر وجود مي آيد که حالات مختلف مي داشته باشد البته وابستگی دوايي يا سوء استعمال دوايي فرق دارد .

س : اعتياد يا وابستگی به مواد مخدره در کشور ما چيزي تازه نيست ولي در اين اواخر تعداد زيادي از جوانان به مواد مخدر معتاد گردیده اند به علت چیست ؟

ج : علل و اسباب مختلف مي تواند وجود داشته باشد . ناپائيدگي شخصيت مي ثباتي عواطف و احساسات شخصي موجود است خانواده هاي پراکنده هاي نم انگيزه فشار اجتماعي هم نشيني با دوستان معتاد وغيره . همچنان کنجکاري براي دريافتن اسرار رمز مواد نشه آورنده ها هم بخاطر فراموشي نم و نگرانی به صورت موقت و بايد علل عده را در تبليغات فرهنگي قاچاقچيان مواد مخدره دريافت که جوانان و نوجوانان کم تجربه به دامان مي افتند علل هاي ديگر روانسي نيز وجود دارد مثلاً افاده خود کامگي و نوع بندي و باري نسبت به خانواده و محيط .

س : در شرايط کشور ما اعتياد نوع از خود بيگانگي است يا لذت بردن ؟

ج : به موضوع دلچسپي تما مي گرفتند در کشورهاي مختلف حالت اعتياد نه تنها در شرايط جنگ بلکه در همه حالات وجود مي داشته باشد چنانکه امروزه در کشورهاي مختلف جهان اين امر به مشاهده ميرسد که بنا بر تجربی جوانان بتزليل افکار

بي اراده مي ويوارد ديگر که قبلاً ذکر نموديم حالات اعتياد بروز ميکند . برخی از معتادان فکسر کرده اند که گويابنا بردن بيه مواد مخدره و مشروبات الکولي آن ها را به عالم ديگر برده و در چنان حالت ميتوانند نفس راحت بکشند حالانکه در نتيجه اين حالت زنده مي آنها به تباهي مواجه شده و واقعيت هاي زنده مي همانطور بچامی ماند .

در مورد لذت بردن که شما از آن ياد کرديد در اوایل خوشی هاي گذرا و کاذب به وجود مي آيد بعداً حالت نشه غمناک وغير قابل تحمل مي باشد و از سوي ديگر انسان معتاد در يك ناگيري قرار مي داشته باشد به مصداق همان شعر :  
نشه صهبانمي ارز به تشويش  
خسار  
در گذر امروز عذاب که فردا  
آتش است

س : ارتباط معتاد بين بخصوص جوانان با امراض رواني چگونه است ؟

ج : نزد معتادان تشويشات رواني بملاحظه ميرسد گاهي ديوار است که فهميده شود که ايا اعتياد باعث تشويش رواني شده است يا تشويش رواني باعث اعتياد .

به هر صورت تاثيرات اين دوايي لاي هم متقابل است در نتيجه پناه بردن به مواد مخدره انسان بي اراده شده مسووليت هاي اجتماعي و اخلاقي را کمتر درک مي کند . استدلال و منطق نزد معتاد از بين رفته احساساتي عجول و کوتاه نظرمي شود کم حوصلگي و شک بردن بيچنان نسبت به همسر و دوستان در او تقويت يافته چنين تلقينات قضاوتش را متاثر مي سازد به تدریج نفرت و دوستان و خانواده اش را نسبت

به خود بيشتري سازد و گاهي هم از شخص معتاد فقط بايد انتظار انسان زنده را داشت که مشابه به يك مجسمه است .

س : بيشتري معتاد بين درجا معه ما کيها اند و از کدام مواد استفاده بعمل مي آورند ؟

ج : در حالاتيک فعاليت قاچا قبران و تجاران مواد مخدر مساعد تر باشد خطر اعتياد وسيعتر مي شود مخصوصاً در کشورهاي مانند کشور ما دشواري هاي زنده گي مصيبت هاي جنگ و بيسوا دي و عوامل ازينگونه اين مصيبت را افزايش ميدهد در کشور ما در برخي مي ناطق از تريا ک بحيت داروي آرام کننده سرفه و تسکين درد اعضا و دوايي خواب آور استفاده مي شود از تريا ک و چرس گاهي براي درمان و معالجه قلع ها کار مي گيرند در برخي از ولايات ما در طبابت هاي محلي و غنچهوي حتى براي اطفال نيز اين مواد را توصيه ميکنند . حالانکه توصيه اين مواد صد فيصد از کودکی اعتياد را به بار مي آورد . در بخش هاي ديگر کشور ما که کشت و توليد تريا ک و چرس و تنباکو رايج است از لحاظ اشتغال افراد با اين مواد وابستگی هاي دوايي را بوجود مي آورد . بد بختانه در سال هاي اخير هيروئين در بين جوانان جامعه بازاریافته است . متاسفانه زماني دختران و پسران جوان مصاب به آن به مشاهده ميرسد که البته کار وسيعي و مبارزه عليه آن ادامه دارد .

نمونه هاي از مواد ديگر مثل ماند رس ، مخم و بنگ آب و بعضي ادويه ديگر هم وجود دارد چنانچه مي گويند : در يکي از مناطق ولايت بدخشان پيغمرد ي بود که مدت درازي تريا ک دود مي کرد

و به آن وابستگی داشت زمانیکه او چشم از جهان مي پوشد در فضاي کلبه موصوف ديگر دود تريا ک نمی بيچيد و چندي بعد يکتعداد موش هاي مرده در بين اتاق محقر پير مرد متوفی ديده مي شود . دليل آن اين است که حتى موش هاي موجود در سوراخ هاي خانه نيز به تريا ک وابستگی پيد کرده بودند که با قطع دود تريا ک و تبا نيواردن بيسترك آن مرده و زمين اتاق آن پير مرد افتاده اند .

تاجاييکه از خود ما بين وابسته به هيروئين معلومات حاصل شده هيروئين نيز در کشور ما برخلاف کشورهای ديگر از طريق دود کردن به مصرف ميرسد .

س : تعداد معتاد بين به مواد مخدره در شهر کابل آيا معلوم است ؟

ج : آماري وجود ندارد يک احصائيه تشييت يکصد هزار مصاب وابسته به تريا ک در بدخشان است که مربوط بيک دهه قبل است . رياست صحت روانسي وزارت صحت عامه در نظر دارد تا به همکاري مالي اداره سازمان صحتي جهان و مساعدت هاي ارگان هاي ذيربطه احصائيه مصابين به مواد مخدره و مشروبات الکولي در شهر کابل وسپس در ولايات را بدست آورد . باتاسف بايد گفت که تعداد اين اشخاص افزايش يافته است و ايجاب توجه جدي را مي نمايد .

س : برنامه تدبيريه چگونه است ؟

بقيه در صفحه ( ۷۴ )

# دواي مرگ و تاجران مرگ



بیه میگویند



مهر و وفا

چهار ماهه



چهار ماهه



### دو سه و اده

هیله منده م هغه کسان چی به تحینو عقل نار وغیواخته  
دی ژر تر زره شفا و موسی او د عقلی او هو بنیابر سترگی بی روضی شی  
خبره داسی ده چی تحنی بی احساسه اوس مسوولیته نارینه  
د خیل ژوند بدی او د نیستی روضی چی لومړنی بنخی ورسره  
به ورین تندي کاللی چور له یاده باسی حتی د خیل بیه نسو  
اوشعرت شخه تیر یزی او د دوهم واره بند و بست کوی که شه هم  
چی د موضوع نوی نه ده ولی به ۶۲ کال کی بی د سارن ناروضی  
بته تحانته نیولی او د پروکسانوته بی سرایت و کړ امید واره یس  
مسز کال داد کورنیو درنگید و ناروضی له منعه ولاړه شی

لطیفا پرداد بیتون پوهنځی فار التحصیل



### پاکي و صفایي

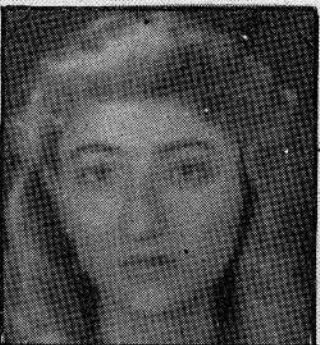
عزیز آقا سراز  
دل بستگی خاصی به پاکي و صفایي داد ، آرزومندم صاحب خان  
مکروریان شم ، آنجا بهتری شود ، پاکي و صفایي راتا مین کرد  
- اگر با دختری همسر زنده کی شوید که او چندان توجه  
به پاکي نداشته باشد در آن صورت چه خواهید کرد ؟  
- خدای ناخواسته باشد که این چنین شود ، ورنه کار زاری شود  
با آنم اگر چنین دختر سرد چارندم انوت اورا به روحیه  
خود تربیه میکنم



### نظام و د سپلین در سرویس ها

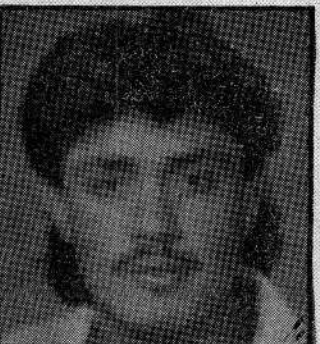
عضوکلان خانواده ام میاشم .. آرزو دارم خواهران و برادرانم  
به آرزوهای دلشان نایل آیند .  
همچنان آرزومندم که بعضی از همشهریان مانظم و د سپلین  
اجتماعی را در سرویس های ملی بس جدای رعایت نمایند ، و نگرانان  
محتش هم درین زمینه از خود بی تفاوتی نشان ندهند ، بعضی  
از مردان به بالا شدن از د روزه اوس سرویس هلاتمندی بسیار  
نشان میدهند وقتی برایشان گفته شود که یک کمی دور شوید و یا  
به داخل سرویس پیش بروید میگویند : (( برو بی جان تو چقه  
خود می سازی ، ما از خود خوار و مادر داریم ... ))

مصرفیاتی که در نشان فار از صواب



### میخواهد هنرمند سینما شود

محمد فرید محصل سال د م پوهنځی هنرهای زیبا :  
در رشته تیاتر و سینما مصروف تحصیل است ، با سلم عشق  
میوزن و دوستش میدان ، و همین ام هر نقشه که برایم سپرد شود  
میتوانم آنرا به خوبی اجرا نمایم ، ولی باتا سف چند باریکه به  
اداره فلم های هنری و مستند مراجعه کردم خود را پشت در بسته  
یافتم و جواب رد شنیدم ، آرزومندم که امسال آرزو هام برآورده  
شود و بتوانم در فلم ها کار نمایم





# پایند حاضری خانه

## پایند حاضری خانه



روهینا محسن پوهنځی ژورنالینم :  
 تصمیم د ارم اسمال باشخوږمورد نظم ازدواج تمام آرزو د ارم  
 که د زمینه فامیل مخالفت ننماید .  
 آرزو مندم بعد از عروسی شوهرم مراخیلی دوست بد ارم و سه  
 وقت معین خانه بیاید ، یعنی آن تسمیکه باید حاضر د دفتر  
 میاشد ، باید ، باید حاضر نزد من نیز باشد .

## وفادار و پولدار



روزیا وفا کارمند وزارت امور عودت کننده کان :  
 آرزو د ارم باخوانی د ارم تحصیلات عالی ، وفادار و پولدار  
 ازدواج تمام ، پولدار به خاطر اینکه میخوایم ماه غسل رادرخان  
 از کشور سوری تمام .  
 - اگر باخوانی د ارم چنین صفات آشنا نشدید در آن صورت ؟  
 - در آن صورت باهیی کسرا د ارم نخواهم کرد .

## در آرزوی ثروت و شهرت



محجوبه کارمند نشرات سنا :  
 د ارزنده گیام سه آرزوی بزرگ د ارم که به حقیقت بیوستن آن  
 خیلی مشکل و یا هم د درواز امکان است ، نخست آرزو د ارم خیلی ها  
 تروتمند باشم ، آندر که حسابش را کم ، دوم اینکه یک ورزشکار  
 ورزیده به سویه جهانی باشم و در مسابقات ورزشی جهانی همیس  
 موفقیت ازان من باشد و سن اینکه میخوایم به ایالات متحده  
 امریکا سفر تمام .

## بنیاست او اخلاق



خیال محمد سرراز :  
 زما بیواچینی هیله داده چی سرکال د ترخیر د اخیستلو -  
 ورسته د ژورنالینم به پوهنځی کی شامل شم . ارم د ژوند ملگري  
 چی بنیاست او اخلاق ولری پیدا کن .  
 - د د بی خصویاتو لرونکو انجلی سره که بیسواده وراشناسی  
 عنده انتخابوی ؟  
 - لومړی کوشس کم چی د ژوند ملگري می باید باسواده وي  
 او که نه وه نویایی د مبارزه با بیسواده . کورس کی شاملم او خپله هم  
 شپه اوون ور سره سبی وایم ترخو با سواده شی .



# چهارمین جشنواره شعر جوان

## مباحثه از کلامه حبیب

وقتی شعری را زمزمه میکند چنانست که گویی دریایی از نسور در رگهای جانانت جاری میشود . صدایش آنچنان برجذب و نوازشگر و لطیف است که وقتی میشنوی تنهایی در وجودت میشکند، زیرا که در صدایش وسعت رویش و پایش است .

سیما شادان از زمره دیکلماتورانی است که میتوان گفت در بخش زنها چون او زیاد نداریم و اگر هم است انگشت شمار . وقتی عقب میکروفون قرار میگیرد ، وقتی شعری را از بیدل زمزمه میکند آنچنان با احساس میخواند ، آنچنان شعر را جان میبخشد که گویی این خود شاعر است که در نزد یکی ات نفس میکشد . بادنمایی از برشها بدیدنش میرم تا توشه بی برای مجله تهیه دایم ، مانند همیشه آنچنان که است با لطف همیشه کسی اش که خمیر وجود اوست با خوبی و مهربانی یک زن رو بروم می نشیند . هر چند که در برخورد هایش صمیمی است اما در گفتار خود نهایت جدی و دقیق است .

من بعد از سکوت کوتاهی از روی میروم :

- وقتی اولین بار عقب میکروفون قرار گرفتید و ا همه نداشتید ؟
- البته که و ا همه داشتیم ، حتی صدای قلم رامیشنیدیم بخصوص که آنروز عبدالله (( شادان )) همراه با من اخبار رامیخواند .
- و آیا غلطی نکردید ؟

- نه همه اخبار را بدون غلط خواندم .

- شما علاوه بر آنکه نطان خوب و ورزیده استید اشعار را نیز دیکلمه می کنید، آیا اتفاقی افتاده که اشعار را غلط بخوانید ؟
- چرانه حتماً غلط خوانده ام زیرا گاهی همان لحظه یعنی در آخرین لحظات شروع پروگرام شعر را بمن سپرده انده بخصوص وقتی شعر از مولانا و بیدل بوده طبعاً که بدون غلطی نبوده است .
- شما وقتی اولین باری که شعر را دیکلمه میکردید خواستید مانند چه کسی دیکلمه کنید چون فریده انوری یا کسی دیگر و یا خودتان ؟

- چون زنده گی من با عبدالله شادان است من از او آموختم ولی تا اکنون از کسی تقلید نکرده ام . بودن عبدالله شادان نطق ورزیده که دوبار جایزه اول دیکلمه شعر را گرفته است ، فکر میکنم برای کافی است .

- شما اکثراً هنگ ها را نیز کارگردانی می کنید همینطور است ؟



# پونتم در نیمه های شب به چه فکرمی کند

ترجمه علی اشرف

س- اگر بیگانه پس با شما تماس میگیرد و یا کسی دست شمارا میگیرد و یا دستانتان را در ورگوشه های بیخود پس احساس به شما دست میدهد ؟

ج- در چنین حالات خود را نا راحت احساس میکنم و از این آشنایی ها خوشم نمی آید. اگر یک دوستم ، مادرم و یا کسی را که دوست دارم مرا به اغوش میکشند البته که قشیه کاملاً جداست از چنین چیزها. و در راحتی خیلی به دورتم میدارم و اگر ضرورت بیفتد بگویم. پشت مورد آزار (پس میزنم) در چنین حالت خیلی با قاطعیت و در جلو چشم همه عکس العمل نشان میدهم. خیلی میزنم و یا خنجر را میدرم. با آنهم در زنده گی حقی لسته پس هم خودم را تنها و بدون دوست احساس نکرده ام.

س- لطفاً در مورد بوسه نشستن تان وارک و راست بگوئید ؟

ج- من هرگز مردی را در ملاقات نخست نمی بوسم. آنرا استر بگویم به چنین ملاقاتهایی دم نرفته ام. فراموش نباید کرد که مادر خند بوسه بهم نه در آمریکا ، آنرا بوسه دختران را به بیرون رفتن دعوت میکنند. زود آرم. تان دعوت صورت نخواهد گرفت. بران هفتیسه سهنا استم و دعوت هفتیسه جوانی بیشتر با داران. روانه کسی مراد دعوت کند. تمام باید بخوبی دیده در این باشد. بنابراین موه دانه زن میزنم اما راجع به بوسه نمیگویم

س- در نیمه های شب وقتی همه خوابند شما درباره چه فکر میکنید ؟

ج- فکر، فکر، درباره چه فکر میکنم ؟ این مربوط میشود به اینکه چگونه روزی را گذرانم.

س- در روز بدی را گذرانده باشم ، از زرد میباشم و در بستم ((لوتن)) میزنم و اما امروز خوبی برایم بوده باشد و حال میباشم به بالشت میزنم و باید لبخند خواب میروم ، این مهم نیست که من چه ساعتی بخانه بر میگردم چهار صبح یا شش صبح ، من خواب سنگین ندارم. روانه تلفون در یکی از اتاق های دور هم زنگ بزند آنرا می شنوم و فوراً بر میخیزم. اما شب زنده دارن حار زیاد هم داشته ام و آن وقت بوده که یا ناراحتی روسی یا اختناق نشوری با مادر و خواهر داشته ام و عاشقی میخواسته خواب شود. س- وقتی به اغوش کشیده شدند اید عکس العمر تان چه بوده است ؟

س- وای ! وار خندان ! این دیگره است؟ بعضی حال این مربوط می شود به کسی که مراد اغوش میگیرد.

س- اگر بیگانه پس با شما تماس میگیرد و یا کسی دست شمارا میگیرد و یا دستانتان را در ورگوشه های بیخود پس احساس به شما دست میدهد ؟



میخواهم زنی باشم عاشق با خدا دوستی یک با یک مرد میتوانم بعد گسترده تری از سکس داشته باشم



چونان نسل نوبی حد پیرو و اراد است و درین مسورد چسارت کرده با والدین شان حرف میزنند ، اما در مورد من صدق نمیکند چه من تراورده دهسه (۸۰) نیستم ، ازینرو تا اندازه یی مسافنه کار استم و عذرت میخواهم البته در آینده پیراز کسی اوقات نرم در زمینه صحبت خواهم کرد ، به عقیده من جوانی جو دارد درین مورد ابراز ندرتند که از لسا نورو به پختگی بنیه در صفحه (۶۰)

بوسیدن یک امر طبیعی است و وسیله انتقال احساس دوستی و محبت تلق میشود. س- خوب اجازه میدهید کسی جلو بروم و بوسه ؟

ترجمه: انجنیر حلیم

# تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و سردی و متلاطم درجه حرارت خواهد بود

## تأثیر عمده جنگ

## ذروی سقوط ناگهانی و سردی

## و متلاطم درجه حرارت خواهد بود



بگذارد نوح کیم حادثه غیر قابل تصور وقوع پوست...  
سینای جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد بود؟

از پاسخ این سوال میتوان نهایت مشابه ساخت برنده و قاطع  
در برابر وجودیت (۵۰۰۰۰) سرگوله ذروی فعلی جهان کار گرفت  
در کفرانس های دانشمندان ذروی در سیکو و واشنگتن شهرهای  
نیگرنماینده گان جامعه ملی جهان به آخرین مسائلات و تحقیقات  
شان بهر این که جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد  
بود نتیجه بدنی مدول داشته اند. تنهاسه سال قبل دانشمندان  
ذروی این مفکوره که اگر چه وضع جهان بعد از جنگ ذروی خیلی ناچهار  
انگیز و ناگوار خواهد بود ولی موجودات زنده به ناچار مانند کیم دنیا  
کنه نخواهند شد، کار کردند. این دانشمندان اکنون بعد از دست  
یافتن به حقایق تازه و اینکه برای همچو ((جوشینی)) استدلال ضعیف  
وجود دارد، تغییر عقیده داده اند.

پس اینجاست سیمای بعد از فاجعه ذروی از نگاه دانشمندان  
زمانیکه سناریوهای گوناگون جنگ ذروی در معرض آزمایشات دقیق  
و تجارب مدول های کمپیوتر قرار گرفت، چه قدرت محض انفجار  
(۱۰۰) میگاتن یا (۵۰۰۰) میگاتن (کمتر از نصف زیاد خانه میجرسی  
ذروی جهان) باشد، همه به این نتیجه رسیدند که  
موجب انفجارات ذروی نسبت به تاثيرات مستقیم آن (امواج تکان  
دهنده، جریان حرارت یا تند باد حرارتی و شعله) به مراتب وحشت  
ناکتر و کشنده تر است.

مدول های اقلیمی که لحاظ دانشمندان شوروی و امریکایی یعنی  
تم ساگان در پوهنتون کورنل، مشخصین و دانشمندان مرکزی ایالات  
متحده برای تحقیقات اتموسفری که مستقیماً در رأس آن قرار دارد  
ولادیمیر الکساندروف و گیورگی ستنچیکوف از مرکز ریاضی اکادمی علوم  
شوروی، گیورگی گولیتسین و الکساندر گمنزوی از انستیتوت نیک اتموسفر  
مستقلانه طرح شده است تصویر مشابهی را از سیمای جهان بعد از  
جنگ ذروی ارائه میکند. تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و  
سریع و متلاطم درجه حرارت خواهد بود، ظرف چند روز محدود جهان  
از سردی یقیناً به انداز سردی قطب شمال دچار سرما خوردگی

خواهد شد و حداقل برای یکسال ادامه خواهد یافت.  
آفت ایکولوژیکی سرتاسری!

هفته ذروی بعد از انفجار ((زمنستان)) همراه با تاریکی تقریباً  
مطلق فرا خورد. صدها هزار تن خاکستر و دود آتش های شعله ور شد  
در سرتاسر قاره ها پرده غیر قابل نفوذی را بر روی آسمان خواهد کشید  
شکل نورمال اتموسفر با هوای گرم در بالا و هوای سرد در پایین حالت  
معکوس را بخود خواهد گرفت.

طبق نظریه ولادیمیر الکساندروف، درجه حرارت اتموسفر در  
ارتفاعات بین (۱۰۰۰۰) و (۱۵۰۰۰) متر تا حد درجه سانتیگراد  
خواهد رسید در حالیکه در سطح زمین درجه حرارت در حدود پنج  
درجه پایین تر از نورمال کاهش خواهد یافت. با این کار واکنش زنجیری  
از حرکت بازمی آید و منتهی به آفت ویدیخی ایکولوژیکی سرتاسری  
مگردد.

ناپودی عجات بصورت کل!

مدول سرد بعدی هایدرو اتمسفری اتحاد شوروی از اقلیم جهان  
تأثیرات جانبی وحشت انگیز زمستان ذروی را ارائه میکند، طوری که  
تفاوت نهایت زیاد درجه حرارت بین قاره ها و اقیانوس (هوای خیلی  
آهسته تر بر روی اقیانوس) منتهی به تند بادها و توفانهای شدید  
در نواحی ساحلی خواهد گردید که این به نوبه خود چنان بر فباری  
های شدیدی را بدنهال خواهد داشت که حیات را بصورت کل نابود  
خواهد ساخت. علاوه بر آن تغییرات اتموسفری سبب کاهش هایدرو لوجیکی  
را کاهش خواهد بود و خشکسالی، ذوامداری را بر قاره های وسیع  
بندان و بدون خورشید حکمفرما خواهد ساخت.

بعبارت دیگر، هرآنچه که از صمیم آتش جان سلامت برده،  
سردی یا خشکسالی اثر از این خواهد بود. یخبندان ناگهانی و وسیع  
که الکساندروف ستنچیکوف آنرا پیش بینی کرده، برای جنگلات در ارتفاعات  
متوسط تپه کن و کشنده خواهد بود. جنگلات مناطق حاره و نیمه حاره  
ذی که تقریباً نیمی از کله خشک زمین را در بر میگیرد، یعنی طوری

از این خواهد رفت زیرا این جنگلات حتی در برابر تغییرات جزئی درجه  
حرارت بهمان ترتیب مقاومت کنند.

صریخندگان دیگر!

الکساندروف معتقد است که تقریباً یکسال را در بر خواهد گرفت تا  
جهان باردگر تلاشگر روز روشن باشد. این چه چیزی را آشکار سازد  
یا توضیح میدهد؟ جنگلات وسیع به صحرانیمه صحرای بدل خواهد شد  
البدوی (یا قدرت انعکاس نور) سطح زمین دوچند یاسه چند خواهد  
گردید که در نتیجه آن نور خیلی کمتری از خورشید جذب خواهد شد و  
بدین ترتیب تمام سیستم اقلیمی جهان دستخوش تغییر خواهد گردید.  
این نشاندهنده امکان پیدایش یک صریخندگان دیگر است.  
ملزوماً الکساندروف و ستنچیکوف محاسبه کرده اند که در حدود (۸) ماه  
بعد از درگیری ذروی، هوای گرم بر روی ساحات تپه و بعضی نقاط دیگر  
موجب خواهد شد تا برفها و یخبندانهای ساحات مذکور آب گردیده و  
در نتیجه آبهای خیلی زیادی بر روی قاره ها سرانبر خواهد شد. بار  
دگر سیل عظیمی توأم با درجه حرارت قطبی همه جا را فرا خواهد  
گرفت.

تمام این ((سناریو)) ها تصور میکنند که فاجعه ذروی در صورت وقوع  
در نیم کره شمالی رخ خواهد داد، چون کله های هوای سرد و نیم  
کره در اثر مانع اقلیمی غیر مرئی خط استوا از هم جدا شده اند. انسان  
میتواند تصور کند که بازماندگان این فاجعه بایست در نیم کره جنوبی  
پناه گزین شوند.

زمستان ذروی بر تمام مناطق تا ثیر خواهد انگذد!

بدبختانه به چنین امدها و آرزوها بخود دل بسته اند، طبق  
نظر الکساندروف این مانع را تفاوت های درجه حرارت بین دو نیم کره  
از این خواهد بود.

این فرضیه که هیچ منطقه ذی بر روی کره زمین از این فاجعه در  
امان نخواهد ماند بهر جهت تحقیق مستقل دیگری تأیید شده است.  
کارل ساگان دانشمند امریکایی و گولیتسین و گمنزوی دانشمندان

شوروی در مطالعات و تحقیقات شان بهر این تغییرات ممکنه در اتموسفر  
بعد از جنگ ذروی به چیزهای تازه و مشخصی دست یافته اند، آنان  
توفانهای خاکی را که بر سطح کره میخ بوقوع می پیوندد بعنوان مثال  
می آورند.

طبق نظریه گولیتسین، خاکتوده هایی که از کره میخ در آسمان  
تابستان بلند میشود، تمام کره میخ را در ظرف چند هفته در بر  
میگیرد و درجه حرارت کره میخ را بصورت کلی تغییر میدهد. سطح کره  
سرد میشود در حالیکه اتموسفر بهرین بالا گرم است و به شکل متناقض  
جهان پیدا میکند. همچو چیز مشابهی بر روی سطح کره زمین نیز اتفاق  
خواهد افتاد. بر طبق تخمین های نهایت مستطانه، بی که بعمل آمده  
آلوده کی اتموسفر ناشی از جنگ ذروی در تمام کره زمین از شدت شمعاع  
خورشید که به سطح زمین میرسد ظرف چند هفته در حدود (۱۵۰) -  
مراتبه خواهد گاست.

مدول های اقلیمی ایالات متحده و اتحاد شوروی نشان میدهد که  
بعد از انفجار ((صرف)) ۱۰۰ میگاتن ((معادل ۸۰۰۰ هیروشیما))  
کره زمین برای زندگی انسان یا هر ارگانیسم زنده دیگر جایی مناسبی  
نخواهد بود.

یک شب طولانی و خاموش

بر طبق نظر پال ایرلیچ، دانشمند بیولوژی در پوهنتون ستانفورد  
کالیفرنیا، هر بخش از جهان زنده که از فاجعه ذروی در امان مانده  
باشد در هر صورت محکوم به فنا خواهد بود، علت ساده آن اینست  
که فوتوسنتز، این پایه و اساس زنده گی نبات در تاریکی غیر ممکن  
خواهد بود و بدین زندگی نبات تمام حیوانات بازمانده از فاجعه از این  
خواهد رفت.

حتی اگر تصور کنیم که شرایط نیست شکل ارتجایی بخود بگیرد،  
در آن صورت جهان با خطر دیگری یعنی شمعاع قوی ماورای بنفش مواجه  
خواهد شد.

تشکیل مقادیر نهایت زیاد نایتروجن اکساید در ساحه اطراف قشر  
اوزون اتموسفر طبق نظریه اسرائیل ضو اکادمی علوم اتحاد شوروی  
بقیه در صفحه (۲۲)

اگر نوعیت و احوال کونی زنده می یابد و در آنجا عمل بین اوست بر اراده ۳۱ آنه و غیر کونی او بسیار بیعی می تواند آید و او را شکل نمد و حتی جریان حسان جاری او را نیز تغییر دهد (۱۰)

از حکایات باستانی هند  
مترجم: ع. فرحسوی  
پارسی و متن داری

شب شور و سرور بود چون شام  
بایستی که بر این آرزای شده  
بود شادمان گردیده بود و نام  
و ملکه بخاطر دست یافتن به این  
الذات و بخشش شامی از شعایر  
و مراسم را بر پا آورد و ریاضت های  
بسیاری کشیده بودند از سر  
آنها از زمان ازدواج شان در  
دوازده سال قبل تا این زمان  
کودکی بدنی نیاورده بودند  
ملکه از سوی همه نزد یکان و  
عزیزان تهنیت گفته شده بود  
کودک خوشدل و زیاده رکاب او  
لمیده بود و هنگام نیمه شب از  
همه تقاضا شد تا بخیرد اخلسی  
کاخ را ترک گویند تا ملکه  
که خدمه ها در بیرون از اتاق  
نگهبانی اثر میکردند خواب  
را حسی داشته باشد و چراغها  
خاموش شدند  
ملکه ساعتی خوابید اما ناگهان  
بیدار شد و بد نظر رسید که نوری  
در نزدیکی سرش ظاهر شده است  
چشمهاش را گشود تا به منبع نور  
نگاه کند آنچه را دید او را به  
شگفتی واداشت آنجا یک موجود

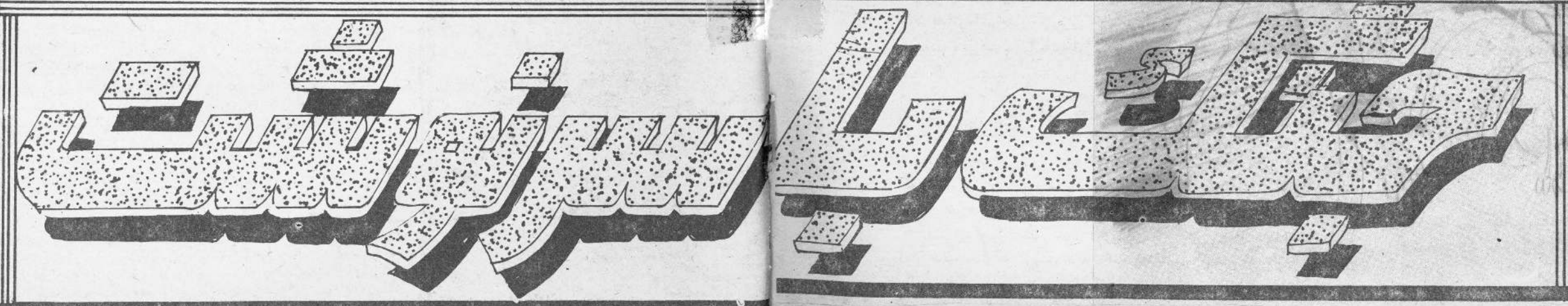
نورانی ایستاده بود و دست  
را ستر به سوی سرکودک نوزاد  
کشیده شده بود چون ملکه به  
آن نگریست موجود نورانی  
دستش را عقب کشید و لبخند زد  
ملکه بر حایر نشست و گفت  
من نمیدانم تو کیستی اما یقیناً  
تو پدیده بود آسمانی است  
چون نورانی خاموشی گردید این  
کار ملکه را شگفت زد ساخت  
ملکه گفت  
برای شما گفتم زنده  
و مودت با من افزود  
آیا شما یک موجود آسمانی  
نیستید  
رب النوع سرنوشت گفت  
بلی است اما من رب النوع  
سرنوشت ایتم و یگانه و شیفته من  
اینست تا آنکه را در زنده کسی  
برای یک نوزاد فراهم شده  
است در پیشانی او بنگسیار  
من نمیتوانم چیزی را بیشتر از آنچه  
(کارما) برای یک کودک مقرر  
داشته است از روزم من درختان  
تولد هر کودکی را تعیینم اما  
مردم مرا نمیتوانند ببینند اینک

توانستی مرا ببینی بیانگر عفت  
خاص و بدانی بی است که تو  
یداری با وجود آنکه خود از آن  
آگاهی نداری  
ملکه در برابر رب النوع خم شد  
و پرسید  
آیا آنکه را در پیشانی کودک  
من نباشته است برای من آشکار  
نخواهید کرد  
رب النوع سرنوشت گفت  
من نمیتوانم آشکارا تمس  
اگر اینکار را بکنم برای توست  
ندارد از سوی دیگر اینکار  
بدون هیچگونه تزیین با عفت  
شگرفی تو خواهد شد  
شما همین الان نیم از آن به  
را آرزو داشتید بدانم برایم  
گفتید چنین به نظر میرسد که  
هیچ چیز خوبی در سرنوشت  
بسم وجود ندارد شما باید تمام  
حقیقت را برایم بگویید در غیر این  
شمارا نخواهم گذاشت که بروید  
اگر با جبر بروید من خود را  
خواهم کشم  
ملکه این جمله ها را با صدای  
نرم ولی مضم اشعار کرد  
مباحثه بین ملکه و رب النوع  
ساعتی ادامه یافت بالاخره  
رب النوع مجبور شد تا برای ملکه  
اشکار سازد که بر او در زنده می  
خواهد کرد و دراز کاخ در  
جنگلی خواهد زیست  
ملکه دریا را می نمودی گریست  
اما بخورد چراغ داد تا از  
رب النوع خوشبختی تقاضا کند  
که اندکی بارید بختی بپوش  
را کاهش دهد  
رب النوع گفت  
خوب من تضمین میکنم که او  
هر روز توانایی شکار یک آهورا

داشته باشد و این امر بزرگی از  
سرنوشت او خواهد بود بیشتر  
ازین تازی کرد نمیتوانم  
و سرانجام سخن ها رب النوع  
ملکه را ترسید  
روزها سپری شدند ملکه در  
و وسواس خود را در دل نگهداشت  
یک سال بعد شاه بیمار شد و  
در گذشت وزیر سیمه کار او  
تا شاهی را به بهانه اینکه  
شهرزاده خرد سال است تمسب  
کرد و در پیشان سعی کرد تا ملکه  
و شهرزاده را بکشند اما ملکه با  
شهرزاده کویت به موقع فرار  
کرد و در جنگلی پناه گرفت  
پیش گویی رب النوع مرگ بسمه  
و اقیعیت پیوست هر نام ملکه  
جال های را در گوشه و کنار جنگل  
می گسترانید و صبح بعد آهویی  
را در یکی از جال های یافت  
ملکه آهورا را به یکی از جنگل نینان  
میداد و او آنرا در شهر می فروخت  
و بهایش را به ملکه می سپرد  
به این ترتیب سالها سپری  
شد بزودی شهرزاده نوجوان  
به یاری مادر شتابید در عین  
حال شهرزاده به شاکردی یک  
تارک دنیا رفت بنوشتن و خواندن  
و فلسفه را اموخت  
روزی شهرزاده در اندیشه بی  
با خود میگفت  
بسیار شگفتی آور است که  
هیچگاهی بیشتر از یک آهور در روز  
شکار نمیکنم در حالیکه هر روز در  
پنج محل جال میگذارم و بسیار  
عجیب ترینکه هیچ روزی را بدون  
یک آهوی شکار شده سپری نمیکنم  
مادرش که این سخنها را  
شنیده بود گفت  
این بخاطر است که شکار یک

آهور در یک روز جزئی از سرنوشت  
توست  
به این ترتیب ملکه بخشی از  
راز را آشکار ساخت شهرزاده  
اصرار ورزید تا بداند که مقصود  
مادرش چیست و ملکه مجبور شد  
تا همه چیز را به یک به او بگوید  
شهرزاده نشست و در سکوت  
تزیینی فرورفت پس از سکوت  
طولانی گفت  
مادر! من سرنوشت خود را  
تعمیر خواهم داد  
بسم چگونه اینکار را میتوانی  
بکنی کی میتوانی سرنوشت خود  
را تغییر دهی  
شهرزاده نوجوان گفت  
اگر من مسؤول سرنوشت کونی  
خویشم به خاطر اعمال خود در  
زنده می قبلی است بسم من  
میتوانم اینکار را بکنم  
شهرزاده ساعات طولانی بسمه  
اندیشه فرورفت و بعد با چهره  
مغمم برخاست  
روزی دیگر او به عور پنج جال  
فقط یک جال را در گوشه بی از  
جنگل گسترانید و در نور یک  
پیشینی کرده بود یک آهور را  
در جال یافت  
روزی بعد به عور اینکه جال را  
روی زمین بگستراند آنرا در  
شاخه بی از درختی آویخت  
با وجود آن صبح روز بعد آهویی  
در جال گیر مانده بود  
بعد جال را در بلندترین  
درخت آویخت و همین سان گرد  
گرد درخت آتشی بزرگی افروخت  
نیمه شب از خواب بیدار شد  
و موجود نورانی بی را در کنارش  
یافت  
شهرزاده پرسید

آیا عارب النور سرنوشت  
استیسه  
رب النوع خشمگین گفت  
بلی من استم منظور تو از  
او چکن نیال در درخت بلند و  
افروختن آتس پیرامون آن چیست  
ایا تو میدانی با وجودیکه من یک  
رب النوع است در نیای عینی  
من خلاف قوانین طبیعی نمیتوانم  
کار بکنم نمیدانی که بسردن  
آهوی بالای درخت تازی است  
دنیار  
شهرزاده گفت  
اما شکار یک آهور هر روز جزئی  
از سرنوشت من است اینک  
چگونه آنرا در جال من گیر  
میاندازی کارتوست  
رب النوع گفت  
آیا باید بخاطر خوشبختی  
که برای تو تضمین کرده ام مزا  
حم من شوی  
شهرزاده آهسته گفت  
اگر کار ترا در نوار منی ساختم  
تو در برابر من ظاهر میشدی  
اما تو چرا میخواهی که من در  
برابر تو ظاهر شوم  
تا آنکه آنچه را در پیشانی من  
نوشته بی و مرا محکم به زنده می  
در تبعید میکند از جبین من  
بزای رب النوع سرنوشت  
سکوت کرد شهرزاده چشمانش  
را بست و با حرارت و اشتیاق ملهم  
از یک سرنوشت تو گردید لحظات  
طولانی سپری شد شهرزاده  
احساس کرد که دست رب النوع  
از پیشانی او میگذرد بعد  
چشمانش را باز کرد  
رب النوع سرنوشت گفت  
با اراده و آرزوی خود تو قادر  
بوده ای تا سرنوشت را عوض کنی  
و افزود  
احسان و بخشش من با تو  
خواهد بود  
و آنگاه ناپدید شد  
روزی بعد خوب شکی خوبی  
قیام در کاخ سلطنتی را به شهرزاده  
و مادرش آورد قاصد تخت و  
تاج که مستبد و مستغرضه بود  
از سلطنت خلع گردیده بود ملکه  
و شهرزاده بزودی به سوی کاخ  
رفتند همه کس ملکه را شناخت  
چشم و سرور بزرگی بخاطر اعاده  
تاج به وارث حقیقی آن برپا شد  
و شهرزاده به حیث شاه تاج پسر  
سرنهاد



# مراسم یک تدفین

# امپراتور

از آنجاییکه پیرامین ۶۲ سال مراسم تدفین امپراتور توری صورت می پذیرد، حکومت جاپان با مصلحت دبلوماسی رویرو بود؛ چگونه مثال، چطور میتوانست یقین حاصل نماید که جورج بوش مجبور نشود که تارسیدن نوبت الفبایی کشورش، جهت ادای احترام در برابر تابوت امپراتور، قریب سه ساعت انتظار نکند. اعضای کمیته موظف در وزارت امور خارجه جاپان تا ساعت ۲ یا ۳ شب روی حل همجو مسائل مصروف کاری بودند. قرار معلوم وزارت خارجه کشوری از وزارت خارجه جاپان تقاضا به عمل آورد، بود تا وقت مواصلت رئیس دولت متبوعش، به منظور رفع احتمال آماج گیری از طرف قاتلان سری نهداشته شود. حکومت دیگری خواسته بود که در مورد شاه کشورش ((که نهایت مغرور است)) توجیه بخصوصی میندول گردد. جورج بوش در نخستین مسافرت خارجی خود بحیث رئیس قوه اجرائیه کشور، با سران دولتی زیادی از جمله روسای جمهور فرانسوا میتران، از فرانسه، کورازون اکیانو از فیلیپین، حسنی مبارک از مصر، خواهد پیوست. روهامرفته از جمله پینار از ۱۴۰ هیات ملی شرکت کننده در مراسم در ۵۲ سران دول قرار داشتند.

## درین مراسم جاپان بایست پلوما

## سی امنیت سنن هبی بهم می میخت

قرار اظهار یک ما مورسابقه در جاپان مراسم تدفین امپراتور، از نگاه دبلوماسی، به مقایسه با بازهای اولمپیا ۱۹۶۴ و کنفرانس عالی اقتصادی ۱۹۸۶ در توکیو، شخصیت های برجسته (VIP) زیادی را در برهم آورد. بود هزاران ژورنالیست مطبوعاتی و تلویزیونی در شهر سرازیر گردیدند. اگرچه مواظبت و تغذی این همه مهمانان کار ساد موهلی نبود، در پهلوی آن حکومت مدراعظم جاپان بایست آنانرا از حملات تروریستی معشون نگه میداشت و مراتب معمول تشریفات بین المللی را با مراسم سنن شنتو منساخت. در حالیکه همه اینها خود را به بهترین وجهی در ذهنیت عام داخلی تبارز میدادند.

در واقعیت امر، توجه از متونی به مهماندار، یعنی خود جاپان، معطوف گردیده بود. هیرو-هیتوئه تاریخ ۷ جنوری درگذشت، مگر جسد وی معرولاکند در بین چند تابوت چوبی سلسلسل، با یک شمشر تشریفات برسران - به منظور اجرای یک سلسله مراسم پیش از مراسم اصلی در کاخ امپراتوری نگهداشته شد. با وصف پیشینی ها، که مرگ امپراتور احساسات ملی و انتحارهای سنتسی هب گریبان دست راستی را برخواهد انگیزخت.

مردم جاپان بر سازمانتداری رسمی در روزه به زندگی عادی بی نشان برداختند حتی چین غزا در آری بعضیها احساس مینمودند که با درگذشت امپراتور آخرین نشانه بیوندشان با جگه جهانی دم، با رسمولیت ازد و شرفشان برداشته شده است. مراسم تدفین میرفت که مصیبت های هنرمیت و انشال پیرامین را به دست تاریخ بیسار. ازان نگاه، بعضی ها آنرا بحیث تجلیل تبار جاپان بمثابه نخستین بر قدرت غیر نظامی جهان تلقی میکردند. به همین علت حتی کشورهایی که در جنگ جهانی دم از تحسار و جاپان آسیب دیده بودند، مانند چین و کوریا، ی جنوبی، به اعزاز ما موران عالیرتبه شان برداشته بودند. در تانجا هنوز احساسات غمگین

جاپانی ناشی از بد رفتاری با اسرای جنگی باج خود باقی است، به اعزاز شهزاده فلیپ بسنده کرد. اتحاد شوروی، با وصف وجود اختلاف نظر هساروی تلتک جزایر شمال جاپان، انا تولی کولیا توف، معاون رئیس جمهور را گسیل داشت.

مینی برگشته های خانی، که در جوار پارک تعیین شده برای برگزاری مراسم تدفین به سسر میبرد، مقامات امنیتی جاپان به منظور جلوگیری از ورود تروریست های افراطی، اعضای ارتش سرخ مخالف سیستم امپراتوری، و مواد انفجاری سه توکیو ۲۲۰۰۰ بولیس شد تروریستی را بسج نمود. بود تا به تلاسی مسوترها و اموال تجارتی زمینی و هوایی در نقاط مختلف مرکز و همیه شهر ببرد از بند. موضوع پارسی که در تنظیم مراسم در نظر گرفته شده بود آشتی دادن و نقش متضاد امپراتور بود؛ نقش سنتی پیشوایی مذ هب شنتو و نقش ریبر دولت فیریند هبی، باین معنی که تاجه حدی در مراسم مذ هب و تاجه حدی تشریفات دولتی مراعات میگردد چه ماده ۲۰ قانون اساسی جاپان مشعر است که هیچ سازمان مذ هبی نه از امتیازات دولتی ونه از صلاحیت سیاسی بهره مند شده میتواند. دست راستی های شنتو قاندا داشتند که مراسم باید کاملاً مذ هبی باشند و استدلال شان روی این واقعیت استوار بود که مراسم تدفین سران تمام کشور و جاپان چوب سنن مذ هب شخصی ویا فامیلی شان صورت میگردد. برای رسیدن به یک تفاهم از عناصر مذ هبی مراسم تاحد زیادی کاهش بعمل آمد و لوکه بحدی نبود که موجبات تقاعد حزب کمونسنت جاپان را، که قصد تحریم شرکت در مراسم را داشت، فراهم سازد.



بعضی از مهمانان خارجی، مخصوصاً وقتی که هوا سرد باشد، حسرت تحریم کننده گان مراسم را میخوردند. بارک شنجو کوکون، که باشکوه های گیلان خود شعرت دارد، به نسبت آماده سازی برای مراسم تدفین، بروی مردم مسدود بود و رانجا یک سالون مراسم، که دارای پت دروازه چوبی سه ارتفاع ده فت بود، ساخته شده بود. در مراسم مذ هبی سه ساله امپراتور نقش مهماندارو - رهبران مذ هبی شنتو نقش بر گزار کننده رسمی مراسم را ایفا نمودند. در پایان مراسم مذ هبی بیانییه های از طرف مدراعظم و دیگر ما موران جاپانی - ایزاد گردید و بند عوین در برابر تابوت ادای احترام نمودند و سپس تابوت به گورستان واقع در تبه های نرین توکیو نقل داده شد.

از آنجاییکه هوای فیروری توکیو سرد بود حکومت جاپان تاحد ممکن در وقت مراسم کاهش بعمل آورد. تا مهمانان خارجی را هوای سرد آن پت نمایسد. البته صرف سمعی و معارف زیاد وقتی رضایت بخش تلقی میشود که خوشی خاطر مهمان را فراهم ساخته بتواند. د پلوما سنن زیگانه غالب اوقات سننسی حکومت و ریبر مشکلات جاپان را در خارج کشور بهتر جلوه داده است و حکومت موجوده جاپان نیز به چنین امری احساس نیازمندی من نمود. به این نسبت مدراعظم جاپان تاحاییکه ممکن بود شخصاً از مهمانان رسیده گئی نمود، اما نظریه کی وقت و تعداد زیاد مهمانان عالی مقام او ده دقیقه وقت را برای هر عیانت تخصیص داده بود. امپراتور جدید و خاندانش از روسای جمهور و شاهان شخصاً رسید گئی نمودند و یاز پیران ملاقات گروین بعمل آوردند.

## زخم معده یک مریضی

نوشته دکتر کورون الله روحیان  
مکروبیست  
کشف میکروب کامیابلو بکتیر پیلوسور (Compylobacter pylori)  
در سال ۱۹۸۲ تغییر فاحش را در طرز شکم و اسباب گستریت های مزمن و فرخات خماساز همگی بوجود آورد. تقریباً ۱۰ فیصد مرخصان قرحه اثنا عشری ۷۰ فیصد فرخات معده، میکروب پیلوری را در معده شان حمل نموده و محو همین ارگانیم از وجود بافت صحت و ترمم گستریت ها و فرخات میگردد.

سابق تفکر در مورد اسباب فرخات یاز خم معده اکثراً به اساس تغییر توازن بین ترشح اسید معده و مقاومت میکروبی جدار معده فکسر میشد که تدای هم به همین اساس بیان میشد ولی در این اواخر فلان بالایی فکتور های که باعث تنزیل مقاومت جدار معده میگردد، تدفین نموده یک علت معده همین میکروب پیلوری را در یافتند که میکروب یک قدرت خاصی در تغییر محیط معده و محافظه موضعی معده و میکروبی آن را داشته و میکروب در جدار معده توصل نموده و باعث نابودی قشر محافظی میکروبی معده میگردد. اکثراً ۲۰ فیصد انسانها در یک وقت، صاحب این میکروب میباشند. و افرادی که این میکروب را دارند ۲۰ مرآتیه اماتف تراز مریمان نورمال خطر تشکیل فرخات را دارند، هر انسان ممکن در طول زندگی ۱-۲ بار به این میکروب صاحب گردند و نسبت به سبب بودن مقاومت فردی یا استعمال آنتی بیوتیک که ممکن به هدف دیگری خورده شود، این میکروب از صابین آن نابود میگردد.

در سابق گستریت ها و فرخات را مرتبط به قلوبی اثنا عشر - تشوش روحی، سکر و مسواد مخرش مثل الکول، مرچ، غذای تند، اسپرین و یا خانوادہ آن میساختند. ولی این مسواد فقط میتواند یک سرخی و تخریش و معما تخریب جدار معده را تولید کند ولی نمیتواند باعث التهاب مزمن گردند ولی در صورتیکه قرحه موجود باشد باعث تشدد آن میگردد.

میکروب پیلوری یک میکروب گرم منفی شکل S مانند که یکانه میکروبی است که میتواند در جدار معده، کولونی های تشکیل داده و خود را از اسید معده توسط یک قشر پیلو از با کار بزیست و میوککن محافظه کند. و اکثر این میکروب در رواجی که باعث ترشح میکوشن میگردد، تراکم نموده و در ضمن برای محافظه اسید میکروب، یک قدرت خاص فعالیت میتا بولیکی و تولید یوزیا هارکتالیزها را داشته که باعث تولید آمونیم باي کار بزیست از یوزیا میشود که مشاهبت با میکروب های نوع سیا سیرولا یاوار هاداشته و از همین سبب ممکن این میکروب در ابتدا از حیوانات به انسان انتقال کرده باشد.

برای اولین بار در ۱۹۳۸ Doenges  
بقیه در صفحه (۹۰)

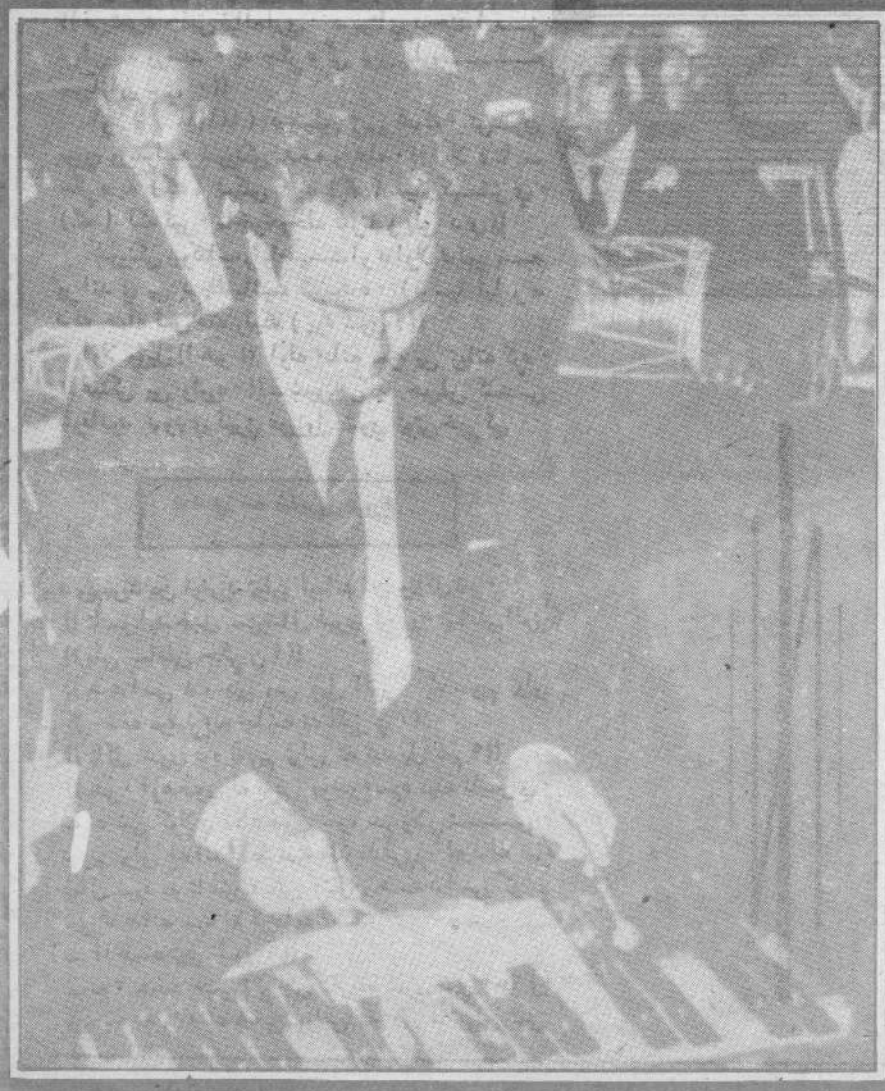


# صدای

# جاودانه سده ها



ترجمه: علی ائیسر



به‌مینگونه موکیش درین قام کردن ریکارد از لحاظ کمی آهنگهایش نبود. برای او یک آهنگ ارزشناکی این را وقتی داشت که احساساتش را در آن انعکاس دهد. به‌عین دلیل هم است که وقتی هزار آهنگ به‌جامانده او را در آن‌ها مردم بد آوری می‌گیرند پاسخ مساعد گرفته می‌شود. بسیاری آهنگهایش ملو از روح هنرموسیقی است. گدایان و شراب - نمند آن آهنگهایش بطور همگون حفظ می‌شوند.

موکیش چاند متور، همانند دیگر موسیقی (وسانت دیسای) با رویای بازگشتن و آرد نیای سینما شد ولی نتوانست در بیشتر از چهار فیلم ظاهر شود. شکست او در بازگشتن به هنر او از خوانی این نیز تا "تیر منق" بجا گذاشت. حتی نخستین آهنگ غیر فلیش این را که به اساس یکی از آهنگهای (( بنکچ ملک)) سرود چنگی به دلها نزد همانطور که نخستین سه آهنگ فلیش این سرود توجه قرار نگرفت. او تا گریه در یک مکان بدون برداشتن یک کلمه مدتها باقی ماند تا اینکه در ۱۹۴۵ (( کشف)) شد.

عقیده عمومی بر این است که (( انیل بیسواس )) یکی از موسیقی‌دانان مشهور فلیش، برای اینکه از او یک آواز خوان بسازد موکیش را با سیلی زد. اما خود بیسواس این انسانه را زد کرده میگوید: (( شاید برای هر خواننده تازه کار در عصر موکیش عشق بوزیدن به آواز سیگل مود بود. من خوبی خرابی داشتم وقتی موکیش از ناتوانی این در سرودن آهنگ حزن بیاورده تهدیدش کردم که در جلو ارگستر -

لک و کوش خواهم کرد. ))  
بقیه در صفحه (۷۸)

# موکیش

گفته میشود وقتی شاهان می‌میرند خسوف رخ می‌دهد و طبیعت به عمیان بر می‌خیزد. ولی وقتی شاهان دنیای موسیقی - سیگل، موکیش و راج-سرد مردند چنین چیزهایی واقع نشدند و در عوض نوت‌های ناموزون از سفوتی زندگی بگوش رسید. وقتی موکیش (( الوداع)) گفت اکثریت مردم ضایعه عظیمی را احساس کرده‌اند زیرا موکیش صمیمیت خود را به مردم عادی با آمیختن آرزوها و رویاهای آنها در لایه‌های آهنگهایش تبارز داده بود.

به اساس کار (( هنر رهنوش)) که به‌عهد گرفته است تا تمام آهنگهای موکیش را در یک کتاب جمع و انتشار دهد، موکیش در طول ۳۰ سال کار هنری اش مجموعاً هزار آهنگ دارد. یعنی بطور اوسط در هر سال ۲۸ آهنگ سروده است. از نگاه کمیت البته که تعداد قابل ملاحظه نیست، اما کمیت صرف تعداد و ارقام را بیان میکند نه قلم تسخیر شده هنری را.

بطور مثال سیگل در تمام حیات هنری اش صرف دو صد و پنجاه آهنگ سروده ولی اینکه او چه سرود با ارزشتر است تا اینکه به چه تعداد در سرود! سیگل این امتیاز را داشت که آهنگها کمپوزیتورهای را خواند که انعام درین سودجوی نبودند ولی موکیش در آثارهای عنکبوتی سینمای تجارتن گیسر - مانده بود که بعضاً با وجود عدم تطابق برخی از کمپوزها با صدایش بطور لایه‌ای می‌بایست آنها را می‌سرود، با وجود آنهم غالباً انسان - آوازین آهنگهای بدیعترین عارایی ساخت. طلعت محمود یادداشتن ششم آهنگ شاید در انتخاب کمپوزها سختگیرانه برخورد کرده است.



## یک هزار آهنگ در ۳۰ سال کار هنری



ته بی ارتقا کړي تر یوې اندازې ضعیف شوي دي

نه پوهیږم هغه تل انضباط درلود  
- الرزګونښ وکړي له ټولې سره جوړ شي هسه  
سربازان ښه روزلي دي او سورشال موهم لیري  
کړي (پوه شوي؟)  
- هو ښاغلی جګړن  
- اوپام کوي چې سربازان د سگرت څکولوبه وخت  
کې احتیاط وکړي کله چې غشي ویشتونکې دغه  
د شپې خلیلونکې چینجی وینې چې له یوې خوا نه  
بلې خوا ته یې ګوتې یې خاړت کوي  
په تیره اونۍ کې پنځه کسه سربازان په سروندو  
باندې په ګولۍ ولګیدل ښه پاملرنه وکړي  
پوه شوي؟  
- هو ښاغلی جګړن  
دوم برید من الرزګله چې د ټولې په لوړ روان

لیکونکي: ولګانګه پورشرت  
ژباړونکي: ماسون

هره اونۍ یوه سه شنبه  
یوګال پښخوس سه شنبه  
اوجګره ډیري سه شنبه لري

\*\*\*

د دې سه شنبه په ورځ

په نیوونکې کې بی القاد لویو تورو مشق کاوه  
د نیوونکې په سترګو ډېلې نښې لرونکې عینکې  
وي عینکې جوګا ته درلود اولنژونه یې هغو  
مړه ډېل ووچې سترګې یې په سختې لیدل کیدي  
دوه څلویښت نجونې د توري تختې وړاندې  
ناستی وي اونه غټو تورو لیکل:  
(فریتس د خلیب بیا له لري د برتاي د خندا غمز  
تیارسه ورسید په جګړه کې ټول پلرونه  
سربازان دي)  
اولا (۱۱۱۵) د خپلې ژبې خوکه ترسزي  
پوري ورسوله نیوونکې هغه ووهله (اولا تا -  
جګړه په (ګ) لیکلې په (ګ) لیکل کېسزي  
(ګ) لکه ګور ماخوچوله درته وپلې دي))  
نیوونکې یو کتاب راواخیست او د اولا د نوم په  
وړاندې یې د چلیبانته کینود (د سبا لیاړه  
دغه جمله لس ځله ولیکه (پوه شوي؟))  
اولا وویل ((هو)) اوله ځانه سره یې زیاته کړه:  
(عینکې یې وګوره)) د نیوونکې په حویلی کې  
کارخانود ډولې لیرې غوړول شوي ټوټې خورلې

د دې سه شنبه په ورځ

دوم برید من اولرز ټولې قوماندان وټاکل شو  
(تاسو باید خپل سورشال لیري کړي ښاغلی الرزګ)  
(پلې ښاغلی جګړن؟)  
(هداس ده چې ویس ویل الرزګ په دوم ټولې  
کې دغه موضوع په چاښه نه لګزي؟)  
(ټاکل شوي ده دوم ټولې ته تبدیل شم؟)  
(هو) او هغوي له دغې موضوع سره ښه نلري  
ته نه شي کولای له هغوي سره سم ولاړ شوی  
دوم ټولې له انضباط سره غاډت کړي له دغه سره  
شال سره په تاسووته منی تونن هسه داسې کوم  
شي له ځانه سره نه ګرځاوه  
(هسه یې شوي؟)  
- نه هغه خبر راګر چې ناروغه شوي دي حال  
یې ښه نه وي له هغې ورځې نه چې د تونن رښ

بیښلې سوزین وویل: ((هو هغه کولای شي))

د دې سه شنبه په ورځ

تونن هسه یې په تسکړه کې له حشراتو سره د  
مجادلی کوټې ته ونيور د ننوتو د روزي پر سره  
یوه ټابلو داسې لیکل شوي و: ((که جنرال یې  
که سربازي، دلته باید خپل وښته وڅیړي))  
د هسه وښته یې وڅیړل د نرس اوز د پاونې  
ګوتې د غښ لاسواښوته ورته وي  
د بند وپوشاوغواي لږ سره ښکارېدله  
هسه ته یې په کم شي باندې چې د رملتون  
پوي یې درلود مالش ورکړ ترس پخپل غښ ډوله  
لاسواښو د هسه ښوونپوه او وروسته یې په یوې ډېلې  
کتابچې کې داسې ولیکل: ((تودوخه ارا)) ښښ

د دې سه شنبه په ورځ

د سورشال یې له ځانه لیري کړ سگرت پیسې  
ولگاوه اوبه لور غزی وویل: ((د ټولې قوماندان  
دوم برید من الرزګ))  
په همدغه وخت کې د بزغز پورته شو

د دې سه شنبه په ورځ

ښاغلی هانزن بیښلې سوزین ته وویل: ((کو -  
چې سوزین د دوم محل لپاره باید ښاغلی هسه  
ته کم شي ولیزو لږ سگرت پوخته خوراک د -  
لوستلو لپاره خوکتا پونه یوه جوړه د ستنې اودا -  
سې نورشيان هلکان زکام نیولی زه هم دغه زکام  
ښه پیژم ډیره مننه))  
(ښاغلی هانزن د هولد رلین کتاب څنگه دي؟)  
- ((حماقت دي کړچې سوزین حماقت نه ښه  
په وي لږ څه ساده وي لکه ولهلم پوشا وپسا  
همدارنگه نور))  
اته خو پوهیږي چې هسه له ساده شیانوسره ډیر ه  
مینه درلوده په مینه یې خندلې تاسو خو په دي  
پوهیږي زما خدا په دغه هسه خوږه کولای شوی  
رخاندي))

۱۱۱۶ یې هونه په قوي گمان تیغوس)) او  
کتابچه یې وتر له د کتابچې پر یو لیکل شوي و:  
(د سمولنسک د ساري ناروغیو روغتون)) اسه دي  
کړنې لاندې: ((یوزرا وڅلورسوه بستري))  
موظفینود هسه تسکړه پورته کړه په زینه کې  
سر له پر ستنې څخه د باندې وتلی و اوله یوې خوا  
نه بلې خوا ته په حرکت کې و وښته یې ورته  
څړیږي و  
د تسکړې یوه وړونکې ریزش کړیو

د دې سه شنبه په ورځ

میرمن هسه د گاوندې د کورنګه وواژه کله چې  
د روازه خلاصه شوه هسه لیک یې چې په لاس کې و  
ونوراوه میرمن یې تونن شوي و  
په هغه بڼه کې د سر ودرجه صفرلاندې څلور  
پښتوه اودغه لیک نه ورځې په لاره کې و  
د پاکت بروخ لیکل شوي و: ((میرمن تونن هسه ته  
دي ورسيزي))  
میرمن هسه لیک جگه نیولی و څو گاوندې یې هغه  
نه لیده

څلویښتو درجې ساره او تر شونډولاندې یې زمزمه  
کړه: ((بیچاره سربازان))

د دې سه شنبه په ورځ

د سمولنسک د ساري ناروغیو د سارایې روغتون  
رښې د روغتون له سرطیبې څخه پوښته وکړه  
(هره ورځ خوکه ۰۰۰))  
- ((پنځه شپږ کسه))  
اوربیس وویل: ((نفرت پارونکې ده))  
سرطیبې یې په خواب کې وویل: ((هو نفرات  
پارونکې ده))  
او هېڅ یوه ډېل سترګوته ونه کتل

د دې سه شنبه په ورځ

د ((جاد ویر فلوت)) قطعه یې غزلسه میرمن  
هسه خپلې شونډې سري کړې وې

د دې سه شنبه په ورځ

نرس الیزابت خپل مور او پلار ته داسې ولیکل:  
(دخدای له مرستی پرته استقامت نه شي کیدای))  
خوکه چې اسپستان ورنژدې شو له خایه پورته  
شوه اسپستان لکه چې د نړۍ د یوې وچې نیمه  
برخه یې پر شا پاروي د سالون له منځه په کړ وپسه  
ملاتیر شو

الیزابت له هغه پوښتنه وکړه: ((هغه ته باید  
کم شي ورکړم))  
ډاکټر خواب ورکړ ((نه)) دغه کلمه یې هومره  
ورو وویل چې تابه ویل له خپله ځانه شرمیزې  
اوروسته یې تونن هسه د باندې ولیز داوه د پا -  
ندی زیات غالمغال اوردل کیده چا وویل: ولسی  
مړي په ارام سره پرېمکه نه زدي هر محل هغوي  
له پاسه خوشی کوي او غالمغال جوړ یزي))  
اسپستان له یو بسترنه بل ته یې هره ورځ اوهره  
شپه

اوبه دي ورځې اود شپې په اوبه وکې لکه د هغه  
چا غوندې چې دروند بار یې بر اوږد وي کس و پ  
د سالون له منځه تیرید  
د باندې دوه کسه چې تشه تسکړه یې وړله  
سره خپې را ولويدل یوه یې وویل: ((څلورم  
نمبر ریزش کړیو))

د دې سه شنبه په ورځ

د شپې اوله په خپله کتابچه کې په غټو تورو  
داسې لیکل:  
(په جګړه کې پلرونه سربازان دي  
په جګړه کې ټول پلرونه سربازان دي))  
اولا دغه جمله په غټو تورو لس ځله ولیکله اوجګره  
یې په (ګ) لکه ګور

صاحبزادگان

# لیلا، لیلا تو روزی است خدا یاد دنیا کو روزی است



## نعیم پوپل چگونه مجبور شد وطن را ترک گوید



زنده گان را در یوتلوزین از طرف شما ازین غذا محروم اند علت چیست؟

— شما واقعتاً را گفتید من صرف در عروسی ها و محافل خوشی دوستان میروم و من

— در راد یوتلوزین چرا؟

— این چرا را باید از خود اینها بپرسید، از بد بريت موسیقی راد یوتلوزین که زنده باشند در روزه های ما یوسو را بروی من کشود اند. همین حالام در حد و د (۵) پارچه برای بهار تعبیه د پده ام. انراد در طلوع سوزنیک ثبت میگردم بعد از از زبانی اگر خدا بخوهد که بد پرفته شود انرا لبسنگ خواهم کرد.

— خوب نفهمید من کلام را از موسیقی آغازیدم ولی شما ما یوسو گله و شکوه به خورد من داد پس بد یعنی چه؟ بیایید از سالهای دور صحبت کنیم از سال ۹۶ که همکاری تانرا باراد یوتلوزین کردید از همان اهنگ نخست او از تان برای اکثریت بد پند برنده بود و است. پس بیایید در قدم اول از سرینش های هنری تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا کو روزی است

همچنان اهنگ: قدح را سرگرم شب را سرگرم. از اهنگهاییست که در انوقت ها زیاد سزبانها افتاده بود.

— ای این اهنگ ها از مرحوم احمد ظاهر نیست؟

— اول نعیم پوپل انرا خواند. بعد مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه او را در کست خوانده است.

— اولین اهنگ من: نگاهت راز من برگیر و بگذر.

— در انوقت چند سال داشتید؟

— در حدود ۱۹ سال داشتم.

— برای چه کسی انرا خوانده بودید؟

— از شعران خوشم آمده بود.

— گویند که تان که واقعتاً فقط همین بود.

— انرا برای کسی که فعلاً شریک زنده گی من است خوانده بودم.

— ایاد راول هاهم از طرف راد یوسو مشکلات داشتید؟

— بلی. اولین اهنگ راد یوسو با بسیار مشکلات ثبت کردم.

— در مجموع چند پارچه اهنگ در تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا کو روزی است

بقیه در صفحه (۸۵)

گروه خودش قرار دارد. ازین هنر مند موفق در حدود (۱۵) - پارچه اهنگ در ارشیف راد یوسو موجود است.

از اهنگهای خیلی به نام او که در انوقت ها زیاد سزبانها بود اهنگ لیلا، لیلا نوروز است و اهنگ (قدح را سرگرم شب را سرگرم) میباشد که بعداً مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه انرا در کست خوانده است.

... و این همه راولی پوپل برام قصه میکند.

ولی پوپل آواز خوان خوش صدا را که سالهاست بروی پرده تلوزین بین زنده ام در یکی از عروسی ها بالای ستر من بینم. او میخورد اند (( نگاهت راز من برگیر و بگذر که دیگر تاب دیدارت زدم ام )) این اهنگ را چنان با احساس میخواند که با کف زدهای مستند استقبال میکردم. مگره او را درین جا غیر مترقبه بیدار کرده ام از او دعوت میکنم تا به دفتر مجله بیاید که به قولش می ایستد و می آید.

شماره مشکل بیدار کردیم چرا انراد یوتلوزین میگزینیم. علاقه مندان او از تان چی دارند؟ میگویند موسیقی غذای روح و زبان و احساسات است ولی تا جایی که دیده میشود بیننده گان و شنو-

وقتی میخواند ام احساس می کرد صدایش چون رودی در رگ های جان جاری میشود.

وقتی او میخواند فضا بسوی گلبرگهای شسته شده میداد.

وقتی میخواند تو میگفتی گلهامی کشد و شاخه های خشک درختان شگفته میزند.

در بریت که آواز خوش نعیم پوپل آواز خوان جوان و خوشوش صداشنیده نمیشود زیرا که او در کشورد یورو برای مردم د پگسر میخواند.

نعیم (پوپل) در سال ۸۴ جبراً روی یک سلسله مسایل و قضا یا مجبوری ترک کشور کردید و قضیه ازین قرار است:

د دختری که به یکی از خانواده های بانام انوقت منصوب بود به نعیم پوپل چنان دل باخت که وقتی متوجه عشق یک طرفه خویش گردید دست به خودکشی زد ولی نجاتش دادند. خانوادها دختر تصمیم گرفت تا بخاطر نجات دختر شان از انشی که تنها خودش در ان میسوخت نعیم پوپل را مجبور

## ولی پوپل درباره برادرش سخن میگوید

# زاکا کال وولک د ژرما راکا کال یوپی

کی نقل زره نازره وی یو آزی  
 د خیل احساس سره سم پرمخ  
 یی د خیل مراد د لاسسته  
 راور لود باره توله مخه رانسکر  
 زوی د مار به کال زیزید لسی  
 هلك قهار شهوت پرست او  
 خورا حساس وی اوزیزید لی نجلی  
 بنایسته وی به عابانیا نوکی  
 د بنایسته ستاین د باره مار  
 فوندي بنایسته اصطلاح وسیل  
 کییزی .

نیگرنه به وی که د مار به  
 کال زیزید لی د گامینی اوچرگی  
 به کال زیزید لوسره واده وکړي  
 خود بیژود کال سره به طالعمنند  
 نه وی د پراگ او وحشی خوگ  
 د کلو سره به بدمرغه وی .

به یو یزیم کی مارک نیسه  
 موجود به توگه گیل کیزی د مار  
 رانو پاچا (موچالیندا) بوداد  
 سیل به وخت کی وژغوري مار  
 خو پی ی ترهغه وخته پوری ساتل  
 کیدی ترخود فیلسوف نگارچون  
 د نظر له مخی انسانان د مار  
 د پوهی سطحی ته ورسیدل .  
 همدارنگه به بوداییم کی مار  
 تهر چرگ د شهوت او خوگ د  
 جهل سمبول دی .

د منحنی آسیا منحنی خلک په  
 دی عقیده دی چی د مار به  
 کال زیزید لی نارینه که د سړی  
 اومیزی به کال زیزید لی نجلس  
 سره واده وکړي د هغه  
 اولاد ونه به نامتوانان داره خلک  
 وی د مار به کال زیزید لی نجلی  
 که د چرگی اوتوپه کال زیزید لی  
 هلك سره واده وکړي دوی به  
 نجونی زیزوی .

د منگولیا اومنجوریا خلک عقیده  
 لري : (د مار به کال زیزید لسی  
 یو معتدل اوزره سواند مانسان  
 دی همدارنگه دی به منطقی  
 تیز فهم او برخله خبره ولاړ سړی  
 وی خو عیب به یی دشرویاتو  
 خنبل وی د زره مغلواو نوری  
 اوز دی ناروی به ولری د د  
 د باره لازم نه دی چی دخیل  
 رییس (وظیفوی) سره جنجال  
 وکړي به لومړی سرکی به رنغ  
 یو سی اووروسته به له منحنه  
 ولاړ شی .)

د تبت د شپيته کلسی کلیزی  
 بیل د جینی کلیزی له بیل سره  
 سمون نه لري به تبتکی دا  
 دوره د سوي د کال خخه بیل  
 کیزی به پداسی حال کی چی به  
 جین کی د موزک د کال خخه  
 بیل کیزی به د دوی ترمنخ توپیر  
 به د روکلوکی دی به دی خاطر  
 اوسنی شپيته کلسه دوره به جین  
 کی به ۱۹۸۴ کال اوپه تبت کی به  
 ۱۹۸۷ کال کی بیل شوه .  
 د ۱۹۸۹ کال د فبروري د  
 شپزیم نیتی به شیه نوي کال  
 یعنی د زره مار کال بیل شو .  
 (چی ۱۲۶۸ هـ ش کال هم به  
 همدی نامه یاد یزی) د طبیعی  
 عناصرو د دی رنگ سره  
 مخه سمون لري کال مونث  
 (نرم) بلل کیزی د خختیو  
 خلکو په روایت به دی کال کی  
 زوری او بد مرضی بیسی سختی  
 نیستی تزلزل اوماته نه بیسیزی  
 د منحنی اوختیعی آسیا په خلکو  
 کی د مار خخه مختلف تعبیرونه  
 شته جابانیا ن عقیده لري :  
 ((مار د حکمت فراست اوارا دی  
 خاوند دی خورا طالع مند دی  
 هرخه ته بخان رسولی شی مار  
 متکبر او مغرور دی خوشتریف اغو  
 سته شوی دی مار خورا خسرود  
 خواه او موزی دی خود علاقسی  
 په صورت کی مرستی ته هم دانگی  
 کله هم داسی ساتته کوی چی به  
 مشکله خوگ بخان حنی خلاصولو  
 شی مار د نوروه نظریو او فیصلو

د هر عنصر د باره یوزنگ یعنی  
 سورد اور ژر د مخکی سپین د  
 اوسینی تور د اوبواوشین د در  
 ختی د باره مشخص شوی دی  
 کلونه به مذکر (کلک) اومونث  
 (نرم) ټول هم ویش شوی دی  
 د موزک پراگ نهنگه آس  
 بیژواو سینی کلونه مذکر (کلک)  
 اود گامینی سوي مار میزی  
 چرگه اوخوگ کلونه مونث (نرم)  
 بلل شوی دی  
 لویه یا شپيته کلسه دوره به  
 خختیوه اومنحنی آسیا کی لخورا  
 پخواخخه د تاریخ په مختلفو زمانو  
 کی منل شوی ده د انگیزه به  
 جین کی ترمیلاد مخکی به د وده  
 پیزی به جابان کی به مغولستان کی  
 به خلورمه پیزی به مغولستان کی  
 د میلاد په خوارلمه پیزی ۱۰ و  
 په تبت کی به ۲۷ ام کال کی منل  
 شوی ده .

همدارنگه کال میاشت ور  
 یی او ساعتونه هم دخارویوه  
 نامه یادیدلی لکه د (صفر متر  
 ۲ بجو) د موزک ساعتونه  
 (۲-۴ بجو) د گامینی  
 (۴-۶ بجو) د پراگ له  
 (۶-۸ بجو) د سوي اوهدا  
 راز تراخره پوری یادیدل  
 لویه کلیزه  
 پنخه کوچنی د وولس کلنسی  
 د وری یوه لویه شپيته کلسه دوره  
 جوړ وی به دی دوره کی یو  
 خاروی پنخه واره به تکرارید  
 یزی خوه هر وار کی یوزنگ د  
 هر خاروی د باره مشخص شوی  
 دی د ارنگونه د پنخه طبیعی  
 عنصر یعنی درخته اور مخکسه  
 اوسپنه او اوبو خخه اخیسته  
 شوی دی د اوشیه لاندنس  
 جدول کی به واضح ټول خر  
 گند یزی :

مور	نر	۱ شین	۱۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین	۲۹ تور
کوهسینه	بنیخه	۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین	۳۰ تور
پراگ	نر	۳ سور	۱۵ ژر	۱۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین
سور	بنیخه	۴ سور	۱۶ ژر	۱۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین
نهنگه	نر	۵ ژر	۱۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور
مار	بنیخه	۶ ژر	۱۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور
آس	نر	۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور	۲۵ ژر
میزه	بنیخه	۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر
لیژو	نر	۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین
چرگه	بنیخه	۱۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین
لیپی	نر	۱۱ شین	۱۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین	۲۹ تور
خوگ	بنیخه	۱۲ شین	۱۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین	۳۰ تور

نامه یاد یزی به دی ټول :  
 ۱- موزک ۲- گامینه ۳- پرا  
 نگ ۴- سوي ۵- نهنگه ۶- مار  
 ۷- آس ۸- میزه ۹- بیژو  
 ۱۰- چرگه ۱۱- سینی ۱۲- خوگه  
 نوي کال به د جنوري د د یار  
 لسی خخه د فبروري ترخلو رو  
 پشتمی پوری (د جدید رویشتم  
 خخه د حوت ترخلو رومی پوری)  
 بیل کیدی تل د سپوزم به  
 لومړی وړخ نامانعل کیدی  
 منگولیا یی ژری ویونکی خلک نوي  
 کال (سگان سر) یعنی سپینه  
 میاشت بولی نوي کال به نیمه  
 شپه نه نامانعی بلکه د نوي کال  
 به لومړی وړخ د سهار سپید وته یی  
 نامانعی اوبه دی سهار دی یی  
 سینی خلک د یویل کورته سس  
 نوي کال مبارکی وایی اوسوماتو  
 ویش د اعادت تراوسه پوری  
 به منحنی آسیا کی پاته دی به  
 به میلمستیایکی د فونواوشید و  
 خخه نیار سوي خوار به دستر  
 خوان اینول کیزی سپین  
 خوار به سپینه میاشت لور  
 حکمت د رلود او خلک په دی  
 ارمان وه چی د اخوا به به  
 نوي کال د رومو به زیانید وکی  
 اغیزه لري او د پوی خور لسو  
 به وخت کی یویل ته دخارویو د  
 بجایانو د زیزیدولو هیلیس  
 خرگند ولی اونه مغولستان  
 کی اوس هم د نوي کال لومړی  
 وړخ دخارویو دورمی به نامه  
 یاد ییزی

نه نگاری د دی برخای چی  
 د اقمری شمسی ویولو به به  
 وی چی قمری شمسی  
 مشتري زحل کلیزه یی ویولو  
 برخه د انگیزه د لمر سپوزمی  
 مشتري زحل اومخکی د حرکتو  
 خخه ترتیب شوی ده د اداکسه  
 هم د وولس کلسه بلل شوی چی  
 د لمر به تاوخوا یاندي د مخکی  
 د حرکت خخه تصحیح شوی او  
 توگه ۱۱۶۸۶ کلسه دوره بولی  
 د اوزره د لمر به تاوخوا یاندي د  
 مشتري حرکت دی  
 تراوسه پوری د دی کلیزی د  
 پیدا کید وخوا یی چاته بحرگند نه  
 دی البته به آسیا کی دی خو  
 به خختیوه یا منحنی برخه کی د  
 خرگند نه ده د پوی خوانجو  
 یی شمیرنه د منحنی آسیا د کوچنی  
 کلتور خخه لیری بریسی اوبه قوی  
 احتمال د جین د خوزون نجوسی  
 تاریخ لاسرته راور نه بلل کیزی  
 د بلی خواد کلیزی ټول خاروی به  
 لږ استتا (بیژواوچرگه) به  
 منحنی آسیا کی ژوند کوی اونهنگ  
 خوه مرعای کی ژوند کولای شی  
 مخه نوحمل به سل کی دیوه روایت  
 تا بید گران گاردی خو بیاه به  
 اعتماد سره ویلی شوی د دی کلیزی  
 جوړونکی مخرایی کوچیان دی چی  
 د مترکوجی مد نیت خاوندان  
 وړه خرنگه چی مخکی مورویل دوی  
 کلیزی دی کوچنی کلیزه د وولس  
 کاله ده هر کال د یو خاروی به

د هر نوي کال به راتلو سره  
 ټول خلک د نوپیدیدو البته  
 نیگرنو پیدیدو به پیر به تمه وی  
 اوهریود خیل قیاس سره سم  
 راتلونکی اټکلونه وړاندی کوی  
 د ابخوانی آسیا یی عادت به  
 اروپا کی اوس د کلتور او کچر جیز  
 گریدیدلی دی خو پوهیزی  
 چی راتلونکی کال د کم خاروی به  
 نامه یاد یزی اوهغه ټول کالی  
 اوما سکونه واغوندي اود کال  
 به لومړی وړخ یا شپه یو بنایسته  
 نوبت بنکاره کړی به عانگري  
 توگه منحنی د دی پوینتی سره  
 پیره علاقه خرگند وی اوزر  
 زره غواری چی د نوي کال نم  
 د هغه خصوصیات اوتقریسی  
 اټکل شوی راتلونکی خان تصعلیم  
 کسری  
 د کلونود اوشی یوه خختیوه  
 عنعنه ده چی د پخواخخه د  
 کلیزی به ټول د کال د عدد د سر  
 خنکه دخاروی نم هم لیکل کیدی  
 د اوشی دوی دوری لری لومړی  
 یی د وولس کلسه اود وده یی  
 شپيته کلسه دوره ده کله یی  
 پوهان د کوچینی اولوی دوری به  
 نامه هم بولی د وولس کلسه کلیز  
 د نورولس هاوولکیزوه برتلسه  
 د ویره معموله کلیزه نه ده به  
 یقینی ټول د انگیزه د ویر  
 حقیقی نه ده لکه یوه نجوس  
 اوکلتوری کلیزه چی ده به  
 علمی ادبیاتوکی یی کله قسری  
 کلیزه هم بولی خود ایقینی

د ننی آسیا و نرغاد محلی خخه  
 د شیر شاه رشاد ژماره



# مرزهای دانش

## آزون دفاع میخواید

ترجمه از فریدون

آزون مدتها در ساحه پاييس سراسر (موسفیر) جزمین در ارتفاع ۲۰-۳۰ کیلومتر سطح زمین منتشر است، هرگاه آن از دیگر ترکیبات اتموسفیر جدا ساخته شود قشری با ضخامت تقریباً ۳ ملی متر را تشکیل خواهد داد، در حالیکه ضخامت مجموعی هوای ترمال به تقریباً ۸ کیلومتر میرسد، آزون را دیواکتیف ماورای بنفش خورشید را جذب نموده، مانع ضرر به پلوتیکی بالایی سطح زمین و مانع تغییرات حرارت در اتموسفیر میگردند.

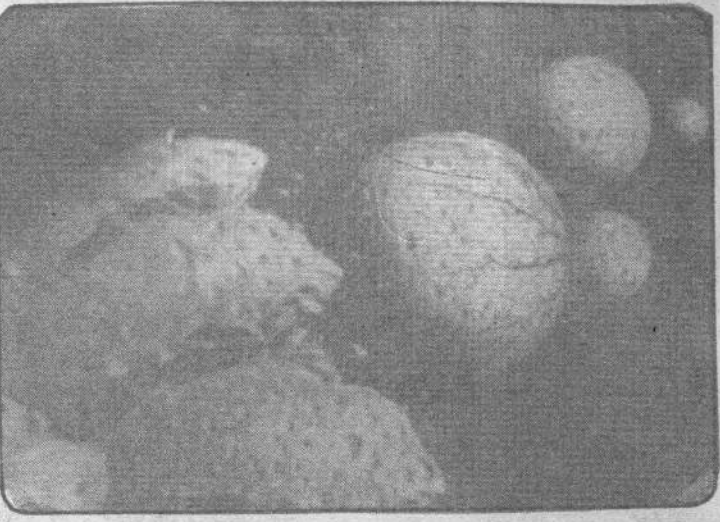
آزون پس از جذب شعشعات ماورای بنفش خورشید کسب حرارت نموده و سپس آنرا در هوای محیط پخش و انتقال خواهد داد. آزون با جذب شعشعات گرم سطح زمین بر اقلیم اثر افکند، درجه حرارت آنرا کمتری میکند. از جمله دشمنان عمده آن فنون رون و محیط بحرکات مشترک کاربن دیاکسید و کلوروفلاید از ۶۰ سال است که در میخان ها و کولرها به شکل مانع مورد استفاده قرار میگیرد. این ماده زهر آلوده نبوده، تو فوراً از کم میاشد، در ارتفاع که انتقال میکند کاربن را آزاد می نماید، یک اتم آزون را تخریب کند.

برعکس فنون کاربن همان که کساید ازوت و دیگر موادیک تعداد آنها به تقریباً ۳۰۰ میرسد، قشر آزون را تخریب می نمایند. برای از دیداد معلومات خوانندگان محترم نقل گفتگوی خبری -

نگار روزنامه از ویستیا با پروفسور ولادیمیر زخاریف نماینده اتحاد شوروی در کنفرانس مونتهال که پیرامین اتخاذ تدابیر دروقیه قشر آزون از تخریب بعمل آمده تفسیر شدیم. - آهنگ تخریب قشر آزون به چه پیمان است و ازین نگاه در سده ۲۱ چه چیزی را انتظار ماست. - در دهه ۲۰ که تا شعرات مواد مخرب بر آن زمین مورد مطالعه قرار گرفت، چنین پیش بینی بعمل آمده که در پایان سده جاری ۲۷ فیصد آزون کاهش خواهد یافت، مگر خوشبختانه این پیشگویی به حقیقت نرسیده است. قرار مساجات علمی، در صورتی آهنگ تخریب شدت موجود را حفظ کند، تا نیمه سده آینده از ۶ تا ۷ فیصد پیش محافظت خود را از دست خواهد داد. مقدار کم آزون اتموسفیر هیچگاه به یقین معلوم نبوده است، در اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ مقدار آن صدمه دیدند رفت ولی در اوایل دهه ۶۰ فیصدی آن دوباره پایش آمد و پس از ده سال نسبت به دهه ۵۰ باز بلند رفت و از نیمه دوم دهه ۷۰ دوباره پایش آمد، فعلاً قشر آزون ۳ فیصد نازک شده است. - کاهش قشر آزون برای انسان چه تهدیدی را در قبال دارد؟ - لزوم نیست از حجم آنتاب نهاده قشور داشت، چه لباس مادی - بپوشد (صفحه ۷۵)

# آیاتصادم زمین با کدام ستاره ممکن است؟

فنا این دنیای آهنگهای اطراف ما که بانجم و کواکب مرصع گردیده، نمایشگاهی را مانند دران هزاران هزار کواکب سیاره پرتو افشانی می کنند. زمین که مراتب این اجسام جویانگرمات در نظام شمسی است چندین بار از تصادم حتی سیارات دیگر که در مدار خود و اطراف آنتاب دور میمانند، نجات یافته است. چه مشاهده خواهیم کرد - آنگهی از ستاره های جدار زمین تصادم نماید، علما اظهار می دارند این کار در فاصله زمانی پنجماه و هفت سال بعد امکان دارد. بنا بر این در نزد خلقت این امکان به میسر میسازد.



علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره های همسایه ما تصادم کرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰ میگردد و مواد منفجره بوجود می آید، سیاره عالم که ما آنرا می شناسیم تغییر میمانند. موجی زمین با بحرانات شدید از زمین، امواج غبار و خرابی، مواجه میگردید. این گونه تصادم ولو گرد آید یا خشک به وقوع می پیوست تا شش تا ن سالها سال در هوا باقی میماند. طبیعت زمین را تغییر میدهد که منجر به وفيات موجودات و خرابی کاینات میسازد. کواکب چگونه فعالیت می نمایند؟

تحقیقات علمی در قرون وسطی این را پیشگویی میکنند که آیا امکان دارد تا دم یک سیاره با سیاره دیگر سبب انفجار گردد؟ ۱۰۰۰۰ علی الرغم اینکه نظریه بالا تکمله جوانب وسیع موضوع در میان علمای قرون وسطی نمود ولی عده ای تصادم علمای آن صریحاً انهم میگویند: تفسیر این احتمال میکنند: چهل و شش میلیون سال قبل کواکب شکلی از دوام گازها را در داشت که توسط آنتاب احاطه شده بود، که جذب یک جزآن توسط جز دیگر سبب تشکیل آنان گردید و در آخر در نظام شمسی همای شان - متناوب گشت. علمای امروزی نجوم به نظریه فوق الذکر با آنکه از جمله روایات و خیال علمی شمرده میشود، باور دارند هر آن آغازه میکنند: حدود شصت و پنج بلون سال قبل کواکب ضخیم دارای قطرش الی ده میل در اطراف زمین توسط قوه هولناک بقیه در صفحه (۷۴)

# در جستجوی نقطه مرگ و طول عمر

طبایط سوزن، یکی از شاخه های سنتی ولی مهم طبایط خاور دور، در کشورهای کم رشد و فقیر از نگاه کاهش مبارک ارزنده تلقی شده می تواند اینگونه طبایط باید در کنار طبایط عمومی مورد بهره گیری قرار گیرد، برای نشان دادن ارزش آن مقاله زیرین ترجمه و تقدیم میگردد: - از چه شکایت دارید؟ - بدین ترتیب پرسش و اکثر آغاز می یابد. - ارچه؟ از همه چیز، سر درد میکند، خواب ندان، اشتها ندان، یابیس از حد معین غذا میخورم، تکلیف عصبی دام، بابت عالم اندیشه های و تعاسیم به خواب میزنم ولی فردا با کس خالی از خواب بیدار میشوم. قهوه میبینم تا خود را تسکین دهم، از دواهای مسکن استفاده می کنم، معده ام کس میشود، استفراغ دام و... در بیمارستان را بالا نهانگا

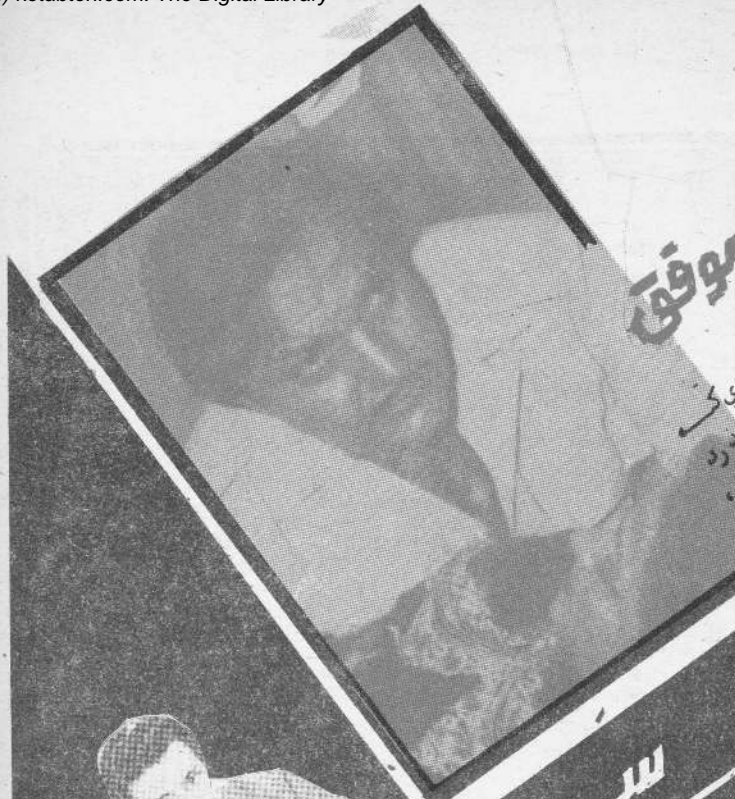
و میگوید، تریزین تقریباً دو الی ۳ دقیقه ادامه پیدا میکند، جالب این که بیچکاری در زمان صورت گرفته ولی بیمار درد را در دو جناح چپ و راست و سپس در آلات تناسلی و در قسمت پایین معده پیک Solar plexus نقطه دیگر زنده گی خرد احساس درد مینماید. دکتر توین می دهد: ادویه جانب اعضای جریان پیدا میکند وظایف شان مختل گردیده است. مریس نیز احساس می نماید که در او مانند راکت رعبی شده به تعقیب هدایت حرکت میکند. دکتر هونگ چنگ اون، مسر محقق و آمرانستیتوت طول عمر

در بابتخت جمهوری مردم کوریا نظریات خود را پیرامون طول عمر، که از هنده سان بدین سو بر مبنای تدابیر میزبان و نتایج فنانعت بخش آن قایم ساخته بیان میکند. علین امارات وی طب سوزن عمیقاً در تداوی سیستم تنفسی، تکلیف جگر و تکلیف ناشی از حساسیت ضرر واقع میشود. شیوه دکتر هونگ عمر را طولی میسازد، این طول عمر بعلاوه از فریاد شدن سالهای زندگی شامل افزایش فعالیت واحساس لذت از زندگی نیز میگردد، نکات مهم معده کسار دکتر هونگ است که وی، بعکس محقق و آمرانستیتوت طول عمر



# پیرین چوپیره جیره موفق

یکی از غریبه‌گان بر فدرت سینمایی هند که به تازگی آفرینش نقش‌های در فم ها کاپوس ترس و د هشت را در فم نمانشگر زنده میسازد، بلکه از در فم غریبه‌ها و (مردانگی) بیخوش می‌باشد، بریم جو پرواست. از جمله دست اندرکاران سه دهه صنعت فلمسازی کشور هند است. با وجودیکه به بیرو میگرداند در جهان بر زن و سون روایت‌هایی غریبانه می‌نویسد. هنرم‌ها می‌توانستند نیروی برتران شمار بود.



## سید خاموش شد

و چنان رفته بود که سینما گری برای همیشه چشم از جهان سینما و سینماگری برینده و آفرینشگری جاودانه دست از قلم‌زنی برگیرد. آن که میخواست از سناریوهای نوشته اش فلم و سریالی و نمایشنامه‌ها از ستر سپید کاغذ به پرده سپید سینما صفحه تلویزیون - صحن ستیز راه یابد و جلو آئین کرد. ولی دریح که دست بمسرد مرگ آرزوهایش را به انجماد و کرختی کشانید بقیه در صفحه (۹۰)

## مرد خشن با سحرین تیکو



در کارهای صحنه سازی فلم‌ها آموزش دید و به امورتیه فلم اشتغال پیدا کرد. نخستین چانس خود را در فلم (خط بزرگ) (( بیک تویل)) به دست آورد، پس از آن نزد بیک ده سال در فلم‌های ارزان قیمت وسترن (کاوایی) نقش‌های را ایفا کرده و بزرگترین چانس طلایی آب در سال ۱۹۳۹ به فلم جالب کاوایی بنام ستیگ کوچ (وضع گادی چهار اسب) می‌باشد. در سال ۱۹۶۹ به گرفتن نقش کاوایی در فلم ((مارشال)) جایزه اسکار را بدست آورد. درخشندگی او در چنین نقش‌هایی برای سالیان متعادی در زمره ستاره‌های ممتاز سینمای آمریکا، او را از دیگر هنرپیشه‌گان متمایز می‌گرداند، به تایید این گفته هفده فلم اوسالهای زیبا دی بهترین ارقام احصایوی تمام شاکران سینما را بخود منحصر ساخت. پس از آنکه جلو تر شد به رشته کارگردانی و تولید فلم پرداخت ولی درین زمینه موفقیت چشمگیری بوجود نیآورد. بقیه در صفحه (۹۱)

اوزنده گی را دوست دارد - شت و برای حقیقت وانعکاس از واقعیت‌ها در کرکترهای خشن نومیرت و عاطفه و انسان دوستی را با تمام جسارت در قید تمثیل آرایه میداد. این ستاره سینمای آمریکا یک نام شناخته (جان واین) که نام اصلی آن ماریون میخاییل مورسین کبتاریخ ۲۶ می ۱۹۰۲ از پدر مهاجر اسکاتلندی و مادر ایرلندی اش در ونیترسا (ایوا) آمریکا متولد شد، می‌باشد. (جان واین) در ابتدا اعلا - نمند بود تا آنسر نوای هوایی و - چندی در مکتب دریا نوردی - تدریس دید و پس از آن به کارهای متنوع بار زندگی را بدوش کشید. در سال ۱۹۲۸ جان واین به استدیوی فوکس در شهر لانس. انجلس مراجعه کرده و در آن جا

### نقش جدید من

امین رحیمی صحبت می کند



نقش جدید من در فلم هنری رنگه ۳۵ میلی متری بنام سفر می‌باشد که سناریست و کارگردان آن محترم سعید ورکری می‌باشد. بقیه در صفحه ۹۳

آرها



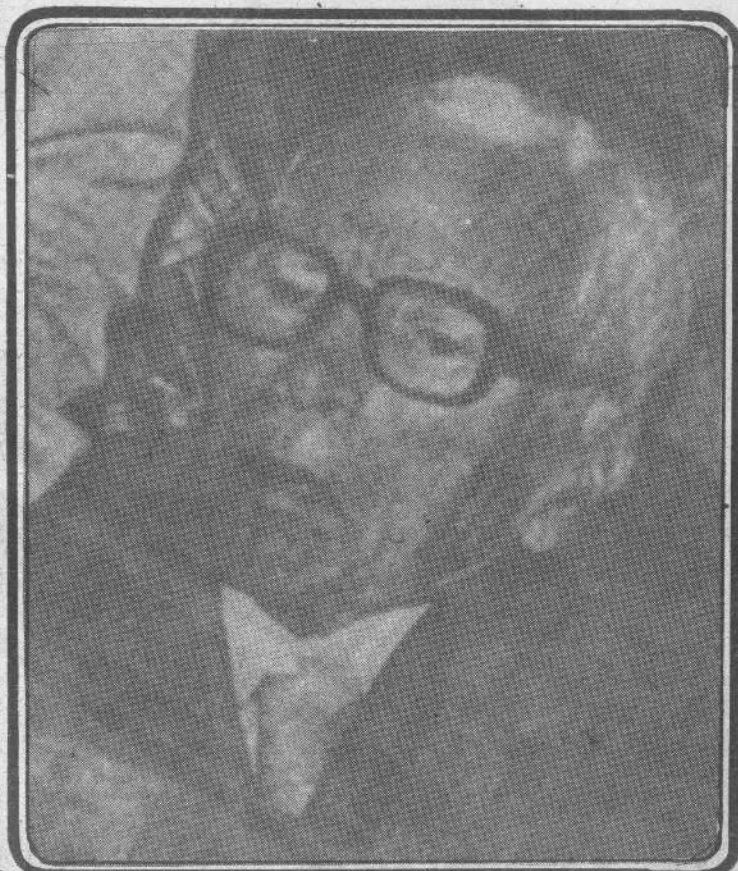
نقش

# قافیه و قیافه

## کوچک

# درسیمای یک مرد

## بزرگ.



# چارلی در صد سالگی

استعداد و شهرت افسانوی  
چارلی در سراسر جهان  
معرفی است

شخصیت خالص که در زمان  
حیات خود به شهرت و محبوبیت -  
افسانه بین میرسند بسیاری انگشت  
شماراند ، بخوبی کسانی چون  
چارلی چاپلین که برای مدت زمان  
شواری محبوبیتی پایان ناپذیر در  
میان مردم جهان داشته باشد .  
چارلی چاپلین بزرگ که در این  
روزها در سراسر جهان با حرمت و -  
ارادت نهاد به مقام والا او ، صد  
سالگی تولدش را جشن گرفتند -  
استعداد این شهرت آسانوی در  
ضمیمه همین گردیده بود .  
دو سال پیش از ظاهر شدن چارلی  
برای نخستین بار روی پرده ، هر  
خانواده از نمانش آگاه بودند -  
موسکها ، اسپا بازی ، کودکان و حتی  
مسابقاتی به نام چارلی چاپلین -  
مسی گردید ، مردم رقص شبیه راه  
رفتن چاپلین ابداع کردند ، نامش  
ورد زبان اطفال بود ، حتی در فلما  
مقاله چاپلین پدیدار گردیدند .  
چاپلین سیمای جاودانه شخص  
را در دل پرده سینما خلق کرد که  
همه مردم جهان ، خورد و بزرگ از  
دیدن آن شادمان میگردد و کیف  
میبرند ، کیدیهای او حکایتگر  
نابسامانی های تجسم کننده تب  
های معین روزگاران فلماهای  
صامت و فلماهای ناطق ، روزتا روز  
کسب اهمیت و اوج مینماید ، بهترین



است که این بزرگ مردسینما  
 همیشه ، کارگردان ، کمپوزتور و  
 پرودیسور را از زبان خودش شناخت .  
 - چه کارهایی که نکردم ؟ روز-  
 نامه فروش ، شاگردی حروف -  
 چینی ، شیشه سازی ، ساختن  
 بازیچه ، اطفال ، نوکر داکتر و غیره .  
 مگر در تمام این مدت مصروفیت به کار  
 های جانبی هرگز هدف غایی اکثر  
 شدن را از یاد نبردم .  
 تازه مانیک تغییر حرفه میدادم هر-  
 نوز از جلادادن بوتها ، شانه کردن  
 موها ، پوشیدن پیراهن پاک و از  
 رفتن گاه و بیگاه به تئاتر (بلیسک  
 هاور) ابانه ورزیدم .  
 - درستدیوی کمینی که مستون مک-  
 سنت ، سه بیوت صورت کار بودند ،  
 من هم طبعی بلهاس فادی در جای-  
 ایستادم تا مک سنت مرا خوبتر ببیند  
 اودر حالیکه آخر میگاش را میجهند  
 و گرم تاشا ی دیکور سالن هتل بود ،  
 ناگهان رهش را جانب من نموده گشت ،  
 اینجایک چیز جالب ضرور است خود  
 را بگونه کمید بینی میکاژکن ، هرچه  
 میل داری بیوت ، هرچه نکر کردم  
 عقلم قدنداد که چکونه خود را میکاژ  
 کم ، از میکاژ و لباس را بیوتی خوشم  
 نی آمد ، در حالیکه جانب العاری  
 روان شدم بفکر آمد که پتلون گشادی  
 رابه تن و بوتهای کلانی رابه پا کنم  
 کلاه شیوی خوردی بسرو کنم و صای -  
 چوبین در دست بگیرم ، میخواستیم  
 که همه چیز باهم در تضان باشند ،  
 پتلون گشاد ، کرتی تنگ ، کلاه خورد  
 و بوتهای کلان ، تعیدانستم که جوان  
 مینمایم یا من بخاطر نبودن مک سنت  
 مرا بزرگتر تصور میکرد ، اندیشه کردم که با  
 ایزاد بیوت بزرگتر معلوم میشوم ، تبسم  
 هنوز بر این روشن نبود ، مگر وقتی که  
 لباس ها را پوشیدم و میکاژ کردم ، نا-  
 گهان معلوم گردید که چه نوع تپین  
 دارم ، ناظا هر شدن بیورود سیتیز  
 تپ من در ز هنم جان گرفت و مکمل شد ؛  
 همینکه در بر اینست قرار گرفتم با  
 تپیم کاملاً ساینز کرده بودم ، در -  
 بر اینست به جت و خیز و قدم زدن -  
 برداخته و صایم را حرکت میدادم ،  
 در ز هنم حرکات کهدی و شوخی  
 های نهادی شکل میگرفت .  
 بقیه در صفحه ( ۱۴ )



تعیین کننده صادق

# حکایت

# قالت



مادر سراسیمه میدود تا فرزندانش را نجات دهد

## چگونه در برابر چشمان مادری پسرش را به قتل رسانیدند

### این حادثه چگونه اتفاق افتاد؟

مادر هر لحظه به پسر جوانش می‌اندیشید که نخل جوان قامت او چه بیهر همانه بین چشمانش از بیخ قطع شده و بزمین غلتید. مادر در خوابهایش، در بیداری اش، در اندیشه اش و در خیالش فقط او را می‌دید که بین چشمانش بخود می‌پیچید و هوا را چنگ میزد، دست و پیا میزد و بعد رفته رفته سست میشد و دراز به دراز بجای می‌انداخت. آنوقت مادر سراسیمه و نسا آرام فریاد میزد و اندوهی بزرگ بر قلبش می‌نشست.

تقسیم دیواری ۱۱ حصوت سال ۶۶ رانشان میداد، عقربه های ساعت از عدد ۷ گذشته بود. نسا هنوز رنگ شیرین داشت که مردم کارته نوسراسیمه رو - حشترده با نیرهای پیچ گلگله های که از دهانه تنگچه بی که پانگشتان یک جوان عاصی و قهر آلود فشرده شد از خانه هایشان به بیرون ریختند.

یکسال ازین حادثه المناک گذشته بود که زن سنی انگشت به دروازه د فتر کوبید و اجازة ورود خواست و آنوقت بدون مقدمه گفت: (( قاتل پسر مرا محکم به اعدام کردند، آمده ام تا از شما بخواهم که این قضیه را در مجله تان بنویسید، و آنوقت به تلخی گریست، و بعد از سکوت کوتاهی به صحبت خود ادامه

داد: در سال ۶۶ راضیه دختر را که کارمند وزارت مالیه است با نعمت الهه نامزد کردم هفتوز سه ماه از نامزدی آنها نگذشته بود که بین آنها مخالفت آغاز گردید، یکبار بتاریخ ۵ نور دختر را در محل و خیفه اش لت و کوب کرد. بعد او را از موهایش گرفته به دفتر کارمن آورد و گفت: (( بگیر دخترت را، چله سرا پس بده)) در جوابش گفت: معامله مادر خانه بوده من و تو در خانه گپ میزنیم.

بعد بتاریخ ۱۸ نور سلامت ۲۱ بعد از ظهر خانه ما آمد میخواست دختر را سینما ببرد ولی راضیه که همان لحظه از رختشویی خلاص شده بود نمیخواست سینما برود. وقتی شوهرم داخله کرد، نعمت الله بالای شوهرم تنگچه کشید مرمی که از تنگچه او خارج شد به ستون سقف - انه فرو رفت که مو ظفین حوزة ۸ امنیتی هم از

موسم آگاهی دارند، در آنروز هم بدختم گفت: (( چله مرا پس بده)) دختر در جواب گفت: من دختر افغان استم اگر چله را دادم پس نمیگیم. دختر به اندازه آخر توهین و تحقیر شده بود بخصوص وقتی پدر من او پیش چشمانش تعدید شد نتوانست تحمل کند لذا نامزدی خود را با اوفسخ کرد.

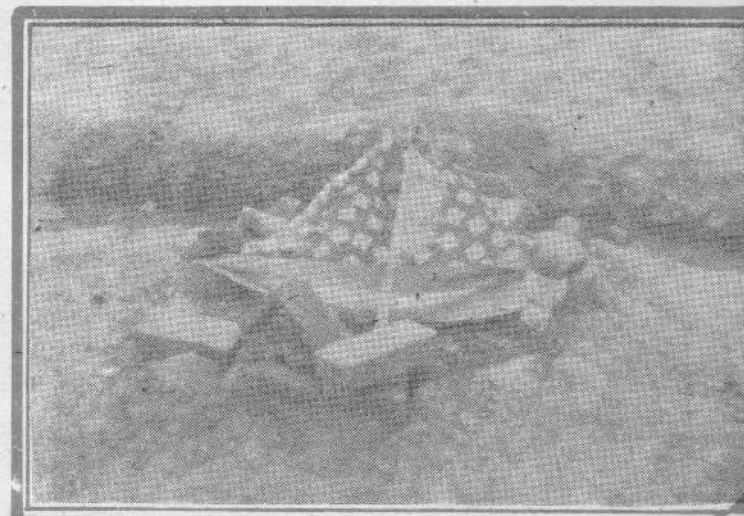
با وجود آنکه دختر نامزدی خود را با اوفسخ کرده بود بتاریخ ۲۵ اسد وقتی از وظیفه بخانه می آمد باردیگر در نزد یکی خانه او را تعدید کرد و پالایش چاقو کشید که با مداخله مردم و کوچگی ها دختر بخانه آمد.

- آیا آندو قبل از نامزدی همدیگر را میشناختند؟  
- نه شناخت قبلی بیین آنها وجود نداشت شوهر دختر کلانم با شوهر خواهر نعمت الله دوست بود و این وصلت به مشوره آنها صورت گرفت، نعمت الله

دختر دیگری را در نظر داشت که باید با او نامزد میشد و لسی فامیلش رعایت نداشتند. وقتی با دختر من نامزد شده دختر همه ما زیاد خاطر او را میخواستیم اما او از همان نخستین روزهای نامزدی با دختر سر ناسازگاری را گذاشت، و هرگز نظر دختر و خاطر دختر را نمیخواست.

بقیه در صفحه (۸۷)

## مرگ منتظر قاتل است



یاد بود مرگ جاوید در کوچه منزل شان



خواهر جاوید نیز درین حادثه زخمی بود



# دیوارهای ۵۰۰ ساله کرملین

تیمارستان

کرملین اهمیت و مفهوم این کار در چیست ؟  
 دیکی از انسانه های باستانی در باره آفرینش که تا به نهم آن معلوم نیست با رجوع به امپروسه پیشگویی نموده بود که درین مثل شهر بزرگی ایجاد میگردد یک قلعه مثل امار خواهد شد (سلطنت سه بعدی).  
 و درین شهر اهالی بیشتر از قبایلی مختلف گرد هم جمع میشوند و واقعا دیوارهای کرملین همانا به شکل مثلث متساوی الاضلاع ساخته شده است.  
 الساق خط دومی استحکاماتی کرملین با دیوارهای کرملین یک مثلث بزرگ دیگری را تشکیل داد که شامل میدان اساسی پایتخت - میدان سرخ - میباشد.  
 کلیسای ترویتس که رود و مرکز هندس تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) در میدان سرخ گردید (که امروزه نام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیان است) معروف است که در اواسط قرن شانزدهم توسط ایوان کروتنوف - بنیادگذار تاجران از پیروزی - برخانی قزاق ها ساخته شد (قرن شانزدهم و شانزدهم).  
 صبر و وسعت سهیل استحکاماتی سرحدات دولت جوان مسکو و روابط وسیع تجارتی بیرون آمدن اودر صحنه سیاست جهانی مانند دول بزرگ اروپایی میباشد.  
 در زمان ایوان سوم جهت دفاع از حملات اجانب قلعه های یکی بی دیگری مانند قلعه نوگورد ایوان - گورد، کولونو و غیره احداث گردید.  
 در آن زمان مکتب شهر سازی روس ها به اوج بیشتر خود رسیده اما با آنهم جهت اعمار دیوارهای پایتخت روسیه معماران ایتالیایی دعوت گردیدند.  
 بقیه در صفحه (۸۶)

جهان را آغاز نمودند.  
 بیانه عظیم کارها، اعمار برج های اساسی دیوارها و کلیسای کرملین که در مدت زمان ده سال توسط ایوان سوم انجام یافت، حتی امروز موجب شگفتی جهانیان میباشد. چنین ساختمان بزرگ را در آن زمان حتی اروپای غربی هم نمیدانست. در نظر اروپاییان کرملین سمبول نیرومند دولت مسکو محسوب میگردد.  
 اعمار استحکامات کرملین به ترتیب معین صورت گرفت. در محلات نامحفوظ دفاعی در قدم اول برج ها و بعد دیوارهای بین برج ها را اعمار نمودند.  
 اولتر از همه برج (تائیسیتکا یا) اعمار گردید.  
 تحت برج مذکور چاهی را حفر نمودند و در آنجا یک راه مخفی به رودخانه مسکو متصل میگشت تا در مواقع محاصره کرملین از راه آب اکمال کرد. بنا برین برج بدین نام (تائیسیتکه یا) مسمی گردید.  
 در اوایل قرن شانزدهم در اطراف کرملین شروع به اعمار دیوارهای جدید نمودند. در سال (۱۵۳۸ م) تحت رهبری معتمد سراتالووی (پتروک) دیوار دومی مسکو اعمار گردید. قسمت اعظم این دیوارها در دهه ۳۰ قرن حاضر تخریب گردید.  
 در سال (۱۵۸۵ م) دیوارهای شهر سفید (که در آخر سده هژدهم جای آنرا حلقه خیابان سرسبز عوض کرد) اعمار گردید. این یک امیل مقبول مسکو بود که توسط معمار روسی (نیویرکون) ساخته شد و در سال ۱۵۹۲ در مدت زمان ششماه بزرگترین دیوارهای شهر در جهان - دیوارهای یانزده کیلو - متری جویی که در محل آن بین قرون (هژدهم - نوزدهم) باغ حلقوی مسکو ایجاد گردید.  
 دیوارهای جدید یکجا با قلعه در قرون یانزدهم تا سیمیل واحدی را تشکیل داد. بدین صورت در زمان چیزی بیشتر از ده سال استحکامات نهایی مرکز روسیه اعمار شده اساسا - دیوارهای -

دیوارهای کرملین، در واقعیت امر، به یک مخطط معمولی گنجه معنوی آثار هنری استادان بزرگ مبدل گردیده است. از همین نگاه است که سالانه مشهوران رشته های گوناگون هنر، شعرا و مسلمانان پیشانی پروانه وار بدوران گردی آیند و از تماشاای آن حظ وافری برند.  
**دیوارهای کرملین مسکو ۵۰۰ سال عمر دارد**  
 دیوارهای کاخ کرملین که ۵۰۰ سال عمر دارد معمول دولت روسیه گردیده است. در مثل کرملین روزگاری جنگل انبوه قرار داشت که نام مثل - تپه پرویتسکی از آنجا گرفته شده است. در سال (۱۱۴۷ م) امپروسه (پوری دولگه روکی) درین تپه در کنار رودخانه مسکو اساس شهر را گذاشت. اعمار شهر در آن زمان معنای ساختن قلعه را داشت. معلومات کسی در باره دیوارهای باستانی مسکو حفظ گردیده است. نخستین استحکامات چوبی که در سال (۱۱۵۶ میلادی) ساخته شده بود. طبق معلومات در اشر حجلات تاتارها طعمه حقیق گردیده و این دیوارها با زحمت بیشتر تجدید ساختمان گردیدند و در زمان امپروسه (ایوان کالیستی) در آغاز قرن (XIV) چهاردهم در مدت پنج ماه به استحکامات دیگر قدری قوی تر از آن تعویض گردیدند. اما معمارانم بیشتر از ۵۰ سال طول نکشید. در نیمه دوم قرن چهاردهم (روس دیمتری دویتسکی) تصمیم گرفت تا استحکامات جدید سنگی اعمار نماید.  
 در قرن XV یانزدهم تحت رهبری شخص امپروس بزرگ روسیه ایوان سوم و معماران ایتالیایی (انتسون فنانین، مارکو روجو، پیوتره انتونیوسولاری، الیگز فنانین، میلانتس) به همکاری استادان مسکو سنگ کاری روس ساختمان یکی از بزرگترین بناهای

امعار گردید. این دیوارهای دو کیلومتری، با در نظر - دایت شکل اراضی منطقه، شکل خط منکسور داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند. - دیوارهای اولی کرملین، بصورت کل، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت. در سال ۱۵۳۸ دیوار های دومی آن، بدور دیوارهای اولی پاثلت اولی، که میدان سرخ را احاطه نمود، ساخته شد. قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید. در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سهیل مشرف شد. در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهر جهان، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده بدست ساختمان سپرده شده که در سده های ۱۹ و ۱۸ بجای آن باغ حلقوی مسکو عرض وجود نمود. کلیسای ترویتسکی که رود، مرکز هندس تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیان مشهور است، در میدان سرخ جلب توجه میکند.  
 بدین صورت، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکمال رسید. برجها و دیوارهای کرملین از سخت های خوب تشکیل شده سرخ ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد. معموره چلیپا مانند ازین و آهن ساخته شده که معلا دیوارها را محفوظ نگه داشته است.  
 اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتی سوزی ها، نبرهای تپ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنا بر آن بناهای بزرگی ندیده است. در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است.

کاخ کرملین، که یکی از بزرگترین بناهای دولتی تا به نهمی شمار مرود و وجهات شگفتی تماشاگران را فراهم می آرد، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امپروسه روسیه، ایوان سوم، بدست معماران روس و بدستباری استادان سنگ کار روس اعمار گردید. به این کاخ عظیم بنظر اروپاییان به نظر معمول عظمت و نیرومندی دولت روس نگاه میکنند.  
 انگیزه اعمار کرملین را احداث شهر مسکو تشکیل میدهد که در سال ۱۱۴۷ میلادی توسط امپروسه پوری دولگه روکی، پالان تپه کنار رود مسکو صورت میپذیرد چه در آن روزگاران اعمار شهر معنی ساختن قلعه را داشت و کرملین قلعه بی بود که جهت همه شهر مسکو بنا کناری شد. از آن زمان به بعد شاهان روس، یکی بی دیگری، به منظور دفاع شهر از بیوش های بیگانگان، به ساختن و تکمیل و تجدید استحکامات شهر پرداختند.  
 کاخ کرملین مثلثی از برجها، دیوارها و کلیسای های است که در دوره های شاهان مختلف، مخصوصا دوره ایوان سوم، ساخته شده است. در گام نخست بدور قلعه ابتدایی، مخصوصا در قسمت های غیر مسکن، به اعمار برجها توجه مبدول گردید. این برجها، که تعدادشان به بیست رسید، هر کدام سیمای معتمدس و نام مخفی بخیرود دارد. نخستین برج طوری ساخته شد که تحت آن چاه عمیقی حفر گردیده بود. این چاه انیسک راه مخفی یا رودخانه ارتباط داشت تا کرملین در صورت محاصره از همین سبب به ماینیتکه به معنی گردید.  
 بعد ها، در اوایل سده شانزدهم، در فاصله های بین برجها، دیوارهای محافظتی بدور کرملین

امعار گردید. این دیوارهای دو کیلومتری، با در نظر - دایت شکل اراضی منطقه، شکل خط منکسور داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند. - دیوارهای اولی کرملین، بصورت کل، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت. در سال ۱۵۳۸ دیوار های دومی آن، بدور دیوارهای اولی پاثلت اولی، که میدان سرخ را احاطه نمود، ساخته شد. قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید. در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سهیل مشرف شد. در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهر جهان، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده بدست ساختمان سپرده شده که در سده های ۱۹ و ۱۸ بجای آن باغ حلقوی مسکو عرض وجود نمود. کلیسای ترویتسکی که رود، مرکز هندس تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیان مشهور است، در میدان سرخ جلب توجه میکند.  
 بدین صورت، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکمال رسید. برجها و دیوارهای کرملین از سخت های خوب تشکیل شده سرخ ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد. معموره چلیپا مانند ازین و آهن ساخته شده که معلا دیوارها را محفوظ نگه داشته است.  
 اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتی سوزی ها، نبرهای تپ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنا بر آن بناهای بزرگی ندیده است. در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است.

بنایهای تاریکترین دیوارهای کرملین در سده های ۱۵ و ۱۶ میلادی ساخته شده است.

# فروشنده‌های سبزه‌ها در انگلستان

## فروشگاه آناه‌ها در هندوستان بزرگترین فروشگاه جهان

سخت اعتماد دارند \* متخصصان کارآموده هر هفت  
دیارتنت فروشگاه به منظور جستجوی اشیای گران  
بها و نادیده هر گوشه و کجایند نیاسفر میکنند \* با  
علاقه‌مندان و گردانندگان آثار به داد و ستد میزند ازند  
و در حراج‌ها اشتراک میوزند \*

انتونی سبزه ۴۹ ساله \* امر دیارتنت  
نقاشی \* همین تماشای سالون فروشات اکتفورد به  
اثری بنام منظره انبار صحرایی عهد ویکتوریا \* که  
به صورت رنگه آبی کار شده است \* برخورد به آن -  
چنان علاقه‌مند شد که به همکاری و وظیفه داد تا در  
حراج آن شرکت جوید \* این اثر هنرمندی گمنام از طریق  
مزایده به قیمت (۶۰۰۰) پوند به سبزه تعلق  
گرفت \* چه سبزه حد سرزده بود که این اثر از -  
نایفه رویایی قرن نوزدهم سامویل بالمر است \* بعد  
ها آنرا به ۴۰۰۰۰ پوند به فروش رسانید \*

انتونی گاردنر \* مسوول آثار هنری جنوب شرق  
آسیا \* ضمن دیدار از توکیو یک اثر برونزی با ارزش  
تاریخی را با آنکه خیلی خورده هم شده بود خرید  
و ترسیم نمود \*

بعد ها معلوم شد که برونز منجوسری \* یکی از مر -  
یدان بود \* از موزیم میانماتی بنگله دیش آمد \*  
است \* اومیگوید \* (احتمالا این برونز رزمیان  
حک هند و پاکستان به سرقت برده شده باشد \* صا  
کاملا آماده ام آنرا بازگردانیم مشروط بر اینکه مقدمات  
بنگله دیش تعهد بمانند که آنرا در موزیم ایالتس  
بدون امنیت نگذارند ((

با امانده \* مجدد برونز \* سبزه مبلغ (۵۰۰۰۰)  
پوند قیمت بازار را از دست داد و این گذشتی است که  
گاردنر آنرا چنین توضیح میدهد \* (( آنچه را که ما  
انجام میدهم عبارتست از حفظ آثار برای نسلهای  
آینده است ))

در حمله آثار افغانی مجسمه‌هایی از گند ها را  
که از نظر مضمون بودایی و از لحاظ شکل یونانی بود \*  
و میراث فتوحات قرن سوم قبل المیلاد سکندر کبیر  
بشمار میروند \* نیز در این فروشگاه وجود دارد \*  
گاردنر میگوید که تا این اواخر آثار هندی و مناطقی

سلطان در تدارک هدیه بی به ملکه  
انگلستان از جواهر فروشی سبزه و سران واقع در  
لندن \* که (۳۰۰) سال قدمت دارد \* استمداد  
جست \* شرکت در ظرف یکماه ستاره طلایی و گلوند  
جواهرنشانی ساخته و را اختیار شد گداشت \*

این شرکت برای بیش از (۷۰) کشور جهان و  
همچنان برای ملکه \* شعزاده فلیپ و شعزاده ویلز  
مدال ها و زیورات طرح و ساخته است که همین امر  
موجب شهرت جهانی آن گردیده است \*

این فروشگاه به عنوان مخزن آثار هنرهای زیبا  
سالانه بیش از (۳۰) میلیون پوند ستارنگه داد و ستد  
دارد \* هرگاه بهترین را میخواستید \* همینجا است  
گزانبهاترین آثار در همینجا است \*

تلفورد شوت \* امرا در این فروشگاه اظهار  
داشت \* (این فروشگاه در سطح جهانی جالب  
ترین نوع خود است.))

نمایشگاه‌های سه منزله و گالری‌های آن از -  
مجسمه‌های شرقی \* منسوجات \* نقره \* باب \* نقاشی -  
ها \* جنی \* باب \* مسکوکات \* کتب \* مدال \* و تعداد  
زیادی از اشیاء و احضار برانگیزند و جالب آنگند \*  
است \* جالبترین بخش آن قسمت آثار چینایی و جا -  
بانی است که یکجا با دیگر بخش‌های شرقی منبع  
ثروت درآمد شرکت را میسازد \* اجناس ترتیبی  
از قبیل عاج \* برونز و جنی باب چنان با نظم و شکوه  
خاصی در آنجا چیده شده است که کویلا خان  
میتوانست آنرا به شرکت و خویش در خاناد و انتقال  
دهد \*

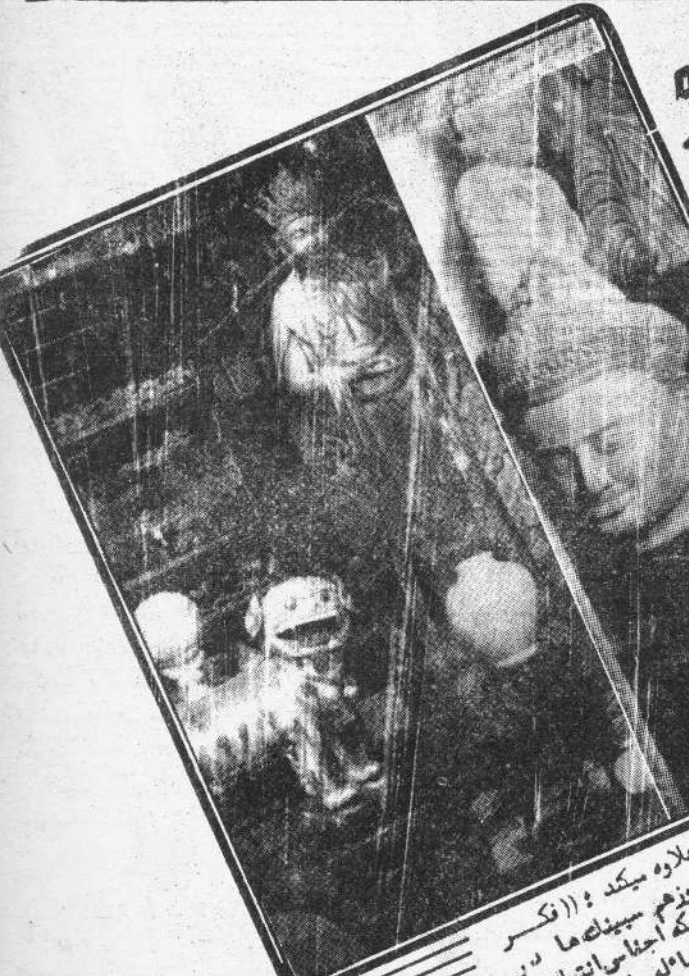
فروشگاه در این اواخر قار شده است که ۴۰۰۰  
لباس کلاسیک شبانه را که مربوط به سال ۱۹۵۰ -  
است و روی آن شلنگ نقره‌ای که منقوش با جعره ملکه  
سکات میباشد \* در برابر ۵۰۰۰ پوند به دست آمد \*

داشتن همجو اجناس در لکتر توجه علاقه‌مندان  
ماورای ابحار را بخود جلب نموده است \* یک امریکایی  
سخت علاقه‌مند است تا در برابر دست‌آوری مجسمه  
های سنگی هندی هر چه بیشتر پول مصرف کند \*  
مشتریان خصوصی و موزیم‌ها به فروشگاه سبزه

# مغازه های لندن



میکایل سپینک، ۳۱ ساله، کارشناس ماهر هنر های اسلامی گفت: ((حتی در دوره مقدساتی مکتب می دانستم که به شرکت می پیوندم)) هنگامیکه نامبرده از رشته تاریخ و تاریخ هنر در کالج فنان تحصیل کردید از طرف صوفا پیش در امرتجا



رئی شرکت پذیرفته شد. او علاوه میکند: ((فکر میکنم خوش استند از اینکه تا هنوز هم سپینک ها در شرکت وجود دارند. برای آنانیکه اجناس انتیکه را جمع آوری میکنند، شاید این مسأله پیکار رشته ارتباطی دیگری باشد که ما باشد.))

جنوب شرق آسیا کمتر بوده و ناچیز شمرده شده است. ولی از آنجاییکه این آخرین تمدن بزرگ بشری است چیزهای زیادی را میتوان از آن گردآوری کرد. قیمت تثبیت شده هر پارچه آن تاکنون در حدود چارمیلیون دالر بوده که با این پول به مشکل میتوان نرسید. از رینویرا خرید، هنوز هم بزرگترین آثار این مناطق را میتوان در بدل (۵۰۰۰۰) بوند بدست آورد.

دیپارتمنت نقره می که موند لیرد کلاویز مسولیت انرا به عهده دارد، برای من نیست به تازه می رونق پیدا کرده است، خریداران در جستجوی متاع خوب اند و داد و ستد نقره باب ناد بازار خوبی کسب نموده است. بیاله می مربوط به الهیزابت که ده سال قبل مبلغ ۱۰۰۰۰ بوند ارزش داشت، اکنون بهای آن به بیش از ۱۰۰۰۰۰ بوند رسیده است.

در حال حاضر، کلاویز لندن را به مثابه مهمترین بازار نقره میشناسند. در این تازه گی ها، مالک یگانه یادگار بیروزی مسابقه اسپ دو انی چیز دو م یعنی قاب باستینگ ستون در سال ۱۶۸۸ از طرفی کلان نقره پی که به سیک جینایی ترین یافته میخواست انرا به فروش برساند، این شخص به فروشگاه سپینک مراجعه کرد و آنها مشتری اروپایی را پیدا کردند که حاضر شد مبلغ (۲۵۰۰۰۰) بوند در برابر آن بپردازد.

باتا، سینر دیپارتمنت مسکوکات در سال ۱۸۲۰ - سپینک نخستین قدمی را برداشت تا حیثیت یکی از بزرگترین معامله گران هنرهای زیبا را در جهان کامی کند. در حال حاضر باتریک فینن مسولیت این

دیپارتمنت را بعهده دارد، نامبرده یاد آور میشود که مسکوکات کلاسیک روسی و یونانی از جمله مسکوکاتی است که در سطح جهانی طرفداران و علاقمندان زیادی دارند ولی معامله گران برتانیوی مسکوکاتی را که در انگلستان ضرب زده شده اند ترجیح میدهند. زمانی انگلستان بیش از (۷۰) صرا - بخانه انگلوساکسون ونورمان را دارا بود و بعضی از علاقمندان تا که میتوانستند سکه جمع آوری کرده اند. برخی دیگر صرف سکه های طلا یا سکه های بزرگ پنج شلنگی را جمع آوری کرده اند، در این تازه گی ها، سپینک، سکه پنج شلنگی گوتیک عهد ویکتوریا را به مبلغ ۱۲۴۰۰۰ بوند بمزاید گذاشت و ریکارد جهانی را قایل کرد.

معامله داران شرکت شامل کسانی همی شوند که مایلند اشیای خود را به فروش برسانند چنانچه زنی در باغچه شهری تازه بیل زده شده سکه کوچکی را دریافت، فینن با تشخیص اینکه این سکه یکی از سکه های اولی انگلوساکسون دوران شاه (اوسا) در قرن هشتم است آنرا به مبلغ ۳۰۰۰ بوند خرید و وانزن خوش شد. بقیه در صفحه (۸۹)



# زندگی استعساله کی

از سلسله کشت زار سوخته

تعبه کننده صباح الدین رهش

اوراد یکی از شعبات جنایی خازند وی میباید . شوهرش به جرعت  
اعتیاد و فروش هیرویین در اینجا توقیف است .  
نگاه های وحشی و روسپیانه دارد . به خنده های بی معنی و -  
لحن بی ادبانه عادت کرده . بیان عربان دارد و شیطان از گشته  
هایش نمیشود . به مشکل موفق میشوم که قصه اش را از خود نریشتم ،  
میگوید : (( ما قصه میکم به شرطیکه تو او را چاپ کنی که کل دنیا  
غم مریه بفانم و فغانم که چی دل کلانی دارم و دگر مریه ملامت نکن و  
نگوین که مریه به دل خودم زن هر جایی شدم و ... ))  
قبول میکم و او با زسان خود قصه میکند و من با زبان خود می  
نویسم :

\*\*\*

شاید در آن زمان نمیدانستم که چه سرنوشت شومی - آنگاه  
باشم وی عفتی انتظام را خواهد داشت ، هنوز سالهای ده هم  
عمر بود که درد مرگ مادر مانند هر طفل بی مادری رخنه سوزند می  
در من پدید آورد ، فضای هرات زمین ( زادگاهم ) برایم تنگ شد  
بود - همیشه بیاد مادرم میگیرم ، بیاد مادرم که مرا ( گل بی بی )  
خطاب میکرد ، گلی که بر پرشند - گلپیکه یارای ایستاده می در برابر  
نسم صبح نداشت - در تلاطم یک توفان از سرزمین برکه ها و لجن -  
زارها در میافتد . مدت کوتاهی از مرگ مادرم میگذرد که پدرم به  
فکر همسر دیگری میافتد و اما هیچکس حاضر نیست تا با مرد کلان سن  
که پدر یک دختر هم است ازدواج کند و سرانجام خانواده بی از قضا  
مردمان عیش و هوس حاضر میشود تا دخترشان را به عقد نکاح پدرم در -  
بیارند ، به آن شرط که من باید الی رسیدن به سن بلوغ و قانونی پانزده  
پسر جوان آن فامیل گردم و ایام نامزدی را به خدمت در آن خانسه  
گماشته شوم ، آنها در شعر کابل زنده می میکنند و بعد از آنکه پدرم  
شرط را میدهد ، من به کابل انتقال داده میشوم - حالا دیگر برایم  
جزیاد های از مادر به ارمان نرسیده ام ، چیزی وجود نداشت ، او مرد  
و مرا با کوله باری از اندوه و آشک - تنهایی و بی خانه گی در این دنیای  
بزرگ برای گریستن و کوچک برای شاد خندیدن ، تنها گذاشت - من  
طفل بودم - شاید هنوز از راست و چپ چیزی نمیدانستم - هم  
خانه هام همه مردمانی بودند که تازه با آنها آشنا شده بودم ، -  
تازه دشناهایشان گاهگاهی گوشم را نواز میداد - من تا حال  
از سکوی بلندی دست و پا زانان برتاب شده بودم - هنوز به زمین  
بخورده بودم - شاید در نهایت نفسهای تنگ ، در یک شب سیاهتر  
از هر سیاهی به زمین خوردم و دره - دره چون فریاد هایم با شنیدم .  
آنشب در دست شپش بود که ننگه های از آغاز مرگم بر صفحه زنده گی ام  
نقشه شد . من آنشب مردم و تا حال بر طومار آن مرگ رنج زنده گی  
دور از عفت رامیسم - آنشب نامزد جوانی می بروم مانند چند یسن

شب دیگر به بستر آمد - به بستر دختر دوازده ساله ای که از کسالت  
کار بام تا شام میخواست آرام گیرد - من از بوسه هاود ست بازی -  
هایش جز آزار چیزی دیگری رانمیافتم - شب مرگم به نیمه اشرنرسیده  
بود که با چینی خود را غرق دیدم ، و من آنشب چرکین مردن را فرا  
گرفتم - دیگر دختر باکره بی نبودم - من دیگر ( گل بی بی ) مادر  
نه - زن دوازده ساله بی بودم .  
و شبهای سیاه یکی بی دیگری مانند لحظات آنگاه از توهین و ظلم  
بر من گذشتند - در سیزدهمین سال عمر آنقدر خود رانانتهوان  
فزون یافتم که ناگزیر از خانه وهم خانه ها فرار کردم .  
فرار - این بزرگترین دروغ - این بی بنای ترین واژه در انبوهی  
از آدمها و آدم نماها چه کنی میتوانست به من انجام دهد ؟ به خاطر  
دارم که راهروهای کارسرت کارت ، سه کابل را با گریه و فریاد به  
استقبال یک شام بی مکان میشتافتم - چشمهایم من میدیدند و شاید  
تنها برای همان لحظه تا صبح به حال میگردند .  
در حالیکه سخت میگریستم بی زنی با مهرانی دست به سرم کشیدو  
چنانیکه باید به گریه طفل سیزده ساله بی ارزش داده شود ، دلیل  
نا راحتی ام را بر رسیدن آنها همینقدر گفتم که در خانه فامیلم برایم  
حای زنده گی نیست و پدر و مادر ندانم - خانم بیو مرا به خانه خود  
دعوت کرد و گفت میتوانم دخترش باشم . زن سیزده ساله بییکه سرگردان  
یک سرنوشت شوم در کوچه های شهر نادیده بی بود ، زیاد از این  
تعارف چه میتوانست بخواهد ؟ چه میتوانست از روز کند ؟ و من بدون  
هیچ پرسشی پذیرفته در حالیکه دست بی زنی رادریین موهسای  
چرک لمس میکردم و لطف غرض آلودی را احساس میکردم ، راهی منزلش  
شدم ، در خانه محقر بی زنی یک پسر جوانش نیز با او زنده گی میکرد که  
از همسرش جدا شده بود و در یکی از اولین شبهای زنده گی در ایسن  
خانه محکم به پذیرایی وهم آشپزی او گردیدم - ناگزیر به اطاعت بودم  
بخصوص حالا که از کیف بردن نیز کم بهره داشتم زنده گی در این  
خانه نیز عمر کوتاهی داشت هنوز کسالت از زنده گی ام در این خانه  
نگذشته بود که یکروز همیستم گفت : (( کالایته جمع کوکه تریه به جایی  
میسوم )) و من نمیدانستم که کجا و به چه مقصدی میرم ، صبح وقت  
سوار سرویس سفری شده بازم قند ها گردیدم . رفتن از شهری به  
شهری حالا دیگر برایم مفهم نداشت چه من از خود نبودم - شاید  
اگر صاحبان نمیخواستند به زنده گی کردن نیز اجازه نمیدانستم .  
در قند ها مرید در یوریکه در انتقال مال تا جران از یک شهر به شهر  
دیگر کار میکرد ، مراد ریدل بول - بولیکه قیمت من بود و تا حال اندازم -  
انرا نمیدانم از نزد صاحب قبل ام خریدم . ( بخاطر آمدن بود که -  
زمانی پدرم مرفی را خریدم بود و از وی آریزان تا خانه آورده بود و من  
فکر میکردم که با پاسر قیمتش را خواهند دانست هرگز ) .  
من حالا دیگر یک زن نوجوانی بودم که کمتر میتوانستم از سرنوشت

آگاه باشم - در زمانیکه شاید سرنوشت  
راه نامش نمیدانستم ، زمانیکه خود را غشته  
به نجای میدیدم ، نمیدانستم که چسرا  
باید محکم به زنده گی شو و اینبار  
تقدیر مرا دوباره به کابل آورد -  
نمیدانستم که اینبار چگونه مصدر  
خدمت به ماحم خواهم شد ، وقتی  
به کابل در خانه بی انتقال داد ،  
فکر میکردم شاید در اینجا تنها  
یک مانت داشته باشم ، اما -  
دریغ که اینبار هر شب و یا چند  
شب بعد مالکهای موتقی را  
باید پذیرایی میکردم -  
باعین این آدم نماها  
خود را برایشان سرویس  
کتم ، در دستهای  
قهار و وحشی شان  
بلوتم و دره دره -  
وجود را ، وجود  
کوچک را برایشان  
تعارف نمایم  
صبح ها  
از کسالت  
شیله -  
بخوام

تعبه کننده صباح الدین رهش (۸۶)

سر  
گذشت  
یک  
زنده گی  
بر باد رفته

# ازهریسی



## پسر بچه ارمنی عملیات بسیار نادر را گذراند

وقتی زلزله فاجعه آورده شهر سیتاک ارمنستان را تکان داد، قارن- قاجاریان مانند هزاران طفل ارمنی دیگر در مکتب بود، مادر وی برای نجات پسر نه ساله خود به مکتب شتافت اما ساختمان زاپسک خاک توده یافتند. خوشبختانه قارن با عده معدودی زنده ماندند اما چشم چپ و دست راست خود را از دست داده بود. فقط عمل جراحی بسیار مغلو او را نجات داده می توانست. دکتران شوروی که بمباری زنده نگهداشتن مریضی های بسیار و خیم زحمت می کردند به پدر و مادر او توجه کردند طالب کمک از دکتران امریکایی شوند.

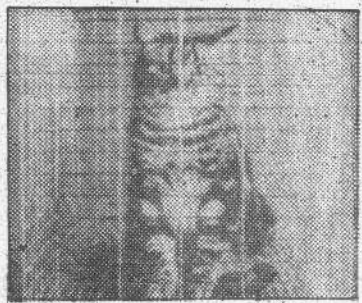
قارن و پدرش در اوایل فبروری به امریکا رفتند و از کمک هایی بهره مند شدند که به منظور مساعدت طبی به آسیب رسندگان زلزله ارمنستان تدارک دیده شده بود، قارن به شفاخانه اطفال در فلادلفیا در ایالت پنسلوانیا برده شد.

دکترول، وسترمان درین شفاخانه پس از معاینه پسر بچه گسست دوانگشت پای چپ قارن را به دست راست او پیوند می زدند. این عملیات که دوانگشت را از پای او بدر آورده و دست راستی بجه زدند چهارده ساعت را در بر گرفت، دکتر وسترمان یک ورید دست قارن را نیز باورید ساژ او تمهیز کرد.

وقتی عملیات بسر رسید، دکتر متوجه شده خون در بخش تازه پیوند حورده جریان ندارد و چندین ساعت دیگر برای جریان دادن خون صرف شد، این عملیات بسیار مغلو نیز مایکروسکوپ انجام شد و نتیجه آن قناعت بخش است.

قارن یکی از ۳۸ طفل ارمنی است که برای تداوی به ایالات متحده فرستاده شدند و با این احساس مصروف سیاستمداران از دکتران امریکایی به وطن بر میگردند که خوش هایش را به او باز گشاده اند.

## ازهرده پیشک اروپایی، یکی مصاب مرض ایدس است



دانشمندان آلمان غرب تخمین می کنند یکی ازهرده پیشک اروپایی یکی مصاب مرض است که شبیه ایدس میباشد. پیشک یا معمولاً این مرض را از حمله به یکدیگر میگیرند. ماهیان هارزینک بروفیسور هالندی میگوید تا چهل درصد پیشک ها در اروپا این مرض را با خود انتقال میدهند اما این مرض به انسان سرایت نمیکند. آزمایش روی انسانها به یک با چنین پیشک ها در تماس بوده اند ثابت میسازد که آنها دچار این مرض نشده اند.

## پولیس دریایی سگرت کشان

مقامات مانه لاد در مساحت عامه سگرت دود کردن را ممنوع کرده اند و ۲۰۰۰ پولیس فلیمین در تعقیب آنان گماشته شده اند که مقررات را نادره بگیرند، واکسیر چنین شخصی بدست پولیس یافتند از ۲۰۰ پوسوتا ۹ دالر جریمه داده روز زندان، چرا خواهند دید. طبق این مقررات هیچ شخص اجازه ندارد در سینماها، همها های شهری، رستوران ها، هتل ها، مکتب و دفاتر رسمی سگرت بکند و اما مخالفین این اقدامات داهیل میاورند به غیر بود مقامات مانه لاد اولتر گرتش موتوهای دیمزلسی مبنی بر ممنوع کردن سگرت های از دود غلیظ را به هوا بلند می کنند و آلودگی محیط را باری آورد.

## لیزتا یلورا با قانون گلا ویز شده

مایکل ویلکینگ جونیر، پسر لیزتا یلورا با اصرار به عدم بازگشت به سرش به انگلستان حکومت ایالات متحده را به چشم آورده است. از دست داد. سناتور جان ورنر، شوهر پیشین لیزتا، میخواست از مقررات مشخص مخدر گردید. بود خود که از قوانین سختگیرانه این حکومت، طبق قانون امریکا بیامون مهاجرت طافه رفته ایالات متحده، سبب می شود که است زاین امر منجر به ایحسان وی حق سکونت دائمی خود را در سرودهای در آن کشور گردید. آن کشور از دست دهد.

## بخطرات جلوگیری از قمعین کاری پدرش را کشت

در ایالت میسیسیپی آمریکا، متعلی پدرش را به قتل رسانید که میخواست او را نسبت اخسند نمرات خرابش تنبیه کند.

مسول بخش رکی بانکر میگوید: والدین این پسر خطرتنبلی واخذ نمرات پایین او را ملامت کردند و پدرش خواست او را با کمر بند ی لت و کوب کند، اما حاجی دانیل ۱۷ ساله پدر ۴ ساله اش را - پیش از توسل به قمعین کاری با ضرب گلوله از یاد آورد.

قاتل به انتظار محاکمه در زندان به سر می برد.



عادی نوعی نماید و در تداوی و تربیه این نوزادان مالک آن توجه جدی میدون داشته و تحت نظر داکتر جوانان تحت معالجه قرار دارند. سیتلوریتا بعد از دو سال نوزادان را بدنیآورد.

یکسک ایرلندی به اسم سیتلوریتا در اوایل بهار ۲ نوزاد را بدنیآورد که رحمت عمه نوزادان خوب میباشند. خوردترین نوزاد که وزن آن از عمه نوزادان کم است به نیامیباشد که بحالست

خانه‌چی ها

تهیه کننده حسن نیر

## آتش سوزی در ستدیوی تلویزیون میسور ۲۰ نفر را هلاک ساخت

حین فلمبرداری یک سریال تلویزیونی در شهر میسور هندسه آتش سوزی ۲۰ نفر را کشت و ۲۵ نفر را زخمی ساخت.

آتش سوزی در ستدیوی رخ داد که سنجی خان، هنریشهر دایرکتر سریال ۵۲ قسمتی ((شمسیر تپوسلطان)) را تهیه میکرد، علت حریق هنوز معلوم نشده و سنجی خان به نسبت حراحتیکه برداشته در بیمارستان بستری گردید. همکوران گفتند که خطری جدی زنده می آورا تعدید نمیکند.

قرار بود این سریال از ایرسل آیند و در تلویزیون هند به نمایش گذاشته شود. در این سریال سنجی نقش تپوسلطان، پادشاه انسانوی قرن ۱۸ را به عهد داشت.

# از هر کجا

## اکیهیت و سالیانه دو میلیون دالر

میگیرد



اکیهیتو، امیراتورجدید جاپان سالانه ۲۵۷ میلیون (معادل ۲ میلیون دالر آمریکایی) به عنوان معاش دریافت خواهد نمود. این درست همان مقدار پولی است که پدرش هیرومیتو بدست می آورد.

انژون بران، ۲۵ میلیارد (۲۰ میلیون دالر) دیگر هر سال به صیغه مصارف دربار به وی پرداخته میشود.

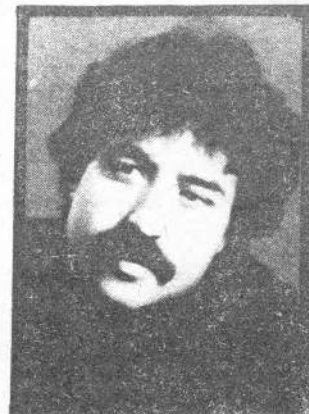
## سه حیوانات از خود حقوق دارند

اختلاف نظر درباره حقوق حیوانات نهاد است و سازمان و اشخاص اصلا ذهن زمینیه چیزی نهادند.

تعداد نهادی به این عهد اند که تجارب فراوان به شمول غیر انسانی روی حیوانات صورت میگردد که همواره در هر کجایا سحر های علمی بهمنصور بهبود زندگی بشر نیست. آنها به ضرورت رفع شرایط خرابی که این حیوانات نهادار میشوند و نیز قطع تجار و روی حیوانات مذکور تاکید دارند و میگویند همه حیوانات به نهاد این اصل ساده که زندگی بدون توجه به اینکه چگونه میگردد، زیبا و دلپسند است حقوقی دارند. بحث انسان این وظیفه ماست که زبان این بی زبانان و نگهبان این بیگانهان باشیم.

# از گپ های که ما خبر شدیم

## آیا معشر لاف زده نبود؟



دهد، که این حرف به اصطلاح به رنگ نیرت یک عده دیگران نوازنده گان خورد و بیرون بردند بالایی معشر در تلویزیون که چرا چنین گفته ای، معشر در و ساره در مباحث خود یاد رفتن جوانان گوت: حاج معشر سابقه بد هم و شرطی عم نام منو بر اینکجه اگر در مسابقه بره از من نبود بنجهد همراهم می خواهم، اگر با حق می بردن، کسرت مسابقه حاضر شد سرت را بید بود.

معشر سیم حاضر شد و گوت منتظر معشر واحد مسابقه نهدن من با برنده مسابقه، دست و پنجه نرم می کنم.

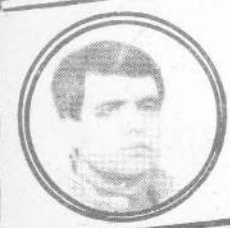
وقتی از معشر پرسیدم، حالا سخن از چه فرار است؟ گوت: گمشکو بیاد رشت ای گپ نگردد که بوی خون از من می آید و من ندانم آیا معشر به اصطلاح لاف زده بود؟ طرفش جلدی بود؟ و بالاخره معشر سیم کیست که به گپ خوب مردم ما قیود داده نشست تا بگوید که عیچکدام آن ستار نواز نیست جزمی! به عزمورت قبول معرب: باد شوه باران نسوه خدا مراد خوشه چین بته، و ما و ما هم که اگر ستار علاقه دارم یک مسابقه جالب دیدنم راتنا خواهم کرد.

## صد قسم برای یک بوجی آرد

نور سیاه سنگ منابیل نقلیهار دو نزد یک دکان لالا غفور بیروسیار عجیبی بود، مرد بچم پشت سر هم نس میخورد که خدا به قرآن به آسمان، به زمین یک بوجی آرد از ماه آبرو شخصی عم میگفت از برای خدا چرا تا حق نس میخورد، هر نس بوجی از آرد من که همین چند لحظه قبل از موتربایس کردم و از هزار نس با خسته آرد، ام میوام تارته نسوه منزلت بیس، زیرا موتریکه بوجی ها را آورد همینجانب خالص نمون، منتظرین، موتریکه بوجی قسم اما آن معشر نس و قرآن میخورد که (بالا سره کت) این بوجی از خودم است و توچار بوجی را به بخلوبین بایب کوردی، خلاصه به میانجیگی یک حاج موسفید ه آن معشر گفتند تو حاج موسفید دست را بالایی بران مجید بگا ریب و نس بخوری که این بوجی از دست! گوت بلی من حاضرم و چنین کرد. آن مرد بیچاره از بوجی آرد را در موتریک بوجی انداخته سویر کارت نورفت مردم از آن نفر دیگر پرسیدند ترا خدا راست میگوت که این بوجی از دست گوت: مادر من، خانم بنده و دختر او نیز در دستند ما هکی از چنین معشر را انجام داده بودند که در نتیجه موضوع مسئله اثری است پرسیدم آیا از خبر مبارک تان نرسیدید که ایاماد را این معشر را یکبار انجام داده یا چندین بار گوت: یا تا حد نرسیدم در دیدهار آینه، حتماً خوانم برسید و بالاخره تا آخرت ان اید بدید

# شما هم خبر شوید

تعبیه کننده: احمد غوث زلی



## حالا که پرسیدید پس بخوانید!

انیمه محسن بوهنخی و تزئین بوهنخون کابل:

س: برای مدت کوتاهی در نشرات تلویزیون تغییرات خوبی دیده آمد اما بعد از گذشت چند شب، دوباره نشرات مسیر قبلی خود را گرفت، یعنی اینکه اصلاح قابل دیدن نیست، چرا چنین شد؟

ج: میگردید، در جویبیکه آب رفته باز می رود!

س: چرا بعضی از هنرمندان موانع خواندن، چشمان خود را پت می گیرند یا به اصطلاح با چشمان پت می خوانند؟

ج: به خاطر اینکجه میخوانند جو سر خود را نبینند.

شادیه کارمند محلی یکی از شناخته ها:

س: آیا ساریان سخت خود را باز یافته، یا در ستر مریضی فرزند دارند؟

ج: ساریان به گفته شما کارمندان جی، شریان مغزی کفانده و تا س از سرت راست بدن فلج بوده در ایام شانس در ستر مریضی فرزند دارند محمد سرف از لیلان چغان، نود هائیلی خیرخانه مینه:

س: چرا بعضی از هنرمندان هنگام بستن در تلویزیون مسی لرزند؟

ج: آنان نمی لرزند، حتماً

شیشه تلویزیون شمالی است یا چشمانتان نقص پیدا کرده، حتماً به داکتر دندان مراجعه کنید.

گلای محسن ژوزنالی:

س: برنامه عزارو یک گپ تلویزیون که متواتر هر شب سسر میشد چه شد که یکی و یکبار نشراتش قطع شد؟

ج: این خود یک گپ از هزارو گپ است!

سیمین از مکروریان س:

س: خبر شدیم که سیمیا ترانه پنج انگشت سوخته چرا؟

ج: کسی گفته بود، سیمیا

جان ترانه علاوه از اینکه هنرمند خوب آواز است پنج انگشتش شش چراغ است، علت سوختن درین است.

فریده کارمند فروشگاه بزرگ افغان:

س: خبر شدیم که حاجی کامران بازم صاحب فرزند شد مبارک است، میخوایم بدانیم چند بچه و چند دختر دارد و چند ساله هستند و آیا بازم می خواهد فرزند داشته باشد؟

ج: حاجی کامران صاحب یازدهمین فرزند شد که دختر بقیه در صفحه (۸۸)

## اسد بدیع از طبابت دست می کشد



نور اسد از لیب و بابت کساره گیر کند.

وقتی این شایعه را جایی شنیدم، گفتم بی اسد بدیع چه کار خواهد کرد، کدام کسار بگیرم نمانده که سرفاس برود گفتند شاید به نوع خلق - الله تدا مرکز ترانسپورتی شهری را با استرات چندین تن از تجار ملی - این نماید و با ناید عم میوان اولیه ترس برزب معشریان را تعبیه نماید باران ترانس رزب هتوز برساند و یام کدام کسار نیب بگیر را دنبال نماید.

از زمان چند روز پیش ایران در همایز دای را بدیدید

تلویزیون دیدیم که جهت گرد اندگی برنامه سفینه رادیویی آمده بود، غمگانه موسیفات شایعاتی را که در مورد او شنیده بودم برای من فک کردم که بعد از شنیدن و تئین بسیار آرام و شمرده گوت: زلی جان همیشه این حرفها دروغ است تو باور نکن گوت من که باور نمی کنم خدا کند خوانندگان عزیز هم باور نکنند خدا بدید و گوت دست اختیار - اری و من برای نمعه ای کردم ازین فرار میگویند شخصی بود که فکر میکرد نامه گندم است، اورا دست تد اوی به اساینگاه می بردند و لکتور - ان مجرب روانی اورا تحت معاینه قرار دادند و زیاد زحمت کشیدند، رزب نکتور موسیفات اورا نزد خود خواست و گوت: بران رتو اگر نامه گندم نیستی، تویت سرود دستی یک مرد کاملاً عسادی و صحت مند از ناه لپابت، تو میتوانی عروس شو و با صاحب اولاد و نواسه شوی، تو میتوانی صاحب یک خوی باشی و سه مرد خدمت نمایی و بازیس جمله حرفها مرید یاد دت خا س خندان نه کتور اسید بد را خبر به وی گوت: تشکر داکتر صاحب من هم قهوس می کنم که من دیگر نامه گندم نیست اما خدا کند که موفنا نرس کند.

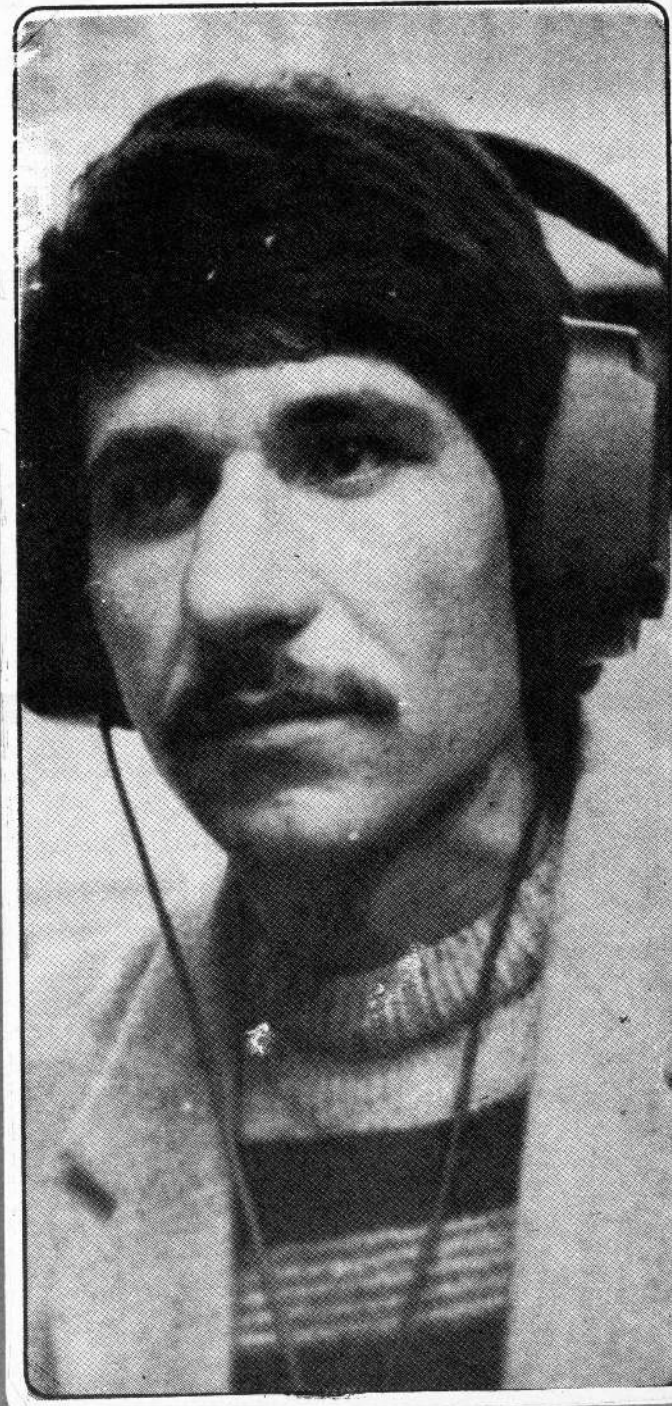
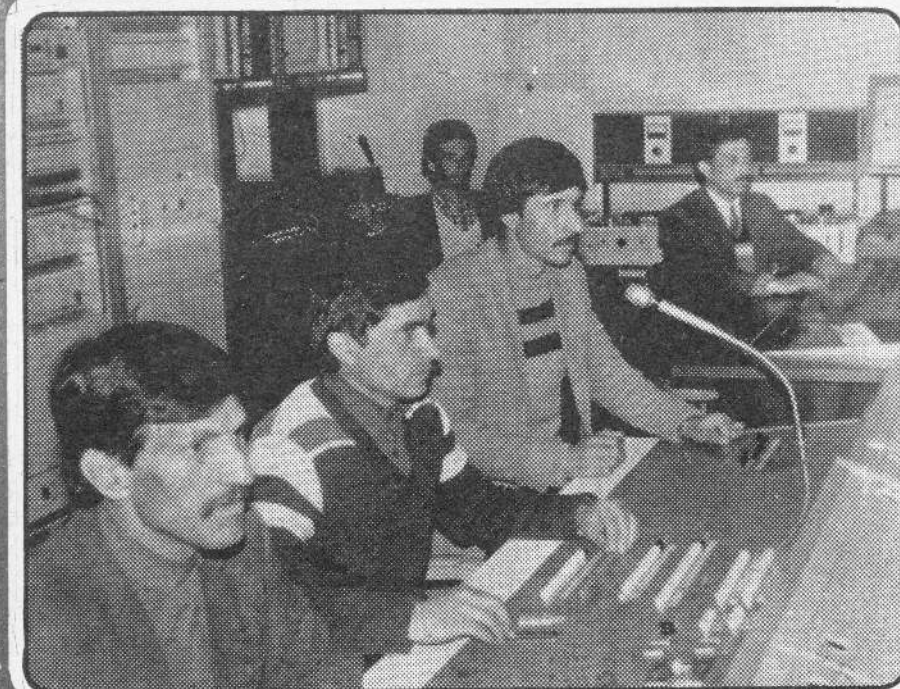


# مجله ناولوژی

مصاحبه از اسد بدیع

## سی از یک دهه

### گفتگوی بانجیب ساکب ژورنالیست نویسنده و دایرکتور مستعد که از هفت سال به این سو برنامه ناولوژی مجله را تهیه مینماید



بایک تابلوی نقاشی از تشریح های طبیعاتی - با الفقه در برنامه گنجانیده میشود تا از این رهگذر نیز در تظیف ذوق بیننده های خود سعی داشته باشیم، چنین برنامه بی طرف توجه و علاقمندی تشریحی از بینندگان تلویزیون هست، چون مجله تلویزیونی در جایگاه یک برنامه اختصاصی هنری - ادبی در سطح نسبتاً بلندی ارائه میگردد، بنا براین بیننده های برنامه نیز در برگیرنده تحصیل کرده کویا صنف یازدهم مکتب الی بالاترین - سطح دانشی است که البته هر بیننده بی با در نظر داشت اندازه آگاهی و علاقمندی خویش میتواند به نسبی با پرداختن های برنامه، موافق شود.

س - در سال جدید چگونه مجله بی راهبرای تلویزیون پیشین هستید و آیا حالا کدام کنی و کاستی در آن اساس میکند؟

ج - تصمیم داریم این ساله را با بیننده های مهربان برنامه ام درجهان بگذاریم، یعنی با راه اندازی یک همه پرسشی از طریق خود برنامه هفت اتوا در سال بقیه در صفحه (۱۱۰)

تان باشید، کدام بخشها را بیشتر می پسندید؟

برنامه مجله تلویزیونی یکی از برنامه های اختصاصی تلویزیون است که در سطح بلند هنری ادبی انتشاری باید طبعاً این برنامه بنا به ضرورتی ایجاد شده است و اهداف مشخصی را دنبال میکند، در گام نخست این برنامه با اشاعه بخش ایجاد مختلف هنرهای مختلف و جهان جنبه های فرهنگ کشورهای مختلف پردازد، مطالب مجله تلویزیونی آنکسوبه معرفی و تظیف هنری فهم کلی و عام آن به مثابه یک نیاز حسی عاطفی و روانی انسان - اتکا میکند و از جانی دیگر، به تحلیل و وارنهای خواص و جوانب قابل تامل آن، دستی یازد، تا بدینوسیله ضرورت وارزشمندی هر هنر را برای خود، با زتاب داده باشد، یکی از زمینه تین اهداف برنامه، پیش کشیدن موضوع ((پرویش هنری)) است آهنگهاییک در برنامه برگزیده میشود به همین هدف است، یعنی خویشتن آهنگ ها، در جایگاه یک اثر هنری - مستقل - مثل یک پارچه شعری

هنری اما با در نظر داشت محدودیت های فراوانی که در برابر خود داریم، در زمینه پرویش، صرفاً مستحق حکم فرموده ما من همکار و همراه است که لازم حدائقه از دست میدیم و حاصل ما در قاتله اش سپاسگزاران کم.

و اما در زمینه نوشتاری از سال سوم برنامه بدینگونه مسئولیت برنامه، کلا بدوش من گذاشته شده، علاوه بر نوشتن بخش های درسی، بنا بر موجد موجودیت نهیسنده، پشتو در اداره، سا نهیسنده بخشهای پشتوئی برنامه را نیز به شکل ناگهانی انجام میدهم.

در گذشته نهیسنده گان - دیگری چون شهره داء، زین انیسو، و اکبر کرگر (در بخش سخن هفته) منزه آسوده و اصف معروف نیز با من همکار بودند که اکنون صرف مستحق سرپرانی همواره برای هر برنامه ام یک مقاله خوب می نهد.

س - حقیقتی وجود دارد که یک مجله به روشهای مخصوصی به یک هرزه تشریحی خود، تشریح میکند، آیا مجله شما در کدام خط تشریحی رهسپار است؟ بیننده های برنامه، تان بیشتر بی - کسانی هستند و اگر شما بیننده مجله

۱۳۶۰ تاکنون یعنی مدت هفت سال است که پاتویه، نوشته و دایرکت برنامه، مجله تلویزیونی بارادیسو تلویزیون همکاری دارم کارمن در - تلویزیون، اساساً در دو جمعیت هرزه، شکل یافته است؛ کارگردانی برنامه ها و نهیسنده کسی متین هنری - ادبی.

در بخش دایرکت، علاوه بر مجله تلویزیونی، برنامه کتاب را نیز برنام ((برگها)) اساس نهادم که نهیسنده کی و کارگردانی اثراتینیه مدهه داشتیم، جدا از آن، دهها برنامه فوق العاده هنری - ادبی و نمایشهای تلویزیونی راتویه و دایرکت نموده ام، البته در حاشیه، از نوشته، سناریوی فلم داستانی ((سهند)) تیاتر تلویزیونی ((طلوع سانه ها)) بخشهایی از نخستین سهال تلویزیونی انقانی، چند داستان و شعر نیز میتوان یاد کرد.

س - کی هادرتویه برنامه، مجله تلویزیونی شما راهیگاری میکنند؟

ج - گرداننده گان برنامه، مجله تلویزیونی همانطوریکه اصول تهیه آن ایجاد میکند، با مسئولیت و مشکل مهود، آنکس بونیت و مسیح منحص در مضمون بخشهای فنو و

که راه، موسم ستدر دوید برتو شده، کارگردانی در همه آنها هست، بازاری ندارد، از اصطلاحات هرزه، این سلسله گرفته تا بسیاری دیگر از لازمه های فنو کار، کلا خلاصه - میشود به چند تکلیک و اصطلاحی (شاید درست و شاید هم نادرست) که از سوی برخی از کارگرداران - غیر مسلکی، تدوین شده است. اما، کارمن و سنی کارگری کهری از دایرکتوران تلویزیون، مبتنی است بر تجاریک حین کار و صلاحیت من آورد، اینجا اصول میزان - مؤقت یک کارگردان بستگی دارد به ابتکار، دید هنری و استعداد شخصی او، که در هر صورت و در همه جا، لازمه، اساس کارگردانی برنامه های تلویزیونی است.

س - تحصیل اصلی شما در کدام رشته است و چند سال است که بارادیسو تلویزیون همکاری دارید، کدام برنامه ها راتویه کرده اید (البته جدا از مجله تلویزیونی) و آیا با کدام ارگان دیگر نیز همکاری دارید؟

ج - من تراگری رشته ژورنالیزم را در سال ۱۳۵۸ در دانشگاه ادبیات و علوم بشری به پایان برنم و از سال

در تلویزیون، در ایلام داشته های نیم جان و پاتویه (روشن سازی هنری)، برنامه (مجله تلویزیونی) یگانه برنامه نفس کی و زنده، هنری ادبی است که صیقل معقول صلاحیت آرایه مؤثر را دارد و بیشتر برای رانفان و رهبران هنر و ادبیات درخور قبول و پذیرش است.

بانجیب ساکب، دایرکتور جوان و آگاه برنامه (مجله تلویزیونی) که خود، انبیا، نهیسنده و شاعر است، نوشته ها و کارهای دهنق هنری - ادبی اش، صداق لبید صیقل روشنگرانه اش میباشد، گفت و شنودی تهیه دیده ایم که پیشکی شما شود:

س - آیا در رشته دایرکتوری تلویزیون هرزه در زمینه برنامه سازی - تحصیل بخصوصی کرده اید؟

ج - کار در تلویزیون طویبت که معایب و روابط خصوصی در رابطه با دایرکت برنامه ها، از قبل تدوین شده است. من به اقتضای تخصص مسلکی ام، کم پیش چیزهایی در دانشگاه و هم از ایلامی کتابها آموخته ام. اما در تلویزیون ما، همانطوریکه اشاره کردم، بسیاری از مواردی

# دوست میدارم و را

قند جویی ، بند جویی ، ای جناب  
 هرچه میجویی بجو  
 بیکران بحریت ، گزهر بیحساب  
 هرچه میجویی بجو  
 فارس گویی ، دري گویی و را  
 هرچه میگویی ، بگو  
 لفظ شعرو دلبری گویی و را  
 هرچه میگویی ، بگو  
 بهرین تنها زبان مادر است  
 همچو شیر مادر است  
 بهر آن تشبیه دیگر نیست ، نیست  
 چونکه مهر مادر است  
 زین سبب چون شوخیهای دلبرم  
 دوست میدارم و را  
 چون نوازشهای گرم مادرم  
 دوست میدارم و را

مومن قناعت

# کاسه

بلبل به فغان چه کار دارد  
 نه که خبر از بهار دارد  
 قمری به طلوع صبحگاهی  
 جشنی به چمن هزار دارد  
 چشمش ز شراب ناب امشب  
 پتگرکه چنان خمار دارد  
 مردم زنگاه آشنیش  
 گلگونه قبا ، نگار دارد  
 اندام ظریف و نقره فامش  
 بردل هو من شکار دارد  
 آید بیم ز راه شوخی  
 حیف است به غیر نظر دارد  
 صید کشته بود و بناز و رامش  
 خون شهدا ، وقار دارد

# مشوش

من مرغ اشم  
 شب را بزیر سرخ بر خویش میکشم  
 در من هراس نیست ز سردی و تیوه گی  
 من از سپیده های دروغین مشوشم  
 سیاوش کسرای

این شیشه ، دل ز سنگ روزگار  
 نشکست ولی غبار دارد  
 پژمان شده اسپر زلفش  
 صد همچو منی بتار دارد

# بچه دیور

داکوشی ستا بر سپین مخ خوری وری شوی  
 که ز ما بر سیاوون تیاری خوری شوی  
 ستا دسترگود خیال سیوری چی بری ولوید  
 پرورشوی دارمان توری تیاری شوی  
 ستاد بزند و گنو تکه نه وه ، خه وه  
 ورسره می چی اسری خاوری ایری شوی  
 درسی شوی دادی خیلی پیسرا گانی  
 نه چی زما دعاوی تالره نیسری شوی  
 چی ترکی تلی ستا دادا گان سو  
 هغه لاری زما ستا تر منعه پسری شوی  
 دما بنام له تیکی تیخ د هلال ووت  
 د هسک مورگی د شفق به وینوسری شوی  
 چی ورتل به سرولمبو لکه اور پینتی  
 به هغو بلهارو لکی هد پسری شوی  
 چی د مینی د محفل بلی لوی وی  
 خاورو لاندی خه بنایسته نیگی خیری شوی  
 بیا به و سپری رسی د سرو رید سو  
 که به سرو وینو خرویی می میری شوی

پوهاند زیار  
۶۷۲۲۲

# بچه تو در کجاست

فسرده روح مرا با گل و بهار چکار  
 ز نو بهار چه گویم به لاله زار چکار  
 بین زکان طبیعت به کهسار سبزه  
 مرا به دشت و دمن بی تو گلزار چکار  
 ببر کشید و چمن جامه نگارین خوش  
 مرا به گلشن د بیای مرغزار چکار  
 صبا نسیم تو آورد طرف لافه من  
 جدا از وادی عشقم به جویبار چکار  
 د مید صبح بهاران رسید وقت طرب  
 مرا به بیک فریبند و خمار چکار  
 فغان و ناله مرغان خوش ترانه شنو  
 مرا بی باغ و به گلگشت نوبهار چکار  
 بیا که شوق رخت در دل جوانه زند  
 قسم به تار دوزلفت به شام تار چکار  
 د رخت و باغ و چمن بین چه جامه زین  
 مرا به سپر و سفر سوی گل بهار چکار  
 خروش موج بد ریاحه مستی هادارد  
 شکسته شیشه قلبم مرا قرار چکار

# مته، نیت

گرتویند اري دل م را حز تو یاری هست . نیست  
 یاغم را غیر مهتر نمگساری هست . نیست  
 گر بگویم سینه از دست تو بر خون نیست . هست  
 و برپرسی گرتو در خاطر نمباري هست . نیست  
 گر کسی گوید که درد دنیا به دوش زنده کسی  
 سخت و سنگینتر زه جریار یاری هست . نیست  
 بیش تیرت گر بگویی دیده برهم زد . نـزد  
 چشم مست را از این دل به شکاري هست . نیست

## غزل

ماد خپل سرویش خکلی دی به دی کوخه کی  
 به مائل کانی وریدی دی به دی کوخه کسی  
 به ما دینس او وفا زیادنی ولسی کوی  
 تامل خندلی مائزلی دی به دی کوخه کی  
 ستا به غضب غضب کاته نوي خبره نه ده  
 داسی می لیرد پرخه کتلی دی بعدی کوخه کی  
 سترگی خمار شوندی مسکی انگلی ولونه ولسونه  
 خه خطرناک قاتلان بنگلی دی به دی کوخه کی  
 ستاد بهار بهار بخوانی شراب به جا وریزی  
 مائل د هجر زهر خنلی دی به دی کوخه کی  
 توتی توتی کچکول بی مه زاری دژوند ملگرو  
 سائل د زره توتی شیند لسی دی به دی کوخه کی

ابوالقاسم لاهوتی

## دخوانی گلونه

زیاد مینی بنگلی بنگلی پسانسی  
 چی د سپرلی بنگلا پری بیه بنگاریده  
 به مومرینولپچو خوب ته بی سرنه تیتاوه  
 د بپنشی عظمت نینه بی  
 پرته خته کی وه  
 دغه غرور بی د پیری بیرونو  
 مات نه شوکر ای  
 کره صدقه بی له زلفانو  
 دخوانی گلونه  
 خودغه تورماران بی  
 کله د غاری امیلونه نه شول  
 چایی دیانور زیدل  
 به شپه کی ونه لیدل  
 به جوانی برگ مینی  
 د جاخماري نازینی سترگی  
 باندی نمجنی نه شوی  
 خودخوانی گلونو  
 دجاناز کوینبوته  
 باسته فرشونه جور کرل

رحمت شاه سائل

## پروانه ها

پروانه های پروانه ها  
 پروانه های خوشنما  
 پروازتان بس دلنشین  
 بر آسمان و بر زمین  
 کالای خوشترنگ شما  
 رقم شما، جنگ شما  
 روی گل و روی چمن  
 روی علف های دمن  
 مستانه بال و پرزید  
 بر روی من بر پرزید  
 گفتم بگیرم بالکت  
 آن بالک خال خالکت  
 از دست من گشتی رها  
 رفتی سوي تخت هوا

رازن روپین

قتیل خور یانی  
کابل ۲۰ مه ۱۳۶۲

## شبه

شب التیام زخم تن تاب دار خویش  
 در شام تار طرز صدایش نخواند است  
 اما  
 زلفان تار دختر شب  
 روی ماه را  
 در چنبر طلسم سیاه کشید است  
 اری!  
 شاید که زنده کسی  
 يك انتظار دخت شب خوابدید ما ست

حمید مهرورز

## برادر خدا

دست بر از نیاز من و بارگاه تو  
 آه ای خدای من!  
 چون شاخه های خشک درختان  
 در آستان درگه \* تو با کمال عجز  
 از فرط یک نیاز  
 سر بر کشیده از تو طلبکار حاجت است  
 دستم تعی مدار  
 آه ای خدای من!  
 و این قلب من که جایگه ذات پاک توست  
 و اینسان غمین مدار  
 هرگز رواندار خدایا که قلب من  
 در این زمان که اوج جوانی زنده گی است  
 از غم بمیرد و شود خالی و تنه  
 هرگز رواندار خدایا که چشم من  
 در شمری فروغ جدایی شورسپاه  
 مرضیه عدیل

## شهباز

هر شب که آسمان خیالم درین دینار  
 با چلچراغ روی تو چون روز می شود  
 هر شب که دست باد از آن سوی کوهها  
 بوی تراب کلبه ای من می بیاورد  
 من، لوح خاطرم:  
 با قاف قامت تو،  
 دل انگیزی کنم  
 با یاد پادشاه تو،  
 شهبازی کنم  
 محسنتی "سوزن"

## لیون

د عشق زخوره شول لبه لیون سی  
 تو رو تباروی شول د یوه لیونی  
 میگی ی خود د ن هدا و یکی ناخسی  
 بگی د یوه نه دی هغه لیونی  
 د اچی بی د ریغه بری قدم زدی آشنا  
 کلی گی نه شته دی بیوجه لیونی  
 د عشق په توری به د ا روه بحر وی  
 کله کوی جاته سجده لیونی  
 زهیز به کوریه لبی پلی وی لا  
 ترخوچی پاتی وی د ا (دوه) لیونی

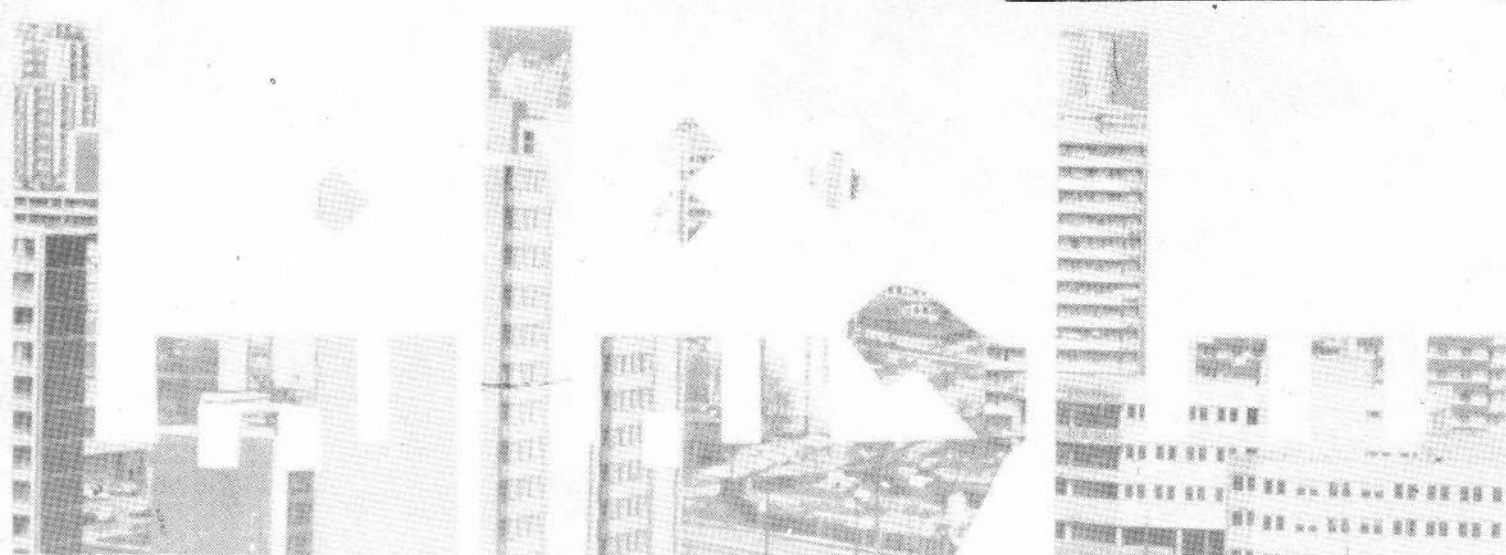
السمعیل

## شبنم پاک سحر

واضح باز میانند  
 نشان شیخ اندامت  
 به دیوار دل پادم  
 که می آیی به سوری من  
 به دیت اپری صفا  
 و یاد ستان البرزانی  
 خدایا، نه، چرا سر زان  
 که شیخ است این که میزند  
 نه دستان سید مریم تو  
 تو در شمر سکوت و خلوت خواب سحر گاهم  
 مثال شبنم پاک سحر گاهم  
 در افروز تراوشم  
 که جوان د ستاهای کودک شیخ چمنزاران  
 به رویت باز میگردد  
 ارسالی: محمد اسماعیل برهان اندالی

## بهار و یار

یک عصر تو بهار  
 من باشم و نگار  
 درختان تنگنومه یار  
 بازان ریزه ریزه وهم مست و بیقرار  
 من با ادب بوسه بچشم زلف او  
 او از رواج ناز شود سرخ و شرمسار  
 وانگه بجام چشم اوستای من بنبار  
 یک عصر تو بهار  
 من باشم و نگار  
 (لومان) تویی خنار  
 ارسالی: محمد طیب (لومان)



# سربه آسمان میزنند

ساختمان ها و مزارع سرسبز  
فلك كشيده در جهان آنقدر نهاد  
نمست • مزارع آسمان خراش از -  
همان آغاز مورد تعجب و حیرت مدتها  
زیادی مردم میشد ، این نوع معماری  
نشاندهنده اوج ترقی تختک  
دین هیا آن مرحله تاریخ است •  
در آغاز چنین مزارع یک چیز  
کاملاً لوکس حساب میرفت و ملتی که  
آنها بنا نهاد ، نبود به آن افتخار میکرد  
ولی امروز مزارع آسمان خراش نظر  
به ضرورت اعمار میشود ، کمبود مسکن  
، کوشش برای داشتن مراکز بزرگ -  
خدماتی و ادارات دولتی از عوامل  
اعمار چنین مزارع سرسبز فلك كشيده  
میشود •

تا امروز با برج ایفل پیوسته است حتی  
انسان امروزی از دیدن این هرم -  
دست تحریر به دندان میبرد •  
انکشاف واقعی ساختمانهای  
بلند از زمان گوتمک آغاز میشود •  
دین زمان در تمام جهان کلیساها  
و اماکن مقدس که باید بگفته نشود  
در عرض و طول ، بلکه در ارتفاع نیز  
رقابت مینمودند ، اعمار شدند •  
کفایت میکند که کلیسای پتر مقدس  
را در شهر رم که ارتفاع مناره آن به  
۱۳۳ متر میرسد مثال آورد ، هم  
چنان باید از قصر گوتمک در شهر  
کولن آلمان یاد دهانی کرد که  
۵۷ متر ارتفاع دارد •

بها دگاره های تاریخی همگون در  
زمانهای بعدی رومانتیزم و کلاسیسم  
نیز در پیروی ، ولی همان آمدن برج  
ها ، آنتن ها و آسمان خراش های -  
صوری با استفاده از تکنالژی جدید  
بستگی مستقیم دارد •

اولین برج فولادی با ارتفاع  
۳۰۰ متر که مدت نهادی در جهان  
بگانه برج از نوع خود بود ، برج مشهور  
در شهر پاریس است که همه ما آنرا

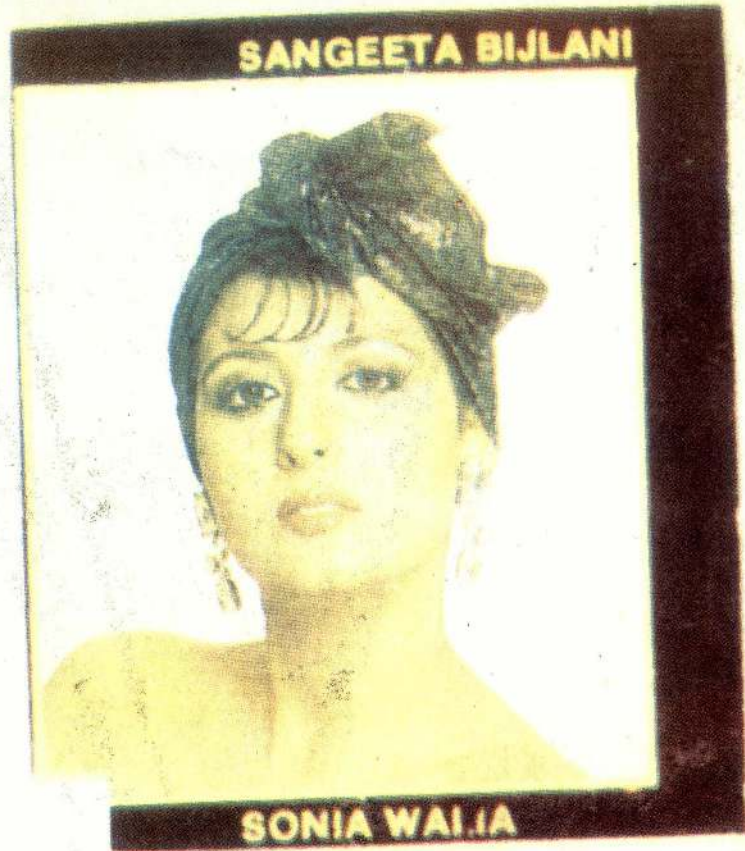
نبر نام برج ایفل پاریس می شناسیم •  
این برج طی مغل مجلی بمناسبت  
تعیینگاه بین المللی در سال  
۱۸۸۹ افتتاح شد بنام مهندس و  
طراح آن گوستاف ایفل منفی شد •  
این برج به جز جدا ناپذیر پاریس -  
تبدیل شد و در اکثر نقاط جهان -  
مادل های این برج گایی و اعمار  
شده است •

بکار در برج ایفل مدت نهادی -  
شکستنده شده ، بالآخره در سال  
۱۹۳۰ زمانیکه در شهر نیویارک آسما  
خراش کوسلر بلدیگ ( CHURCH  
BUILDING ) که ۳۰۶  
متر ارتفاع دارد ساخته شد ، بکار در  
برج ایفل نیز شکست • بعد از مدت  
نهادی مقام اول را در داشتن ساختن  
های بلند منزل نیویارک کایی کرد •  
مزارع امپایر سٹییت بلدیگ

( EMPIRE STATE  
BUILDING ) این مقام را برای -  
نیویارک گونتی کرد ، این ساختمان  
بدون آنتن که بالای آن نصب است

۳۸۱ متر ارتفاع دارد •  
آنقدر زمان دیر می گذرد که -  
ارتفاع فوق راسختمان دویچ مرکز  
جهانی تجارتی ( WORLD TRADE  
CENTER ) که ۴۱۲ متر -  
ارتفاع دارد ، نیز گرفت • ارتفاع -  
۴۱۲ هنوز هم نتوانست به بلند -  
تهن ساختمان جهان که در شهر  
شیکاگو واقع است برسد • ساختمانی  
که در شیکاگو واقع است دارای -  
۱۱۰ طبقه (منزل) بوده و ۴۴۲  
متر ارتفاع دارد • این ساختمان بنام  
SEGRS TOWER یاد میشود •

در طولی ساختمانهای بلند  
منزل ، آنتن های پخش امواج رادیو  
و تلویزیون به ارتفاعات بلند تر اعمار  
شدند •  
در سال ۱۹۶۴ ارتفاع ریکوردی  
را برج تلویزیون شهر توکیو که ۳۳۲  
متر داشت به دست آورد • این برج  
بقیه در صفحه ( ۷۴ )



SONIA WALIA



# از دنیای مود

تجزیه و تحلیل



## حرف‌هایی از دومودل معروف

تازمانی که فلم

((خون بهری مانگ)) به معرض

نمایش قرار گرفته بود اندیشه ((سونوالیا)) به شابه طلوع و غروب آفتاب آکنده از سایه ها و روشنی هابود ، گا هن تهن امیدوزمانی توام بادلهره جاس \* برای آنکه قهل ازاین فلم ، درنلم های ((تیرئ - شهرین)) و ((آگوشن)) نیز ظاهر شد ولی شعری ازکار خود نگرفته بود \*

وقتی اورادر ((پانسیون)) که زنده گی میکنند ملاقات کردم در برابر پریشی گت :

((بدون تردید فلم ((خون بهری مانگ)) برای - ثبوت اهلیت هنری من ، وجه تعیین کننده یسی داشت)) \*

ایمعدانک وقته کوتاه ، به دناله \* حرف هایش افزود :

((خوشحال استم ازاینکه ((راکش روشن)) درنلم خود برابم فرصت کار داد ویا این زمینه سازی، شناختی بین ماپدید آمدوموقع یافتم تا مردم برای هنرواستعدادم تهنقی قایل شوند وازنمایش فلم به اینسوه روزی رابسه یاد ندارم که زنگ تلفون به صدا نیاید وازکارکرد - موقعیت آمیز من حرفهای نرتند برابم تهریک نگیند \*

عده بی راعتیده براین است که ((راکش روشن))

کارگردان فلم ((خون بهری مانگ)) ازمن به شیوه \* نا- جایزی استفاده کرده وکارحوش شنا با لباس های ((سکس)) مرابه انظارجلوه داده است ولی اقتصاد من این است که اگر درکارحوض شنا ، لباس شنا رابسه تن داشته ام که به مقتضای \* حنه \* فلم است این چه گناه کبیره است که ازان حرف نامی بافتند ؟

آیا توجیح یک بهننده این است که درکارحوض شنا ، دختری با لباس سوراها مستور جا-ر شود ؟ ایادرمحل - شنا ، پوشیدن لباس شنا ، امرکاملا طبیعی هست ؟ اگر کارگردان مرادرکارحوض شنا ، با لباس های

که ((سونم)) درنلم ((وچی)) ظاهر شده است و ارد هکرد بدون تردید این حرکت کارگردان از لحاظ هنری جای بزرگی بود که برمن تحمیل میشد.

درنلم ((آگوشن)) نقش نیک هنرمند به نام رسیده بی رامتعهد بودم \* نقش نندایت پراغواامش وایدامات بود ولی کارگردان ، مرایشوه \* کاررا آموخت وورا خوب یاری رسانید \*

درنلم ((تیری شهرین)) نقش کوچک داشتم \* یک فلم هنری بود ودر تلویزیون هم به نمایش گذاشته شد \*

((سونوالیا)) درنلم های نهادی ، درنقش های مختلف ظاهر میشود \* درنلم های ((جهین داتا)) و ((مهاستگرام)) یا ((ادیمه پنجولی)) ودرنلم ((نمیری آدمی)) با ((متهن چکروتی)) درنلم ((مستروسنر ۴۲۰)) با ((راج بهری)) همبازی میباشد \*

مناف براین ، یک عده از فلسازان جنسوب هندوستان نیز رغایت او رابرای بازی درنلم های جنوب حاصل کرده اند که وی صممانه ومسده \* همکاری به آنها داده است \*

دراین باره اوصوف هایی دارد به این تحصیل : ((من عجله بی ندارم که درنلم آن به اف-شهرت برسم ، برای تسخیر و تصاحب این مقام تا \* ملوشکوبایی فراوان دارم ، برای تعدد قرارداد بازی درنلم ها هم دلچسپی فراوان ندارم ، ازاینکه همبازی من

کست ، بسیار نمی اندیشم \* برابم بسیار بی تفاوت است که درنقش مقابل من کی قرار دارد ، مثلیکه قهلا گتم درنلم ((تیری شهر - مین)) در برابر ((مارک نییر)) ودرنلم ((آگوشن)) مقابل ((اکبرخان)) ودرنلم ((مهادیو)) با ((وتودکنده)) حاضر به بازی شدم \*

من به دراست وجرأت این موضوع را تایید میکنم که به هنرمندان نام نهاد ولی نامدار درگزرتکه تن نمایم \*

حاله که ((سونوالیا)) دروازه \* کاروبار مود را بسته ودرنمایش لباس ها- \* نمیگیرد ، خودش می نهی : ((موقعیت کنونی حکم میکند که بعدازین ، سینما وهنرنامای مرکز تمام توجهاتم باشد و نهرا نقش راکه درنلم ((آگوشن)) ایذا نموده بودم ربه معرفت قناعت بخش نبود وچانه که فلسازان معروف به من چشم امید دوخته اند لازم است من هم تنس های فراوانی ازخود نشان دهم)) \*

درخروج دنیای مود وپوشش ((سونوالیا)) عکس- العمل خودداینگونه ترازم میدهد :

((اگر پیشنهادی در مورد نمایش لباس برابم برسد ردمی کم مشروط براینکه طبع ونحوه نمایش قابسل

# تاجهان سینما

## سونووالیا و سنگیتا بجلانی چه میگویند؟

توجه باشد تصمیم گرفتیم بهر نوع پیشنهاد سونووالیا  
حم نیک ولو که از احساس بولی قابل توجه می باشد))  
«سونووالیا» از آثاری که در عین اوج حرف های  
نیاسا می گویند، در یوگون داشته میگرد:

((نمیدانم چو آمده بی به عزتنامه و دیگرگون من  
اعتزاز میباید، تردید ندارم که در لسان انگلیسی  
مهارت کم تغییر دارم ولی نباید انکار کرد که از آثاری  
صحنه اردو و هندی هم بهره و فیهر گان دارم، روی  
این اصل توانم نیکم به انتقاد آثاری که عقیده -  
ندارند، اردو وانه شبیه، آمخته با انگلیسی اداسی -  
کم یادگیریون بقادد آهنگ دارم.

اعتزاز میکنم که حضرت ارجهان مود به دنیای  
سینما خالی از اشکال نیست ولی این ادما درست  
نیست که میگویند مود را لباس هاتراندندری هنر -  
ندارند))  
((سونووالیا)) که از کار روزنامه نگاری حاصل  
قام ((دخترهنگ)) پیوسته به ترقیات قابل آمده  
میگردد: ((والدینم در هر قدم مشور کارهایم بودند  
به استثنای شمول در کارهای هنرینمایی، تا آنکه  
سوانحار آنها را قناعت دادم و رعایت شان را در این  
مورد حاصل کردم))

برای اینکه، دین فرصتیکه من راه خود را در  
سینما شخیر میکنم، آرزو ندارم در محدودده، نقش های  
منفی گیر شوم زیرا به صراحت میگویم که نقش های

منفی مورد علاقه من نیست

در این اواخر رزمه بی از عشق و داستان عشق او  
با ((وتودکنه)) بجز هامرسید، در حالیکه از این  
رزمه ها کاسته شده است و او به راحتی نفس تازه  
میگردد، در این باره تصریحی ندارم این شرح  
((من با ((وتودجی)) در ظلم ((معاذی)) در -  
مسئله ((اوق)) صرف بازی بودم، چون ((وتودجی))  
مرد مسیح الصدر بوده و در بسیاری از موارد اندیشه بی  
یک سان داشته ام، اینه خا... اینکه با دیگر تازه گزار  
بودم، به حاشیای هنرمند تجربه کار و مسوولیت،  
شماره خود را در اختیار من میگذاشت و برای بازی میخواستند  
که از این سلوک انسانی او خبر نگاران بدون در نظر داشت  
حقانیت موضوع، دست به شایعه پراکنی زده سانه  
را به شوه داستانهای تحلیلی انعکاس دادند.

این رهداد در حالیکه روی احساس ما، تأثیر  
ناگوار بی جا گذاشت، هر دو تصمیم گرفتیم به اشکال  
همکاری دوستانه بی شایه خود خاتمه بدهیم.  
نوا مقاومت در برابر شایعات غلط و اتهامات بی اساس  
که با شایخ بیگ های فراوان سمت دهن میشود حوصله  
شکوهایی خازر الماده می خواهد))

سونو والیا میگوید: ((من به خود باور دارم که در سال  
های آینده، به عنوان یک ستاره شناخته شده و  
موفق عرض وجود کنم با این تلقی ضمن بران دارم نقش  
های را بازی نمایم که دارای نرم احساس باشد تا  
هفت احساس نقش را به صورت متوازن انعکاس داد  
بخوانم.

من عقیده دارم که با تمویل هر نقش بیت هنرینه  
میتواند پول قابل توجه ذخیره کند ولی برای هنر  
خدمتی را انجام داده نمیتواند. از اینروست که با هر  
نوع نقش دلچسبی ندارم و اگر چنین میگردم امروز  
در مقام یک مجری می بودم و در یک ((پانسیون)) زندگی  
نمی کردم))

و اما در مورد ((سنگیتا بجلانی))

شهر هر مود را لباس در جهان سینما، موفقیت

قیهه رصفحه (۷۸)







# برفراز تياتر ويا سينما

# خورشيد



به جست  
- خورشيد جان عقيد ه شما در  
را بطه به داشتن يك سينماي  
خوب چيست ؟  
- بعد از لحظه بي درنگ افزود  
بايد براي يافتن سينماي خوب  
اولتر از همه در جستجوي فرهنگ  
مليتها بود . در يك فلم نيز بايد  
اندیشه بران داشت تا  
محتوي از يك تفكر اصيل و فر  
هنگ جامعه گذران زندگي مي  
نمايم ، ما به داشته باشد .  
- ستم شما در بهتر شدن سينماي  
افغانی از چه قرار است ؟  
- من بعنوان يك فرد درين عرصه  
نميخواهم بصورت ديگري تفكر کنم .  
فقط تلاش ورزيده ام با نهايست  
صميميت و بي الايشي به اجراگر  
فتن کرکسي سپرده شده ، روايت -  
نظم و دي سيلين - داشتن اخلاق  
خجسته و احترام متقابل ستم خود  
زاتاهمين اکنون با صداقت تمام ادا  
نمايم .  
- ميخواهم بدانم کارکرد هاي  
سينمايي شما از کد ام فلم و  
چگونه آغاز شد ؟  
- من با پيشينه کار را دي  
ام با علاقه مندي که در  
بقيه در صفحه ( 11 )

- سينما يك شاخه با اهميت فر  
هنگ بشمار ميرود ، دست يازيدن  
بدان جرات ميخواهد و ايشان  
جلاليش جنين بيگريه زيبا و انساني  
منحصر به ذكور نيست بكون طبق  
حکم زمان ، اناك جامعه ما  
مي تواند در رشد و پيشرفت اين  
بديده والا از اهميت با ارزشي  
برخوردار باشند .  
- اگر همانند همه زنانك كه  
به سلام اين بيگريه رجوع كردند  
و بعد بلاد رنگ و دواع كردند چي ؟  
- شما مي دانيد كه جامعه ما يك  
جامعه عقب مانده و رويه انكشاف  
است و از چنانسي بديده سينماي  
ما تا هنوز نتوانسته هويت ملي  
خود را كسب نمايد و استند هداي  
كه بنا بر تخيلات واهي گرا يانه و يا  
مكن اشكالات ناشي از تعصب و  
ريا ، باي خود را از عرصه تعاليت  
باز مي دازند . ولي من پس از ان  
مي انديشم كه نبايد عقب گرا بود  
و سوي سايه رفت ، سايه بيگريه  
سپوش به تاريخي و لغزند ه گسي  
مي انجامد . چرا ، خرد مندانه  
به سوي خورشيد گام ، بگام پيش  
نرفت و از خورشيد بيگريه اشعه  
برفروزش همگاني است ، سود

اين بار در رابطه به ويژگي  
هاي هنر و شناخت بهتر هنر  
مندان سينماي افغانی ، باي  
صحبت هنرمند مجرب و مستعالي  
كه پيشينه کارکرد هاي ايشان امواج  
راديو آغاز و در زمره نخستين  
اکتريس هاي ( هنر پيشه گان ) تياتر  
سينما - تلويزيون باد رخشا  
چشمگير جا گرفت و در آثار راديو  
تياتر ، سينمايي و تلويزيوني موفق  
از آزمون بدر آمد و تلاش بيگريه  
و علاقه وافر از زمره موفق ترين  
چهره هاي سينماي افغانی در  
سطح کشور شناخته شد .  
نشيم .  
اين چهره پرد رخشا محترمه  
خورشيد است كه دعوت ما را با  
علاقه مندي و محبت پذيرت ايك  
توجه عزيز خواننده گان گرانقدر  
را به گفت و شنود اين هنرمند  
معتوف مي دارم .  
- ميخواهم نخستين سوالها  
چنين طرح کنم :  
- در نظر شما موجود  
ديت اناك در بيگريه  
سينمايي نو پيا خواسته  
ما ، از چه اهميتي  
برخوردار خواهد بود ؟

همينکه اثری از خود به جا میگذارم برایم افتخار است  
استعدادها باید به موقع کشف گردند

# اسرار خوردنی ها

بادرنگ از جمله سبزی های بسیار معمول بوده که نوع آن خیلی نهاد رایج است. بادرنگ تا به سر سردکننده و طراوت بخشی داشته و قهقهه ها حاوی تمام عناصر است که برای بقای سلامت و زیبایی ضرورت است.

بادرنگ به انواع گوناگون با تفاوت شکل، اندازه و رنگ وجود دارد. رنگ آن از سبز کم رنگ تا سبز تیره است. بهترین نوع آن بادرنگی است که تازه و سخت بوده و شکل منظم و رنگ سبزه تیره داشته باشد. پوست بادرنگ نهالیت خفید می باشد. نهالیت تمام نکبات و مسمومیت ها را از بین می برد. بادرنگ را نباید پوست کرد.

در علم گیاه شناسی آنرا بنام کوکویز ساتیوا می نامند. بادرنگ را صوری ها، یونانی ها و روسی های

قدیم می شناختند و در قرن ششم قبل الميلاد در چین پیدا شد. اکنون این سبزی خفید در سراسر جهان کاشته میشود و از آن استفاده میکنند.

## ارزش های :

از نگاه تغذیه، بادرنگ حاوی نسبتاً خدار نهاد متوال هاست. تحمیل این صوره سبزی مانند نشان میدهد که در صد گرام آن (۱۶۳) فیصد رطوبت، (۴) فیصد پروتئین، (۰) فیصد فایبر، (۰) فیصد کربوهیدرات موجود است. مقدار متوال ها و مینرال های آن حاوی (۱۰) ملی گرام فیصد، فسفور (۲۰) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۳) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۲) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۲) ملی گرام فیصد می باشد. ارزش آن از نگاه

کالوری (۱۳) است. علاوه بادرنگ منبع با ارزش پتاسیم، سدیم، منگنز، سلنیوم، منگنیکان، کلرین و آهن است.

## خواص طبی :

بادرنگ حاوی مقدار (۶۴.۰۵) فیصد متوال های القلی ساز و (۳۵.۹۵) فیصد متوال های اسید ساز می باشد. از اینجاست که خاصیت معالجه و درمانی این صوره رادری کرد. بادرنگ در حفظ القلیت خون خفید است. علاوه بادرنگ از بهترین مواد ادراور آور طبیعی بوده که دفع و جبهان ادراور را بهبود می بخشد.

## نکته :

بادرنگ دارای مستقل ضد قضا می باشد. کمانه که به قضا می دچار اند می توانند با خوردن روزی دو عدد بادرنگ از فوائد آن مستفید شوند.

## اختلالات معده سی :

صا ر ه بادرنگ در معالجه هلیکوباکتری و زخم های معده و

# باد رنگ

مترجم انجنیر حلیم

## سبزی مفید برای صحت و زیبایی

انتفاخ خفلی می باشد. در چمن مواردی هر دو صفت به هم می آید (۴) تا (۶) اونس آن تمهیز شود. از اینکه بادرنگ حاوی (۱۶) فیصد آب بوده مقدار صا ر ه آن بیشتر است. بادرنگ سبزی مفید را خفلی زود بر طرف می کند.

## بیماری های رایج :

صا ر ه بادرنگ در معالجه هلیکوباکتری و زخم های معده و

هنگامیکه با شوره لکه مخلوط شود بوی شکستادن و جمل ساختن سنگ در مجاری ادراور و تقلیل اسید ادراور می باشد.

باید که با آب تازه تازگیل مخلوط شده به مقدار یک یاد او ص هیک ساعت بعد دمای خفلی خفلی بوی رفع تشنگی در هنگام حله کولسرا مسویب میگرد. این صا ر ه مخلوط توانی مایع الکترولیت را که در اسهال بیماری کولرا مشتمل گردیده، حفظ میکند.

## جوش ها و داده های روی جلد :

صا ر ه بادرنگ در بر طرف ساختن جوش ها و داده های روی پوست مؤثر ثابت شده است. به منظور اخذ نتیجه بهتر صا ر ه های زودک و کاهو را با پوست صا ر ه بادرنگ ملاه کرد. اضافه کردن مقدار کم صا ر ه شاد در بعضی موارد قدرت درمانی این ترکیب را بیشتر می سازد.

بادرنگ به طایفه ماده حفظ زیبایی

ماسک بادرنگ رنده شده روی صورت، چشمها و گردن برای (۱۵) تا (۲۰) دقیقه قوی خوب برای پوست صورت است. بخاطر استفاده از اعلی آن با پوست تازه ماسک بادی با قیمت دراز نکشد. استفاده منظم بادرنگ از بهداشت جوش ها و چین و چروک و خشکی صورت جلوگیری می نماید. صورت را با طراوت و شفاف می سازد.

بادرنگ را میتوان با سبزیجات، حبوبات، صوف جات و سلاطین مصرف کرد. معمولاً از بادرنگ بعنوان سلاطین ترکیب با زودک، لبلبو، باد نجان روی، ملی، کاهو و سبزی های دیگر استفاده می نمایند.

اضافه کردن شوره لکه به این سلاطین اثر خوردنی لذیذ و آرازش فزاینده می سازد. همواره باید آنرا خام مصرف کرد نهرا ارزش درمانی آن در اثر پخت از بین می رود.



# پونم ..

بقیه از صفحه (۱۲) رسیده باشد در غیر آن شکلات نهدی مایه خواهد گردید. به هر صفت تاردوانند مناسب نیست. صداقت و وفاداری جوهر انسان است با چندین مرد در یک زمان دوست بودن مقلان نیست. به نظر شما دوستی های افراطی ممکن است؟ ج - چرا نه، دوستی یک زن با یک مرد میتواند ابعاد گسترده تری از سکس داشته باشد. س - در فضا شعله زنده می ماند مردن گیر می آید، چه در فضا کرد؟ ج - واصل، دیوانه خواه شد مخصوصاً اگر از آن مرد خوشم نیاید در چنان حالت خود را به آب پرت می کند تا از آنجا نجات یابد. ولو بدنام شاره زنده بلغم می کند. س - شما در نگاه انسان خیلی معصوم و پاک جلوه می کنید، آیا

# دنوروزیه ...

د (۱۹) مخ پاتی نوبه سی. ارد نوروز سندی و ایسی داجی: خوانده بیاد بصری کس له وجه با گند لونگ بوی را خینه د بصری به ریخو راشه چی تورتی ریخته کیزدی و غوره حیوانات هم به دغه و ریخ بنگلی او نوبی کالی اغوندی خیل توست را اخلی. تا کلیومیله خایونوتسه یسی. اتیونه کوی، بنی ولی او. سلنگی وهی چی دنومور ولوبو اتسل ته دکلی د سبب ز پری له خوابه گوته شوی بگری د پالی به توگه ورکول کیزی به خینوسپورکسی حیوانی بیغلی خیلونامزاد شویو ملگروته هگی ایشوی، نقل، نیسی او توتسه غنوته ورکوی)) د هزاره سیه کی برعمومی دود و نوبسیر کوی خانگی دودو ته هم ترستر کوی بی بی با د هزاره ملیت یوتن و ایسی

د حیوان اتل) دراتگ به انتظار به تال کی کینی د هغه دراتگ لاریخاری اوبه گزار کراریسان زنگوی خوله بد هغه چی به تال کی چی خوب روی او همداسی وید به پاتی کیزی. داهم اسطوره ده چی د بصری طلسم بی به جادوی خوب خوبولی کوی د. نوروز حیوان را می او تیزی به باغونو او راغونوکی او گلزارونو. د بصری د گلونو ناویغیزی ته خان رموی. خونوروزی بی بی خوارکی چی کله سترگی برانیزی گوری چی ددی له بی بروایسی خنجه بی یارد نوروز نیزی و کسی لویدلی دی. دغه حال نه نس زغملای. د لیونوتوب خیره پری را می او جان له تال خنجه اجوی. که چیری به اوبوکی لوید ههغه کال مسوزاد برکتونو کال ویا و که چیری بی به وجه کی رلوید ههغه کال بیاد و جگالی او خواری کال ری. د همدغی فولکلوریک کیسی برینست هیله من یوچی سز کال به اوبوکی لویدلی وی خوش نس کال موز ته برکتونه اوسوگالیسی د پالی کری.

# خورشید بر فراز ...

بقیه از صفحه (۱۹) زمینه تمثیل داشتیم در سال ۲۰۰۰ راه موسسه آر یا نا فلم راد ریش گرفتیم و با آشنایی مترجم انجنیر لطیف محترم عباس شیان، محترم توریالی شفق در فلم های چون: سیاسی و جلالی، غلام عشق، دام سرگ مزوره سبز، مرد هار و قول اس، کلام های استوار، فرجام صبور، سر باز، فرار، گناه، برنده های مهاجر، مسافر و سفر نقش داشتند و داشته های تلویزیونی ام میارند از: فلم هنری کفر، نوای تشلیق زن عروس، د لمره لور، شمع زن، د هک، من و شما، پشنامه ها و تیاتر تلویزیونی: غم مانی، زهره وید الله، امضا و زیر زن، زمین، مرگ المازوف، آدم هسا، عروس، اشتباه عبرت انگیز چند دیگر ...

مند افزود: من از همکارانم صمیمانه متوقع می بین تا صرف نظر از بد در ایسی ها و آوند بیخه بخود داشتن ها چی بهتر که در یک وحدت از کا نیکه دست به دست هم داده، کام بگام در راه رشد و انکشاف هنر هفت (سینما) قدم نمایند. بخاطریکه میتوان به این نکته باور داشت و هم بدان تاکید کرد، که در کشور ما در همه رده های هنری و درین شمار هنر سینما - استعداد های آفریننده بریافتا - بلیت باوروی و شگوفایی فراوان اند، استعداد هاییکه اگر موقف به کشف آیند، بد رستی رهبری و مستند می گردند، در اندک زمان شگوفه میدهند و هنرمند ما به آفرینش های قابل بقایه با آثار جهانی نایل می آید. به امید آنکه همه توانایی ها در خدمت رشد استعداد ها و ظرفیتهای هنری بکار افتد. - از حتمی کستقبل شد بد از شما اظهار میاس. - ممنون. - خدا حافظ. - خدا حافظ.

# مرد ها را خواستند

40 مینرنا

## آیا فحاشیهای فیزیکی خصوصاً زنده گی زنانه را اصله میزنانه

جهنیکولوژی خاخر نشان میسازد که هرگاه یک زن ورزشکار بیش از دو ماه قاعده نشود در زمینه باید اندیشید و بعضاً تعویق قاعده کی راجحاً یک عادت پذیرفته اند ، ولی در تشخیص ساله ، پرا بلعهای سی عرض وجود میکند ، زیرا خانم کریستیانسین بدون اینکه فهمیده شود ، سه ماهه حمل داشت . داکتر معالجی مترود بود که شاید عامل عمده در زمینه خسته کی باشد . متوقف شدن قاعده گی اولین علامه حمل است . ولی کریستیانسین قبلاً نیز عادت داشت که بعضاً قاعده کی این بس تعویق بیافتد .

میانمسیکیستهای گونه کوتی در مورد توقف قاعده کی زنان ورزشکار وجود دارد که یکی از آنها کسی شحم وجود است . شحم بدون - هورمون اندروجن را ، که از غده های ادرنال تراوش میکند ، در نتیجه تغییر کیماوی به نام اروماتایزیشن به ایستروجن ، که هورمون جنس مونث است ، تبدیل میکند . این ترکیب جدید ضمیمه ایستروجن میشود که توسط تخمدان به وجود می آید . (چاقی اضافی در جنس مذکر ، علامه زنانه مانند جمع شدن شحم در اطراف پستانها را با خود دارد .)

برای آنکه سطح ایستروجن را به گونه قناعت بخشی در زنان حفظ کرد ، شحم وجود آنها باید حداقل ۲۰ فیصد وزن بدن شان باشد . به صورت نورمال در زنان خانم

بقیه در صفحه (۷۷)

اندروجن بر رشد عضلات تا شیر میگذارد و در نتیجه آن پالای وجود زنان موی بیشتر میرود و عضلات شان قوی میشود . سابقه های زیبایی اندام ، در حالی که بیشتر سابقه کننده ها از نظر فیزیکی جذاب اند ، این تصور نادرست را از بین برده است . به هر حال بازی با وزنها نوعی از مقاومت رابه عضلات میباشد .

هرگاه این ساله که اجزای تمرینات با وزنها سنگین به بزرگ شدن عضلات می انجامد ، مورد قبول باشد ، استفاده از وزنها ی سبک و تعریف متواتر ، به انفر شدن جسم می انجامد و این میتود است که اگر زنان آن را ترجیح میدهند .

چقدر باید وزن سنگین (یا سبک) باشد ؟ در زمینه کدام قاعده قابل ملاحظه می موجود نیست . ولی مطالعه ساختمان وجود مردان و زنان بر مبنای گزارشها حاکی از آن است که به صورت اوسط بزرگترین مقدار وزن در تمرین عضلات سینه برای مردان ۱۶۶ کیلوگرام و برای زنان ۵۰ کیلوگرام میباشد . این گفته چنین معنی میدهد که برداشتن وزن بیشتر از صد پوند آسیبی به زنانه کی زنان نخواهد رسانید .

داده اند . چنین وضع زنان دیگر را متیقن میسازد که بسیاری از آنها ها در مورد حامله گی و خطرات - نریسهای فیزیکی رایی اساس بشمارند ، البته در این نوشته ما خواهیم - کوشید که حقایق را در بین زمینه روشن سازیم .

نیمه دوم قرن بیستم نسبت به سالهای قبل از آن با زنان بیشتر مهربان بوده است . البته این هم نتیجه مبارزه سر سخت زنها برای رسیدن به یک سطح بلند زندگی میباشد . امروز زنانی که دل مرد ها را میبایند و هم از نظر فیزیکی جوان اند ، رویه تزاید است . از ((راکل و لاش)) گرفته تا ((ریکا)) همه بر نرم سازی وجود تاکید میکنند . بعضیها معتقد اند که تمرینات با وزنها ، بعضاً خصوصاً ت زنانه کی زنان را از بین میرد این پندار مرد شدن را از دیاد سطح اندروجن (نوعی هورمون جنس مذکر) تشکیل میدهد . هورمون

کریستیانسین یک زن پرکار است . در سابقه هایی که انجام میدهد ، همیشه مقام دوم و سوم را حاصل میکند . او به نسبت ولادت سپورت ((دوش)) را مدتی متوقف ساخته بود ، ولی بعداً آنها از سر گرفت . اگر چه او میاند که مادر شدن او را از دست قهرمانان بیرون کرده است ، ولی چنین نشد . او در سابقه هایکی بعد دیگری به پیروزی رسید و تا اکنون هفت ریکارد های پنجهزار متر و ده هزار متر را حفظ کرده است . مثالهای دیگری نیز وجود دارد که بیانگر حالت زنانه است که بعد از حامله گی ولادت نیز لقب قهرمانی رابه خود اختصاص

# نیمه آدم نیمه حیوان

## اسرار جاودان ابوالهول



چهل و پنج قرن قبل زمانیکه فرعون ((خفرن)) دستور داد که اوزار رکاب گیزه به شکل ابوالهول (سفنکس) (نیمه آدم - نیمه حیوان) جاودان سازد، از همان زمان تا حال این ترکیب عجیب هنر فنانان راه خنود مشغول ساخت و به متابعمای بدون جواب و سرگنج کند مای باقی مانده.

مرد جوانیکه بدون کدام انگیزه مهم کسی را به قتل میرساند به شهرتیوانزد یک میشود. پیش از آنکه به شهر برسد در کوه صعب العبور و مرتفع نیکون بسا موجود عجیب و بیرو میشود، شیر بالدار با کله زن، که معای را از جوان میرسد، چیست آن در روی زمین یکی باد و دیگری با سه پا و یکی هم با چهار پا که بنده یک نام یاد میشوند. یگانه موجود است که بر روی زمین، در هوا و آب حرکت میکند، تغییر چهره میدهد. باتمام این یاها و وقتیکه حرکت میکند بر عرش کم است.

موجود عجیب از همه همشهریان تیا، این سوال را می پرسید و بسیاری از ساکنان باید قربانی میشدند - زیرا جواب گفته نمیتوانستند.

ولی مسافر بنام اود پی معمارا حل کرد و در جواب گفت: ((انسانیکه توازن هن خود داری)) در ابتدای زنده می زمانیکه هنوز کودک است و راه رفته نمیتواند به چهار پا راه

میرود. بعداً یاد و باوا از طرف شب به اساس قانون حکمت متصل به پای سیم میشود.

و موجود عجیب و وحشی که شهر نیوارا به خطر مواجه ساخته بود و جواب معایش را بدست آورد - بود و محکم به مرگ میشد از کوه به پایان میافتد.

اود پی مورد نوازش قرار میگردد و یوه یاد شاه یوکاستارا نصیب میشود. بدون آنکه بداند که با مادرش ازدواج میکند و حکمران کند و رمیشود.

یونانیان قدیم هیچ وقت در - پیدا این موجود اسرارآمیز: جنس سره، نیمه زن، نیمه مار ایخید، سگد و سزه اوتروس و غیره هم عقیده نبودند. همچنان در باره ترکیب زن و شیر عقیده دیگر نیز موجود است: که از طرف رب النوع خیر از حبشه برای محازات شهر تیا فرستاده شده.

موجود عجیب که بر بسیاری از گلدان های یونان باستان تصویر گردیده با برنده آن اود پی بگمان اغلب در یونان از طرف بحیره مدیترانه آمد. زیرا ابوالهول تقریباً ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد یعنی ۵۰۰ سال قبل از ابوالهول کار تیا قدمت دارد.

دو حیوان انسان نام بسیار کم با هم شباهت دارند. موجودیکه در کوه نیکون - جاداشت زن است با تنه از شیر، باقیافه زن و داریا -

لها و ابوالهول مصری بالندارد و به اساس نظر ابوالهول شناس، هانسی و میش نما یا گستر یاد شاه به شکل زمین روی با تقدس خدایی میباشد. در این چهره او جانشین رب النوع آفتاب میباشد که سمبول زمینی آن شیر است. فرعون خفرن ۲۶۵۰ سال قبل از میلاد دستور میدهد که قله بی از یک بلاک بزرگ سنگی به شکلی ابوالهول تراش گردد. ابوالهول خطوط چهره فرعون را میگیرد و بنا نوار عنقوی شاه میبندد. در حائیکه بدر خفرن، خیسویس دستور داده بود که سنگها را بر لب داخل اهرام که بنام خود شرمسی است، بقراند. حالا حیوان شاهن مرتبه بزرگ شده بر روی زمین دراز کشیده ۲۱۰ متر درازی و ۲۰ متر ارتفاع، در طول سده ها، رنگ های بیابانی یادگار خفرن را پوشانیده بیود. در آخر قرن نژده بود یک قسمت آن از خاک برآید و از سال ۱۹۲۶ است که ایسن آدم - شیر را به شکل بیمنم که در اول بود - ولی روی ابوالهول زیاد ضرر دیدم زیرا در قرون وسطی توسط یک سلطان با توپ زده شد.

هیچ فرعون دیگر مانند خفرن با این عظمت جاودان ساخته نشده و این مجسمه نیمه آدم نیمه حیوان بر رسد، های مابعد خود زیاد مورد تقلید قرار گرفت. بعداً

نه شیر در مصر قیافه زن را گرفت. بسیاری از همین نوع مجسمه ها به شکل نگهبانان در پیش روی - در روزه های اماکن مقدس گذاشته شد. که اکثر از آنها با کله های از قوچ، نهنگ و باز میباشد.

از این نوع موجودات، غمخوار حکمت مند همی در تشریفات نیز از آن - استفاده بعمل آمد. در لوکسور راهروی از این نوع موجودات را ساختند که در طرف راه قرار دارند. همچنان در غرناطه از قرن هشتم راهرو از ابوالهول ها (سفنکس) بنا یافته که کله هایشان از قوچ بوده و تا حال پابرجاست.

برای توضیح ایده و شکل ابوالهول هانس ویشین اسناد زیادی را گردآوری نموده، او به هزاره ها انواع اشکال از این نوع مجسمه ها در کتاب خود بنام (ابوالهول) اشاره نموده و تعداد مصر زیاد تراز ۶۰۰ ابوالهول را تثبیت نموده که زیادتر آن ۲۶ قرن قدمت دارد. - صد هاسال بعد در سوپوتامیا بوجود می آیند و سر از آن در گریست و یونان.

ابوالهول سمبولی از حکمت و نیاید قدیم است که اول از ساکنین شهر تیا و بعداً از اود پی معمارا رسید تا که در آئینه خود ش به یک معما تبدیل شد. چطور پیدا شد، چی معنی دارد، ترکیب عجیب کله انسان با تنه حیوان؟

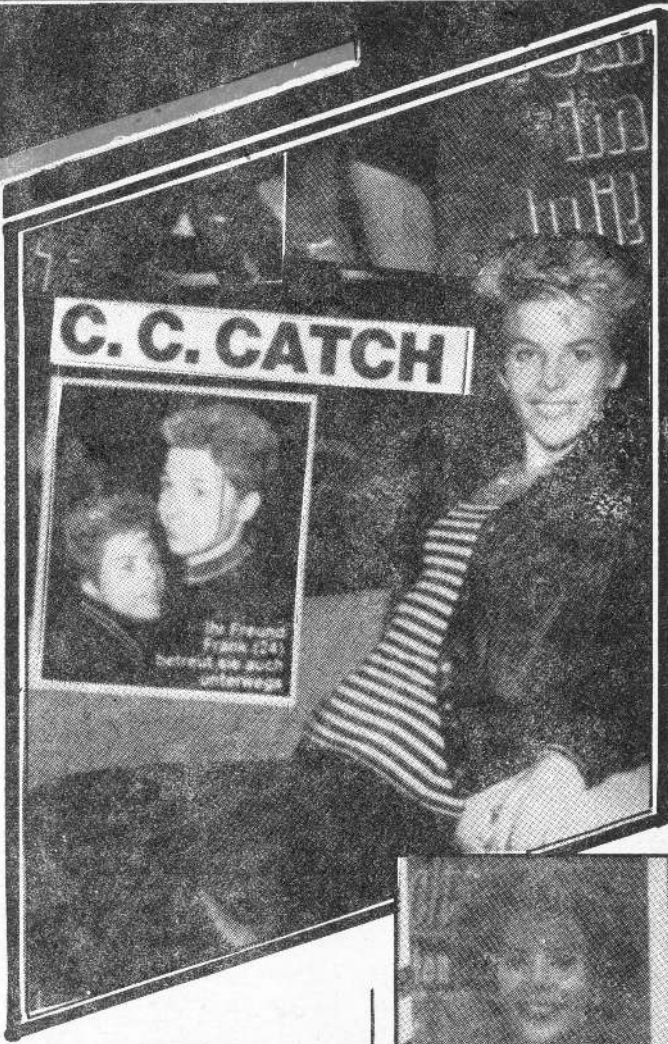
# ملک جهانی که بزرگ می‌شود

«من می‌دانم قلب خود را قدرتمایم»  
آهنگ تازه بی‌ازسی سی تی

می‌کند. کمپوزیتور مورد علاقه اش دیتربولن از بروک یوسران معروف آلمان غرب می‌باشد، زیاد تر و همیشه در سفرهای هنری اشتراک می‌نماید، ریکاد های فوق العاده جالب و زیاد عرصه می‌نماید که به مجرد رسیدن به بازار فروش می‌رسد.

قهه به شهرت رسیدن او هم جالب است، سی سی کیچ قبل از اینکه خود را بچیت یگانه خواننده تثبیت نماید، در گروه هنری زنان بنام ((اسی میل)) ترانه می‌خواند، در روز هاییکه خواندن هایش را در رادیو ثبت می‌نمود، در آنجا همیشه اتفاق می افتاد که از کارهای خلاق دیگر این هنرمند برود یوسران آلمان دیتربولن تعجب می‌نماید، تودرن تلاکنگ یکی از برود یوسران آلمان و تیکه کنسرت آن گروه زنان را از رادیو شنید، سی سی کیچ راه استدیو دعوت نمود، اکنون در تمام جهان از کنسرت‌های او بخاطر غنای آواز زیبا و نرمش که شنونده گانش راه هیجان می‌آورد ستایش و استقبال گسترده می‌آید بعضی شعرو کمپوزیکه بنام ((بخاطر

اینکه توجوان هستی)) توسط دیتربولن ترتیب گردید اولین گام موفقیت و سر آغاز شهرت سی سی کیچ بشمار می‌آید با آنهمه تلاش و فعالیت‌های هنری او بلا نهای در آینده دارد، او همیشه در کلمات این هنرمند آمده است (( در زمان ماستاره های معروف و معروفه های تازه ظهور می‌نماید که تصور و بینش آن مشکل است )) در این اواخر موسیقی با سیر صعودی روبرو تکامل است که در این راستا خلاقیت و ابتکار سی سی کیچ در شو های تلویزیونی مقام عالی و برجسته را حایز میگردد تا ناچار جیان کنسرت‌های سی سی کیچ به ده ها هزار نفر میرسد، سی سی کیچ و گروه هنری اسرینام ((کوله فیوز)) نه تنها مورد استقبال علاتمندان قرار دارند بلکه در جهان نیز هواخواه و شهرت زیادی بدست آورده است.



### می‌نمایم

در یک شب مقبول بچیت هنرمند د یسکو تبارز می‌کنند، خواندن زیبایش با هم می‌توانم قلب خود را قدرتمایم)) مردم را هیجانی و آرام آرام به شور می‌آورد، خواندن های زیبایش از اعماق مردم تبارز نموده بچیت د یسکو زدگرم در تمام اروپا شهرت یافت نمود ریک نمایش تلو یزیونی که د یسکوی فوق العاده اجرانمود بنام ملکه د یسکوی را خود شهرت بسزایا کسب نمود، این سی سی کیچ نه تنها در اروپا بلکه در جهان نیز شهرت دارد، نام اصلی وی کسور سولیراست که در سال ۱۹۶۴ در هالند تولد یافته فعاله در آلمان غرب زنده گسی دارد، رنگ دوستداشتنی اش سیاه است و برای لباسهای رنگهای آبی کمرنگ و زرد را انتخاب

دنیای بزرگ موسیقی همچون بحر خروشان نیست که از امواج پرتلاطم آن انسان این موجود آفرینشگر و مبتکر همه توانمند ی اش سروده ها و پارچه های رابری میگیرند و آنتی‌نوس های بیگران آنها در نوردیده به سوی شادی های فرج بخش و نشاط آنرا ره می سپارد، اینک باد ست یازدیدن به جهان موسیقی - گل خوشه یی را ازین سرزمین هستی آفرین به شناسایی میگیرم و هنرمندی را به نام من: من کیچ باهمه محبوبیت هایش به شما معرفی

# لرغونې نوروز او

# نوروزي دودونه

د ليمه ليکه



کال له سختيسره خداي پاماني کوي او نيکمرغيو ته ورژد ي کيزي زموږ په ميواو کي نوموړي - دودونه تراوسه پوري په پوره برتم سره نماخل کيزي او تراوسه لا - زموږ خلکونه دي هيرکري له اولسي او اتلسي بيړي راپه دي خوادغه دودونه په لزاو پير تويرسره نماخل کيزي شمير - الدين ظريف صديقي په دي باب وايي ((له کابل کي دغه ميلي لومړي د جبه بياد سيا مندي - بابرباغ، د سخ او دنيا لگير داينود لو او زگر د ورخي د ميلو په نامه جوړي شوي او تراوسه پي خپل او پير برتم عمداسي ساتلس دي په عرات کي هم دغه دود په تخت صفر، بل مالان، خواجه سپاران، خواجه صفا، ريگ روان په خانکر و ميلواو خوښيو سره نماخل کيزي - په مزار شريف کي د گل سرخ، ميله جي خلويښت ورخي روانه وي - په دغه ورځ ملتهد حضرت علي جنده پورته کيزي - جي په کابل کي هم د سخ جنده او د مندي توغ په عمدغه ورځ پورته کيزي -

د نوي کال د ميلو په باب غلام محي الدين ملکري جي د خلکو د فرهنگ د خانگي مسلکي نمري دي وايي : ((د نوروز په شپو ورځو کي په گند - هارکي د شالمار، بابا ولي، جهل زيني په گرد يزي کي د (روحاني ما - حب)) په کونړ کي د پير بابا او په ننگر هارکي د ولکي بابا ميلو د يادوني ورځي په پښتني سيمو کي نجوني او پيغلي نوي اوښکلي کالي اتوندي تبيل وهي زيارت ياتي به (٦١)

دغه اوسني تانک ووايموه پي په خپل وار انگور شوه با جاله هغه وروسته د سپرغ د دغه لطف په ورځ هرکال دنيا لگيو کينه لسو دود پيل کړ او د ابي په گوته کړه چي هرکال بايدغه ورځ د خوښيو او خوشحاليو په جوړولو سره پيل شي - د ((سيزه بدر)) له لسو شگومونو څخه يوهم د باران اور پيل دي چي هغه به پي دنیکمرغه قال په توگه ياد اووه په ديار - لسمه ورځ چي دنوروز باي وهم ټول ټول مراسم ترسره کيدل نارينه زويه بهلواني کولي ميلونه به پي وهل زړه وينخوا ويند و په خپل وخت به ندرنو هلکونو په تودولو او د خيرات او خيانت په برابرولو باندې تياروه بخوانسي نجوني او پيغلي به په دغو ورځو کي به شيلو کي کزيدي په شيلواو سمور کورونو کي به پي خوښي کولي او د راټوکيد ليوشيلو بايي اوښانگي به پي دنیکمرغه شکم په نيټ غوټه کولي له لگيدلو او بلوښو او وروڼو څخه به پي په خاښو ناروغيو ادا کانو توپونه جون کله به پي چي وايه سره غوټه کول د هغو غوټه به پي د خپلي ميني او پلاقي ور عنوان په نامه اېوله د نوروز په درشل ((سيزه بدر)) کي به د باندې باور و چي جون پي دغه دود نماخي او نه پي ميروي هغه د تيارو زار -

لومړي شپي مراسم پي د سنک تيار پي نيول کيده اووه ټوله ميوه به لند يده اووه شين د سترخوان به وغوړيده چي بيل به اووه سين باندې واوښت پير سيره برهڼو به پي باکي او په هم راوړي ياد کال د اوښتون په شپه کي به چي اووه وښور يدي اوله هغو سره سم به د خوښيو جشن او موسيقي پيل شوه د نيو روزه ورځ به د بزگر ميه هم جوړيده دغه ورځ د جمشيد ((يما)) پاچا په عصر پوري اړونده بولسي - په دغه باب لرغوني انسانه ده چي وايي : دغه پاچا د ليدني کتنس ورځ درلوده چي دروازه پي د عامواو خاصو پرمخ برانيستي وه هوکي برانستي وه ځکه چي تر شنه آسمان لاندي په ازاده فضا کي دي ليدني کتنس صورت نيوي چي دعامي ميلي بڼه پي نوره کړ يوه د ميلي په خوښيو او تودو کي د هما يا سپرغ مارغه له الوتس راتپت شواو هغه څه چي پي په مښوکه کي وود باچا په قدمونو کي و اجول او وروڼه پي وغوړول - کوم شي چي مارغه راوړي و پوهانو ترخپل نسي لاندي ونيول او د نبات دانس پي تشخيص کړي باچا حکم وکړ چي دغه دانس بايد سپين پيري او پوه بزگر په ځمکه کي وکړي د کرلونه د پارلس ورخي وروسته هلته نياگي راټوکيدلي وو چي -

ترکومه خايه چي زموږ د خلکو او زموږ د بلرونو ژوند په باب څرک لکيدلي ((نوروز)) او د هغه اړوند مراسم زموږ په فرهنگ کي د باطرنی وړ لرغونتيا لري - ځکه نو دغه مراسم له يوه پښت څخه بل ته اوله بل څخه بل ته ليزد ول شوي او ترموږ پوري رارسيدلي - دي د پخوانو اريايانو په زمانو کي به چي کال باي ته رسيده د کال وروستې چارښه به پي په برتم سره نماخله دغه چارښه د سوري بارښي په نامه سره ياد يده او په هغس کي به پي ميلي کولي - ځکه چي د اد پسرلي د برتم په درشل کي دنوروز د ميلي پيل و په دغه ورځ به پي اورونه چي پات او پيغلي توک و بلول او هغه منگي اوگري پي چي د پي ((مهرگان)) به جشن کي به پي لغلي نه ټکول په دغو ورځو کي به پي ماتول د اله زمي او ارام سره د خداي پاماني ښه و په استورونس راغلي دي چي له سوري بارښي څخه د پارلس ورخي وروسته واپه په فارسي ژبه د ((سيزه بدر)) په نامه ياد يزي - زرد شتيانود د دود يار لسو زونو پيل د ((اښاد)) او بايي پي د ((پهشتوار)) په نامه ياد اووه اووه دغو ورځو کي به د نوروز ميلي وي - له سوري چارښي څخه وروسته به بيا د کال د

# شاید خنده گنید

روزنامه بایین بیاید . دوم اینکه ممکن است میزان انتشار بایین نیاید ! و در صورت . . . . .  
 ارسالی ژولیا (بهارا کبزراده) از بدخشان .  
 شخص پیراهن را زدید به پسر خود داد که بفروشد ، پسر پیراهن را به بازار برد و از او زدیدند . دست خالصی مراجعت نمود ، پدرش گفت پیراهن را چقدر فروختی ؟ گفت به همان قیمت که تو خریدی . بو - دی ارسالی محمد ابراهیم هجران

مدیر یکی از روزنامه های معروف ، نویسنده یکی از سر خواننده ترین ستونهای روزنامه خود را خواست و به او گفت : میدانم خسته شده اید ، برای رفع خستگی حاضریم شما را مرخصی به شما بدهیم . نویسنده سرش را خاراند و گفت : از لطف شما متشکرم ، ولی من این مرخصی را قبول نمی کنم به دو دلیل : اول اینکه ممکن است در نتیجه تعطیل شدن ستونی که من می نویسم میزان انتشار



ای یاری وفا ، تو بوکس کو مه دفاع



## اخبر سال

خبرنگار اختصاصی ما ، شافلی میرزا شاکسار ، که همیشه مصروف جمع آوری اخبار خالصین باشد ، برای این شماره این اخ بار را تهیه دیده است :

\* در اثر زرد و خوردی که بیسن احمد خان و برادرش (فرید خان) در اطاق نشیمن ثمان صورت گرفت ، تمام نشیمن های اسحاق شکسته و قسمت اعظم فروش و ظرفی که موجود بود ، از بین رفت . در این جریان ، احمد خان دست راستش را از دست داد و فرید خان در ناحیه قلبش زخم شدیدی برداشت . بدرفامیل وقتی که حال روز

فرزندانش را دید ، عاجزانه ایشان را به نفاخانه انتقال داد و در نخستین روزنه تمام تمام معاشش را که بعد از این تمام عرق ریزی به دست آورده بود ، مصرف نمود ، بلکه چندین هزار افغانی قرضدار شد .  
 خبر می افزاید که برادران زرد و خوردی میکنند ، بعد از آن که به حال آمدند ، اعتراض کردند که علت مشاعره شانرا نمیدانند .

## از تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ می شنویم

انا نسر تلویزیون :  
 بیننده گان گرامی ، اخبار را شنیدید ، حالات توجیه تا نرا به تیسره به تعقیب آن به تعاشای را بر تاز معذرت داشته و در اخیر فلم هنری عنندی به نام (سو ستوری) پیشکش میگردد .  
 \* \* \*  
 جرنگ ، جرنگ ، جرنگ  
 - بفرمایید ، تلویزیون است .  
 - اوه نوکیوال ، اول اعلان کردید که فلم (سلطان قلبها) را نمایش میدید ، حالا چرا فلم لوستوری را انانوردادید .  
 - امر مقامات بود .  
 - کدام مقامات .

تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ که تازه در جوات - فجات (۲۲ گانه شریک) به فعالیت آغاز نموده ، اخیراً توسط اپریتران فعال خود گفتوگوهایی را بلی را ثبت نموده که اینک پیشکش میگردد :

جرنگ ، جرنگ ، جرنگ ۱۰۰  
 - بفرمایید ، اداره ، نشرات تلویزیون است .  
 - نشرات تلویزیون است ؟  
 - بلی ، بفرمایید .  
 - بیشتر اعلان شد که امشب فلم هنری ایرانی به نام ((سلطان قلبها)) نشر میشود .  
 - بلی درست است .  
 - اما از آنجایی که این فلم را دیشب از طریق وید پوکست در خانه تماشا کرد ، ام و برای فامیل ما تکراری می باشد ، امرو می کنم و آن فلم هنری

(لو ستوری) را ناسر کنید .  
 - ببخشید ، آخران فلم را بنا بر تقاضای مکرر بیننده گان تلویزیون و ضرورت نشرات پیش آماده ساخته ایم ، اما نمانندار که آنرا ناسر کنیم .  
 خاموش با سر مامورت مستخان نکن .  
 میدانی ، من یکی از مسؤولین بلندرتبه استم ، من ( . . . ) استم که امرو کم .  
 اوه ببخشید صاحب ، صاحب ، حتماً تغییرش میدهم ، صاحب ، ببخشید ، صاحب .



تما با هنر نمیشه





## از خود شما

سوال  
گفت: يك سوال ميكم، اگر جواب دادی مردی.  
گفتم: بگو، تا مردانگی ام ثابت گردد.  
گفت: آیا میتوانی برای همیشه خشویت را نزدت نگهداری؟  
گفتم: نامردم و جواب نمیدهم.

\*\*\*

مادر: انسان با کارهای خوب به بهشت و با کارهای زشت به جهنم میرود.  
پسر: انسان چه کار کند تا به سینما برود.

ارسالی هماپرویز از بونهعی  
ژورنالیم ویان برویز از بعه بلخی

(( امتحان ))

يك سوداگر معروف دریایی از همسرش خواست که تا عشق و علاقه خود را نسبت به او آزمایش عجیبی ثابت کند. مرد به زن گفت: - اگر راست میگویی و حقیقتاً مرا دوست داری برو چشم بسته بر لب بامی ایستاد شو سه مرتبه دور خودت بچرخ بعد به هر طرفی که من میگویم قدم بردار. خانم نه تنها زیر بار این امتحان بزرگ نرفت بلکه آقا را به محکمه کشانید و از وی طلاق گرفت.

(( در صنف ))

معلم: پنج چیز را نام ببر که صد سال پیش اصلاً وجود خارجی نداشت؟ شاگرد با کمی مکث: سنجی دست، کارکرد، میناکشی، توپسرا، اندرسن و نواد رامز.

## مادر زن یا روزنامه

شخصی به دوستش شکایت کرد که: خشمم مثل روزنامه است.  
- چگونه زیاد حرف میزند؟  
- نه هر روز به خانه ما می آید.

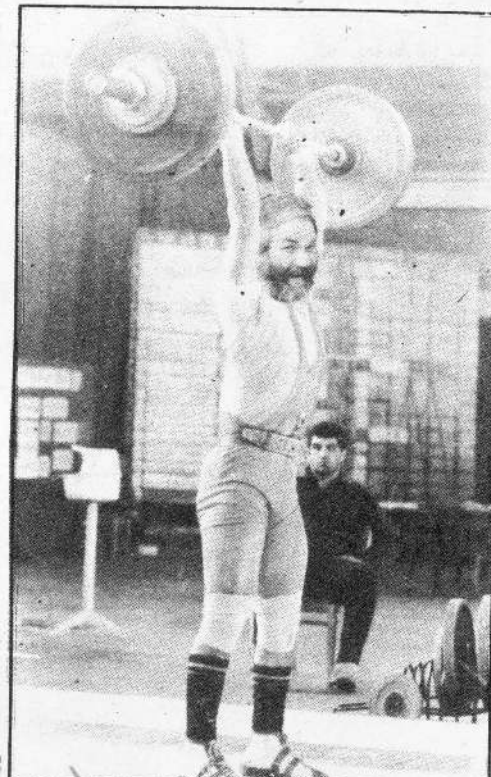
## راه حل

رئیس اداره حسابدار است شرکت تجارتي ربه معاون خود نمود و گفت:  
- حالا چطور به رئیس عمومي بگويم که تحويلدار پنج مليون فرانك موجودی صندوق را برداشته و فرار کرده؟  
معاون: همگام چطور است این ماموریت را به آقای دوران که لکت زبان دارد بگذاریم تا آقا رئیس از جیبان مطلع نشود.

## اندرزهای مطابق روز

X بگذار کودکان مکتب را ترک و در مسدود بمانند تا مسؤولین سیل صف منتظران نانوائی قرار گیرند.  
X لقب نهرمانی را به دست آرند.  
X بگذار تلویزیون شروع گردد و ما را X بگذار انتقادات را مسؤولین پشت خواب ببرند.  
X گپ زن که يك جنس به صد نسخ نکنند.  
X عرمه گردد تا پارهائی از خواب بیدار X چپ بان تا مسؤولین بخواب روند و شهریان از گرسنه گي بنالند.  
X خاموش باش، معازره مای کوبونی نوشته: جاله

نورانی بوموقع



معلم صحنه خوب است

همسایه بپ

د بیوزیک تن از دست پیل است کمترین تیم، به اندازه آن که نانسند و کند از آن دیگر ها رئیسند با بی اعتمادی همکاری نمایند خود را به خانه رسانده، خود پس نبود.  
خبرس از این که خبریان کابین از این خود کشی به جانیه موقع تغییر احب سوسوف لبرازخوس و قدر دانی نموده، از روند انامه این سلسله در ریاست بدنه می باشند.

خبرنگار: میرزا شاخسار

شخصی نزد دوستش شکوه میکرد که: میدانی چقدر همسایه بد دارم دیشب تا ساعت ا شب با مشت به دیوار اتاق میگوید! دوستش پرسید: آنوقت تو خواب بودی. آن شخص گفت: نه، خوب بخفته خوابیده بودم زیرا با اکورد یونم تمرین میکردم.  
ارسالی عطیه

# مینیاتوره‌های طلایی

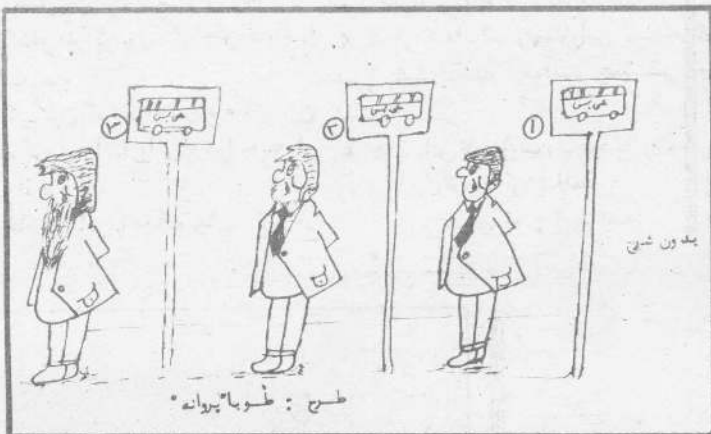
اگر اثریست مولف را بد زدی آنرا بد زدی گویند . اگر از چند مولف را بد زدی این دیگر تحقیق است .  
 به هر اندازه ای که فکت ها کم باشد بهمان اندازه اشکال زیبا می باشد .  
 چیزی که امروز حقیقت است فرد انسانی تخریب پیش نیابد .  
 اگر واقعیت ناخوش آیند را بغیر منتظره باشد بدان کسی باور ندارد .  
 بهترین منطق ، منطقی است که بعداً بوجود آید .  
 تاریخ برای ما می آموزد که از او چیزی نیاموزیم .  
 به هر اندازه که بالای اندیشه خود گارمیستی به همان اندازه متیقن میشوی که بیگانه است .  
 از تمدن گذشته ، نواری های آینده به وجود می آید .  
 زمانیکه همه چیز گفته شود و عملی گردد ، زیاد گفته شده .  
 از اندازه عملی شده .

مادر کلان : عسوی از نامیل که نس تواند از غنید ای بیرون آید .  
 خوشو : مشاور با المقطع در پروم های خانگی :  
 بیکار : حیوانی که وقت را می خورد عروسی : ( عقد ) قمار که مردان در آن آزادی خود را دو میکنند و زنان خوشبختی خود را .  
 جنگ : دو بیلوماسی بین المللی که مدق خود را از دست میدهند .  
 دشمنان : مگوری از دوستان که نمیتوانیم خود را از آنها دفاع کنیم .

## کارتون



# طعم تند



## نیم کاسه های زیر کاسه

مارک تواین روز جمعه را روزی شو می شمرد .  
 یکی از دوستان روزی برای پیش گفت :  
 دو دست عزیز در جمعه شخصیت های بسیار بد نیامده اند مانند جورج واشنگتن ، تایلین ، شین و کلاد ستون .  
 مارک تواین موافقت کرد : ممکن است ولی فراموش نکنیم شخصیتها مردند .

امیل زولانزد ، اکثری رفت ،  
 دو اکثر رسید : چه شکایت دارند ؟  
 خود را ضعیف احساس میکنم از چند روز است که یک لقمه راهم در دهان نگذاشتم .  
 دو اکثر سر از معاینه برای پیش نسخه نوشت :  
 ای تابلیت ها برای اشتهای تان کت میکند .  
 امیل زولانزش را با ناراضی شور داد و گفت :  
 دو اکثر صاحب این تابلیت ها ایراد من کت نمیتواند من اشتهای من را ولی چیزی ندانم که بخورم .

مدیریت باشد کسی دیگر را ندیدند .  
 محمد سرور خیرنکار که به خاطر تکیه صاحب ، نسبت به دیگران رجعت نیادتوری را مقبول شده بود به آشخرف گفت :  
 چند روز پیش مدیر صاحب - برای مامکتور روان کرد که بیاید با ما صاحب کهد ، ولی حال خودشان تشریف ندارند ، آیا شما حاضرند کجارتی اند ؟  
 معاون شعبه گلشن را ماف کرده گفت :  
 وله راسته بگویم ، من هم نیامم که مدیر صاحب کجارتی ، مگم دیروز در امری امضا صحه علیا داد که ده سینما قلم نهند شده ، شاید نمونه رفت باشی .  
 محمد سرور که گوی خشکی

## بی غم باش لالا

سفر اراخان مدیر تیلیت و ترو صغ فاجیکه ساختن طی مکتوب -  
 رسمی از خبرنگاران را دیو و تلویزیون دعوت به عمل آورد تا ساعت ۱۰ هتل از ظهر روز دوشنبه به شعبه اش آمده با او جوار امر مربوط مدیر پیش صاحبه نظیرند .  
 روز موجود فرارسید ، مسئولین تلویزیون با هزار جار و جنجال ، موتو ، کمره ، ایت و همکاران شنیکر و فی را آماده ساخته آنجا رفتند .  
 همین که داخل شعبه شدند به جزارتشخص که پهلوی مدیر شسته و معلوم میشد که باید معاون

شده پوئوسید :  
 ای پسر به شعبه خات آمد ؟  
 معاون جواب داد :  
 ایزه خوب میخام که تی ، به خاطر که مدیر معادلت نداره وقتی که بر آمدن پسر بیایم .  
 تمام خبرنگاران و همکاران تختهکی در حالی که سخت آورده شده بودند دهناره به ظرف اداره تلویزیون حرکت کردند .  
 در نیمه راه شهر حسن فلمبردار بیکاره همه را مخاطب قرار داده گفت :  
 اویسه ها ، اینها حومه خوب سرگردان کردن ، نام کار می کنیم که تازنده استر یادتان نره ، او هم ای که برشان می گم که روزی کنیه .  
 آینده آماده باشن ماسی ایم ، باز

### متولدین ماه اسد :

خوش شانس شما در اینست که در راه بنامت آوردن مواد بخته سیلواز خود مقابلهت نشان نمیدید اما ممکن است حیوان بالاندن به سرسری ملی بس جراحی بردارید که بعد از رفتن نزد دایر این تشویر رفیع خواه شد .  
**متولدین ماه سنبله :**

شما دم کم حوصله بی استید به مجرد تماس کردن بایک تینگ یا کراچی روی سرک باد ستغرو - شان برخاطر میباید ولی بایک محتاط باشید که انعام بر - گری کم از شما نیستند احساس استقاد بدی تان را تقویت کنید .  
**متولدین ماه میزان :**

تشویشی که از ناحیه بلند رفتن تکت ملی بر در شما ایجاد گردیده است انقدر جدی نیست در میزان هم نگران ایکی د واقعا تان را صاحب میزند ندیده رستوران اکتر سرزید زیرا مقابل مگر حساسیت دارید .  
**متولدین ماه عقرب :**

همیشه از روند استید تا در هر جا از جمله موتملی بر موقت خوبی داشته باشید . از همین رو با دیدن جالبی به لگن موتر جمله ورمیشود اما متوجه باشید که جیلک تان را حین رسیدن به هدف کم نکنید .  
**متولدین ماه قوس :**

ادم با اراده استید وقتسی بخواید کاری را انجام دهید بدون توجه به سنگینی آن ، آن



# فالی که طنز نویس دیده است

### متولدین ماه حوزا :

ارزواییه به خار به دست آوردن کوبن لیت به سو میروانید به جزازته و بالادین چندین هفته به تمرین رسید به مشکلات زنده تی تان انامه از این افزوده نمیشود به زودی بوجی اردی به غدومی اندازید .  
**متولدین ماه سرطان :**

شما دم خون خرق استید بوی وگده گیاه کارسری در شما اثری نمیکند . بول صفای را در مواقع معین میبرند از بد بجز واسطه ها ، واسطه های قوی پیدا خواهند کرد .

### متولدین ماه حمل :

امید و ارزو هم وقتیت کوشت از سر تان به اسمانه ای هفتم پرواز کنید . در هفته که پیشرو دارید روزی این خوشی را در تان تیل سیری مینمایید در باره تخم مرغ کمتر فکر کنید .  
**متولدین ماه ثور :**

همیشه با ما مورین متاز به بر - خورد صمیمانه دارید خوبست به خاطر رفتن تان وقت ترا - خواب برخیزید تا با اطفال تان کمتر سرنا بنوازند کوشش کنید بی د بار در هفته به دفتر سرزید .

را انعام میدید مثلا شما قادر استید به اس وقت از نانوای نزدین خانه تان ، نان بدست بیاورید اما متوجه باشید که نفع شما درسی واسطه شمس است .  
**متولدین ماه جدی :**

ناراحتی های که از ناحیه بلند رفتن مواد اولیه طسرف صورت دارد بی فایده است در اینده نه چندان دور شیز - خانه تان را قطنی روغنی رنگین خواهد ساخت براد بومک بشنود زیرا مقابل سایل تکراری حساسیت شدید دارید .  
**متولدین ماه دلو :**

فکر مرغ بلورا از خیال تان دور سازید . کتوبه بازار بروید بی نشی ملی بر شمارامتا شر میسازد ولی باید بدانید که این موضوع د پیغامی شده است شما هم مانند مسولین در زمینده معافیت حاصل نمایید .  
**متولدین ماه حوت :**

اگر شما امور دولت استید ، اطفال تان در نانوایی مصروف اند و شانس کامیابی در مکتب کم دارند ، وظیفه شماست که به معلم آنان واسطه پیدا نمایید که در جمله مشروطان ختم سال ، کامیاب گردند ، حتما بخت اطفال تان بیدار میشود ، تاراحت نباشید اطفال تان را تشویق نمایید که بوظیفه خود در نانوایی بگیرانده ادامه دهند . از لیا سعادت

تعمیر باید به صورت نمونه در این شود و تولیدات فابریک هم به قسم نمونه به نمایر گذاشته شود تا از آن چند شات بنهیم ، در روزی که ماهی آیم ، تمام کارگران و کارمندان مدیریت تان را جمع کنید تا با آنها دم صحبت نماییم و در ضمن برای تان جاشت (۱۲) نفر خبرنگار و پرسونل شخصی تمسنا تهیه کنید .  
 برای سرفرازخان بکجید کارهای را که کفتم حتما باید انجام دهند ماه صورت حتمی آیم .  
 معارف گفت : به چشم و حتما برشان موم .  
 روز موعود فرارسید اما هیچکس برای صاحب به شعبه سرفراز خان نرفت .

روزی که رسید بنهیم . همه در حالی که لهخندن بر لب داشتند قبول کردند .  
 همین که به دفتر رسیدند بشیر حسن نظیر در گوش تلفون رایسر داشته به شعبه سرفرازخان تلفون کشیده گفت :  
 معلوم صاحب محترم ، از کجه تمیه صاحبیهت شما با اتمام مهم اثر ، برای مدیر صاحب سرفراز خان و امیر شعبات شان بنهیم ( - لنگه یاد داشت کمین ) که مارونیک شنبه آینده ، ساعت (۱۱) می آیم ، مارو بر سرفرازخان و آمرهلس باید رهبر موسسه هم دعوت شود ، چند جریده دیواری به تشریف و تاریخچه مفصل فابریک نوشته شده جانر باشد ، بخشهای مختلفه





## دوهامې پېژندنه

د راديو-مجلې پسرلک  
پسې داستان

## سرپرست رئيس

نطاق: د راديو جوړېدې پرله  
پسې داستان د پروگرام اوږد-  
ونکو لوستونکو سلام!  
تاسې په تيره گڼه کې ولو -  
ستل چې د بېتا توشېنولو د رڼا -  
ست ريس د مقاماتو د لزم د پيد -  
ياد ناغې يې له کبله برطرف شو.  
بې له دې چې بل ريس وټاکل  
شې او ياد رڼا ست د کوم مرستيال  
د سرپرستي مکتوب راشې. د ريل  
ست د چوکې د نيولوبه خاطر د  
اداري اوښي مرستيال ترمنځ  
رقابت او کش وگيرمنځ ته راغې. په  
لومړي ورځ له سهاره ترغرمسي  
پورې ادارې مرستيال به چوکس  
پورې نښتې و. خو کله چې د -  
پنځو دقيقو له پاره له چوکې پورته  
کيزې اوډ باندې وځي. نوښت  
مرستيال د رڼا ست په چوکې پښه  
پاتې (۱۰) مخ ته



## نانوای

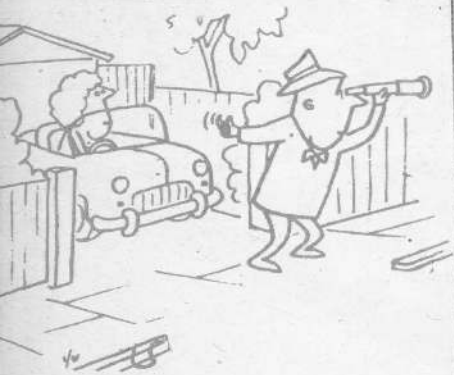
دغه مهم اوحياتي لغت په  
معاصرو قاموسونو کې د اډول تو -  
ضیح او تشریح شوي دي:  
(نان)) د ډوډي او -  
(واي)) د واخ مانا لري.  
يانې کله چې خوک د پښار په  
نانوایانو کې په پنځو ډوډيو پسې  
(واخ)) چيښې ووهې او هغه  
هم په لاس ورته ورنه شې.  
.....  
غور خوره. غوري وايه. خو په  
غور وښه تير وځه!



## علمي تخييلونه

هغه خوک چې دغه ليکه لولی غروموسې د ښوونځي په دوران  
کې د ناپيروجن دورانې حالت د بېولوژي په کتاب کې ترسترگو  
شوي دي، خود لته د ناپيروجن پرخاي د يوې بلې ډيرې مهمې  
اوحياتي مادې د دوران په باب غږيزو. دغه مهمه اوحياتي  
ماده د سر کونوله باسه هغه خاورې او ډوډي دي چې هره ورځ  
په زمونږ ښاريان په دورانې ډول دخولې اوږي له لارې سز او  
کولمونه ننه باسي. اوډالري ترهغې روانه ده چې خود ښار  
په واټونو کې دخټو او ډوډو دغه حال وي.  
له دې خبرې سره داخبره بې لا براتواره په ثبوت رسېږي  
چې حاده څه ډول له يو حالت څخه به بل حالت بدليږي او خپلې  
بقا ته دوام ورکوي.  
راغې چې په دې باب په خپله دغه دورانې حالت ته  
ورنښوئ:

# نردی لیدونتی هیله او د سنځی وریوری



## دیوډاگانو غونښتلیک

د راپیو، تلویزیون، وریوریا،  
مجلو او جریډ و محترم موسولینو!  
خوږه وړخ وینواو اوږدې سینه  
تلویزیون او راک یوکی د ماشومانو  
او حیواناتو له پاره ځانګړي څېړنوي  
څېړنوي او هم په مجلوماتو کس  
دغه ټول ګلښی ترسترګو کړي.  
خود یو ډاګانو څېړنه تراوسه نشه  
چالیدلی، نه یی اوریدلی او نه  
یی هم لوستلی ده. ایا یو ډاګان  
غوز ونه نه لري، زړه ونه نه لري،  
اوسترګی نه لري یی خوب یس  
د دې ټول څېړنو هم نه خوږي.  
د ایه موسور او یریدلی وي چی:  
زاره به خواږه، مرګ یی د یی-  
سار، خواږه د امانانه لري چی  
سړی به مړه ګیډه لیتی یا اوکوره  
وڅوړي، بلکې روحی څوړونه چی  
د خولی په ځای د سترګو او غوږونو  
له لارې کولمونه ننوخی هم اړتیا  
ده. هیله کړی چی د دنیس  
اړتیا به پام کی نیولوسوه (د بو-  
ډاګانو نړی) ایه نوم څېړنه به  
څپلو څېړونوکی وړتیا ته کړی.  
ستاسی اجزا توت غوز اوسترګی  
به لاریو.

بریالی اوسی

کاکا سفندرد بوب اګانو ټولنی  
سرپرست

وکتل شو!

د بوب اګانو دغه غوښتنه به ځای  
ده اوله عمدی نیسی وروسته به  
د بدجاره هنی هنیوال د بوب اګانو  
د نړی په نیم یوه ټوکرې به هنی  
کی وړتیا ته کړی.

# ګندنه

زه مجنون د ګندنی م، ګندنه زما لیلاد ه  
به لاسونه راغی ملګرو، کبرجنه بی وفاد ه  
اوس بی سینه بازاری ده، له پتی تللی د ګان ته  
به مفلس مین شرمیز ی، ښکته ما ځنی اجداد ه  
د مهران مودی اوز د ی شوی، د وصال په طمعه طمعه  
زړه زما ورسس وړان د ی، د ایں غم بی پرواده  
زه د یواښتک به هیله، تیرم میاشتی ګندنه  
داله ځمکی نه عوانه، پورته شوی به هوا ده  
لاهم وړخ به وړخ جکیزی، یو ځیران رانیتنه شوه  
د نړخونو په سیالی کی، ګله ګله له (پامپا) ده  
به مړه ګیډه، عینکله، ماونه خوږه به مینه  
د اچی ورکه ده له مانه، نوله ما ورکه د تیا ده  
که یی نړخ راکښته نه شی، د خوراک عیله یی به کړه  
ای مفلسه حیبت ته کوره، ګله خوراک ګی یا شتیا  
بخوانی مینی اوسنه شته، زړه د ی عیله یاری کړه  
اول نړخ کوره بازاری، ګندنه یی مینی ته سودا ده  
غسی نه چی لیونی شی، به کونو په بازارونو  
خه به لاس درله درنه شی، د ابله تما شان ه  
نورنم افریاد ونه کړی، زړه کړه صبر ګندنه  
ای مفلس ګندنه خوږه، د ازما درته وینا ده



## میزز له میزسره خه څپلوی لری؟

میزخوتول بیژنی چی د دفتر  
په کوچ کی به څلور ښو ارام  
ولار وي او په رسمی وخت کسی  
میززایان ورباندی څپل سرز دی  
اویده کړی.  
راعی وګورچی میزراخه ته  
واپی: میز زاله دوه برخو  
(میر-زا) خخه جوړ شوی دی  
چی دوه لاسونه، دوه ښی،  
دوه سترګی او دوه غوزونه لري.  
اوس که (میز)، (میر) او  
(زا) د وار ه سره یوځای کړو  
نوبه ښو سترګو ویلاي شو چی:  
میزراخه (میر) دی چی له  
(میز) خخه زیږیدلی دی.  
(څپرکی)



په لاسونو دانه باغیچه ښیله

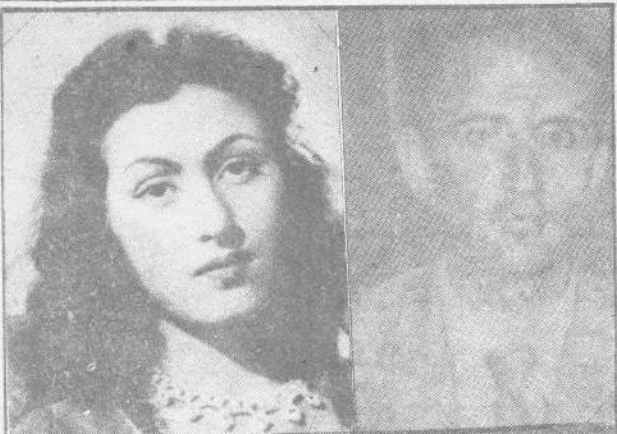
بچه کلايت خه کار ښیله

## دیوډاگانو نړی

یوه ډاګانو څېړنویان په ګوره  
پوډی ګاسی ته باغیچه ور اړه  
پوډی یی څوړه  
دوی د وار وید خوله څخولید  
راهه اوس سترګوکی اوسکی ټولنی  
یوس چی ددی عیسی بیسی ته  
هت پت پاتی وکله بوب اڅخه و-  
پوستل  
- کاکا خانه (ولی زاری)  
- بچه بوښته نه کوه... نه پامه  
خوله کی غاښونه نه شته اوسه  
پوډی څخولیدنه شم وهلاي.  
خودغه ځوان چی غاښونه لری  
ټوله پوډی یی راځنی رځوړه  
ځوان چی خوله یی له پوډی  
پکه وه، به پک ستونی بسری  
ا وډانګل.

د روغ وای وروږه! زه چی غا-  
ښونه لرم، نوبه پوډی څخولید  
وهم لږ دم یی، خودغه بوب اڅخه  
ښونه نه لری او پوډی ژوند یی  
ژوند یی تیروي.

یوشن میزراخه لار څو څپل بوب ا  
بلا رته لیک ورباندی ولیکی، میززا  
دنه وویل:  
میززا- ښه وروږه! بلارته دی په  
لیک کی څه ولیکم.  
سړی- سلام... ګرانه بلاره...  
میززا- ولی چیغی وهی؟  
سړی- ددی لپاره چی بوب ا-  
پلار یی په غوز ونو کوه دی او  
ورڅېره نه اوري.



# علی مشتری سفر پر ماجرای رابه دنبال عشق خود از سرگذشتانند

## مجموعه قصه‌های

خواننده گان عزیزان در شماره های قبلی مجله ما برای سفر علی مشتری را دنبال حقیقت در هیاللا به غدا خوانند اینک بشری دیگر از این صده را میخوانید

شب فصل بهار و ماهتاب است  
نغم باغ رشك شك تاب است  
شگوفه دامن افشاند به گلشن  
زخون لاله شاخ گل خضاب است  
بدیده تان (( ماه در بسا لا))  
ز خجلت ماه تابان در حجاب است  
نغم آهسته تبرنگ رزگوش  
که (( ممتاز جهان)) من بخواب است  
درین فصل بهار ای گلشن نساز  
زهجرت مشتری اندر عذاب است  
مجله کابل هم در یکی از شماره های خود  
بیوگرافی مدهو بالا را بطور مکمل تحت عنوان هللی  
مشتری ومد هو بالا بدست نشر سیرده که چند  
صفحه از آن مجله مصروف وزیران گرفته است  
جریده انیس هم زیر عنوان (( علی مشتری رایشنا -  
سید)) یک صفحه از روزنامه را به بیوگرافی بنده  
و عشق عصری قرن بیست و موضوع مدهو بالا تشریح  
یحات مفصل داده وهم چنین موضوع روز را اطلا  
جمعی افغانستان بود و اکثر روزنامه ها و جراید  
درین باره مضامین و اشعاری بدست نشر  
صی سیرده که چون مدت و زمان زیادی از آن

تاریخ نگشته و اکثر آنها فراموش گردیده اند  
همچنین مجله ننداره که یک مجله هنری  
فلسی و ادبی بود در وقت و زمان خود شهرت خوبی  
داشته، صاحب و راپور تازی مفصل و نظریات خویش  
را بدست نشر سیرده و عکس هائیکه مدهو بالا در آن  
امضا کرده و بطور یادگار برایم اهدا نموده بسود  
و هم چنین عکس های از من در مجله ننداره به  
چاپ رسیده

و این است راپور تازیکه در شماره دوم سال دوم  
مجله ننداره که مدبرمسئول آن محترم شفیع رهگذر  
بودند - نشر گردیده، یک قسمت آن بحضور  
خواننده گان گرامی سپارون، دیلا، تقدیم میشود

((یک راپور تاز و دلچسپ خواندنی  
گفتگوی با علی مشتری))

((عشق))، امید ((و آرزو))، سه کله خوش  
آهنگه سه لفظ خیال انگیز و شاهراهنه و بالاخره  
سه معمای مشکل و پیچیده هستند که بدور مرکز  
من می چرخند و دل این مایه زندگی و این اوست  
زندگی بهر رنگی که خواسته اوست این هر سه را

بسیار خود می رقصد و آدمی را بدنبال آنچه نسل  
عشق و آرزو در وی بوجود آورده است گاهی در  
صحاری خشک وریگه بیابان رگه با پای برهنه  
روی خار مغیلان می میدان وطن میدان میدواند  
و اهتایی باین ندارد که کف پای آدمی را دردی  
وشت پای او را گردی نصیب نموده است  
آنچه راهبان اخبار و ناقلان آثار و خوش  
چینان خرمن سخن از دوران کهن بدل نسبت  
داده اند که اگر غلط نیست عجیب ضرور است  
زیرا گاهی دل را خون شده گان مظلم ناچسار  
خوانده و هزاران نوع نوحه دیگر برای اوسر و دهاند

در حالیکه همین دل بیچاره عاجز و ناچار ایشان را با خاک و خون کشیده و بعد هم برایش نوحه گری که بوشق نفرین کرده آرزو را محال خوانده و امید را فریبنده میدانند به تعقعه خندیده است. همین دل مظلوم دوست باکتر لوگه ما علی مشتری را دو سال تمام از یاد دور داری و در بدو جای او را در محافل ادبی و هنری و محفل انس دوستان خالص ماند، داستان اینکه روی دره یار غربت چها کشیده، برای خود بی کتابی است.

ولی اینکه در سرزمین بیرونیان نمکین و سستی، جهادید و چهارگز برای خوانندگان مجله دوستداران مشتری، موضوع معتنا به و غنیمت سی است که با استفاده از یک صحبت دو ساعته با ارجحی اجالی بخوانندگان نامه خود از آن ترتیب و تقدیم میکنم تا با کمال تعجب بیکار دیگر در یابند که مشتری هم در حالیکه مثل همه ما و شما باز چه دل بوده، باز هم برای دل خود بسیار میسوزد و هر لحظه آهی کشیده، میگوید ((بیچاره دلکم)) با خوش خلقی ((همیشگی مرا پذیرفت و بعد از تعارفات معمول، مانده نباشی اضافه کرد: گمان میکنم در اینجا هم مثل بعضی بیک مشت سوالات تو امثال تو بپسند جواب داد، روی خصوصیتی که داشتیم، خندیدیم و گفتم.

س: جزاین چاره نداری وقتی که حاضر شدی تمام جراید فنی بیگانه را از نظریات و اظهارات عاشقانه و هنری خود بزرگی ناگسری برای نماینده مجله فنی کشور خود هم حرف بزنی. عده زیادی خواننده گان ما تو را شناسند و دیدار سنتن ما جرای مسافرت عشقی و هنری تو عسلا - کنند اند.

ج: حاضرم به سوالات تو جواب بدهم مشروط بر اینکه زیاد وارد خصوصیات نشوی و من برای سکوت اجباری احساس نکم. س: به دیده این قسمت را رعایت میکنم اما تا آن حدی که حس کنجکاری یک خبرنگار بتواند اجازه دهد.

ج: بسیار خوب فرمایید، من حاضرم که به سوالات شما جواب گویم. س: اولتراز صحبت صحبت کن تا جاییکه من میدانم منظور از مسافرت توبه بعضی در مرحله نخست معالجه چشم بود، آیا بهتر شد؟ ج: خدا را سپاس گزارم یک مدت مختصر تحت تدابری بودم که به زودترین فرصت تکلیف رفع گردید.

دیدن روی عزیزان چشم روشن میکند داریو بینایی یعقوب را یوسف کند س: پس چرا توقفان در بعضی مدت دو سال طول کشید؟

ج: خودت میدانم که من به عوامل هنری علاقه زیاد دارم، از روزیکه پای من بروی سنیو بهار شده بیش از آنکه یک شاگرد اهل صالح بسرای طیب باشم، دو دسته دامن هنر و سوانح هنر مندانه را چسبیده ام، ازین جهت خیف دانستم از شهری مانند بعضی که مرکز هنر و هنرمندان کشور بزرگ هند و تقریباً هالیوود شرقی است، بدون فیض

بردن و انداختن معلومات هنری برگردم، طبعاً این کرد شها و کسب معلومات هنری مدت زمان طولانی را ایجاب میکرد و من هم بی مضایقه حاضر شدم، این مدت را فدای اندوخته هایی هنری کنم. س: خوب، البته این مطالعات منحصر به ملاقات با ستاره زیبای آسمان سینمای هند بود و هر لحظه بی که بایکی ازین آفات مفضل و هوش رنده بدیده باز ماندی یک انسا یکلوییدی نوبی از تو بوجود آمد؟

ج: یقیناً این وجهه احساساتی و شاعرانه مطالعات من است، معذراً هر یکی ازین ستاره ها در هر لحظه زیبایی و دلربایی، عالم بخشند و دارای یک استعداد سرشار در پیشه خود هستند.

س: به نظر تو هنرمندترین ستاره های هند کدام عا بوده و آسامی شان چیست؟

ج: به نظرم را جگپور، بلراج سمانی، کمنور ساهو، دلپ کمار، اشوک کمار، بروتی راج و جانی و اگر از جنس خشن، نرگس، مدهوالا، نس، وی - جنتی مالا، نلنی جیونت، گیتالی، کانی کوشل نو باری، از جنس لطیف، سربر آورده گمان جهان سینمای هند بشمار میروند، البته این یک قضاوت هنری و شخصی خود من است و من هیچ گونه وجهه قطعیت و احتیاط به آن قایل نیستم. س: نگاه شما از نقطه نظر زیبایی روی کدام

ج: شاید تا چیزی درین نباشد مردم از آن چیزی هانی سازند، محبت و علاقه من به مدهوالا یک ساله چندین ساله دارد و تماشای فلم های محفل نازنین، ((خانم آتای ۵۰)) در تشدید و تحکیم این محبت سعم زیادی داشته و بعد هم همین عشق و علاقه به او محرک احساسات شاعرانه من شد و توانی در حدود ((ده هزار)) بیت در وصف مدهوالا از طبع من بوجود آمد، گرچه علت اساسی مسافرت به هند طوریکه در بالا گفته آمد یک مسافرت هنری و ورزشی بود، معذراً آرزوی باز دید ازین محبوب و معشوق رویا ها و تخیلات نیز درین مرحله سعم زیادی داشت.

س: بعضی از جراید چاپ بعضی مثلاً اداکار آرزو و غیره ضمن راپورتاژ هاییکه از تو طبع کرده اند حرفهای نیز در مورد ملاقات تو با مدهوالا و اهل خان بد را و بچاپ سپرده اند، چاک از اینکس مدهوالا به ازدواج با توبی میل نموده، ولی پدرش دو صد هزار کله در هندی جمعیت مصرف عروس برای بستن زبان مردم از تولید انوا هاتی اساس مطالبه کرده است، آیا این مطالب حقیقت دارد؟

ج: بی شک دیده ام مدهوالا از نزدیک یک تضایی قلبی من بوده و بعد مدتی انتظار روکشش توانستم اوراد رفتارش که یکی از زیباترین مهارت حوالی بعضی است، ملاقات کم درین ملاقات از هر دری سخن راندم و طبعاً از دل بستگی و علاقه پی که بوی داشتم نیز سخن بمیان آمد، مدهو برخلاف

# مدهو بالا وینوس شرق است

آنچه در زلم هاملاحظه میکنم یک د ختر خلق و محب است، بنابراین وقتی سخن بدینجا کشید، گونه هایش از شرم گل انداخت و در حالیکه نمیتوانست بمسوی من نگاه کند، گفت، برین موضوع بهتر است با یسد صحبت کنید، شاید راه حل درستی پیش پای تان بگذارد، ملاقات با مدهوالا و اهل خان نیز داستان دور و درازی دارد ولی مختصراً همان است که جریده آرزو و بگر جراید هند نوشته اند.

س: و طبعاً تو این پول را نتوانستی تعمیم کنی زیرا سرمایه بی که با خود برده بودی یکی هنر و دیگری یک دل شوریده و پرورد بوده که ایسن دو نمیتوانست خان را اقناع کند و نه خان نمیتوانست بدان وسیله زبان دراز مردم را کوتاه کند.

ج: این قسمت را به اجازه تو مسکوت میکنم و امیدوارم طالب هیچ گونه توضیح بیشتر از آنچه میدانسی نباشی.

این قسمتی از صحابه بود که در مجله ننداره به طبع رسیده بود و کلکسیون مجله مذکور هم در کتابخانه عامه کابل موجود است، علاقه مندان میتوانند بقیه در صفحه (۱۱)

یک از ستاره های هنری مخصوصاً توقف میکند؟ البته ذوق و سلیقه خوانندگان را باید در نظر بگیرد.

ج: سوال ضد و نقیض و عجیبی میکنی، اول میگوئی نگاه خودت و بعد سفارش میکنی ذوق خوانندگان تو باید مد نظر من باشد، اگر این جنبه را رعایت کنم تا گریز سختی برخلاف آنچه دلم خواهد گفت، گفتم ام زیرا دل من و نگاه من فقط یک ستاره زیبا، طنازود لریا در آسمان سینمای هندی شناسد و من بیند که آنهم ((مدهوالا)) وینوس شرق است، غیر از او هر کس هر کس را میخواهد برای خودش زیبا بگیرد ولی نه آنرا قبول میکنم و نه میتوانم تأیید نمایم.

س: پس چیزهاییکه مردم راجع به تو علاقه مفرط به مدهو بالا میکنند، زیاد بی اساس نیست؟

ج: مثلاً چه چیزها؟ س: مثلاً میگویند علت اصلی مسافرت توبه هند دیدار نزدیک ازین ستاره آشوبگر هند بوده و در چشم و کسب معلومات هنری که هم اکنون از آن صحبت میکردی، حرف مفت و بهانه بی بیش نیست؟

# لی غم باش لالا

مدیر صاحب ، سزای قسوت  
 ((ا)) گرم  
 هفته گذشته ماره سرگردان  
 ساختن ، ما آمدیم شمانودین ،  
 خیالی دیدیم که چلو صدخوده  
 گرفتیم که یک هفته شماره به خاطر  
 صاحب صرف ساختیم ، آخر  
 هم دیروز نامدم  
 سرفرازخان که این حرف ها را  
 شنیده ، خنده ، تمسخر آمیزی  
 کرده گفت:  
 بی غم باش لالا ، ما دیروز هم  
 نبودیم .

بقیه از صفحه (۱۲)  
 شوهر من فلمدارک در من  
 حال به حد بدبختی نگاران -  
 تلخهون ایفای وظیفه میکرد ، یک  
 روز بعد گویی را برداشته سزای  
 سرفرازخان که همان روز در شب  
 بود تلهفون کرده گفت :

بقیه از صفحه (۷)

# مصیبت اعتیاد

ج : همین شخړ صاحب به  
 وابستگی مواد مخدر و رانمیتوان به زور  
 و فشار تد اوی کرد با وجود اینکه  
 تمام تسهیلات آرمایی موجود د  
 باشد ، رضا و رغبت صاحب به  
 تد اوی شرط اول تد اوی است .  
 برای تد اوی معتادین باید برنامه  
 های وسیع تبلیغاتی نیز در رنر  
 گرفته شود ، نمایش فلم ها و نمایشنامه  
 های توانده موثر باشد . برعکس  
 فلم های تشویق کننده یک  
 جایا مواد مخدره از طریق تاجران  
 مواد مخدره خود اعتیاد را بیشتر

می سازد ، در برنامه تد اوی باید  
 خانواده ها و استادان مکاتب  
 و همروسه زیرط سم بگیرند  
 یعنی منظور این است که اولاً  
 برنامه و قایون داشته باشم  
 نه معالجوی . بسیاری از صاحبین  
 می توانند داخل پسترس شوند  
 اغلباً دیده شده که انهمالاز  
 طریق همیره های سابقه به مواد  
 مخدره کشانیده شده اند .  
 ج : طوریکه قبلاً گفتم تد اوی  
 اجباری این انفراد مفید نیست  
 معلوم کردن معتادین هم چندان

# لیزاروی

بقیه از صفحه (۲۱)



نمایشنامه (( اودن نیست ))  
 بعضی نمایشنامه های تلویزیون  
 و رادیویی نشعهای داشته ام  
 - لیزارجان کونکه به آذربایجان  
 نایل آمده اید و هنر پیشه سینما  
 شده اید ، فلم جدیدتان کدام  
 است ؟  
 - فلم جدید اینکه من در آن  
 نقش برارنده ام ، (( سفر ))  
 نام دارد به کارگردانی سعید  
 ورکزی وهم اولین بار است که  
 رضایت کارگردان را جلب  
 کرده ام چون نقش یا کرکتریکه من

آنرا اجرا میکنم نهایت خوش  
 آمده بود و از سوتی شرح و کسار  
 دقیق کارگردان و اعضای یونت  
 فلمبرداری ماسپ شد که من  
 بهتر و خوشتر در قالب کرکتر سیرده  
 شده فرار میکنم .  
 - قرار اطلاع شما شاگرد ممتاز  
 مکتب خود نیز هستید آیا به هنر -  
 پیشه مگی تان ادامه خواهید  
 داد یا چطور ؟

- یاد رایت و هوشیاری با سح  
 داد :  
 - از هنر ، هنر زنده مگی کردن  
 را موختم ، نه تنها به درسهایم  
 میروم بلکه در منزل با مسادین  
 نیز کمک مینمایم و زمانیکه تسهیلات  
 خود را بی پایان رسانیدم ، آرزو  
 دارم ، در آسمان سینمای افغانی  
 ستاره باشم ، آگاه و پردرخش ش .  
 - ما شما این بیروزی را قبلاً  
 تیریک میگویم .

# به شعر جان میبخشد

بقیه از صفحه

- پلی شما درست میگوید من در حدود ۲ هزار پارچه  
 موسیقی را دایرکت کرده ام .  
 - وجه تعداد اشعار را دیکله کرده اید ؟  
 - شاید در حدود دوصد پارچه بوده باشد .  
 - پس در بخش دایرکت باید تسهیلات همه جانبه داشته  
 باشد میشود از تسهیلات ثان بیروم ؟  
 - نسبت مشکلاتی که داشتیم نتوانستم بیشتر از ۱۲ صنف  
 تحصیل کنم اما در بخش دایرکت از طریق تلویزیون دایران یک  
 کورس ماهه را تمقیب کرده ام .  
 - در بخش دایرکت بن ویا مردم کدام یک مؤفق تراست ؟  
 - به نظر من زن مؤفق تراست .  
 - چرا ؟  
 - زیرا که زن میتواند بخصوص در حوضه رنگ لباس و آرایش  
 دقیق تر باشد .  
 - میخواستم بیروم دایرکت آهنگهای استاد هوشیور  
 وسیمه ترانه ، کار کدام دایرکتراست زیرا لباس و آرایش خواننده  
 با فضای که خواننده در آن قرار دارد هم آهنگی تلم دارند ؟  
 - کار من است .  
 - پس به این صورت بیشترین ضرورت شما در تلویزیون است ؟  
 - فعلاً در خانه .  
 - چرا ؟  
 - مشکلات دارم .  
 - در نظراتی مؤفق تراستین؟ ویا در دیکله اشعار ؟  
 - فکر میکنم شعر را خوبتر میخوانم .  
 - گاهی بخارج از کشور سفر داشته اید ؟  
 - بل در فرستینوال و در گاه ماسکو سفر کرده ام و یکبار هم سفر  
 شخصی به کشور هند داشتیم که در ضمن پاکستان راهم دیدم .  
 - فعلاً کدام پروگرام را پیش می برید ؟  
 - پروگرام زن و جامعه را .  
 - و در اوایل که به تلویزیون آمدید کدام وظایف را پیش  
 می بردید ؟  
 - از سال ۱۳۶۰ برای ۱ سال مدیر عمومی موسیقی تلویزیون  
 بودم .

# آیاتصادم زمین با ستاره

بقیه از صفحه (۲۹)

امکان مشاهده اثر و نشان این  
 حادثه تیل از وقوع نبشند اجرات  
 دفاعی در برابر آن اتخاذ میگردد؟  
 یکی از شاگردان پروفیسور (پول -  
 ساندرف) از وی چنین سوال  
 کرد : چگونه میتوان زمین را از  
 تصادم و آرهانید در صورت تریکه  
 هشت ماه به تاخیر وقوع این  
 تصادم نمانده باشد ؟ آیا میشود  
 راکت های دوگلوله ای را غرض  
 انفجار ستاره به خارج فضایی  
 میراث سیمون بکار برد ؟  
 بعداً ساندرف اظهار داشت :

دفع کردید که در نتیجه چهره عالم  
 تغییر یافتم ، زمین لوزه ها ، انفجار  
 در که های بزرگ و تواننا به وقوع  
 پیوست ، طبقات غبار سنگ های  
 ضخیم یوز هوا را احاطه کرده و  
 مدتی چند در همانجا باقی ماند و  
 حبابی در برابر اشعه آنتاب  
 گردید . درین میان به اثر توقف  
 ترکیه نور هزاران هزار موجود  
 زنده با مرگ مواجه گشتند .

برخی از دانشمندان معتقد اند که  
 خطر تصادم زمین با یکی از ستاره  
 های یک امر کاملاً حقیقی به شمار  
 می آید . ۱۰۰۰۰ لیکن میتوان آنرا کاملاً  
 ضایل نیز کرد . طبق اقتصاد  
 (شویسکر) ستاره ای که قوت  
 انفجار معادل هیرمز را دارا باشد  
 امکان تصادمش در خلال صد هزار  
 سال یکبار مت و راست . اما ستاره ای که  
 متادل قوت انفجارش فقط یک میگان  
 باشد امکان دارد بعد از هری سال  
 داخل یوز جوی زمین گردد .

انفجارات هولناک  
 در سال ۱۹۰۸ برفراز جنگلات  
 دور دست سالیبها جسم طعمی با  
 طاقت انفجار هایدروجنی دوازده  
 میگاتن عبور کرد این حادثه سبب  
 تولید امواج زلزله در منطقه  
 تانکوسکا شوروی گردید ، اشجار -  
 قطع و به سانه ، پنجاه میل دور  
 انداخته شدند ، غبار و تند بساد  
 ها مناطق وسیع دنیا را فرا گرفت .  
 از همان وقت تا امروز از طماد رساره  
 سبب این انفجار و شش ناحیه  
 تانکوسکا سوال میشود آیا جسم  
 مذکور رأس متلاش شده ، مذکور  
 (یکی از سیاره ها) یا ستاره ، سخنر  
 ایست ؟ گویی از دانشمندان با  
 این سوال مواجه اند ایاد ضرورت

به مناسبت بازهای المپان توکو  
 امارشاد . چنمین زلزله را از سر  
 گذشتاند . در سال ۱۹۶۲ این  
 یکبار به سکون انتقال یافت . دهن  
 شهر اتن تلخهون ایستانکون -  
 بالارفع ۵۴۰۷  
 متر امارشاد . این اتن تلخهون  
 جمعه ۵۵ هزارتن وزن دارد .  
 در ارتفاع ۳۲۵ متر این اتن  
 رستوائت واقع است که چن مخود  
 این رستوائت منظره بسیار زیبایی  
 به شهر مسکو نصیب مارجم -

# ساختمان ها سریر آسمان

بقیه از صفحه (۵۱)

انتظار هرود اروپاییان سفینه  
 ای راه ستاره (هستنا) که حوالی  
 صدمیلیون میل از فاصله دارد -  
 ارسال نماید . اینگونه ستاره ها  
 به جای بدل خواهد شد که  
 انسانها بتوانند در آن باشجاعت  
 قدم گذارند و ما شاهد به  
 اتصان در زمته ، نسوم خواهیم  
 بود .



گفته شد کاری ساده نیست اداره ماصرف درحالاتی میتوانند آنان راحت تدای بگیرد که از جانب خانواده های شان یا بطور داوطلبانه از جانب خود شان مراجعه صورت گیرد .  
س: آنانیکه بعد از تدای معتامی شوند آیا باز هم چانس صحت یابی را دارند ؟  
ج : آنانکه دوباره بعد از تدای به مواد مخدره روسی آورند کسانی اند که باز نخست به زور تحت تدای قرار گرفته اند.

و طبعا مصاب شدن شان بسیار دیگر خطرناکتر است زیرا برای ترک اعتیاد تصمیم و اراده قوی و علاقمندی شخصی باید وجود داشته باشد .  
س: معتامین چی نوع برابلم هاراد رجامعه به میان میاورند ؟  
ج : برابلم های ناشسی از معتامین وسیع است .  
از نظر جسمی خطرات جدی بیماری های کشنده را بوجود می آورد مثلا بیماری های ریویم و خطرناک جگر که از استعمال

مکرر مشروبات الکولی پیدا می شود .  
خطر سرطان نزد کسانیکه عادت به دود کردن دارند . بوی دهن چنین افراد سبب از پتدیگران می شود . زرق داخل رور سدی مواد مخدره زمینه انتقال و انتقال مرض خطرناک اید سر برابلم می آورد .  
حادثات ترافیکی ناشی از همین موارد می باشد .  
از نظر روانی نیز مشکلات بوجود می آورد .  
از نظر اقتصادی چنین انحصار کارایی کمتر داشته و باید شانرا راصرف مواد مخدره می نمایند

طبعا خانواده ایشان دچار تنگدستی می گردد آنها بیشتر اوقات خوشتر با دوستان همردیف خود گذراننده اطفال شان از مهر محبت شان محروم می گردد .  
گاهی اطفال شان نیز مصاب به این موادمی گردد .  
تناسبات خانواده کی آنها نامطلوب گردیده سبب ایجاد جنگجویان هابالاخره به طلاق و جدایی منجر می گردد .  
انسانها ثروت جامعه اند طبعا انسانعامتاد ازین ثروت کاسته می شود .  
رجای

زنده کی برای آنها محدود میگردد بهخفا بخاطر بده ست کورده ن پول غرض خرید اری مواد مخدره آنها مرگب جرم و جنایات مختلف می شوند .  
حتی تا سرحد قتل و زدنی های بزرگ میهنی اینک برابلم ناشی از اعتیاد طیف وسیع دارد که برای درمان آن مبارزه بزرگ بکاراست چی ضم مادران و اطفال مسووم جوانان و سرانجام مصیبت های جامعه ناشی از اعتیاد به مواد مخدره می باشد .

# نقطه مرگ

بقیه از صفحه ( ۲۶ )  
کوبایی چنانکه سوطون عمر را کوبند یاد میشود و شامل ۱۲ نیمی است که از نباتات و حیوانات بدست آمده و هیچ عنصر منومی کیمیاوی در آن وجود ندارد . عبارتند از : عصاره جمجمه سنگ پشت خاور دور ، عصاره شاع کرگدن ، خسته های نباتات Armenacae Juulperus-Rioids لیمون چینی ، خسته قیسی و شنبلیله های که در کوروسا نیز پیدا می شوند .  
راز روزگاران بچلی سینای بلخی مورد اعتقاد قرار داشته اند .  
از نامبرده برتنش بعمل آمده که : آیامکن است که عمر را طولانی ساخت ؟  
اینگونه پاسخ میدهند : بل ، با تقویه سیستم های قبلا ذکر شده ممکن است .  
زیرا تضعیف فعالیت آنها باعث بیری میگردد .  
طول عمر سورا میتوان تا ۱۲۰ سال و حتی از آن هم بالاتر برد .  
بالای اشخاص بین سنین ۶۵-۷۰ که وظایف تمام سیستم های شان تضعیف شده بود ، تجاری انجام دادیم .

با انکفالمیت جنسی آنها از ۵۰-۷۰ میقد کاهش یافته بود توانستیم که آنها را با نرسدای بحال نورمال برگردانیم .  
برای اینگونه تدای عموما تطبیق دو یا سه کورس لازم است .  
قسمی که کورس از ۱۰ تا ۱۰ بار تطبیق میگردد و تطبیق پیچکاری .  
ها چند روز را در بر میگیرد در حله اول پیچکاری ها در نقاط فعالی صورت میگردد که بیمار از آنها شکایت دارد .  
چیز مهم در تطبیق این سیستم است که نقطه مورد نظر جد نیصد پیدا می شود .  
در حالیکه درسوزن زن عادی تقریبا ممکن نیست .  
داری تر رقی شده خود بخود زیر جلد انتشار یافته و خود رابه نقطه مورد هدف میرساند .  
کورس اول تطبیق پیچکاری در ظرف ۳ تا ۶ ماه نتیجه میدهد و نتایج کورس های بعدی بهتر و بهتر خواهد شد .  
سپس نظریه وضع چهار کورس تطبیق پیچکاری بعد از یک سال یاد و سوال و یا سه سال تطبیق گردد .  
بعضی اشخاص در اولین تطبیق پیچکاری صحت یاب میگردد .  
تلاش طبیعی کوریا به تزریق دروا نقاط لان طول عمر محدود نموده در صد پیدا کردن نقطه مرگ نیز استند .  
داکترونیک بیامون نقطه مرگ چنین عقیده دارد :  
در یک حیوان بزرگ بحری بنام

اوختاپوس یک چشم سوی نیز وجود دارد که از آن هورمون مخصوص بنام هورمون مرگ ترشح می کند .  
هرگاه این چشم سوی ازین برده شود آن حیوان برای همیشه زنده خواهد ماند .  
فرض کنیم که پسر شدن انسان هم که معلول فرسایش اساج و جگره ها می باشد .  
از هورمونی بنام هورمون مرگ سرچشمه گرفته باشد .  
هرگاه بتوانیم ترشحات این هورمون را زایل کنیم و یا لاقط کاهش دهیم به جلوگیری یا کاهش بروسه بیری نایل خواهیم شد .  
همانطوریکه هر عضو بدن یک نقطه فعال در روی جلد دارد به احتمال قوی هورمون مرگ هم باید نقطه فعالی در روی جلد داشته باشد .  
به نظر او این نقطه بالایی خطی موقعیت دارد که بنام خط طول عمر پداسی شود و از گلو شروع شده پس از عبور از سده و ناف به آلات تناسلی ختم میگردد .  
بین ناف و استخوان جنسیخ نقطه طول عمر ، که از قدیم ها تصدیق گردیده ، موقعیت دارد .  
مهمترین آنها نقطه چپانگ است .  
داکترونیک نقطه جدیدی راه کشف کرده که ۲ تا ۴ سانتی به طرف پایین ناف موقعیت دارد و بنام خود روی قسمی است در تحقیقات بعدی خود تصمیم دارد که نقطه مرگ راه درین منطقه پیدا کند .

بقیه از صفحه ( ۲۶ )  
چونان انسان را از نظر اشعه های یونی حفظ کند .  
درجهان حیوانات و نباتات چه اثری خواهد داشت ؟  
هنوز حوات راتعا از ضلیم سوی حیوان صورت گرفته .  
هرگاه انسان بتواند خود را تا اندازه ای از تشعشع محافظت کند .  
کی آنف بر حیوانات و نباتات اثر گذار نخواهد بود .  
طوطال ، سطح حاصل دمی حیوانات غیر نفاهی ۲۰ نمد حاصل خیزی بخش نباتات ۳۰ نمد کاهش خواهد یافت .  
شد تشعشع مابرای بخش امکان دارد نفا را بکوته مناطق صنعتی و آلود سازد .  
نگر این امر ممکن نیست بهش از ۵۰ سال صورت گیرد و نام در صورتی ثابت ماندن انسان در برابر آن .  
طریق معلوم است در سالهای نزدیک به خط نعداری این از خطر نخب اقدامی ضروری در نظر گرفته شده است .  
آیا بخش بیخ خوش بنامه شهاب صل دانگی شبه نیست که از بیخاوش مرض جدی او را بیهان نگهدارد ؟  
گفته های من نه تعابیهانته های تجاری طی هبوط نام بلکه بر تطلیح پژوههای جهانی استوار است ،  
تجارب و آزمایش های چندین ساله پروگرام انگلیسی مل متسد ( UNDP ) سازمان متروپولی جهانی میانگرجان تطبیق است .  
از ده سال در هر پاییز بالان قطب جنوب شکاف آتونی پدیدار میگردد ،  
طت چیست ؟  
در برابر این پرسش هنوز پاسخ قناعت بخش وجود ندارد .  
با انهم در زجهت این فرضیه ها تمام گردید است :  
شکاف آتونی شاید زا ده جهان کیمیاوی با همیان دنیا کی با هر دو ی آن باشد که بالان توصیف صورت میگردد .  
بعضی هالین موضوع را با اختراعات رقم حرارتی و همیان با اعمال شدن خوبید پیوسته میدهند .  
هیچکس تا کنین به تشعشع مناسب آن توفیق نیانته است .

بقیه از صفحه ( ۲۶ )  
پژوهها و آزمایش های بیشتری در کار است .  
تحقیقات بشرک شوی ، آلمان ، دموکراتیک ، بلغاریا ، منگولیا ، کوبا ، هند و ایالات متحده روسی است .  
در سال حاضر چه پیمانه مواد تهیه کننده این درجهان تولید میگردد ؟  
تعدادی روسی سالانه در حدود یک میلیون تن ( ۴۰ نمد آن در ایالات متحده ، ۳۵ نمد آن در ایالات ۱۰ نمد آن در جهان و شوی ) تولید میشود .  
تلقیه تعدادی در شوی ، ایالات متحده و بعضی کشورهای دیگر مواد الترفاتی آن تولید میگردد .  
در کفرانس مونتهال چه مصامی اتخاذ گردید ؟  
مصام حق قبل از آن در سال ۱۹۸۵ در هائیا هم اتخاذ گردید .  
چنانچه طبق آن تحقیقات روسی جهانی رویدت گرفته شود در پروتکل آن ۵۰ کشور امضا کننده تعهد سپردند که تولید مواد تهیه کننده این را قطع نمایند .  
تا چه وقت هکدام پیمانه از تولید مواد ضربه قطع خواهند شد ؟  
در کفرانس مصمم گرفته شده که در سال ۱۹۹۳ از تولید نوی روسی ۲۰ نمد و در سال ۱۹۹۵ به اندازه ۵۰ نمد کاسته شود .  
آیا کاهش های در نظر گرفته شده کافی است و چرا تا ختم شده جاری منتظر کاهش بیشتر اند ؟  
هرگاه برنامه وضع شده تطبیق گردید و تولید مواد تهیه کننده این افزایش نیابد پیمانه تهیه شد کشور این مایه نگرانی نخواهد بود .  
با کورولیک پروتکل مونتهال را تا هنوز امضا کرده اند چه معاطه صورت میگردد ؟  
نظریه موافقه مونتهال تکلیفی و وسایل تولید نوی روسی را اختار آنها گذاشته نخواهد شد .  
البته متخلین با مسازات جدی اقتصادی سرزنی خواهند شد .

ایالات متحده امسال که ۱۲۸ متر ارتفاع دارد و دوی پایه تشرامواج را بعضی دشر و روسی پولند است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .  
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه انهن را گذاشته و ولی منتظر بیلد بود که از این حد ارتفاع چه گاهی به اسان هانزیک هاد شد .  
به همین الان پیروز هانزیک است که در صورت مسازان ارتفاع هزار متری در نظر گرفته شده است .

بمق واقع است و اطرافش را شمشیر اسطه کرده انتقال داده میشود معامان میتوانند از لفت به منظره نما که به شهرتورتها میشود لذت ببرند .  
شاید برایتان غور قابل قبول باشد اگر بگویم که درجهان تا حال دهبار از سرحد ۶۰۰ متری ارتفاع تجاوز شده .  
این دو مساختان - مرتفع جارت انباهی های تلوهون بوده که یکی در راکوت شدالی در

رستورات میشود .  
انهن حرف تخنیک به شهر توتوتو کانادا اطلاق میشود .  
از سال ۱۹۷۵ دین شهر برج بزرگ تلوهون با ۵۰۴ متر ارتفاع خود انهنرگهتن مساختان جهان از نوع خود میباشد .  
در ارتفاع ۳۴۷ متری این برج رستوراتی که دارای ۴۷۶ چوکی مسازی معامات بوده واقع است .  
معامان این رستورات توسط لفت که در کار

## آزون



# جواد عبر چهره جوان موسیقی در بالسخ

## اولین بند بربق

مرجوری جویت بل نخستین امریکایی بود که در سال ۱۹۱۱ - به کابل آمده و اجازه اقامت یافته بود (در ۱۸۸۰ پارک ملی بدریار امیردوست محمد خان رسید - بود)

انجنیر بل توسط امیرحبيب - الله خان برای تاسیس دستگاه برق آبی در جبل السراج استخدام گردید . هر چند برای یکسال - آند ه بود اما هشت سال زادن سر گرفت تا کارش تکمیل گردد .

کارها توسط فیل انجام میگرفت کارهایی از قبیل انتقال سنگهای بزرگ و اجسام سنگین فن و غیره چیزها .

سامان لوازم همه به پشت اشتر حمل میگردد . البته این سامان آلات از مالک خارج چون هندوستان و غیره همه بواسطه اشتر و فیل حمل میشد . بل در سال ۱۹۲۵ از میان رفت . یادداشت های او زیر عنوان :

انجنیر امریکایی در افغانستان در سال ۱۹۴۸ از طرف یونیورسیتی منوسوتا منتشر گردید . این کتاب که شامل ۳۳۵ صفحه است مشتمل بر نکات دلچسپ در باره وضع مردم افغانستان در آن روزگار است .

مخاضل خوشی میخواهم و هیچوقت هم مانع دروسم در یوهنخی نیباشند . میخواهم در آینده هم در تعلیمی رشته بی که تعجب مینمایم به حیث آواز خوان باقی مانم و زیاد میکوشم نرفروش نباشم .

وی در مورد سوال دیگری گفت : در مورد انتخاب شعره کمبوز و تلفظ کلمات خودم سعی بنده می کنم . راه خن می دهیم و از اهمل ادب کک میگیریم همیشه دیوان غزلیات شمس تبریزی را میخوانم و میبالم به اینکه حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی به دیار ما تعلق دارد .

می پرسیم آیا آهنگهایت از عشق رنگ می خورد ؟ میگوید : تا حال عاشق نشده ام ، اما زیاد میکوشم آهنگهای رنگی داشته باشم تا طرف قبول واقع گردد . به امید موفقیت های زیاد

ورقایت های سالم جواد عمر در ساحه درس و هنر وای خدا حافظی مینمایم . زلمی

از خود بکنم که خوشبختانه طرف تایید فرار گرفت . و از آن روز به بعد به تقلید از جوانان آوازخوان گاهی شرقی و گاهی هم به سبک غربی میخوانم ، اما زیاد میخواهم غزل خوان باشم زیرا دوستانم به این عقیده هستند که غزل را خوب تر میخوانم از همین سبب است که به صدای فرهاد دریا بعد از احمد ظاهر علاقه مندم .

جواد در مورد سوالی گفت : در شهر مریه تن دیگر از هنر - مندان آوازخوان هنرنمایی دارند که به همه شان احترام دادم و میخواهم رقابت سالم باهم داشته باشم . خودم گروه هنری تشکیل دادم که در -

در شهر مزار شریف هنرمند بر آوازه بی محاضرات خوشی شهریان دیار مولای رانگیر ، سرمی سازد که صدای خوب ، گم و گبرایش شنونده - گانی دارد ، او جواد عمر نام دارد و محصل یوهنخی ادبیات یوهنتون بلخ میباشد .

خواستیم با وی صحبت کوتاهی داشته باشم ، میگوید از مدت پنج سال به اینطرف نظریه علاقه خاصی که داشتم به موسیقی رو آوردم ، آواز هنر - مندان خوب را شنیدم و روزی جرات نمودم عقب ارمونیه بشنیدم و صدای بی





# موکیش

## از دنیای مود...

(بقیه از صفحه ۵۰)

شهرت را با خود همراه ندارد. هر (ثبت امان) (رگبی گانکر) آسمان سینما را می‌تواند ببورد.

در سینمای هند، مودل های فراوانی مرخص وجود کردولی به عدم توفیق خود واقف دیدند. اما در این مجبوره ((سنگیتا جلائی)) نام پر درخشش و استیلا کننده ایست که از دو سال بر سکون موقعت ششم مهر قلمرو سینمای هند حکمفرمای میکند.

او از مدت‌ها به این سوقاضای فلما سازان راستنورد میگرد برای اینکه علاقه بی چندان برای بازی در فیلم ها در خود احساس نمیکرد و از جانب دیگر نمیخواست از زین مقام اصلی اش که سخت به آن علاقتش بود جدا شود. چه او از اتصال به این طرف یگانه مودلی بود در عرصه نمایش لباسهای که مودم او را ((چراغ)) - خطاب میکردند و در این دایره از شهرت فراوان بر - خورده بود. ولی سرانجام به نام سینماگران افتاد. در جهان فلمبرداری فلم ((قاتل)) که همین یک رقص را با ((انیمه پنچولی)) منمود، در گرو صحت شد و در برابر یک سوال گفت:

((به پیشنهادات و تقاضاهای سینماگران ظهور در پرده سینما کوچکین علاقه مندی احساس - نمیکردم برای اینکه در قبال کارم به عنوان ((مودل)) شهرت، مصیبت و ثروت فراوان حاصل بود از اینسرو مودلی نبود که مرابه سینما متقابل بمادولی حاصل دیگر شده که شده)).

((سنگیتا)) نهایت پاکیزه، نظیف، خوش لباس و خوش ترکیب است که در برابر هر سوال با کساد و دهن و تواضع لب به سخن می‌گشاید ولی هر گاه در مسایل شخصی او سوال دویزنده، آن وقت مثل کرم ابلهش که خودش را در تارهای باهک تنیده اش سخن میکند، او هم خودش را در لابلای حرف ها، کلمات می‌پیچاند.

هنگامیکه ((جی، بی، دت)) یکی از کارگردانان مشهور، پیشنهاد بازی را در فلم ((هتیار)) به عوض ((دمیل کادیا)) به وی نمود، او از تومن غیرورتیکبر فرود آمد و این نقش را بیدهن پذیرفت در حالیکه تا قبل از آن هر نوع پیشنهاد را قاطعانه رد میکرد. انگیزه این پذیرش را ((سنگیتا)) این طور توجیه میکند:

((نزد من، ((دت صا حب)) یک کارگردان توانا و آگاه است از اینرو پیشنهاد او را احترام گذاردم ولی تصور نمیکردم که بعد از این پذیرش، در موقعیتی قرار بگیرم که حساب تراراد های بازی در فلم ها برایش شکل شود و کار و بار فلم سازی در قلم هام شکل تر از آن.

در حال حاضر ۲۴ ساعت در شفت های منتظیف صرفم استم برای بازی در فلم هاییکه تراراد آنرا قیلا بدون سنجش اضافه کرده ام. شما باور کنید در این اواخر در عرصه فلسفی که قرار داد میشود، دهکی آن پانزگرا اول من انتخاب میشود تنها با ((سنی دت)) و ((متن چکورتی)) هشت فلم در دست تهیه دارم.

بقیه در صفحه مقابل

بقیه از صفحه (۲۱)

سرانجام آهنگ در کوشش نخستین، بدون آنکه ضرورت به باز خوانی بیافتد، ثبت شد و در فضا میلودی ((راگ درباری))، ((دل جلتاهی توجلی دی)) پیچید. عمه موکیش را با سیگل عوض گرفتند و ((انیل بیسواس)) به موکیش توصیه کرد تا زمانی که قسا در به کسب هویت مستقلانه در آواز خوانی شود از سیگل بجزدی کند. این آهنگ موکیش را به اوج شهرت رسانید.

تمرینات اساسی زیر نظر ((جگه نات)) به آواز موکیش نریش ضروری را برای سرودن میلودی های ریتماتیک داد. اکثر آهنگهای راکه در آن زمان خوانند بشهرت رسیدند، ولی آواز ((بی))، موکیش از عبق گلپوش اداه میکرد، بطوریکه قسمت های حزن آلود آهنگ مطول شده غم ازان میتراود. ادای آوازهایی طولانی یک بدیده نسبی است، ولی در مقامیسه با سایر آواز خوانان، موکیش توانایی محدود در کشیدن چنین آوازها را داشت. در بسیاری حالات حین ادای آواز های طولانی صدا را بیشتر از طریق بینی اداه میکرد، لکن اینها را کمپوزر ها به اغراض مینگر بستند و راضی بودند که موکیش را نسبت به عکس دیگری دارند.

((شیروراجانی سلوا)) نقش اساسی را در شهرت رسانیدن موکیش بازی کرد. شهرت او بین سالهای (۱۹۴۸-۱۹۵۱) زمانیکه نزد یک به یکصدوسی آهنگ را در ظرف چهار سال سرود برقی آسایود. بعد از لحاظ تعداد آهنگهای موکیش به رکورد مواجه شدند. چنانچه در ظرف هفت سال مابعد یعنی تا (۱۹۵۸) وی پنجاه و پنج آهنگ سرود که خوانند نهایی فلمهای ((اه))، ((سری ۴۳)) و ((ده هوماتی)) از شهرت نوی العاده برخوردار شدند. فلم ((معضوفه)) شاید یکی از بدلا - یل این رکورد باشد، زیرا برود یوسر فلم با موکیش به توافق رسیده بود که تا پنجایش گذاشتن فلم ((معضوفه)) او نیایست آهنگ تازه برای فلم دیگری میسرود. فلم ((معضوفه)) که در (۱۹۵۳) به نمایش گذاشته شد، زمان طولانی را در بر گرفت تا تکمیل شود. با استفاده از همین فرصت رفیع و طلعت سبقت جستند، در سه سال (۱۹۵۰- ۱۹۵۴) رفیع دو صد و شصت آهنگ و طلعت بیشتر از یکصد و شصت آهنگ خوانند. دلیل دیگر در این رکورد شاید ترجیح کمپوزر های مورد علاقه موکیش مانند ((روشن))، ((انیل بیسواس)) - ((شنگر - جکشن))، ((راتی)) و ((نوشاد))

به دیگر آواز خوانان بوده باشد. دلیل هر چه بوده موکیش از پس این اجماعات باشایستی بنا آهنگهای فلم ((یهودی)) در (۱۹۵۸) بد ر شد. باز یگر قلم ((یهودی)) دلپ کمار که همیشه در - فلمها آواز های طلعت و رفیع را با سنگ میکسرد اصراوی و وزید که قبل از اجرای آن از شنونده ها نظر خواسته بودند. شنونده ها عمه با اتفاق هم به موکیش ارج گذاشتند.

وقتی ((بعالت رام)) و ((رام چندرا)) موکیش وارد کردند وی خم به ابرو نیاورد. به موکیش هیچ چیز بیشتر از یک آهنگ خوب که منظم مانند - نظم عقربه های ساعت سر و اهش می آمدند، ارزش نداشت.

با گذشت زمان کهنه کاران جهان موسیقی هند یکی پس دیگری ناپدید شدند. وقتی موکیش آهنگ ((الوداع الوداع)) را در (۱۹۶۵) سرود در واقع وداع آهنگ الوداع ((انیل بیسواس)) و ((موتی لال)) بود که برای آخرین بار کار مشترک شانرا انجام دادند.

با انکشاف وسایل تکنیکی در سینما، موسیقی در فلم هانیز مد رتیزه شد و آرکسترهای کلان با آلات جدید موسیقی بکار گرفته شد ولی موکیش مثل همیشه بدون تغییر همانطور ساده و بی تکلف باقی ماند. آهنگهای زیاد با موسیقی دایرکتوران چون ((لکشی کانت - بیاری لال))، ((سلم چودری))، - ((کلیانجی - اندجی)) و دیگران خوانند که برخی از این آهنگها با لطف خوشی که دارند ماندگار شدند. زیاد ترین آهنگهای را با ((کلیانجی - اندجی)) در فرستی خوانند که آنها در آریسه بهترین نمایشان فرار داشتند.

یک دهه پس از مرگ موکیش به این واقعیت متوجه می شویم که این تعداد آهنگهای موکیش نیست که اسطوره او را جاویدانه نگه داشته است بلکه این صمیمیت وی آلیشی آهنگهای او که آنگه باغ اند دلیل جاوید انگی آنهاست.

وقتی معجزه موکیش را به ازایی میگیریم تا قبل اعمیت است بخاطر بیایرم که مانند آهنگهای سینگ وینک ملک یکصداد زیاد آهنگهای حزن آلود موکیش مستقلانه بدون ذکر نام کمپوزر ها و با قلم هاییکه این آهنگها برای شان سروده شده اند، در آن ها شنونده ها باقی مانده اند و آنها را محفوظ می سازد، و این به نوبه خود سیاس و - امتنان به خواننده بی است که آوازش قدرت تداومی خاطرات شاعرانه روز گاری را دارند که نمران سروده شده اند.

# آشیان بزرگ ترمیت‌ها



بزرگترین آشیان ممکن  
ترمیت‌های استرالیاراداشمندی  
بنام ستین بیوان در جنگل‌زاری  
که در ۱۷۰ کیلومتری داریوسن  
موقعیت دارد کشف نمود.  
ارتفاع این ساختمان بزرگ  
به ۶،۷۰ متر و قطر محیط آن به  
۷۳۳ متر می‌رسد. این آشیان  
آشیان عظیم دانشمندان این  
ساختمان‌ها را چنین مسمی  
نموده‌اند (چهار میلیون ترمیت  
زاد خود جاداده است. آنها  
شبهه مورچه‌گان در یک نظام خوب

ما زمان یافته، حیات بسرمیرند  
حتی در مناطقی، شهرهای نیز  
از این ترمیت‌ها وجود دارند.  
دیوارهای ساختمان‌های بعضی  
از این انواع به حدی محکم ساخته  
شده که تخریب شان تنها بوسیله  
ابزار خیلی قوی میسر است و پس  
این حشرات همه چیز را می‌خورند  
و با این کار سالیانه ملیونها خساره  
وارد می‌نمایند.



## ازینجا و از آنجا

و یا سال‌های مینویزه به ظهور  
می‌رسد.  
ولی همچنان انجماد زنده‌گی  
جنسی نیز اسباب بدیده کلپ‌تومانی  
(عقد و گزنگی روانی) را فراهم  
می‌آورد.  
منتها مرد هانیز می‌توانند  
از نقطه نظر زندگی جنسی منجمد  
باشند، پس چرا آنها دست  
به سرقت نمی‌زنند؟  
روانشناس هامبورگی بنام  
زیله ویبر در پاسخ می‌گوید:  
زنها بیشتر ناخوشی بوده و کمبود  
عاطفی و جنسی رایج و عیاشی  
در آن احساس می‌نمایند، در  
حالیکه مرد هاندت عاقل‌امو -  
خته‌اند که چگونه عواطف خود  
غله حاصل نموده و مانع بی‌روز  
ان گردند. مرد هانیز تریباری  
های جنسی مبتلا میگردند.  
نباید از نیراند اخت‌که  
زیون یعنی دزدی رعایت -  
خاطرمی بخشد. در جریان  
دزدی انرژی تشنج روانی از او  
شده کشیده‌گی و گزنگی انباشته  
شده از میان برداشته می‌شود.  
و بالاخره انگیزه رعب و وحشه  
که از ناگهانی ترس میان می‌آید  
با احساسات لذت‌آور جنسی  
می‌تواند ارتباط داشته باشد.

دومین نفر معروف به سرقت  
چیز شده‌اند.  
رعیت بیشتر در دزدی -  
اجناس از قبیل، عطریات، لوازم  
آرایشی، زیورات، ریکاردهای  
موسیقی، فرآورده‌های چرمی  
و البسه سود ریز که ویژه مسرود  
بستند خان‌ها قرار دارند، دپد  
می‌شود.  
رواقعا خانها، با وجود  
اینکه در مقایسه با مرد هانکشر  
مرکب جرم می‌شوند، به اصطلاح  
در بالا رفتن دزدی مقام اول را  
احراز مینمایند.  
در اطری منتشره وزارت عدل  
ریاست نورد اینوست فالن آلمان  
غرب چنین آمده است: ((در  
دزدی مغازه‌ها زنان و مردان  
نسبت ۱- را بخود اختیار نموده  
که عدد بزرگتر مربوط زنان است))  
علت آن چیست؟  
روانکوی از دوسلدورف بنام  
داکتر هانس یواخیم شوین،  
هرمون‌های زنان را مقصر شناخته  
و می‌نویسد: ((عقد و گزنگی  
های روانی در رابطه غلی  
با اختلالات غده‌ای قرار دارند  
که در مراحل نوجوانی (۱۲ -  
۱۶ سالگی)، قلعه‌گی، حمل

# بازی با ترس

هر دو زمین شخسر بازی با ترس  
را انجام داده است. از تحقیقی  
که در شهر هامبورگ آلمان  
فدرال صورت گرفته، روشن  
میگردد که چرا تعداد کثیری از  
زنها در مغازه‌ها به دزدی می  
پردازند. ((نورا برمن چیروگی  
یافت و خطر را در جیب پنهان  
کردم))، اهتراف ویژه و تهیه یک  
زنی است که در فروشگاه‌ها به  
دزدی می‌پردازد.  
زیون اجناس گسترش  
نییابد و طوریکه تازه ترین آمار  
نشان میدهد (۲۵۰۰۰۰) -  
مرتبه در سال، باشندگان  
آلمان فدرال دست به سرقت  
اجناس مغازه‌ها می‌زنند و این  
تعداد فقط انعامی را در برمی  
گیرد که ابتدا بدستگیر شده‌اند.  
طوریکه تجارت برچون  
فروشی وانمود کرده، تعداد  
واقعی انعامه‌الی بیست برابر  
بیشتر از عدد فوق الذکر است.  
از برسن همه گانی‌ای که در  
شهر هامبورگ بعمل آمده، هر



## از دنیای مود...

بقیه از منحه مقابل  
در خصوص اینکه در بیست‌فلمی که ((امتا بهر))  
فعلا روز آن کار می‌کند، دزدی از آنها، نام ((سنکیتا))  
خوانده نمیشود و مطلب قابل توجه است:  
نخست اینکه هنرپیشه‌ها از تازه‌کار به قدری  
صروف‌اند که هر یک از آنها از بیست تا سی فیلم در وقت  
قرارداد دارند که مابه‌انصراف فلان‌سازان از آنها  
میشود.  
دو دیگر اینکه ((سنکیتا)) انقدر جوان و شگفته است  
که همبازی شدن او با ((امتا بهر))، هیچگونه  
ظرافت هنری را ایجاد نمیتواند.  
مگر در هر صورت ظاهر این دو، در پرده فیلم  
انقدر هابمید از امکان نیست. ((سنکیتا)) در این  
مود می‌کشد:  
((آرزو دارم به عنوان یک بانگر خوب مقیم  
برای خود کلبی کم و در این طرز تلقی که، می‌کند  
(مودها)) هنرمندان خوش‌آزای در نمی‌آیند و  
خط بطلان یکم تا دیگر گشته شود که ((مودها))  
مودل‌اند و جسم‌های غیر متحرک را مانند  
اگرچه در فلم ((هتیار)) ظاهر شدم ولی فلم  
اولی من ((قاتل)) است که بی‌صبرانه منتظر مکرر العمل  
مردم در برابر هنرمندان ام می‌باشم.  
داستان این فلم پر از فواض و چیدگی‌های بیست  
که از لحاظ اصطلاح سینمایی میتوان اثر انگده از  
(سنس) خوانند))  
به عقیده ((سنکیتا)) بین هنرپیشه‌گی و مودل  
بودن چندان تفاوت قابل ملاحظه وجود ندارد.  
او می‌کشد: ((بین این دو حرفه، یک تفاوت کوچک  
موجود است و آن اینکه در نمایش لباس‌ها یک محصول  
به معنی فیزی قرار می‌گیرد و در حالی که در سینما  
تخیلات یک نموده، خلاقیت کارگردان، مهارت  
کامو بین به صورت یک مجموعه توسط هنرپیشه  
موضه میشود.  
اگرچه در فلم‌های هندی رهمرفته نقش حساس  
برای یک هنرپیشه، به ندرت محسوس میشود ولی  
تلاش خواهم کرد تا چنین نقش‌هایی را در بام))  
((سنکیتا)) فعلا حدود پانزده فلم در اختیار  
دارد که آنها را طی یکماه اول سال محسوس قد نموده  
است.  
اگرچه در این‌واخره داستان مشقی ((سنکیتا)) با  
(آسیان) روی نماند ولی او موع را اینگونه  
جلو میدهد:  
((در زنده‌گی من فعلا هیچ مردی سایه  
ندارد. اگر کسی نایبانه به من مشق می‌ورزد  
مرا دوست میدارد باید تا زمانی انتظار بماند که  
به آرزوهای که در قبال بازی در سینما دارم موقانه  
نایل آیم)).

# بدنیست اگر بدانید

بیشترین ورزشکاران هنگری در تیم های خارجی عضویت دارند، همین اکنون ۱۸۰ ورزشکار هنگری در کلوب های مختلف ورزشی چهار قاره جهان ورزش می نمایند، که بیشترین آنان را فنبالیستها بعد از هند بالران، والیبالران، بیسبال، یانک بازان، وواترپولو تشکیل می دهد، و ۷۰ فیصد از عایدات ورزشکاران به کلب های مربوطشان در هنگری انتقال داده میشود.

XXX

الینیت معروف ایتالسوی نخستین انسانیت که ۱۴ قله کوه یورست را فتح نموده است، او در نظر دارد قله ۸۵۰۱ متری یورست را تا قسمت جنوبی تسخیر نماید، تا حال هیچکس قادر به چنین کارنگردیده است. ورزشکار ۴۳ ساله به خبرنگاران اعلان نمود که در سال جاری در کوهنوردی بگرنیز او را همراهی خواهد نمود.

XXX

فدراسیون بین المللی باسکتبال بزرگترین مؤسسه ورزشی جهان است که ۱۷۲ کشور عضویت آن را دارد و در آینده قریب نیم های باسکتبال بعضی کشورهای دیگر چون تانکسو، موناکو، ایسلند و بعضی کشورهای دیگر نیز جدیداً عضویت خویش را در کمیونیکس فدرترکیزی اعلام نمیدارند.

فدراسیون وسیع و بزرگ است که در سال ۱۹۱۱ ابداع انداختن مسابقات بسکتبال از زمین سالگرد خویش تجلیل بعمل می آورد.

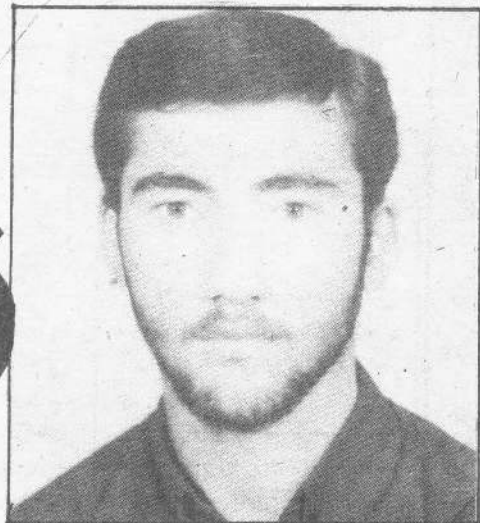
## زمینه والیبالر

\* زمینه ورزشکار مکتب نمبر ۱۴ مکرویان :

تمرینات ورزشی ما پیش از وقت درسی میباشد و باعث عقب ماننی دروس مانی شود، در فستیوال جوانان و تورنمنت های بهاری و خزانسی مکتب ولیسه های دختران جای اول را کسب نمود، ام مشکلات عمدتاً مانع بودن میدان و لوازم سپورتی میباشد، معلمان ما نسبت به سپورت اهمیت خوب ندارند با ما برخورد نادرست می کنند که شاگردان تنبل و بازیگوش هستیم، غرض بهبود وضع ورزش به مشکلات ما رسیدگی صورت بگیرد، و در زمینه تهیه لباس و عصریسه ورزشکاران را کمک نمایند.



## ورزشی



# قوی ترین

مصاحبه از منیره

## ناصر هوتکی ورزش

در ۱۱۳ آن سیک بومسه و در ۱۴ کشور سیک هیانگ رایج است. در تیم کواندو به عکس سایر ورزشهای رزمی مانند کاراته و کانگو ۸۰ فیصد حرکات روی باها استوار است و هر ضربه یا قدرت معادل پنج ضربه دست را تولید میکند.

در کشور ما شمار زیادی از جوانان به این بازی روی آورده و کلب های ورزشی آن را ایجاد نمودند. استاد تریگرکپ ((تی کواندو)) سه ((محتدم عبدالناصر هوتکی)) است.

خواستم تاباوی بیرامسون کارش صحبتی انجام دهم، موصوف چنان شخصیت گیرایی دارد که

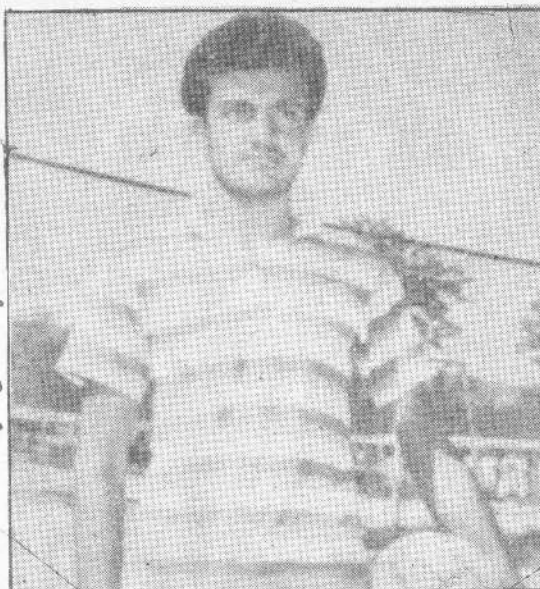
ورزشتی کواندو در جهان به عنوان کامل ترین و قوی ترین سبک دفاع از خود شناخته شده است. این بازی برای نخستین بار در کشور کوریا جنوبی بوجود آمد که کاملاً مجزا از کانگویی چین و کاراته جاپان است و فعلاً به عنوان یک ورزش عصری و بین المللی در شراسرد نیابنداشته میشود. تی کواندو از سه کلمه کوریا یعنی (تی) ضربه زدن و جهیدن با یا (کوان) به معنی دفاع کردن و (دو) به معنی روش مشکل است. این بازی دارای دو سبک شناخته شده است. تی کواندو و هیانگ و تی کواندو و بومسه میباشد و از جمله ۱۱۷ کشوری که این ورزش در آنها معمول است

از چشمانش مهر و حوصله میبارد، وی با قدرت و لوازمی به حرکات پسران تمرین کننده مینگرد، او باورمند فردایی درخشان شماست. از جابجایی می خیزد تا حرکت نادرست یکی از پسران را اصلاح کند، یک بای خود را بلند مینماید و دست خود را به عقب برده به اندازه دو متر بلند

## همایونج باسکتبالر

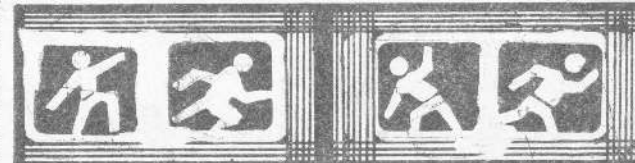
\* در میان چهره های ورزشی جوان مکتب شهریکی هم همایون باسکتبالر لیسہ انقلاب است ، وی سرنیم مکتب خود است اوصاف یک ورزشکار خوب را چنین بیان نموده است :  
 ورزشکار باید جدیت ، تکلیک خوب و بازی ماهرانه داشته باشد .

وی در مورد موفقیت های خود گفت : اشتراک در همه مسابقات دارم و در سال ۱۳۶۲ ، تیم مکتب ما در ناحیه مقام اول را حایز شد . راجع به مشکلات شان در زمینه ورزش مورد علاقه اش - میگوید : لباس مناسب ورزش ، توپ کرکچ ، - عصریه ، اینها همه نیازهای است که شاگردان برای پیشبرد امور ورزشی بدان ضرورت دارند .



## درخشانترین چهره های ورزشی آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۸

به اساس نظر پرسی سالیانه آژانس خبری پرسنالاتینا ، هاوسر سوتوما کیویا ، برجسته ترین ورزشکار خیز بلند امریکای لاتین در سال ۱۹۸۸ بوده که جایزه این آژانس برای بهترین ورزشکار مرد امریکای لاتین را برده و - همچنان سیلویا پول کوستاریکایی در آب بازی جایزه مجله پرینسا را درین عرصه بدست آورد .  
 در جمله ده ورزشکار خیلی هاس معروف یکی هم دیگوارماند و ما - رادونا ، از کشور آرژنتین ، در فوتبال ، دیگري انانید پلینا کیروت ، از کیوبا ، در دوش ۴۰۰ تا ۸۰۰ متر استند .  
 و اما در سابقه پرند هاس ، طوطی آرژنتین در نمایشی در نزدیکی شهرینکاک بیشتر از هم قطاران خود نظر تماشاگران را جلب کرد ، این پرند بزرگ از جمله چند پرند ، تربیت یافته در تایلند بود که با مهارت های هیجان آورو حیرت انگیز خود تماشاگران را به شورش و شغف در آورد .



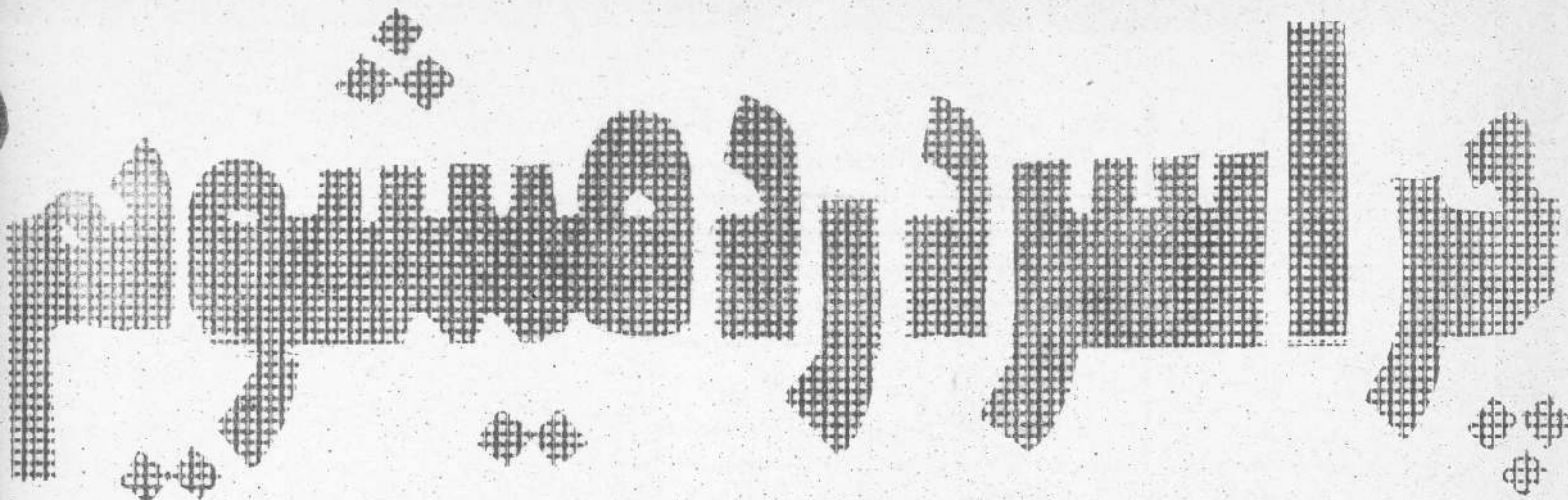
# سبک فاع

بازگشتم و کلب (( تی کواند و پوسه )) را ایجاد نمودم .  
 از جمله شاگردانم هفت تن کمربند سبز ، بیست و سه تن زرد و بیست و سه تن سفید گرفته اند ، من میخواهم هر آنگاه که در مدت پنج سال تعیین موخته ام به آنها منتقل سازم برای شاگردانم بر علاوه تی کواند و طریق استفاده از سلاح های سرد مانند نان جیکو ، زنجیر ، چوب د راز ، شمشیر ، سامورایی ، پرتاب چاقو و پرتاب میخ را نیز می آموزانم ، فعلا به جز کار در کلب که ام مصروفیت دیگری ندارم ، چون امتحان کانکور پوهنتون را گذرانیده ام ، امیدوارم سال آینده به پوهنخی طب کابل تحصیل کنم ، در اخیر به امید موفقیت های هر چه بیشترش با وی خدا حافظی میکنم .

معلومات دهد ، اود زمینیه اینگونه آگاهی میدهد :  
 (( برای اولین بار در صنف نهم مکتب به ورزش بوکس روی آوردم و مدت دو سال تحت نظردرم این ورزش را موختم و سپس نظر فعلا - قه بی که به ورزش های زینیه داشتم به تی کواند روی آوردم و در سال ۱۳۶۲ نظریه عواملی به کشور ایران رفتم و در آنجا تحت نظر (( قدراسیون ورزشی ایران )) موافق به اخذ کمربند سیاه شدم و در ضمن مربیگری کلاس رانی نیز تعقیب کردم ، در آنجا با رهسا در مسابقات اشتراک ورزیدم چهار بار به کسب مقام اول نایل آمدم که غمه اسناد آن نزد من موجود است ، در سال ۱۳۶۶ به وطن

## چهره جوان تکواندو

میود ، پسرانی که همه مجذوب حرکت او شده اند ، به دورش جمع میشوند و وی به تشریح حرکت خود میبرد از .  
 بعد از اینکه تمرین آنها ختم میشود به وی که جوان بلند قامت و موهوبی است نزدیک میشوند و صحبتی بعمل می آوریم و میخواهم تا پیرامون آغاز کاروسا پر مصروفیت های شریه من



# دیدن بعضی تصاویر، استفاده

## از عینک‌ها و کلاه‌ها

### بعضی تصاویر سردرد

ترجمه ستانک

مجموعه وایلی

یکی از معمولترین علل سردردی صرف الکل است، شرب الکل غشای مخاطی دهن را میسوزاند و در جریان عبور از مری نیز سوختنیده و به داخل معده می‌ریزد و از آنجا به جریان خون داخل شده و در سراسر عضو منتشر می‌شود.

باید تمام اعضا و مجاری به سم خوش بعضی کمتر و برخی بیشتر از آن را می‌گیرند. حساسترین آنها در مقابل الکل حجرات صبی و مجاری مغزی است و گه گه می‌شود که معوم شده اند. این حجرات و مجاری خیلی زیاد دچار اختلال شده و جریان خون مغزی به هم خوشتر از دست می‌دهد و برخی از این مجاری تا اندازه بی منقبض گردیده و بعضی دیگر اتساع پیدا می‌کنند.

هنگامی که اثر الکل از بین رفت (زمانیکه عضو مستحق اثرات آنرا خنثی می‌سازد)، مجاری برای یک مدت طولانی در حالت غیرمادی باقی می‌ماند ولی دقیقاً باید توجه کرد که بازم همین مجراهاست که دوران مایع فقراتی مخ و فشار روی زوهای مغزی و همچنان بالای خود راتا می‌کند. در چنین یک حالتی چه چیزی را می‌توان انتظار داشت؟ بهترین چیزی را که باید انتظار داشت سردردی یا احساس سنگینی در سراسر است.

چه چیزی موجب حمله میگرن میگردد؟ سردی یا گرمی زیاد، کار بیش از حد یا خواب ناکافی. میگرن می‌تواند بعد از ماندن زیاد در بوسه اطاق دلتنگ کننده یا مبلوازد و در وجود آید. نقش صده رادر زمینه حالت روسی بیمار بازی می‌کند. شکل اصلی حمله چگونه است؟ خون از هر دو سمت از طریق شریان‌های قوی سیات (شاهرگ‌ها)، چه داخلی و چه خارجی به سر می‌رسد. حتی جریان ثابت خون در شاهرگ می‌تواند دفعاً از طریق سیستم شریان‌های داخلی و خارجی باز-توجه شود. در مرحله نخست، افزایش سریع جریان خون در شاهرگ داخلی به وقوع می‌پیوندد که با این کار آنه عمل رساندن خون به بخش‌های دیگر دماغ بهبود حاصل می‌کند. این کار بعد چشم و شنوایی را خیلی نیز می‌سازد و فعالیت عمومی بدن را بی‌ارتاب سه متر می‌سازد. همزمان به آن، جریان خون در مجاری متسع شده شریان سیات خارجی (شاه-)

رگ خارجی) متاسماً بطور آتی گذر می‌شود. صورت بیمار به سرخی می‌گراید این نشانه یک حمله محسوب میگردد و در واقعیت امر نخستین مرحله میگرن است. مرحله دوم بیماری باعث پائین توفیع سطح دیگر جریان خون میگردد و در این حالت صورت بیمار رنگ باخه بنظر می‌رسد. زیرا انجاری سیستم شاهرگ خارجی تنگتر می‌شود. در این حال، مجاری مربوط شاهرگ داخلی بطور آتی منقبض شده که دقیقاً موجب سردردی میگردد. حادثه این تغییر در مجاری زوده‌های دماغی به مشاهده می‌رسد و بالای گیرنده‌های درد حساس می‌کند. سردردی غیرقابل تحمل میگردد. این تغییرات در مجراها

همچنان فشار داخل جمجمه بی‌را بالا می‌رود. در نتیجه برای بیمار بعضی پدیده‌ها استوار است دست می‌دهد که به تمهید آن حمله صلا به پایان می‌رسد و این حالت است که مایع اضافی دیگر از بدن خارج شده است. کاهش دوشار سلول اتفاق می‌افتد و استقامت لسی- تا حدودی در زوده‌های دماغی از بین می‌رود. اینست آنچه بدن بخوش کک می‌کند ولی بدبختانه صرف- وقتی این کک می‌رسد که در کتانی حله رنج نهادهی را متحمل شده



در مرحله دوم دواهایی که موجب تنگ شدن مجراها میگردد - اسامه میتواند حمله را بر طرف سازد ولی بهتر است از وقوع حمله جلوگیری بعمل آورد بهترین راه برای این کار غسل پاها با آب گرم است - هم - چنان بهتر است دستان را در آب خیلی گرم غوطه ورساخت - پلاسترو مرهم خردل میتواند تا شهرشاهی داشته باشد - تجهیز مقدار کم ادویه های انبساط دهنده مجاری - (صناین پ پ ، پایا وین و غیره) برای یک مدت طولانی میتواند در راه مقابله با نخستین حمله تنگن با تنگتر ساختن مجراها مفید و سودمند تمام شود .

ولی طبعاً جلوگیری از مسکون همچنان شامل رژیم درست منظم - خواب ، استراحت و تغذیه و تفسیر اجزای تمرینات جسمی و حتی - پرورش و تربیت مجراها میگردد .

تصاویر، مثال ها ، منک ها و کلاه های شب پوش

از سالهای خیلی قبل یعنی زمانیکه هنوز مصل بودم داستانی را که از طرف یکی از استادان مادر - باره داکتران معروف شوروی و - قدرت قابل ملاحظه شخصشان قصه کرده بود بخاطر دارم - این قصه در باره داکتر معالج و معروف پروفیسور ماتوی مودوروف است - یک روز زمستانی در اوایل قرن نوزدهم از جمله تاجرانیک در کپلین مسکو کار بهار مغازه داری را پیشه کرده بودند ، مغازه داری نزد مودوروف مراجعه و از سردردی های شدید شکایت میکند ، بعد از معاینه پروفیسور از بیمار میپرسد ، (( از کدام مدخل به مغازه ات میروی ؟ )) بیمار میگردد ، (( از مدخل سپاسکیا )) . داکتر به بیمار توصیه میکند ، (( از - امروز به بعد باید از طبقه مدخل بورووتسکیا داخل کپلین شوی )) با این کار سردردی بیمار برطرف میشود ، بعدها از پروفیسور ملت را می پرسند زیرا سردردی ها با اظهار نظر یا سلمه با شهرت داکتر که - تدایون نمیشد ، توضیح داکتر -

مودوروف خیلی ساده بود ، در آن روزها بهر آنی مدخل سپاسکیا - مثال حضرت مهیم را اوختند بودند . این تاجر با مودوروف مدخل بمجودیکه پیشش به مثال می - افتاد ، کلاهش را بر می داشت و بدین ترتیب سوش خنک میخورد ، بهر آنی مدخل بورووتسکیا چنین مثال می - وجود نداشت .

چنین بنظر میرسد که عمدتاً سردردی های تاجرانیک از بیماری ضلالت کوچک و نازک واقع در حشره های موجوده است ، هرگاه تمام اینها آناه منقبض شوند ، طبیعتاً میگویند ، می ایستند یا بلند میشوند در وقایع بیماری های التهابی و - خنک خورده گی ها این ضلالت دچار درد شدید میگردد و چنان تصور میشود که تمام سردرد میکند . باری این یک بیماری خیلی معمولی بود ، بخصوص در موسم های سرما در اخیر شب بخاری ها و همراه با آن اطاق ها خیلی سرد میگرددند - کلاه شبانه محض جنبه نشن رادر بر نداشت بلکه آنرا همچنان بعلم کاملاً دقیق طبی توصیه میکردند - این روش معالجوی آزمایش شده - زمان میتواند حتی امروزه با نورمال نگهداشتن دوران خون در فسیح سردردی ها سودمند و موثر واقع شود . این کلاه شبانه بایست سبک و بقدر کافی بزرگ باشد ، در ضرورت عطیه نفس در پوست سر - متوقف خواهد شد و موجب گرمای - بیش از حد خواهد گردید ، در - صورت امکان ، این کلاه را از نشم نرم یا فانیل باید ساخت . این یک چاره ساده ولی نهایتاً موثر - وضع سردردی است .

ولی گاهیگاهی اینگونه پیشدینی ها واقعا پر ایلم های زیادی را بیمار می آورد بخصوص اگر تنگ باشد و سر را در ضیق نگهدارد و آنرا چون جالی تنگ احاطه کند یا در موسم مناسب آن پیشده نشود . محکم بمتن کالها تنگن که حرکات گردن را - محدود ساخته و به مجراها فشار را در

می گذختی اگر این فشار کمتر هم باشد میتواند موجب سردردی گردن نتیجه آن درد ، احساس سنگینی در سر ، گدیی در تنگ و گاهش واکنش - هاست . در تها تریا کفرانس ها انواع مایلند کالرها یا تنگن های شانسرا سمت نمایند ، با این کار فوراً احکام آراض و بهبود میکنند .

اتفاقات ، سردردی هائیش از استعمال منک ها نیز میباشد ، یعنی تجهیز نادرست منک یا نرم ها که میتواند با لای بینی یا شقیقه ها فشار وارد کند . در اثر آن با لای - شریان های صدغی ( شقیقه ) فشار وارد میشود .

نمک و تتیاکو

بازی رشد موسم کرما بسیار زی را که در حدود ۲۵ سال عمر داشت به شفاخانه آوردند . معایناتی که انجام شد نشان داد که آب بدنش سرد و یا صایع شده است . داکتران معالج فوراً به تدایون - لازمه پرداختند و همچنان سعی - ورنه نداشتند تا او را به نوشیدن میسور سازند ، برای حفظ فعالیت منظم قلب او سعی فراوان بخرج داده شد . ظرف یک ساعت وضع دمائی اش بهبود یافت و سردردی اش برطرف شد . ولی بیمار ضعیف و ناتوان باقی ماند . چه اتفاق افتاد ؟ بهر صورت ، بیمار تنگن مرده بود .

جرم اینهنه ناراحتی بدوش - ماهی خشک کرده بود ، در هوای خیلی گرم ، مرد جوان دلش بسرای خوردن چیزی نمکی تنید ، بدون - اینکه واقعا فکر کند ، بصورت تدبیری در حدود یک کیلوگرام ماهی خشک کرده را خورده بود ، سرد احساس تنگی نمیکرد ولی فوراً - توانایی اش را از دست داد ، فشاری را روی شقیقه هایش احساس کرد و در وقت بد رفتنش پیداشد و سوش را نیز بشدت درد گرفت ، بقیه اش را نمیتوانست بخاطر بیارود . صرف مقدار نهاد نمک در هوای

گرم زمانیکه اطراح مرق خیلی نهاد است موجب کمبود سوخ آب در بدن تراکم خون ، گاهش در مایع فقراتی مع و در نتیجه باعث پلین ابتدائی در فشار داخل قحفی میگردد . ضمناً نتیجه مشابه از گاهش آنسی صرف آب نیز بوجود می آید . - انسان بایست مقدار مایعاتی را که میگیرد صرف در حدود معین قابل قبول گاهش بدهد .

اعتیاد به سکرته یکی از صده تنین عواملیست که موجب سردردی میگردد ، با گذشت زمان بقایای - تتیاکو به نه های صید و نسای آکسیجن در واقعیت امر گاهش می - باید ، این عمل با لای مجاری سر تا شهر ناگاری دارد طبیعتاً دهک جالین مجراها در حالت تنج و در جای دیگر در حالت اتساع قرار می - داشته باشد ، بدین ترتیب در نتیجه سردردی های دوامدار دامن گیر شخص میگردد .

انادرمورتنک مایلند سکرته را ترک بکند ، نباید هنگامیکه به کدام بیماری خاد یا مزمن صاب - هستند این عمل را انجام دهند زیرا ترک آبی سکرته به عدم توان مؤثری سیستم وایی منجر شده و حالت شخص را بدتر میسازد . درین صورت باید یا داکتر مشورت کرد .

عوامل دیگر

عوامل صبی در ایجاد سردردی هائش خاصی را بعهده دارد ، هر - گونه جارو جنجال خانواده گی وضع فوق العاده وحاد درجهان کارو - فعالیت روزمره حقی یک مناقشه اغتشی میتواند اضطراب روسی و بارها - سنگین روانی را که موجب ایجاد وقایع مختلف ضعف اعصاب میگردد و بنسب اختلال صبی وایی معروف است ، بهر آرد ، افرادی دارای کرکتر های قوی میتوانند احساسات شانرا فروشانند و آنرا نزد خود نگهدارند ولی نمیتوانند اختلال عصبی وایی را که یکی از علل صده سردردی های معمول بدون (( دلیل )) است بر طرف سازند .

# درسهای موسیقی برای همه

## در تعریف موسیقی

قبلاً مجله سبازون سلسله درسهای موسیقی را آغاز نمود. به اداره محترم مجله نامه که بنا بر مشکلاتی انرا در نبال نتوانستیم در سال جاری محترم انجنیر صدیق قیام که در این زمینه دسترس دارند و عده همکاری را داده اند با سراز این شماره درسهای موسیقی را در نبال خواهیم نمود.

در میان علاقمندان هنر موسیقی غرض فراگیری اساسات آن تقاضا به سطوح مختلف وجود دارد. یعنی یک عده شایسته ضرورت دارند تا از الفبای موسیقی و آشنایی با مروج ترین آلات موسیقی (هارمونی، طبله) به شکل تدوین شروع کرد و بعد به دیگری شاید در جسی به شناخت راکه ها و تال و اطلاعات ترانه و غیره و بعد هم شایسته به نوشتن و تفاوت های موسیقی شرق و غرب و بالاتر داشته باشند که همه به یک بار مشکل است.

بدین ترتیب نظریه تقاضای اداره محترم مجله سبازون مستند به نامه هایی که به آن اداره رسید و ناگزیر از الفبای موسیقی شروع کم و به تدریج امیدوارم به ذوق همه تاحد امکان معلومات ارایه نمایم. تقاضایکم تا وقتند آن محترم کمک نموده یا نظرات پیشنهادات و سولات خوشی

شکوه دلیر! نیرومند که نه باید هیچگاه فراموش شود و موسیقی های بیگانه جای انرا بگیرد.

ولی فراگیری نوشتن به سبب غریب یا تقسیم و دسته بندی راکها و تال ها به سیستم هندی نباید با موسیقی ما بیگانه تعبیر شود بلکه سواد موسیقی است برای هر هنرمند فراگیری آن لازم و ضرور است.

همانطوریکه برای فراگیری هر زبان دانستن الفبای آن در قدم اول ضرور است به همین ترتیب در موسیقی هم دانستن الفبای آن گامی است در فراگیری آن.

قدیمی ترین الفبای موسیقی در چین و برای اولین بار الفبای موسیقی به زبان سانسگرت در هند به وجود آمد. این الفبا در چوکات هفت سر یا هفت لغت یا هفت صدا این که از تکامل سرود های مذهبی به وجود آمد بود نامگذاری یا ریخت گردید.

الفبای مذکور که به الفبای طبیعت انتخاب و به موسیقی داد شد هر یک معانی بخصوصی دارد:

- ۱- شاجده به معنی صدای طبل و صد رفته است.
- ۲- رشاید: سرود یکی برنده بنام چنگا.
- ۳- گنداره: مانند صدای بز.
- ۴- مدایاه: مانند صدای مرغ ماهی خیز.
- ۵- پنجامه: آواز ناخسته.
- ۶- دیوات: ترنم بقه در موسم بارانی.
- ۷- نشاده: ترنم آواز نیل.

همچنان یک نوع نامگذاری دیگری که منشأ آن سرود های

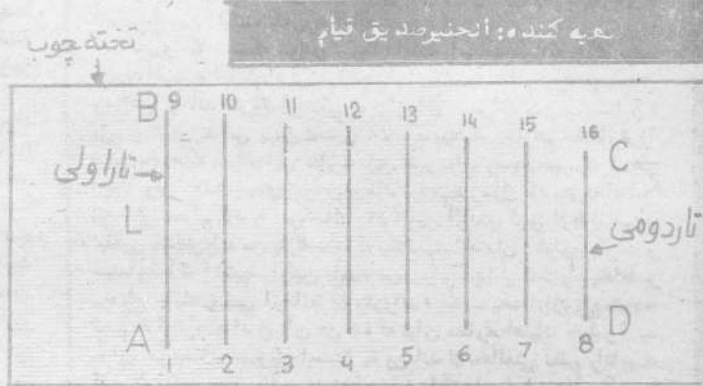
مذهبی است قرار دین:

- ۱- براتاما: تون اولی
- ۲- دیوتیا: در دومی
- ۳- ترتیا: در سومی
- ۴- چتوریا: در چهارم
- ۵- پنجاما: در پنجم
- ۶- سیتا: در ششم
- ۷- سیتاما: در هفتم

ولی در غرب برای اولین بار فیتاغورث ریاضی دان یونان به استفاده از هفت صدای فوق که در شرق مروج بود و به انگلیسی ریاضی و صوت اله موسیقی را به وجود آورد که هفت صدای هفت سر فوق به آن تطبیق میگردد و یا گفته میتوانیم که مذکور اولین بیانی ساده ابتدایی بود صرف دارای برده های سفید بقایه بیانیهای امروزی ناگفته نماند که بیانیتهای اله موسیقی تازه را است و بعداً آرایه زبان یونانی نام گذاری کرد.

موصوف تجربه خود را آغاز کرد با استفاده از اینکه اهتزاز یا فریکوئنسی از روی دفعات فی ثانی اندازه گیری می شود. مثلاً هر قدر که دفعات اهتزاز آواز در فی ثانی زیاد باشد به همان اندازه سطح سوه آواز (زیر) می باشد و همچنین به استفاده از قانون دین:

- ۱- تاریخچه ریاضی از یک جنس مشخص باشد.
- ۲- بارگیری باشد.
- ۳- در کسب زیاد قرار گرفته باشد.
- ۴- نامبرده برای اجرای عطیه خود نخته جوی و انتخاب کرد و سبب ثابتی را به آن گرفت که نقطه مذکور را (A) نام گذاری می کنیم.



و بعداً در نقطه (B) میخ متحرک را محکم نمود و انحصار های تاری را به دو میخ B و A بسته و توسط میخ متحرک کش نمود طبعاً با تماس صدای به وجود آمد. مرتبه دوم عین تجربه نوق را در نقطه C و D نمود یعنی نقطه D میخ ثابت نقطه C میخ متحرک بود ولی موضوع مهم اینکه این بار فاصله DC طول تار AB بود. بعد از کش نمودن تار توسط میخ متحرک C مشاهده نمود که صدای تار CD و AB با هم مساوی ولی تفاوت صدای تار CD و چند صدای تار AB بود که این موضوع را شمد هارمونی های دوسره خود دیده و میتوانی وقت یکی از برده های هارمونی را فشار مید مید بطرف راست و گاهی به طرف چپ برده هشت نیز با این میشود که عین تیوری فوق است. حال طول تار سرهای دیگر بسیار مساوی پیدا میشود قسمتی نامبرده فاصله AD و BC را به هفت یا رجه مساوی تقسیم نمود بالای نقاط ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸ میخ های ثابت را کون و مقابل آن بالای خط BC در نقاط ۱۰-

بقیه از صفحه ۲۷

## سیلا نوروز

میخوانم و نه آهنگ کس دیگری را  
من فقط از سبک بزاد بر پیروی میکنم  
با همه آواز خوانانی که خواسته  
باشند من امتحان میدهم استند  
آواز خوانانی که صبح شوق آواز  
خوانی به سرشان میزند و شب بیدار  
روی برده تلویزیون می برانند باور  
کنید از طرف فامیل ها و خویش تویم  
شان باران یو تلفون می آید که  
آواز او را بشنوند و یاد برود گرام  
کاروان خله با او مصاحبه نمود  
پس شما هر ساعت و هر لحظه  
در آتش حسادت سوخته آید  
بسته من نسبت به کسی حسادت  
ندانم ولی بر روی واقعیت نباید  
پرد کشید

جرا همین استادان و وزید  
نعلاد را زبانی آهنگها سبب  
میگیرند  
حالا این همه مسوولیت به  
دوش استادان جوان گذاشته  
شده است  
بالاخره با آنچه که گفتید وضع  
موسیقی کشور ما چگونه است  
وضع موسیقی ما خیلی خراب  
است ما چارنج نفر نوازند  
خوب داریم پس ولی موسیقی ما  
اصلاً موسیقی نیست در موسیقی  
غریب باید زست های هنری وجود  
داشته باشد که ندارد صرف  
موسیقی شرقی و فلک لوریا موقا است  
گاهی آواز خوانان ما از طریق  
راد یو بخصوص تلویزیون آهنگهای  
هنری هم میخوانند نظر تان چیست  
در جواب شما به غیر از آنکه بخندم  
دیگر چه میتوانم  
حالا اخره تصمیم آخری تان چیست  
بالاخره اگر اجازه ثبت آهنگ در  
راد یو تلویزیون برام داده نشود  
تبله جاز بند و دهل و هارمونی  
شما قبلاً به این مطلب اشاره  
نمودید که امتحان آواز خوانانی  
دادید و موفق شدید یکی ها از شما  
امتحان گرفتند استاد محترم  
در امتحان ما استاد محترم  
استاد هاشم موسی قاسمی غلام  
نسی خلاصه که ۴ تن از استادان  
وزید حضور داشتند

**کاسی جهان نما**

عکاسی عکاسی جهان نما  
سندی عکاسی جهان نما  
عکاسی عکاسی خوش شمارا عبور  
رنگه و سبب و سفید می بدید  
در شهر مزار شریف منحصراً  
شفاخانه ملکی شمارا روزه تبریک  
تلفون ۰۲۲۱۴

# زند و اولاد از بدو چه میسر می آید

و در یکی از این شبهای منحوس - چرکین و لعنتی بود که مالک آب - تلخی را برایم داد تا سیرکتش - قیلا - میدیدم که شیشه ها از شر آب به خلقم رفته - این معامله گران انسان تهنی میشدند اما آنشب در - برکه غرق شده و زنده نمی آید - کی میتوانست مراد رک کند ؟ دست و پا زان و میخورد خندیدند و گریستم - کی میتوانست مراد رک کند ؟ دست و پا میتوانست گشودند - ام ربه من بازدهد ؟ کی میتوانست آنچه را که ازین رود شده بود - بازدهد ؟ کی میتوانست برایم روزهای کودکی ام - مادرم - عفت داشت را با بزرساند ؟ هیچکس - هیچ چیز هیچگاه - روزها و شبها میگذاشت و من دانسته بودم که وسیله مساعد در آمدن پولی صاحب است - کم کسی از مهربانی هایشان بهره میگرفت - یک روز مرا نزد خیاطی بردند و فرمایند لباس برایم دادند - لباسیکه - شایسته یک روسی باشد - شایسته بی یک زن هرجایی - لباسی که زیاد تر مورد توجه مردان و لالو و میباشند - و خیاط دانست که من کی باید باشم قبل از اینکه لباس را بدوزد با مالک معامله خریدن را سربراه کردم مرابه خانه اش کشاند خانه میکند دست کسی از خانه قبلی ام ندانست و علاوه برین عده دیگری زنان روسی و بی خانسه نیز را اینجا مصروف خدمت و پرداخت جنسی مردان (مشتتری) در این مارکتی انسان فروشی بودند

فکرتی اتفاقا هنوز آفته باد و دست مگردت و مخدرات و الکل بود - اینها محافل نمناک و سوره جمعی بود - همه محرم بودند - در این خانه من به مثابه زن نوجوان به تمرین رقص انتخاب شدم و مدتی کسی گذشت و شریک شریک یا هام در سالون ها - اتفاقا و خوشی هاییکه جمعی از مردان غیاش - قمار باز و خوشی جمع بودند طنین انداخت روزها و شبهای دیگری نیز چنین گذشت با این تفاوت که همواره بارصن ها گاهی میخواستند برهنه برقصم و وسیله ایمن حراب را در من با شراب و جرس تقویه میکردند و بدی نگذشت که یکروز از این روزهای منجمع همه ما همراه با (خانه والای) مانعم به نجایم و فحشاء پشت میله های زندان رفتم - زندان این باشگاه آزادی ام - زنان محبوس را اینجا طوری به من نگاه میکردند که میشویدم - شاید با خود میگفتند این دخترک احمق بد بخت تر از ما است - چنانیکه یک زن جوان وحشی با چشمهای همیشه از حدقه بدآمده اش میگفت : ( سرماره از پشت خار ) - تعاروتها یک زن در زندان به همه داستان گذشتند ام علاقه گرفت و زنیکه به اتهام معامله گری روسی ها محکوم به حبس شده بود و مدتی را که در توقیف بودم یاد نظر داشت بی کسی ام به من زیاد کنه کرد بجه بعد از زندانی شدنم دیگر خوشی از معامله گران خبری نبود که احوال را بگیرند بگر محبوبین (با یواز) ها داشتند و اما من جز هر لحظه سرگردن دوساره (با یواز) نداشتم - زنیکه از واقعیت زنده می آید اما گاه شده بودیکه آزاد نشد ولی همواره خبر را میگریفت و بعد از یکماه منم یکروز مقامات زندان برایم اطلاع دادند (توصییراستی و مطابق قانون) نباید توقیف بمانی و در همین روزها آزاد خواهی شد و من که در اینجا یکسال و ششماه را با (کیوها) سپری کرده بودم خبر آزادی ام رابه همان خانم مهربان هر مسلکم که در زندان آشنا شده بودم بازگفتم و او آدرس منزلش را داده گفت بعد از آزادی با او زنده می خواهم کرد - به مجرد ورودم در منزلش که جایگاه نمناک بود در ریاضت که تقدیر چنین بوده که من نباید در واز نجای باشم - آخر غیر از چنین جاهایی کجا میتوانست بناگاهم باشد ؟ کی میتوانست مرابه خانه اش فریاد چنین اشخاص معامله گر دادند ؟ هیچ جا و هیچکس - چرا نتوانستم خود - کشی کنم ؟ زیرا نتوانشرا نداشتم - زیرا میدانستم که از فعالیت معامله گران برای روسی ساختن دختر دیگری کامر باید برمیگردم معلومگویی میکنم

اما اینبار بعد از مدتی که در این خانه زنده می میکنم صاحب خانه (ما همان زن) به خاطر جلوگیری از بندی شدن من و خودش سرا به عقد نکاح برسر من مردی بود از قماش مردان ذلیل و ست فقرت - در آورد و در پیش این نکاح من یکی از اعضای فعال گروهی غیاشی این خانه ششم - و این وقتیکه که این خانم برایم محوطه نویسیه خاطر عرضم حسم جوانم به مردان وحشی صفت که در برابر پشت پولی شیی وساعتی را کنار سرمیکردند و من به تنهایی ناگزیر بودم - پرداخت آنها را طوری بکم که در لندن میخواست - وقتیکه باید بداند آن اشخاص مرضی های جنسی در وجودم از این فعالیت (با) میوزم محکوم به اخراج همه امیرخانه میشد - خانه بیکه همیشه مهمانان بیگانه و مشتربان وحشی با آن سروگردا شتند - شوهر که اصلا در اندراب زاده شده بود و بعد بی از اعضای فامیلش آنجا زنده می میکردند مرابه اینجا انتقال میدهد و دوباره ازین فحاشی میخواهد و اما حال دیگر مسرفی

بدش جنسی دانگم شده بود که باید ابا میوزیدم و کارهاییکه باید در اینجا انجام میدادم - بالاتر از توان بود - باید زیاد تر زنج می کشی در میان ناگهان دین صفت ترا خودم را میکشیدم - روزها از درد و سوز سوز بالاتر از زنجی نباید میداشتم - ناگزیرم و یکبار دیگر دست به دوزخ میزدم یعنی فرار میکنم - با تقبل دهه های شوری و بی عشق راه کابینل را میخیزم - در کابل هر شب را باید نزد معاند آزادی گاه در منزلی - گاه در سرسرای - و گاه در در کانی سرسرایم - برضی ام شدت پیدا میکند من مرده بودم و از روی بد فون شدنم رانین راهمه احساس سر رسیده میافتم و چندی بعد دوباره راه خانه ماد روشهر را میبش میبهم - اما بعد از اینکه تضرع برای معاف ساختنم از روسی گری میکنم و برضی ام را دلیل من آورم از توجه و مهربانی های بهترین بی بهره می شدم

این اختراع بود که وادانم به فحشا کرده بود - اجتنامیکه تنها از کتافتهای آن بهره داشتم - هرگز کسی ازین دعوت به پاکن رفتن نکرد - هرکسی به دست نظیر سلام دانگم بخاطر فروش جانم و بد بگری به خاطر برداختهای جنسی اش - و من در رانینوی از نیازهای منستن - این بزرگترین اشتباه اطلاع بوده ام

د بوی نگذشت که شوهر دوباره از زندان آمد - مرابه چنگ بود - لیس دادند به اتهام اصلی ام (فحشا) بلکه به اتهام سزقت پول و جواهرها زخانه اش و لیا ر محکوم به جارسال حبس گردیدم و دوساره زخم محدود زندانی برین تحصیل شد - محیطیکه هنوزم انتظارها را دارم - محیطیکه در آنجایی تفاوت ترین خبر برایم رسید - خبر مرگ شوهرم آورد و من بعد از سوری نمودن میخانه توقیف در منزل ماد رش به ادا شد - زنده می میکنم گردیدم و کمال بعد از این آزادی کسی از طریق تلیفون عشقش را به من بازگفت - کسیکه نمیشناختمش - اولین بار در سینما و ده گذاشتم - اولین بار یک مرد برایم از عشق گفت و او بخاطر ازدواج با یک روسی از خانه پدرش رانده شد - بعد از ازدواج متوجه شدم که او توان دادن نان من چه که توان مصارف احتیاج خود را - ندارد او معتاد هیروین است - بدون اندک مخالفتی نظرم را تایید کرد که برقصم پول بیاورم - بد تیرا در اینجا و آنجا در این محفل وان - محفل رقصیدم و اما نمیدانستم که باید برای رسیدن نیازها نامسه داشته باشم - به کشته کتور رفتم بعد از شرایط لانم برایم کارت دادند - که تا حال به اعتبار همان کارت در حلقه مردان مست و سی خود چرخ میخورم - پول میبهم و براین ظلم را که هنوز کدک یکساله است - بنام میدهم و به تکه های میبهم - چرخ میخورم پول میبهم و شوهر معتادم را مرفوع میبنام

من حالا (کل بی بی) نیستم - او در دوازده سالی مرد من ((سهیلا)) شده ام - ((سهیلا)) بیکه شرم سرخروی ((سهیلا)) هاست سهیلا بیکه شرم هر دخترترین است - شبعان برقصم روزها میخوام - بد رکود کم از هر اس جلیب نظامی و عسکری در خانه رامین رانگاه میکند تا بندی شد - او میخورد ترا زمین است من بر یاد رفته ام و از فرقی در بر یاد ی اعتیاد است

بگذر حالا دیگر که در غریب ترین یک زن - بی حجاب زنده می اش را چنین قصه کند که - دیگر زاده از این برای رسوایی چیزی باقی نمانده - من در پیشری بزرگ شدم و پیشروی عادت شده - پس از چه باید شویم ؟ چرا باید هراسید ؟ تعمان نگاه نکرده ام - احتیاج و انسانهای سنگدل و معامله گرش بر من ظلم کرده و نگاه کرده اند - اما حال دیگر شاید بد زنده باشد و از قصه ام آنقدر رنج ببرد تا ببرد - کاش چنین باغی میبود - مردانیکه در دستم خوابیده اند - از قصه ام سوخی خواهران نویسنخ همسران شان کنند کاش چنین نیرو پیدا شتند - معامله گران از قصه ام دست به کیسه هایشان بزنند و دیگر از معامله انسان آنرا برکنند کاش چنین تقوی میداشتند

و من از قصه خنده کم - آنقدر خنده کم تا بهیوم و دوباره زنده شوم و تقدیرم پاکه اش باشد کاش چنین خوشبخت میبودم

من سواد ندارم اما زبان سواد زنده می آید - زنده می آید - بزرگترین اشتباهیست که مجازاتش را با خود دارد و از گردن شزبان من در دهانم پادستد دیگری در رگهایم گانفد ترسم می شود

من نه گهر نه اسلحه - نه زنده و نه مرده - تعمان بی انسانیت که سیم است در من است و منم در بزرگ شرافت و خوشبختی است از من کوچیدم - شاید خدا چنین خواسته که این بد و (خوشبختی و شرافت) رابه انانی از زانی بدارد که توان م فون شدن در زین و جها و آشوب بی عشق راند از بند و بازوایی ها که این توان را دارم - بر ما تا اوقت این آشوب روایند داشته شده که چون فریاد از ستاری زمین تا بیکران نایبند شوم - زنده می طومار آماز شدن است و برگر طومار زنده می و من آغاز شده انجام شدم - مانند آن قناری که زبانش (زنده می اش) را - گرفته اند و زبانش را بیخود جدا کردند و گوهر خود را میقتدر حرم میکند



# آیاتاسی و خیل میرمن یاستی

دغه  
ازمایش ساعت تیری  
ده، مگره بحان بوری  
بی هم بایسد وتری  
حتما تاسی ته خیل  
د کجکاو ی حسن اجازه نه  
درکوی، ترخو موخیل بحان  
نه وئی آزمایش کړی چی  
ترکومی اندازی بسوری د  
کورنی له بحیرکو میرمنوخچه  
شمیرل کیزی .

۱- فرض کووچه تاسی به کورکی  
خو ضروری شیان نه لری، او د  
بازارخچه یوازی یوشی رانیولا  
شی، کم یوشی به تاسی اول-  
واخلی .

الف - یخچال ۳۰ نمری  
ب - تلویزیون ۵ ډډ  
ت - د کالیود مینه معلوما شین  
۲۰ نمری .

ث - بالابوش ۱۰ نمری  
۲- آیاتاسی همیشه خیلد کالیو  
الماری تنظیموی .

هو  
نه ۲۰ نمری  
۱۰ ډډ  
۳- آیا هر هفته خیل کور همیشه  
به هغه معینه ورځ جاروکوی .  
هو ۲۰ نمری  
۵ ډډ  
نه  
۴- آیا مڅکی له دې چی میلانه  
موکورته راشی، کولای شی ټول  
خوراکی مواد به اشترخان کس  
تیار کړی .  
هو  
نه ۸ نمری  
۲۰ ډډ  
۵- آیا کم وخت داسی تصادف  
واقع کیزی چی خیلو میلنو ته  
سوی بووې، مڅ ته کیزی دې .  
هو ۱۰ نمری  
نه ۱۵ ډډ  
باتو به ۹۳ ټ

## کلیسیونهایم راه دوست دارم

ساخته ویرایم امکان داده اند که  
مناسبات گسترده با رادیوهای -  
خارجی بخاطر گشتوش پسته هایم  
داشته باشم .

زمری علاوه بر کلیسیون پسته ،  
دو صد و بیست نوع سکه های تازه  
از افسانه ازسی گورجهانرا که متجاوز  
از چهارصد سکه میشود تهیه دست  
آورده ، دسرکه های این کلیسیون  
نوجوان سیمای تانخ سرزمین هاو  
طل درازنه ، تانخ چه درسیکه  
خط وجود داشته وچه قبل از آن  
برجسته است .

زمری سهارضیراز این سکه ها  
از بیست و پنج گورجهان یکصد و بیست  
نوع بانک نوت رانه زدر البومها تکهدا  
میکند .

اوارزو دارد تا با کلیه کلیسیونان گور  
تماس ، تبادل و تعمیم تجارت  
داشته باشد چه تازه از دو سال به  
اینسوراه برادرش ابراهیم سهار  
زادر بخش کلیسیونسازی ادامه  
داده و بارهنمایی و شهنق مستقیمش  
به حفظ و تنظیم این کلیسیونها دست  
یافته .

کلیسیونر ماینج سال آموزش را -  
پهوسه اول نمره ، موموی وصفی بوده  
از ذوق و سلیقه ، عالی برخوردار  
است .

کلیسیونهایم هر کدام تصویر  
و قسه بیست از تانخی و دورانی وطنی

منعنه ، کلیسیون سازی  
در کشور ما پدیده بیست نو، معدود  
از کلیسیونران کست، گوگرد، عطریات  
شبیخ ، سگرت، پسته ، سکه و  
بانک نوت و ۰۰۰ را سرانجام دارم .

زمری سهار نوجوانی که متعلم  
صدف پنج لسه ، انقلاب است یکی  
از این کلیسیونرها میباشد ، وی پسر -  
پست هوشمند و دقیق ، او اکنون با -  
کمال علاقه مندی سه هزار پسته  
مهر خورده ، اضافه از ۴۰۰ گور -  
جهان را با سلیقه ، لازم حفظ مینماید  
بسته عایر که با نظم خاص در البوم  
ها تنظیم شده اند ، سمولهای -  
اند از عرصه ها و حیوانات گوناگونی  
جوامع مختلف بشری .

زمری سهار که از شهنق و  
حمایه ، فامیل، بخصوص برادرش -  
ابراهیم سهار برخوردار است، در  
حفظ و نگهداشت کلیسیونهایش  
سخت دقت دارد و میگوید :  
( کلیسیونهایم را مانند کتابهای  
درسی ام دوست دارم ، این پسته  
ها مرا با همه سرزمین ها و ممالک آشنا

سه هزار  
تکت پستی  
در یک  
کلیسیون

# اختراع پاپیروس

و دلتای نیل در آن هنگام فراوان یافت می‌شد، مصریان مخز این گیاه را بصورت نوار می ساختند و نوارها را دولا و سه لای بصورت چلیپایی روی یکدیگر می‌گذاشتند و پس از سر کردن آنها را با فشار بی‌یکدیگر چسباندند و سپس آنرا صیقل می‌دادند و آنرا به صورت کاغذ نوشتن استقا د می‌کردند.

ناگفته نباید گذاشت که کاغذ های راکه امروز استعمال می‌کنیم، بسیار بعد تر از پاپیروس اختراع شده اند.

درجه اهمیت قرارداد داشتند اما آثار طولانی ادبی نیازمند نوعی کاغذ بود.

مصریان باستان مساله نیاز به کاغذ را با اختراع پاپیروس حل کردند، پاپیروس ماده نوشتن مناسبی بود که از مغز علفی بنام بردی Bardy بدست می‌آید و دریا تلاقها

حظنویسی انگاهی ارزش اجتماعی خود را بتمامی اشکار ساخت که انسان توانست ماده بی را اختراع کند که به فراوانی و ارزانی در دسترس باشد. واضح است که تا زمانی که خط نویسی منحصر در آن بود که خطوط را روی سنگ حک کنند، استعمال آن محدود و به اموری می‌شد که در نهایت



میزند و باعث آسیب دایمی یا شروع تشکیل سرطان میشود. یکعده از سلول های که از این طریق مورد حمله قرار میگیرند شجریه بیماری کشنده لوکم می شود که سالها بعد ظاهر میگردد، همانگونه که سالها پس از انفجار اتمی در هیروشیما، موارد آن پیدا شد.

که علت آن احتمالا از اثر اختلال عمومی میتابولیس سلولی سبب تعداد بیش از حد ریشه چه ها یا رادیکالهای است که در کارواکنش های انرژی وقفه ایجاد میکند، مقدار کمترین اشعه که البته بازم خطرناک است می‌کانتین ( سنتیز اسید نوکلئیک ) پروتئین لطمه

نشر بیش از حد اشعه اتمی که فی المثل بر اثر تصادف در حمل و نقل ( پیل )) هسته ای تراوش میکند، یا بر اثر تماس مستقیم با بمب ها و یا از سقوط آنها ناشی میگردد، و اکنش های شدیدی در همه سلول های آسیب دیده ایجاد مینماید

## تأثیر اشعه اتمی بر موجودات زنده

کیند  
 ۱: س از شهر مزار شریف  
 ۲: خانم دام که بسیار کم خلی، بد برخورد و بدگذاره است زندگی راتلج نموده معما گویند چکار کنیم که زندگی را به خوبی و آرامی بگذرانم  
 ۳: برادر عزیز! خانم دم بگیرد تا خانم اون نان سرخس بیاید.

چرت عروسی خود میباید که به چرت بوره هم نمیشود.  
 راسیه احمدی از کلوله بسته متعلم سن ۱۰:  
 س: به گفته بعضی دوستانم سواد چندانی هم ندانم قلمرو ام بدگو نیست، آواز را چه عرض کنم، میخواهم نظامی شوم چکنم؟  
 ج: همی، واسعه پیدا.

حالا که پرسیدید... حومه خواندن دروس خود را - هم ندانم؟  
 ج: کلان ۱۹۸۱ را بید کنید.  
 خانجان از صوفی مویل:  
 س: محشر ستار نواز خوب ما مجرد است اگر نیست پس چرا خوب می نوازد؟  
 ج: محشر نامزد است و در

بقیه از صفحه ۴۵)  
 است و حالا کامران مدت بسیار و چار دختر دارد، خودش میگوید تعداد بچه ها و دخترها باید مساوی باشد ورنه برایم شوم است مرسیه از بوهنتون لایل:  
 س: چه کنم که علاقه به مطالعه پیدا کنم، حالانکه حتی

است. اینها انواع منسوجاتی را از لباس شبانه گرفته تا خیمه مخملی هندی که با برگه های طلایی تزیین یافته در بر میگیرد. فرانسیسکا گالووی آمرییکایی - صنعت اظهار میدارد: ((در پنج سال گذشته بازار منسوجات رونق گرفته است. تازه ترین منسوجات در لجنی لباس قرن بیستم است، که در حال حاضر موزم هاخیلی زیاد مایل به خریداری آن اند.))  
 موزم استرالیایی بخاطر پیراهن ساده، دراز و چین دار ابریشمی و جاکت بخلی که کار طراحی ونیس آقایی ماریانو فورتونی بود مبلغ (۷۰۰۰) یوند پرداخت.  
 انتونی سپینک بانگامی اخترا آمیزه گذشته ها اظهار میدارد: (( برای بیش از سیصد سال جنسیت و کیفیت اساس فعالیت ما را تشکیل داده است. آنچه که موجب خوشی من میگردد اینست که مسترد و معیار مانست به گذشته بالا رفته است.))

## مرگاه بهترین

بقیه از صفحه ۳۹)  
 در منزل فوقانی اند ریولیترا ند باید الهایی سروکار دارد که از فتوحات معروفی از قبیل ترافالگر و واترلو و مبارزاتی که سالها قبل به باد فراموشی سپرده شده است از قبیل جنگ جین (۱۸۴۲) - اوی سینا (۱۸۶۷) جمووکشمیر (۱۸۹۵) سودان عهد خدیف (۱۸۹۶) نماینده گس میکند بروی اکترمد الهایی برتانیوی نام گیرنده مدال، رتبه و رشته خدمت او موجود است، برای علاقمندان جمع آوری کننده مدال تاریخچه برنده مدال وکا - روایی های او بخاطر کسب مدال دلچسپ است.  
 یکی از دلچسپی های تازه سپینک تک باب -

قو طاسیه فروشی  
 علی گلرین  
 متصرف کلینیک مرکز

# ادیان عمده هند

۲- ریشه و اصل تلم ریج ها در تناف آرزو نهفته است  
 ۳- هشت راه برای زدودن ریج و درد وجود دارد به این شرح ایمان درست، اراده درست، گفتار درست، کردار درست معیشت درست، آگاهی درست، اندیشه درست، خلصه و حال درست.

این آیین در سیلون و بنما به شکل ساده ترینام ((هینیا نه)) باقی ماند، در کوریا و جاپان به نام ((مهایانه)) و در تبت به بنام ((لاما)) وجود دارد.  
 در هند و چین مذهب جدیدی به نام آیین کائود ایابود یسم جدید رواج دارد که مقدسات سایر ادیان را نیز مقدس می شمارند.  
 ۳- جین

یکی از ادیان است که در قرن ششم قبل از میلاد، همزمان با ظهور دین بودیسم رواج یافت. اصول اخلاقی این آیین مبنی برین استوار است که به هیچگونه جاندار، هیچگونه بدی و آزاری نباید روا داشت.  
 آیین جینیسم از پیروان خود، زهد و خود فراموشی طلب میکند و برای روز ارزش فوق العاده قایل است، بر اساس این آیین هرکس برای رستگاری باید سه گوهر معرفت، ایمان و تقوا را رعایت خود فرار دهد.

شبه جزیره بزرگ هند سرزمین فرهنگ، عبادت و مذاهب مختلف است به قولی دین سرزمین در حدود سه صد کیش و آیین وجود دارد. اما عمده ترین ادیان سرزمین هند عبارتند از:  
 ۱- برهمنی

دین اکثریت هندی هاست، این دین منحصر به ریشه هندی دارد، شاید آغاز این دین هشتصد سال قبل از میلاد باشد، بزرگان و کاهنان برهمنی - برعین نامیده میشوند، کیش تلیت از برهمنی شروع شده (ویشنو - برهما - شیوا) است، به همین دلیل خدای خود را به صورت انسان دارای سه سر انتخاب کرده اند، رسالت این دین با برهما (رشن) است، که از زنده گی آن اندکی آگاهی وجود دارد.  
 ۲- بودایی

آیینی است که پیروان آن تابع بودا هستند، این دین ابتدا شبیه به برهمنی بود ولی ظاهر پر دازی کمتری داشت. اصل اساس این دین عبارت از اینست که حیات ریج است و هوس زاید و ترک نفس تنها وسیله رهایی ازین ریج میباشد، کمال مطلوب دین بودایی عبارتست از وصول به ((نیروانا)) و یاخنا.  
 اصول عمده بودیسم عبارتند از:  
 ۱- جهان سراسر ریج و عذاب است.

بقیه از صفحه (۸۵)

## درسهای موسیقی

ولی در هند قبل از قرن نهم الفبای موسیقی ذیل مروج بود: کهرج، رکهب، گندار، مد هم، پنجم، دهیوت، نکاد یا نشاد که با وجود آمدن موسیقی غربی - بندانی، نوع موسیقی کلاسیک تا امروز الفبای اختصاری بوجود آمد که آواز خوانان کلاسیک معمولاً در آثاری خوانند نوع اختصاری آنرا سرگم میکنند مانند: ساسری، گه، مه، به، ده، منی، سا، نوت؛ وقتی خواننده در آثاری آواز خوانی نام از الفبای فوق میگیرد آنرا ((سرگم)) میگویند همچنان یک نوع الفبای موسیقی در ایران هم موجود است مانند: برده، اورده، میانین، زینمایا، نمایان، روزنمایان، محسوس، هنگام.  
 این بود خلاصه از ظهور الفبای های موسیقی که زیاد تر امروز در دنیا مروج است و جمعا این هفت سر را به نام سرهای طبیعی یا Natural tone و در سانسگرت به نام بلاول یاد می شود

کارته نو تعمیر سینمای اقبال

## قطاسیه فروشی ارزان

# دیوارهای (۵۰۰) ساله

و مقبول سما نمودند.

بقیه از صفحه (۲۷)

دیوارهای کرملین بیشتر از دو کیلومتر طول داشته که با در نظر داشت شکل اراضی منطقه به روی خط منکسر طوری که از هر برج میتوان تمام نقاط دیگر را مشاهده کرد، اعمار گردید.  
 تمام برج های بیست گانه کرملین سیمای هستند اصلی خود و نام خود را دارد. دیوارهای برج های کرملین از خشت های خوب تکمیر شده سنگ ساخته شده که هر کدام آن تقریبا هشت کیلومتر وزن دارد. معموره چلیپا مانند از مصالح ریگ و آهک دیوار ها را عملا محفوظ نگاه داشت گرچه آنها نیز بخش های مشکل سار بوی تمام قلعه را: حملات، حریق ها، فیرهار توپخانه، انفجارات، و تپ ها را متحمل گردیده اما با حملات رهزوری هیچگاه متصرف نگردیده بودند.  
 این دیوار نیمه ای از هزار ساله ایستاده و بعد از صدمت های مختلف هر مرتبه محتاطانه پوشش ها و خشت های آن تجدید ساختن گردیدند.  
 واقعا که ارمن ها، گورجی ها، بلغاری ها، - پولیتدی ها، سنگ کاران بهمارخوب بودند اما با آنهم برای بار اول جهت اعمار این دیوار استادان روم قدیم دعوت گردیدند.  
 دیوارهای کرملین به محافظه گاه معمولی - گنجینه معنوی جهانی، مبدل گردید. در کرملین سکواتار هنر و باستانی استادان بزرگ هنر حفظ گردیده است. کرملین سکو - همین انسامیل روس - در شکل معنی و مفهوم معمول وحدت بدون اعمال به زور و تشدد شدن بیشتر مردم روسیه و دیگر مردمان روز زمین گردید.  
 دیدن کرملین توجه جمعیت گهبر مساحیان، نقاشان، شعرا، و اشخاص دارای حرفه های مختلف را بخود جلب نموده و برای ایشان لذت بخش میباشد. حتی در قرن شانزدهم خارجی های که از سکو دیدن نموده بودند کرملین را یک قصر بزرگ

# سیر درد

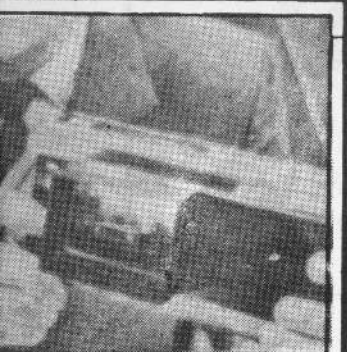
بقیه از صفحه (۸۲)

در هم پیوراد، انبه های سکن که پالان میراها شکر خوردن داشته و احساس درد را تخفیف میدهد ولی طبیعت انسانی آنطوری که هست باقی میماند و معنی نمیتواند که کز کز و احساسات خود را تقصیر دهد. وضعی که موجب بیماری میگردد در بعضی استخوان مواردی که چگونه در شرایط خاصی با آن برخورد صورت میگیرد همیشه تغییر یافته نمیتواند. برخی اشخاص حتی میباید خیلی با- چیز را هم بشمارند و اینرا خیلی جدی تلقی میکنند. بعد از گذشت لفظه ای این بیماری خواهد گفت: (بساله را - کاملاً درک کردم ولی نتوانستم چیزی

احساسات را بگیرد) ولی در واقعیت امر چنین کاری را نمیتوانست - سرا ساختار خوش وضع زوسی اوچین است. سردردی ها با بسیاری بیماری ها از قبیل بیماری های معده، جگر، کلیه ها و ... همراه است. - اغلباً سردردی ها سستی تریلیج - ناراحتی های سستی قنرات بخصوص قنرات ناحیه رقیق، رما تیزم - بیماری های کولاجن تلیس نیز میزند میکند. در واقعیت امر، تمام - بیماری ها سردردی را با خود دارند و از همین جهت است که دانستن طل آن لیتقیر مهم تلقی میگردد و نه با یاد رک طت آن راه درست تدای وی را در وی میباید. در اغلب حالات، ظهور سردردی برای بیمار آشناست. - بعضی موارد یک قاعده، بیماری رژی - های خیلی خوش را برای مبارزه با سردردی دارد. این رژی های تدایوی صرف شکل طوی ندانند. بلکه اشکال خوب فلکوری. - همسر وجود دارد. بیماری شکست برای لخته کتاه قسمت خارجه، جوف

اف (بالای بینی) را با انگشتانی محکم بگیرد (برای یک دقیقه در فضای آزاد) بیمار با این کار احساس بهبودی خواهد کرد. این عمل را میتوان تکرار کرد. یا اینکه سر را می توان بایک تکه نازک مکس بست. این تکه را تا ابرویان و - کوشاگن کبید و پوست پیشانی - کش بکشاید. این کار با بسیاری بیماری های سردردی های ناشی از اینهمه آمدن فشارخون دارند که نهاد میکند. در سردردی های مزمن با مثل با ها در آب گرم بپوشد. هر چند از آب خیلی گرم نباید استفاده کرد. در صورت آن تهیه مگس آنچه که مطلوب است بدست خواهد آمد. از پلاسترهای خردل میتوان در پشت گردن و بین تخته های شانه یا روی قفساق ها استفاده کرد ولی این پلاسترها را نباید یکباره روی تمام این قسمت ها گذاشت. ساز خودی قسمت های - مختلف سردردی میتواند مفید ثابت

شود، چین فشار متوسط بر روی نقاط دردناک سر می تواند بوده است استفاده از مرهم ها مانند مرهم پلنگ تشان روی پیشانی و شقیقه ها میتواند خیلی مؤثر باشد. گاه گاهی با بپر کردن بعضی قطعات و ماساژ ها یا بخار آب می تواند سردردی بر طرف میشود. هرگاه در حالیکه روی جاده راه میرید چه سردردی دچار شده که شکست ناشی از نوشیدن روی پیشانی باشد. شال یا کلاه تا نرا تا ابرویان تا پایین میباید. گرچه این کار جذاب معلوم نخواهد شد ولی خیلی بهتر از آنست که به سردردی ناشی از خنک خوردن کی مبتلا شده که میتواند شکست دوامداری را برای آن بار آورد. یاد چارندن به سردردی ها معمولاً میدانم که چگونه با آن برخورد کنم. ولی اگر سردردی برای بار نخست باشد یاد وام پیدا کند و وضع بدتر شود پس در آن صورت باید فوراً با - دکتر مشورت کرد.



## پرده شفاف تلویزیون

الکترونیک شوروی آخذ و تلویزیونی کوچک را با پرده - تصویری که از کریستل مایع ساخته شده و فقط دارای ابعاد ۲۰ × ۱۰ × ۶ سانتی مقرر

## مجله تلویزیونی

بقیه از صفحه (۷۷)

نوه مورد سوال قرار دم - هر چند که طریح های در زنده بهبود آن همین اکنون هم در سردام. - ای خاصم افراد اید که مجله تلویزیونی به یک مجله ترقی و خانوادگی بدل شود داشته مجله هزه - هنر؟ ج - هرگز! هنر تلویزیون برنامه های فراوانی برای خانواده ها دارد: برنامه زن و جامعه کودکان و اطفال، جوانان نمایش های تلویزیونی، برنامه های ترقی و ترقی، علم، سیاه و ... - چه بچها با اشکالی در راه ساخت برنامه، ثان وجود دارد و اما طریح و تهیه برنامه چقدر به اراخ روان و آرامش زندگی ثان صده هزند. ج - تهیه برنامه بی چون مجله تلویزیونی هر چند که درگام نشت و سهل ساده به نظر میرسد، اما، حقیقت این است که دشواری های فراوانی دارد. این دشواری ها اگر از یک رهگذر امور تهیه برنامه را در بر میگردد تنها مربوط - تهیه کنندگان برنامه میشود. از سوی هم، محدودیت ها و امکانات اندکی هست که روال بهبود برنامه را صده هزند از کم بودن وقت محدودیت ها بودن امکانات و عدم منابع - تصویر ضرر که بگذریم، گاهی زینر دست و پاگیر پالیسی و توجه ها سیاسی، اقتصادیه، کار و ابرای ماسدود هم از کم بهتر است از

## سدر

بقیه از صفحه (۳۱)

مرحوم سدید (۳۱) طی دوره کارش بیست و هفت سال برای هنرمندان و دست اندرکاران سینمای کشور لکچر های نیز تهیه می نمود. مرحوم سدید قبل از مرگ اش شش سناریو آماده کرده که دو سناریو یعنی را عباس (شبان) کارگردان ورزیده سینمای مائیکمیل و بنام های (ستاره گان نمسی میرند) و (هیرت) فلمی تحت ساختار است و یک سناریوی دیگر ان تحت نام (تلاش) بوسیله موسسه هنری قیس فلم در جریان فلمبرداری قرار دارد. دکتر غلام محمد سدید در شان سه شنبه مورخ ۲۹ حمل ۱۳۷۲ ساعت ۲-۷ دقیقه در حالیکه

دو ساعت بعدی ان ماساژها شد ناشای صحبت وی بهرامون صدمین سالروز تولد ی نایفه سینما - چارلی چاپلین از وری نشرات تلویزیون جمع - سوری افغانستان بودیم به عمر ۴۳ سالگی وفات یافت. آخرین کارهای او به سان اشکهای که در رخساره شمار می بندد و خشک ویه گونه - لبخندی ناتمام به تمام شدن زندگی او ناتمام ماند. ترجمه نسما پشتهای تیاژنی او بنام (بدن شکست را خورد کنند) برنده جایزه اتحادیه هنرمندان گردید، این آخرین یاد اش بود که هنر برای او اهدا کرد. وحی غم انگیز است این برای کسیکه با هنر زیست و در راه هنر. و جلایش آن تلاش ورزیده و سر انجام حباب اکسا بر ستر

حسری از نفس افتاد. اعظم جوهر هنرمند شناخته شده را که تلویزیون و سینما ما در رابطه به شخصیت فرهنگی مرحوم سدید گفت: (مرحوم دکتر غلام محمد سدید که شش سالگی خواهرزاده من بود دوست بسیار صمیمی من نیز بود. مرگ ناگهانی او برای من نیز سخت رنج آورده شد. دکتر سدید انسان خوش برخورد، خوش قلب، متمدن، با دانش متواضع و صمیمی بود صحبت ها و معلومات های علمی وی در سخن های مختلف برای علاقمندان هنر و فرهنگ ناب است. استفاده بود - من شخصاً در سخن سناریو نویسی از مشوره های سودمند وی بهره میگیرم، مرحومی دارای دو فرزند، یک دختر و یک پسر بود دلپسنگی

## نظم معده

بقیه در صفحه (۹۱)

یک نوع بکتریا را در معده اتویسی شده و بعداً در ۱۹۴۰ Fred Berg این بکتریا را در انسان معده مرض گسترگستگویی شده، دریافت نمود. در ۱۹۲۹ در استرالیا G. R. Warren در شفاخانه Rogalpearl این میکروب را در شیعی معده تشریح نمود و کلچر نمود و بالاخره تدقیق بیشتر یک ترکیب Blomulk + Cimil + line Tinidazole + Amoxycillin تولید کرد که بکتریا را محو میکند. با درن این واقعیت دیگر تداری گستریت عا و زخم معده، نه فقط به اساس تنزیل اسید معده که ممکن در اکثر بیماریان قیلا کم باشد، میشود بلکه با محور و نابودی عاجل این ارگانیسم از معده و تعقیب مرضیان، تداور گردند و ناگفته نماند

مرضیانی که با محور و نابودی مکل این میکروب و تدایوی مکل جواب نمیدهند، ممکن علت مرضی شان چیزی دیگر غیر از زخم معده باشد، ممکن فقط حجای حاجز و ابز و فسزیت و سندرم ایتزیال باول و غیره باشد و ناگفته نماند که بعضاً مرضیان ناقل میکروب بیلورن معاد سیمی نفع و گاز هلو توسر و بدی بوی دهن، توسع پطن بعد از غذا - عارق زدن متد ام بوده که با تدایوی میکروب تمام امراض از بین میروند. در اخیر باید اضافه شود که اگرچه اسید معده در تولید ترحات رول دارد ولی تنزیل تخریب مقاومت میکروبا بعد در ارتعاش توسط بکتریا بیلوری برای تاثیر فکوریته و علت اساسی ترحات کبیرت ۱۸ میزمن میباشند. (دکتوریوس اللوریان)





# سازمانت کودکان

# چه مالک خوبی!

بود و نبود دخترکی بود  
فرخنده نام ، فرخنده خروسی  
داشت و خروسی هر صبح زود از  
خواب بیدار شد و دیدگون  
بانگ می کشید :

کیکرکی ! صبح بخیر صاحب !  
پس از آن سویی فرخنده دیده ،  
از کف دستش هان هان بار بار  
خوشی می چید و آرام بروی دراز  
چوکی که جلو خانه شان قرار  
داشت ، کنارش نشست .  
خروس برهائی رنگارنگی داشت  
و طوری جلایش میکرد که گویا همه  
بارون جرب شده باشند ، روزی  
از روزها فرخنده نزد زن همسایه  
ماکیانی راد پنهان و از ماکیان  
بسیار خوشش آمد ، به زن همسایه  
گفت :

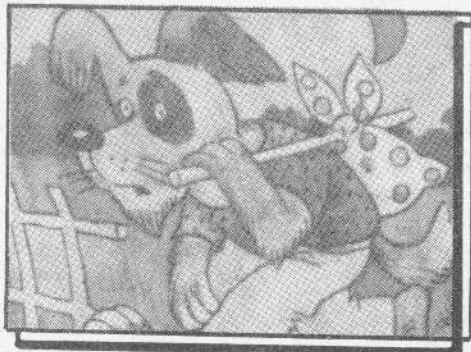
ماکیان تان را به من بده و من  
در بدل خروس را بشما میدهم ؟  
باشنیدن این حرفها خروس  
تاجش را به پایین آویختند  
و سرش را به زیر انگه چه  
این خود مالکش بود که میخواست  
ویرابه کس دیگری بدهد ، زن  
همسایه با فرخنده این تعویض  
را قبول و ماکیان راد در بدل خروس  
به فرخنده داد ، فرخنده  
به زودی با ماکیان دوست شد ،  
ماکیان با پرهائی سبب خود  
احساس گریس و آرامش نمود ،  
همه روزه یک بیضه تخم میگذاشت  
گنگ ، گنگ مالک عزیز ، از زومندم  
تخم ، را با اشتها و مزه زیاد صرف  
کنید .

فرخنده تخم را نوش جان میکرد ،  
همواره ماکیان راد را قشوق گرفته  
و بروی برهائی زیبایش بصهریانی  
دست می کشید .

یکی از روزها زن همسایه  
رو بروی شان همراه پایک مرغابی  
به دیدن فرخنده آمد ، فرخنده  
وقتی چشمش به مرغابی افتید ، از  
مرغابی خوشش آمد و از زن -  
همسایه خواهرش کرد :

مرغابی تان را به من بدهید  
و من در بدل ماکیان خود را به  
شما خواهم داد !  
ماکیان از شنیدن این حرفها  
نمگین شده و از تان ترسید پس  
بالهایش جانب زمین آویخته  
گردید ، با تأسف ، چاره بی جز

ترجمه : م ، رهتاب



تسلم شدن به سرنوشت ندا -  
شت ، چه این مالکش بود که  
من خواست وی را به کس دیگری  
بدهد .

دری نگذشته بود که فرخنده  
با مرغابی دوست همیشی شد ،  
یا هم یکجا به دریای رفتند و در -  
آنجا مرغابی در کنار فرخنده شنا  
میکرد .

گنگ ، گنگ ، گنگ ، مالک عزیزم  
آنقدر رها دور شناسم ، زیاد را  
در آنجا زرف است ( با این صدا  
دخترک دوباره به ساحل دریا  
بر میگشت و مرغابی از بی او می آمد  
یکی از روزها همسایه بی باک  
کوچک و دوست داشتنی خود به  
خانه فرخنده هان هان به معناسی  
آمد ، فرخنده هنوز سگ را به  
قد رکابی از چشم نگذشتند بود  
که گفت :

سگ تان را به من بدهید و در  
بدل من مرغابی خود را به شما  
خواهم داد !

وقتی مرغابی گفتا فرخنده را -  
شنید ، بالهای خود را از روی قهر  
به هم زده و از منقارش آواز -  
اند و هگینی لرزان ، لرزان بلند  
می کشد ، همه بی فایده بود و  
چاره نبود ، همسایه مرغابی را زیر  
بغل گرفته و با خود برد .

فرخنده بروی سگ مقبول دست  
کشید و گفت :

خروس داشتم که با ماکیانیش  
تبدیل کردم ، ماکیانی داشتم و آن  
را در مقابل مرغابی به کس دادم  
و حالا مرغابی را داده و سگ  
قشنگی بدست آوردم ، همینکه  
این سخنها به گوش سگ رسید ،

دم خود را جمع نموده و به زیر  
در از چوکی خانه فرخنده خود را  
پنهان کرد ، در تاریکی شب  
هنگامی که فرخنده در خواب  
شیرین بود ، دروازه را آهسته  
باز نمود ، و بایک خیز به بیرون  
خانه جست و پاه فرار نهاد ، در  
راه این سگ دوست داشتنی  
زیر زبان زوزه میگرد :

با همچو مالکی نمی خواهم  
یک جا زنده گنم ، وقتی  
دخترک بیدار شد خود را تک و  
تنها یافت .

# آیاتناسی د...

- ۱- آیامیلانه د یخوینیزې هو ۱۵ نمرې نه ۶ د
- ۲- آیامخکی لدی چی د کور څخه د خوراکي موادو د رانیولو په غرضوړي د نوموړو موادو - لست نیسی
- هو ۲۰ نمرې نه ۳ د
- ۸- آیاهمیشه خپل کورنۍ ته وړي په ټاکلی وخت بخوي
- هو ۱۵ نمرې نه ۸ د
- ۹- آیاد خوراک پخولونوي آشوزي د ستورونه استعمالوي
- هو ۱۲ نمرې نه ۵ د
- ۱۰- آیاهمیشه تاسی د آشپزخانه سامان آلات منظم په الماری کس کیزدي
- هو ۲۵ نمرې نه ۵ د
- ۱۱- آیاد کوربه کارونکی ستاد گوزوند ملگري کمک کوي
- هو ۱۲ نمرې نه ۶ د
- ۱۲- آیاتاسی پخجال د کور د پیر د ضروري شیانوڅخه شمیري
- هو ۴ نمرې نه ۱۶ د

په لاسو راوړل شوي نمرې جمع کسري د آزمايش نتیجه تر ۱۵۵ نمرې پوري که غواړي چی د کورنۍ د خیرکو د میرمنوله جملی څخه وشمیرل شی باید پخپلو کارونو کی نورهم د سیر تجدید نظرکوي تر ټولو د مخا باید د ی چی د وخت په موند اقتصادي وړوسی او په ښه صورت سرخیل کارته سازمان ورکوي د ۱۵۶-۱۹۵ نمرې پوري تاسی کارکه یاستی هرنی ستاسوپه کورکی خپل مشخص تعای لري که چیري تاسی کوم وخت څه شی باید ولتوي د لدی کیله چی تاسی تراوسه پوري د کورنوروزور یات په ښه توگه ندی زد کوي د ۱۹۵ نمروڅخه پورته ستاسوپه کورکی د استقیما خیالی دی همیشه یوڅه شی مینعی یا کوي او یا جاروکوي اما اعتبارولري چی د آکارونه لانوره هم په لاند قدرت او په کم وخت کی تراوسه تر سره کولای شی لدی کیله لیا نورسوي ترخوچه وخت لري اما باید هیزه کوي چه بدون د کورنۍ مشکلاتو څخه نور مصرو فیتونه لکه تیاتر سینما کتابونه اولمگري هم شته دي



خانواده سوگواراست

## فایده...

بقیه از صفحه ۳۵ بعد از نسخ نامردی همیشه فامیل ما از طرف آنها تعهد مید میشد و دوسین که صاحب منصب اند همیشه آنها در وظیفه میبودند فامیل ما مورد تعهدی قرار میگرفتولی من هرگز به سرانم چیزی نمیگفتم موضع را بنهان میکردم تا مباد امنین آنها بر خورد صورت گیرد بالاخره بتاریخ ۱۱ حوت سال ۶۶ روز سه شنبه ساعت ۲ آن حادثه المناک رخ داد آن شب جاوید بسرسر یخانه آمده بود صبح چندین بار صدایش کردم گفتم مگر رگداز خواب نمیدانم چرا خواب بوره میشود وقتی در زده شد ما رینا د ختم رفت تا ببینند کیست همراه با باز شدن دروازه صدای دو نفر مری و فریاد د ختم شنیده شد و جاوید وارخطا از خواب برخاست بطرف برون دوید د ختمروم اینتا که بیشتر از برادر خود شی ربه قاتل رسانیده بود مور د اصابت مری قرار گرفت و لوسی برادر خونش را سپر خواهر ساخت که یک مری درجان خواهر ۸ مری درجان برادر جای گرفت وقتی من به نزدیکی بسرسر رسیدم خواهر و برادر هر دو د رگوش هم بودند برادر با وجود آنکه سوراخ سوراخ شده بود میکوشید خواهر را از افتادن مانع شود ولی بعد هر دو بزین

افتادند من بانی لی و سولج عقب قاتل میدویدم او بطرف سرك میدوید وقتی به سرك عمومی رسیدیم زیر سینما اقبال همراه یانه و شارسندوی اورا احاطه کردیم چون در دستش سلاح بود کسی جرئت نمیکرد نزدیکش شوده گفتم اورا بگیریند تفنگچه مریسی ندارد و بایند شده در غیران من تا اینجا زنده نمرسیدم درین اثنا دو مظنین حوزو رسیدند و اورا گرفتند او را دوباره به محل حادثه آوردند به جن خود اقرار کرد همه جاها را نشان داد گفت بازم می آیم همه را میکشیم و دختر را میبرم همراهم ربه شفاخانه بردیم ولی او مرده بود طب عدلی ۸ مری را در وجود او نشان داد ولی من همان لحظه بخون فرزندم سوگفت یاد کردم او که بسر راطالمانه گشت من اورا توسط قانون میکشم دو د ختم زخمی شدند یکی در کرده و دیگری در رطن درین یکسال چقدر دویدم روزها بالب و دهن خشک بایین ویلا تا دویدم یکسال مدت کسی نیست در طول این مدت بارها از طرف فامیل نعمت الله هغه ما تعهدید هدم بارها گفتند شما که خون ربا خون می شویید ماهمه تا ترا نابود میکنم ولی هرگز از تعهدید آنها نترسیده ام زیرا در صورتی که نعمت الله اهدام شود چانس سپم خود را برای نابودی فامیل من از دست میدهد اینک نمر مکتوب را بدست دانه که نعمت الله د ولد نورلم بتاریخ ۱۱ ار ۱۲ ار ۳۶۷۲ به اهدام محکم شد با اهدام او دم اندکی آرام خواهد گرفت دیگر جسم سوراخ سوراخ شده جاوید که فقط ۱۸ سال داشت مقابل چشمانم هزارها بار جان نخواهد داد

# نقش جدید من...

بقیه از صفحه ۳۱ من در فلم سفر نقش مصطفی را بازی میکنم که با گروپ از جوانان که برای سواد آموزی به قریه دور افتاده میروند فلم نیز از همین جا آغاز مییابد و حوادث فلم یکی بی دیگری اتفاق میافتد و گروپ از جوانان به شمول مصطفی با این حوادث درگیر میشوند و قهرمان متن باد یگر جوانان با شجاعت و پای مردی با ان دست و پنجه نرم میکند و در مجموع فلم نمایانگر آنست تا آدم ترسو و زبون نبوده و بدون ترس با شجاعت بهتسو میتواند به هدف دلخواه خود برسد من از نقش راضی میباشم زیرا اولین بار است که نقش یک جوان تحصیل کرده و روشنفکر را بازی میکنم و نقش های من عمدتاً با نقش توری در فلم مسافر و فضلود فلم مرد هاره قول است فرق دارد در این فلم با من سعید اورکزی واسع صدی اسد الله آرام خورشید فریده همرا انجانا شمسی موسی رادمنش فتح الله بزند شاه محمود شارق زلمسی عبادی همبازی میباشند فلمبرد در فلم محترم قادر طاهری بوده و اهنگ از محترم شاد کام میباشند

# چاپخانه

بنیه ازمنحه (۲۲)

سنت يك تلاشگر ایدمه ال بود  
 با ان هر چه نیکه ماندنید اگر -  
 خنده دار بود از ان دل می -  
 خندید، سهم نگاه میکرد و می  
 میخندید و از من خنده بخود  
 میزدید. این کاری مراجعات داده  
 به تویح تمیم پرداختم.  
 سنت بی مقدمه خطاب به  
 دیگران گفتم: ببینید این آدم هر  
 کاره است، ولگرد، آقا، شامه،  
 ایدمه وار، تنها چاشق پیشه و -  
 ماجراجو. او میتواند شما را مقاصد  
 سازد که عالم، مونسین، اشرافی  
 و بانگر پولواست و در زمین حال از  
 بوداشتن تم سوخته سگرت و -  
 شربتی برخاک افتاده نگ ندارد.  
 خوب من او ریسه خود را  
 به پایان میرسانم میدانم که وقت  
 و شرایط برایم بسیار مناسب بود.  
 محبوب مردم سراسر جهان شدم.  
 هم دوستم داشتند و هم از من  
 نفرت میکردند.  
 بلی زنده گی ازودیمه هایش  
 خوبترین و بهترین را بمن ارزانی کرد.

البته يك کی از زمانلمات راهم  
 تلاشچان چارلی بیشتر چه  
 ها و کارگران بودند، و برخلاف تصور  
 همگانی فلماهی تا سال ۱۹۲۰ -  
 هنوز مورد علقه امان و اشراف  
 تر از نگرفته بود، زیرا آنها هنوز  
 خام و عوام پسند بودند. شاید -  
 تقاضای زمان بود که آنهاوش رنگ -  
 ماهانه داشته باشد. طبقه با  
 سواد و تحصیل کرده کی در بر تبه  
 چارلی علقه مند شدند و بنابراین  
 نتوانستند او را منحرف سازند. از  
 ((ولگرد)) ۱۹۱۵ گرفته تا ((کوچه  
 درام)) ۱۹۱۷ او دوش نگ ۱۱۸ -  
 و ((پسوک)) ۱۹۲۱ او ((زایر)) ۱۹۲۳  
 و ((جستجوی خلا)) ۱۹۲۵، او -  
 ((روشنایی شهر)) ۱۹۳۱ او «صفر  
 جدید» ۱۹۳۶ آنچه به نظر میرسد  
 نه دگرگونی بک زرنمایان و کامل -  
 شدن شخصیت ((ولگرد)) است. حتی  
 لباسش که اتفاقاً برای بعد از ظهر  
 پارانی تدارک شده بود کم کم معنی  
 خاصی مییافت. در این لباس زنده -  
 پوشی از نگاه نجبا، لوکس  
 از نظر فقرا، نقش مبرد  
 فقیر بی همه چیزی را بازی میکرد که  
 باشجاعت تمام واقعیت تلخ فقر و تهی -

دستی خود را نادیده میگرفت. چارلی  
 نمونه مردم بی همه چیز و فقیر شد.  
 برای تجسم روحیه ((مرد کوچک)) از  
 حیلله های بصری و تبدیل ناگهانی  
 اشیا که در قلمهای نخستین به  
 کاربرد استفاده میکرد. مثلاً در  
 ((پسوک)) وقتی چارلی دستکش بی  
 انگشتش را بیرون میکشید تا هم سوخته -  
 بی را از قوطی سگرت (قوطی سارهن  
 است) بیرون آورد این حرکت عادی  
 را ظهیر انجام میده که مانند  
 تنفس بسیار ضعیف و گرانجا به  
 نمر میرسد. در ((روشنایی شهر))  
 چارلی در مهمانی مجلی ایشیا را  
 بی بلعد و از درون شگش صدای  
 وصل شنیده میشود و نیز در کاره  
 وقتیکه توشه های کافذ با مگروشی  
 مخلوط میگردد. این دو واقعه هر  
 يك عموه بر اینکه به جای خود بسیار  
 خنده دار است در ضمن تعایشگر  
 است که چگونه چارلی از در و جان  
 میکشید تا هرگز جماعت نشود. تا  
 میایستوان، دختران، بانوان خوبی  
 لباس او را در جمع خود میزدند و بی  
 چارلی بخوبی میدانست که کوچک  
 مردی هرگز نمیتواند هم رنگ این -  
 جماعت شود. سرنوشتش چنین است  
 که همیشه در تاریکی به امید و انتظا

بسر زد و همیشه با همی دوری نسا -  
 امید را از خود دور براند.  
 شاید در اینکه چارلی دور -  
 گارانی که مردم به سن و رسوم  
 جامعه گردن نهاده بودند -  
 شخصیت ولگرد خود را جل دهد  
 معنای خاص نرفته باشد. شاید  
 چارلی دیگر (صردک کوچک) به  
 نمر و ایستادگی ان در برابر اجتماع  
 ایمان نداشت و شاید احساس میکرد  
 که رسانیدن پهاش به جهان ان  
 بیان صبح تر و مستقیم تر را ایجاب  
 میکند. وان اتکا به نفس و ملامت  
 نروانی چارلی ولگرد دیگر برای -  
 این منظور کافی نبود. حتی ارسال  
 ۱۹۴۰ به بعد با فم ((دیکتاتور  
 بزرگ)) چارلی شخصیت خود را کنار  
 گذاشت، تا ازته دل پهاش امید -  
 واری دهد و دلگرم کننده ان به  
 کوشهای مردمان خود شوند. در  
 نمر و نظم و استبداد برسانند -  
 در فم بعدیش ((میدور)) -  
 ۱۹۴۷ چارلی ولگرد بکل ناپدید  
 شد. در این فم، که شاید -  
 همان امیز تهن فم باشد، قاطعی  
 در دفاع از خود میکشد که جنیت او  
 انلا گناه نیست بلکه قیاسه  
 آن وحشتناک است. ((قتل پیک  
 تن انسان را چینی تارک همارد و لی  
 قتل چندین میلیون تن باعث افتخار  
 است.))

از وی. تاسی و لوستل جسی  
 اداری مرستیال ددنی نیسی  
 وری صلاحیت به زور. تولسو  
 د فترتونه دخیل خان د سر -  
 پرست والی رسمی اطلاع میرسوله  
 اود همانی وری له فرمی و روسته  
 جی فنی مرستیال ترجمی خان  
 و رساوه. نوتولود فترتونه بی د  
 خیل کالت متحد المال مکتوبونه  
 ولزیر. به دوهمه وری سعار  
 اداری مرستیال بنجه جسی  
 موسی ته رانی. حال داجسی  
 فنی مرستیال له بیبسی ناخبره  
 به اووه جی تکی موزکی له  
 نوروما مورینود مخه خان موسی  
 ته راروسی. خوگله جی خوگیدار  
 ورته وای جی اداری مرستیال  
 ترده دمخه رانلی دی. نونسی  
 مرستیال د موسی به عومنی  
 دروازه کی لکه. وچ لرگی به خای  
 وچ کلک باتی کیزی. اوسر به  
 وگوروی دغه لویه د جابه کتبه  
 رانخرسی.  
 (یونیم اواملا موزیک دی به  
 خبله لوستونکی و غمز وی)  
 راوی: که فنی مرستیال  
 موسی دروازه به خوله کسی -  
 لرگی غرنی ته تکی نه وای کری.  
 نوبی له شکه به به خمکه رانور -  
 خریدلی وای. دومره ورسره  
 بخت یاری وکره جی دامامورینو  
 موزیکه ویرا رسیدلی. که نوبه  
 دغسی وضعیت د فنی مرستیال

لیدل کومه وری. خبره نه وهغه  
 داداری مرستیال به دغه موقتی  
 برلاسی ناامیده نه شو. او نیخ  
 خیل دفتر ته لار. فنی مرستیال  
 ددی له باره جی اداری مرستیال  
 بی به راتلو یوه نه شی. خیل  
 بوتونه بی دد هلیزه دروازه کی  
 وایستل اولکه د چرگانو دغله  
 غوندی دگوتبه خوگوخیل دفتر  
 ته لار.  
 (د فنی مرستیال د ورو ورو -  
 قد مونوبمگرونوکی دی محترم  
 لوستونکی د قمرگلی دغه مند ره  
 جی: ((و رو و رو کیده قد مونسه  
 اشنا)) له خانه سره زمزمه کری (ی)  
 به دغه وری اداری مرستیال  
 دومره دروند دریاست به جوکی  
 باندي ناست و جی به ار مونو  
 به هم جانته وای و زخنی ار ولی.  
 دغرمی و پوی بی هم دخیل گارد  
 میزله پاسه و خور. او به دا لویه  
 وری کی بی ترمازد یگره پوری به  
 جای روزه هم ماته نه کری.  
 د فنی مرستیال خانه سامان  
 حضرت میر جی یوروخ دمخه بی  
 دکیم غرووی کارله باره له فنی  
 مرستیال خخه اجازه اخستی وه.  
 به دغه وری کارته نه و رانلی.  
 کله جی اداری مرستیال له دی  
 بیبسی خبر شو. د اجیرانوجا -  
 ضری بی دفتر ته ورونیسته اوسه  
 خیل قلم بی ((نیم روزه)) غیر -  
 حاضر کری. فنی مرستیال به دغه

و ری د جوکی به نه نیولود و سره  
 خپه نه و لکه دخیل خانه سامان  
 غیر حاشیه لوجی به قهر کر.  
 دوه د ری حله بی تیلون ته  
 لاس ورتیر کری. خود تیلون له  
 لاری اداری مرستیال به بی ابه  
 کری. خوهرخل به بی به  
 شیطان لعنت کری او دغه کلمات  
 بی بل وخت ته برینود. هغه  
 پوهیده جی اداری مرستیال د  
 ریاست به جوکی پوری مییخ  
 شو بی ددی. او غرو به یووخ  
 جی فنی پورته شی. هغه وخت  
 وری فنی مرستیال بی فال به  
 زه کی نیولی و درسی وخت  
 پای ته رسیدل وو. کله جسی  
 رسمی وخت پای ته ورسیده. نو  
 فنی مرستیال داداری مرستیال  
 د غالفکیر کولو له باره د نورومامو -  
 رنو به خیر له دفتر ته راویت او  
 به لوی لاس دریاست د دفتر  
 دکری تر خت تیر شو او هداسی  
 حال کی جی اداری مرستیال  
 دریاست د جوکی له سرنه ورته  
 دستر کولاندی کتل له موسی  
 ووت.  
 اداری مرستیال درسی وخت له  
 پای ته رسید و روسته پوره یسو  
 ساعت لا هماغسی تینک به جوکی  
 پوری نبستی و. کله جی دخیل  
 رقیب به تللو پاوه شو. نو  
 دروازه بی به خیل لاسر کولپ  
 کره او کونجی بی به حیب کی له

خانه سره واجوله. خو خیرنه و  
 جی فنی مرستیال به کونجی  
 لا بیون ترلاسه کری وه او هم بی  
 دیوال له لاری موسی ته د -  
 بیرته رانوتلونیت کری و.  
 (دلته دی یوازی دریا پوه  
 لنده نغمه د خوتانیوله باره -  
 ویزول شی).  
 فنی مرستیال دامنام پوی  
 به کورکی و خور. اود سهار له  
 باره بی پوه وجه پوی او خور  
 ایشیدلی هکی له خانه سره  
 به بکرکی و اجولی. دامنام  
 به خره کی د موسی به دیوال  
 وروایت او به بیخه زه بی د  
 ریاست دروازه و خلاصه کری. ایه  
 خرخی جوکی شیز اووه خرخه  
 هاخواد یخواتا و راتاوشو. که خره  
 هم دشبی د خوب او بلاستی  
 له باره به دفتر کی یوغت او -  
 مناسب کوچ هم بوت و. خوله  
 دی ویری جی سهار دی ویده  
 و او جوکی بی اداری مرستیال  
 ونه نیسی. نوبه بی به هماغه  
 جوکی سبارک. (دلته دی لوستو -  
 تکی داس فکرو کری جی گوندی  
 چرگان بانگونه کوی اوله دغسو  
 بانگونوسره یوخای دی د صحنی  
 بیلولو یوموزیک هم ورسره ویری  
 سهار اداری مرستیال بی  
 دخیل رقیب له ویری به هماغه  
 پورنی وخت موسی ته رانسی  
 باتی به (۷۷) مخ

# چاپخانه

۹۱۵



# مجنون قرن...

قیمه از نسخه (۹۱)

راجع به ملاقات های رسمی و شخصی  
تان با ناد هویلا میخوامم بدانم

ملاقات ها که زیاد دست داده اما یک بارتی  
و یا ملاقاتی که در منزل مد هویلا تقریباً صورت  
رسمی در حضور اکثر هنرمندان فنی و ژورنالیست  
های هندی ترتیب شده بود که کمی از آن رحمت  
منام - ترتیب بارتی در خانه مد هویلا بود -  
(بندره) بعضی صورت گرفت که از جمله  
هنرمندان در آنجایی، نیویاری، دلیپ گماز  
نوروزان بلراج سها نی و چند نفر دیگر هنرمندان  
معروف و علاقه مندان مد هویلا تشریف داشتند  
راستی در سفر خترافان که دو خواهر بود رسید  
و حدیثاً در جهان فنی شروع بکار نموده بودند  
البته از طرف من درین دورات اشتراک داشتند که  
اسمهای شان، شاه گل و ملکل بود - بر علاوه روز -  
نامه نگاران تایمز اندیا، سکری، اداکار، آنزو  
و چندین ژورنالیست های ران یو هند و کهنکشان  
فلم ستار، شمع دهلی، فلم نیوویو، حضور هم  
رسانیده بودند - دعوت ساعت چارم شروع شد  
همگی حاضر شدند - دو هم شیریه مد هویلا، کیتیز  
و جنجل هم دروازه از مهمانان پذیرایی میکردند -  
موجهر شوهر هم شیریه مد هویلا هم تشریف داشت  
که او هم یک هنرمند جهان سینما باشد - فلم بود ار  
عکاس موقع گرفته بودند این دعوت رسمی را مد هویلا  
بافتخار من ترتیب داده بود - بعد از صرف عصریه  
بسیار عالی و مجلل سخن از هر دو زبان آغاز شد  
از کابل و هوای آن و سوه جات تازه و خوشک  
افغانستان که مخصوصاً بسته برادام، کشمیر  
و انگور و زعفران افغانستان در هند شهرت  
فوق العاده دارد - آهسته آهسته سخن بجاهای  
جسارت و بیاریک کشیده شد - ژورنالیست ها را شما  
می شناسید - از خدا می خواهند مومنی برای شان  
پیدا شود که آدم را سوال بپرسد و سوالا مختلف  
یکی میگفت چند رمدت بود که ماد هویلا دوست  
میداری بد یگری می برسد - سبب و عوامل این عشق  
چینت گری می میگفت چرا مد هویلا برای محبت  
انتخاب کرده بی و بد یگری می رسید معنی عشق چیست؟  
ومن باید همه این سوالها جواب میگفت، بعد ون  
آماده گی پیش بینی شده یکی به انگلیسی سوال

میکرد یگری به هندی و سوس به اردو و چارمی  
هم به زبان دری - ومن درین حیران و سرگردان  
مانده بودم که اولتر یکدم شان جواب بد هم  
همچنان مد هویلا را میوال بیج کرده بودند که  
آیاتوهم علی مشیری را دوست میداری یا اینکه  
عشق او کلهه است اما یگری میگفت چطور است  
با او ازدواج کنی؟  
ومن درین گمرو دار درست آنرا پیدا کردم که  
کتاب (( وینویس شوق)) را که برای مد هویلا نوشته  
بودم و شام ده هزار بیست میباشد - با تشریفات  
مخصوص بحضورش تقدیم کنم که این صحنه از طرف  
حاضرین با یک زده تهای زیاد استقبال کرد -  
چون این کتاب را بقلم من نوشته بودم و هر صفحه  
آن میناتور و در بزرین حد امکان داشت و چندین قطعه  
تصویر مد هویلا را رسم کرده بودم که از جمله یک  
رسم مذکور مد هویلا را در لباس انسانی که مخصوص  
افغانستان است نشان میداد - بنابرین کتاب  
دست بد شدت گرفته بود - دوباره بدست مد هور رسید  
که او کتاب را پوشیده بالای میز مقابل خود گذاشته  
گفت (( این یک کتاب مقدس است برای من که باید  
تقدیس شود - بر علاوه امتیازات معنوی آن - این  
کتاب و نویسنده آن شهرت فوق العاده من بخشید  
که شعرها برای یک ستاره فنی ازین نوع العاده  
دارد -)) مد هویلا ضمن بیان خوش اخلاصه  
نمود: (( تو من لقب وینویس شوق را دادی که این  
لقب نه تنها در مطبوعات هند بلکه در جمله فلسف  
دای - جست آمریکا هم من بیوگرافی من منتشر  
گردیده و اینک مجله مذکور را برای من هم فرستاده  
است -  
من از تو بسیار گدادم که قدر و منزلت مرا  
آنگذرینند - بر دی که به ستارگان آسمان رسانیدی  
زاین برای من راستن مایه انتخار و مباحات است  
خیال کنی که من قدر و قیمت تو را شعاع ترا  
نمیدانم و یا حق ناشناس و ناسیاس هستم -))  
مد هویلا افزود: (( در یکی از جراید فنی بعضی  
خوانندم که ترا مجنون من بیست خطاب کرده -  
بودند ومن این را نمانید نمیکم - اگر به معنی جنون  
آن باشد و اگر به معنی وفاداری، فداکاری و عشق  
باید اریاشده جزای؟  
زیرا تو شاعر هستی - نویسنده بود اکثر هستی  
من توانای مجنون عاقل نامید تو سمول و رهنمای  
عشاق هستی - تو نمونه عن و زاده آهنین و تعمیر  
عالی هستی - تو توانستی با تمام مشکلات بدست  
و نجه تم گش و ناممکنات را ممکن سازی، هستند  
در بعضی هزاران نفر که میخواهند با ستارگان فنی  
از نزدیک ملاقات نمایند و این برای شان امکان  
پذیر نیست و تو بر علاوه اینکه از افغانستان  
تالیا (پیدی) آمدی بعد از کدام حادثه  
بود که مرا وادار کردی ترابه نزد خود بپذیرم - هر  
صورت از این همه زحماتی که در راه من کشیده  
ای باز همه اشعاری که برایم نوشته ای بیکبار دیگر  
ساز و شکران خویش را در حضور همه این هنرمندان  
دایرگروهها - ژورنالیست ها و مدبران جراید -  
تقدیم میدام - امید رام بد پرته گردان - در اخیر  
گفتار و بیانیه مد هویلا در وقت از قسمت آخرین  
کتاب را بزرترین چنین خواندم - یعنی بعد از ده هزار  
بیست که سروده بودم - گفتم:

هو کن گریمن جسارت کرده ام  
ازم در یک اشعارت کسره ام  
نیت نگاهشتری مفتون تو  
گشته عالم غرق در آسوس تو  
مد هویلا فوراً گفت: ومن غرق در آسوس تو  
در اینجامد بر سمول مجله کهنکشان گفتم:  
( زمانیکه فردوسی کتاب مشهور شاهنامه را برای  
سلطان محمود غزنوی بفرمایش سلطان نوشت  
سلطان غزنوی در بدل حریت یکدانه اشعاری برای  
بخشید یعنی در عوض صحت هزار بیت که سروده بود  
صحت هزار طلیب اشعاری برای فردوسی داد -  
درین اثنا طرف مد هویلا نظر انداخته و با خوش  
ماند مد هویلا گفت: (( من قدرت برداخت  
ده هزار طلا را با هم و این مبلغ را برای داکتر هلی  
بپرداختم)) من گفتم: (( قبول نمیکم - زیرا فقط یک  
شکر تو برای من از ده هزار طلا بیشتر ارزش دارد))  
گفت: (( من میدانم و تو شکر موازیات ترا زده -  
هزار طلا میدانی)) مد هویلا همیشه مرا با هم  
خدا میگرد - ومن هم او را مد هوی - و گاهی متاخر  
میکردم - محفل تا ساعت یازده شب دوام کرد - مجلس  
اشی بود - همه نوع موزم در آن اشتراک داشتند  
در وقت بد شدن حسین و رقیب - بعد از صحبت  
بموسیقی شروع و چند پارچه رقم محلی هندی  
و سپس طعام شب - و بعد از آن هم محفل بی پایان رسید  
همه معناتان خدا حافظی کردند و رفتند درین  
وقت من منتظر بودم که چنگ که بلراج سها نی سرا  
از تر بد بیرون کرده بگفت: (( بیا همراه من برویم  
زیرا هتل محل رهائین تو از اجازت یاد دور است))  
درین وقت مد هویلا مداخله کرده بگفت: (( بهتر  
است صلی شب همین جا ماندگاریم)) ومن این را  
از خدا میخواستم - و از هم بردا بعد از صرف ناشتبا  
در کتابچه با دست خود نوشتم:  
خداوندنا چه منزل بود شب جاییک من بودم  
هر سورقم بسمل بود شب جاییک من بودم  
بری بیگر نگار سوز قدی لاله رخساری  
سرا یا آنت دل بود شب جاییک من بودم  
رقیای گوش بر آواز او درناز من حیمران  
سخن گفتن چه مشک بود شب جاییک من بودم  
- به هر حال اکنون که ماد هویلا عزیز شما  
جهان فنی را وداع گفته کون عاشق کی استید؟  
من قیلا هم گفته ام که عذف شما از مطرح  
نمودن این گونه سوالا بیرونا بودن جنجال  
و مشکلات برای من است که میخواهید خصما - سرا  
توسط کسی بی آب سازی - هر صورت جوابتان  
را میدهم زیرا باشما وعده کرده ام که بسوالا  
تان جواب گو باشم  
پس گفتم کنید:  
ما من خداداندولی در شانه من بینم  
کاز سوادی کیسوی کسی دیوانه خواهم شد  
درایان صاحبه اگر سوالی دیگری داشته  
باشید از شمار بیاری زحمتتان که با من این صاحبه  
را انجام دادید اظهار سپاس منم نام - با تقدیم  
یک راضی علامه اقبال:

# در ارتب نامہ ہائے

درین ماه بازم از دوستان خود نامہ های بومحبت بدست آوردیم ، ما از نظریات و انتقادات آنان استفاده می کنیم ، تشکر از همه شما .

یاقین احمدی ، فرید احمدی ، برشنا نظری ، محمدعارف شمانی ، محمدشاه آشنا ، سلیم زادت برچی ، حمایت قیسی ، یلا شیم ، اسما زینت فرشته ، نسیمه میرگل ، خسرو محمد ظاهر عزیز ، محمدصابر رحیمی ، مسعود توخی ، حمیرا تننا ، فتح محمد فتاح ، سجیه آریائینی ، شمع حسن ، زرمینه دانش الهام الدین نعیمی سید فراخرفی ، دیاناویس فریا ویس خیرصافی ، احمد نوید ، احسان الدین ، تمیم صادق سیحیلا فرولی ، محمد داود فرولی رحیمه معین

مریم دانش ، نظیفه بیروز مسل ، هوالطیف ، حیدر دانشجو عادلہ انور عزتی ، فلورا اتایی رویامشعل ، صدیقہ فریبا سریزاده ، همایون ، سید محمود شرفی ، نیلہ فروغ ، رابعیہ ، دیبا اثر ، شرمیلا ازلیسه سوریا ، بریالی شرفی کارمند شوراب زریز حسینا غزال ، رابعیہ ربایسی محمد مصطفی مستور ، مسعود توخی ، لیلما عمراخین ، فرید فرولی ، سونیا اسلمیار ، زهره بول ، فرزانه سیدالی ، شکریدہ نادیه رضایی ، ناجیہ ، ختابہ نوری ، احمد شکیب ، عبدالرشید ، وحید الله ، احمد فرید سرباز صاف احمدی ، روشانه ، نظیفه ابراهیمی محمد نذیر شکیب انسر ، روحانه اعلیاری ، خالی مومند ، فرزانه

عطیہ ، رشیدہ ، فرزانه ، شکریدہ ، حنین ظفری ، عبدالوہاب راسخ ، هنگامہ ، رابعیہ راح ، جمیلہ کوهستانی ، فائزہ یادگار محمد آصف مراد ، گل آفا راعب کرام الدین نیاسی ، فوزیہ نوایی عوث اللہ ہمدرد ، سید قاسم سعیدزادہ ، مسرورہ دوریش محمد زیار وزیری ، رابعیہ وفا ، فاطمہ ، رقی اللہ فدایی ، ژولیا ، بهار اکبرزادہ ، فائزہ مارینا عبدالمجید یزدان برست گل علی نعیم ، نصرت اللہ فریدہ نیلاب ، فریدون خرم سید احمد شاه حسینی ، کشکشا عبد الخالی تفتیق ، بهرام علی خالدہ شعب ، محمد آصف فاطن ، فائزہ شهاب زرمینہ فقیر یار ، محمد سالم ، نجیہ امید ، الا اناعرفان ، عادلہ

اختر ، غلام عباس شاکری ، نعیمہ رحیمی ، محمد عارف تنہا ، مومند نوریہ میرزاد ، داکتر ملالی شریف محمد ظاهر خورشید ، نیاز محمد حمیدی ، خیال محمد عبیدی ، ماریا ، شکیبا نیلہ انور ، مارینا خوشه چین احمد شکیب کوهستانی سید امید کوهستانی ، نادیه یوسف زری ، غلام داود محمد یار سمیرا اثریفتلی ، محمد داود سید امرالہ ، اصمہ مدین یسار امید ، فیز محمد متین ، لیلیاسعات خیال محمد حمیدی ، فاطمہ نورزاد ، مارینا انورونی احمد شکیب ، سید اسد اللہ نقشبندی ، محمد داود حساس ، سید موسی عباسی ، احمد سیا ، صبیح سرباز خاندونی ، وامنیہ دولتی سروان

وسید نجیب اللہ عاشق سی ، محمد امام حزین محصل سال چہار پونہنخی فارسی بوختون کابین

دوستان خوب از کسارت ارسال تان تشکر و توفیق مرید شما را تمنایم . رضوان ساحلی از مزار شریف ، چہار نامہ تان سر بہ سر رسید ، گپ های تان قبول ، اما باید بداند کہ در میان مطالب سیاسی ہم چیزهای دلچسپ وجود دارد . عبد الاحد ثابت ، معلم میشود شما ہم آدم بزرگاری هستید لطفاً اگر تون خبرنگاری دارید یا خلیلی حکیمزادہ از ولایت ہلمند ، کامیابی بیشتر نصیب تان ، چرانسی ان ما ہم میخواہد سیاورن را اول بہ شما بفرضیم ، حتماً در نظر داریم کہ بہ ولایات محلہ برسانیم .

## مود و فیشن یا سرنوشت مہین

شمس علی شمس محصل استیقت طب علی نامہ بی این مطلب را بہ ما نوشته و صفا تذکر دادہ اند کہ اگر چاپ نشود ہمکاری ام را قطع می نمایم .

(( بہ سرنوشت مہین خویش می اندیش ))

چہ زیباست تا جوانان ما کہ آیندہ سازان کشور خویش اند بہ جای آنکہ در انتخاب رنگہای سرخ و سبز لباس ہای بد ریزد قیظ میشوند بہ چہاران خزان زدہ مہین شان ببندیشند زیرا مردم از روشن تقاضای خدمت را دارند و نمی خواہند در نزد دشمنان اشک السود شان قامت آراستہ بہ لباسہای خلاف فرهنگ ملی شان جلوه نمایند اگر صفحہات پسران و دختران مجلہ سیاورن را دقیق شویم حرفی ہم از احساس جوانان در برابر اجتماع و مردم شان نخواہیم یافت بلکہ فقط مود ہا را می بیند و رنگہا را برمی گرداند . اگر این صفحہات را از مجلہ جدا ساختہ و کلکسیون نمایم فکر میکنم گرد آورده ہای بہترین را ہمایی در گزینش رنگہا در چہان مود و فیشن خواہد بود و ذوق ہای گوناگون جوانان ما با شک ہای گرسنہ و در انتظار نان سوسنق ہمہ ذوقہا محسوب خواہد گشت .

سرسیزی و شوگوانی مہین بہ تلائم جوانان متعلق است نہ بسہ بیاریہ گوناگون آنہا . ومن فقط بہ سرنوشت مردم و جامعہ خویش می اندیشم و از ذوق ہای کود کانه و نابہ هنگام امتناع میوزیم زیرا این ذوق ( بہ مود و فیشن ) بہ یک پژوہندہ علم و معرفت زیندہ نیست .

( براد عزیز ! درین صفحہات خلاف نظر شما مسائل اجتماعی نیز مطرح شدہ و ہتازہ اینکہ نمیتوان ذوق و زیبایی را از جوانان گرفت حتی در شرایط جنگ چہ انسان نیاز ہای دارد کہ باید آنرا در نظر گرفت )

## پایسج ہمای کوتاہ

محمد نعیم ولی عزیز اولی محصل در بلغاریا !

براد عزیز وقتی ازین راہ دور نامہ می فرستید لطفاً از ہترین ہا مطبوعات بلغاریا چیزی ارسال

کنید ، نہ از دیوان ہمای کہ فراوانتر است . احمد جاوید مجید بخشیریی نامہ تان رسید اما چرا اینقدر گلہ و گداری ہنکاری تان را بدین موشوم بہ ما نامہ بنویسید .

## از نظریات شما تشکر

دوست گرامی احمد اللہ داغ از ہنر کندز ، سلام ہا ہا ما را ہم بندیشد . نظریات شما را بہ مجلہ سیاورن مود توجہ ما را برگزید ، تشکر از دوستانی چون شما کہ با صحت تان ما را یارین میرسانید ، مود شماره غار یک تا ششم شان مواردی است کہ وقت آن گذشتہ و اما در بارہ شعر جوانان حرف تان میتواند تامل پذیر باشد .

چاپ شماره اول کارمکن ہم نیست و ہم است ولی از لحاظ زمانی برای چاپ دوبارہ آن فرصت نداریم . ما کہ نشر نشدن نام آہنگ سازان کھدات را بدین رطوبت و تلویزیون مانتیہ چیز است مربوط بہ خود آنہا مانشر است و کجا ہا مانظر اداریہ مجلہ ما نیست کہ بیقراریہ ما عرض می فرما و از خوان نام آہنگ ساز تشکر یاد نمود . از شما تشکر .

## بہ ما در تماس شوید

براد عزیز برشنا نوری ، نظریات شمارا د مورد داستان بازگور کرد ان در نامہ ارسال تان خواندم . تشکر از توجہ تان اما د مورد این کہ داستان مذکور از داستان دیگری تحت عنوان بازگور در نوشتہ الیور گولسد اسمیت چاپ شماره سم سال ۱۳۴۹ مجلہ سخن کابی شدہ برای قابل تامل است . اگر چنین چیزی واقعیت دارد لطفاً شماره متذکرہ مجلہ سخن را بہ دفتر تبریحہ بیازید ، از ہنکارن شما صمیمانہ سپاسگزاریم .

## پایسج تان را بخوانید

بعد از عرض سلام خدمت تان باید عرض کنیم کہ جوانان ما چرا در برنامه ہای مختلف را بدی تلویزیون ہمانان در مجلات نامہ ما ارسال میکنند . اگر منظور اینست کہ باید این مطلب یا آن مطلب درایسن یا آن برنامه بہ نشر برسد . تعیہ کنندہ گان برنامه مطالب آنرا نیز تعیہ میکنند . چرا جوانان اینقدر نامہ ما ارسال میکنند . با ارسال کردن یک یا چند نامہ

باید گفتہ و رزند جوانان دیگر کنورما بلا بہ این فکر نیستند کہ باید بہ را دیو تلویزیون نامہ ہا ارسال بکنند ، جوانان کشیر ما خویش را از ذوق نقطہ اسم و آدرس خود را از طریق را دیو و یا تلویزیون بشنوند و در مجلات نام شان بسہ چاپ برسد .

تعیہ کنندہ گان برنامه ہا ، برنامه ما را بہ مردم تعیہ میکنند و مردم مامیتوانند بدون ارسال کردن نامہ ہا برنامه را تعقیب بکنند ، و بشنوند .

این دیگر فقط یک مصرف اضافی است ، ہم وقت خود را تلف میسازند و ہم وقت مسوولین برنامه ما را .

امید دارم نامہ ما را سرتابا بسہ نشر رسانید کہ جوانان ما در این بارہ چہ میگویند .

فوزیہ و صادقہ فارغ التحصیل لیسہ عالی مکریم .

خوانندہ گرامی ! ارسال نامہ بہ مجلات و برنامہ ہا را دیو تلویزیون در ہمہ کشور ہا ہا معماں معمول است آنچه کہ درین نامہ ما آدرس دارد بی شغفادات ، انتقادات و نظریات خوانندہ و شنوندہ ہاست ، ارسال مطلب یک امر حتی است .

# مطالب ارسالی شما

## نقش ناخنها در تشخیص کرکتر

دانشمندان اخلاق انسانها را ازبانه چشم وموي سرودست بالاخره ازندان واندام ورخی دیگرکردارومل تشخیص واززیبی نموده اند ویکش از دانشمندان اخلاق اشخاص را از روی ناخن تشخیص نموده .

۱- اشخاصیکه روی ناخن دست های شان نقطه هایی سفید است به جنس لطیف (زن) علاقه مند اند ولی این علاقه مندی زودگذر بوده ازیک زن دلسرد شده وبه زن دیگری علاقه گرفته دل می بندند .

۲- اشخاصی که دارای ناخن کوتاه میباشند ، انسان هایی بزرگ باره ، متحن و رهبر بزرگانی میباشند و در مقابل مذاقات ومضاکلا حوصله فراوان دارند .

۳- کسانی که ناخن طویل ونوک تیز طبیعی دارند ، دارای خطوط زیاد ومساوی باشند برای تعلیم وترتیب ومعلمی مسلطند ومعلمی بزرگرو شایسته معرفی می گردیده اند .

۴- کسانی که ناخن بیضوی ((گرد)) وصاف وشفاف دارند مردمان بزرگ حوصله ، آرام وصلح دوست وصلح هستند .

۵- ناخن دست راست انده که کم رشد وکم باشد معمولا اشخاص شکم پرست وبرعبرف هستند وبالاخره همه اروزند ار خود را به شکم معترف کرده . ودر بساط چیزی نمی گذارند .

۶- کسانی که دارای ناخن فرمزی رنگ وروشن هستند مردمان مهربان ، خوب قلب خوش مشرب ، شیرین کلام ودوست داشتنی هستند .

۷- بالاخره انهایی که در موقع ناخن گرفتن ناخن های خون را به یک اندازه معین (( مساوی )) به دقت می چینند انسانهای باعزم سریع وثابت قدم به شمار میروند .

روشنه (( زین )) ازگوزن کابل ستنر

## زبان پوستر

چطور از طرز چسباندن - پوستر بر روی بایک تاز دورن - فرستنده آگاه شویم ؟

۱- پوستری که راست چسبانیده شده باشد ، مفهومش این است (( فکر سوار لم بیرون است ))

۲- چنانچه پوستر قدردی متمایل به سمت راست باشد مقصدش این است (( بمن اطمینان داشته باش ))

۳- چنانچه پوستر را افقی ودر بجانب چپ چسبانیده ، مفهومش این است (( دیوانه وار ترامپیرستم ))

۴- اگر سر پوستر قدردی متمایل به سمت چپ باشد مفهومش این است (( ترا دوست میدارم ))

۵- اگر پوستر بطور معکوس ومتمایل بر راست چسبانیده ، مفهومش این است (( دیگر ترا دوست ندانم ))

ارسانی : حلیه

## نگته ها

۱- کم دانستن و بزرگترن مانند پول نداشتن و زیاد خرج کردن است .

۲- مانند مرد عمل ، عمل کن و مانند فکر بیندیش .

۳- جدیت و پشتکار آدمی را بفضله نزدیک میکند .

۴- از نیکی چاره فرزند توان دانست که بی مغز است .

۵- خوشبخت ترین مردم کسی است که برای تضایق دیگران ارزش قائل شود و از شادایی دیگران انقدر شاد میشود که گویی ایسن شادایی مربوط به خود اوست !

۶- در جمع آوری دوستان وهمچنان در دوری از انسان حمله مکن !

فرستنده : شریف نورین

مستوره محبت نامری ( استعداد تاز ، راد ریخشهای دیگر هنر تجربه کید تنها نامری بیشه نیست ) بلقیس احمدی از بوهنی علم طبیعی ( بیسی از گردید ) تان :

رنگی ز صفا نیست درین خانه خدایا  
برخیزم و از خانه به میخانه گریزم  
سایره شکیب از ولایت جوزجان ( باره کردن حملات و مصراع وار نوشتن شعر نیست ) از شعرا ی متقدم زیاد تر شعر خوانید . ( ۵ ) شکلا ازلیسه " آنه " فدوی ( خوب است اگر بجای شعر داستان نویسی رایبشه کنید ) ( ۵ ) احمد شاه کامکار از ولایت جوزجان یکی از دو بیتهای تان با کمی تصرف :  
الله یارجان بگیرم اصل نامست  
کبوتری میگردم به با مست  
اگر یکبار بگویی یار شیرین  
شوم ندقه همونوک زبانت  
( نام ) و ( بام ) با ( زبان ) قافیه نمیشود . حالات فعل بی جهت از حال پاینده تغییر نمیکند - مصراع سوم نیز زیاد است . ( ۵ )  
خالده خرم اقل " مهم :

استعداد خوب شعری دارید ، مگر در استعمال کلمات دقت نموده قوامه سنتی شعرا را بیشتر آشنا شهد " بندری از سروده " تان را با کمی دستکاری چاپ کردیم :  
خواهراتم بگذرید از مد تو  
مد تو ارقش ندارد یک دو جو  
تو مکن تقلید از هر بیگانگان  
ابروی خود همیزان رایگمان  
کی توامد خوب و نهیام کند  
بسل تو این کار رسوا مکنم

هنزه نوین از نوسوالی بلخمری :  
دوستی های که به نام (( تک بیت )) فرستاده بودید رسید در نقل آثار هنری دقت کنید .  
سفرو کدی به شهر دور دستی  
دل نازکتر از جام شکستی  
بهارتوک و فاکن (( بیولا )) چنان  
به هر آیین و هر طبع که هستی  
ترک وفا نادرست است باید ترک چفا باشد .

لیدا نارام از پ . اقتصاد :  
(( نارام )) راه منظر که مانوشتم بنهسید ، منتظر آفیده های خوب تان هستم .

عبدالرزاق حسن یا ماز تخنیک ساختمانی :  
برادر عزیزه اوقات بیکارن را کارکده و نه شعری راکه به مجله می فرستید بنهسید از کت ؟ از شما هاکن دیگر ؟

ملالی محبت : نامه ات رسید ، مگر شعرازی بود ؟  
فریده احمد فاعل : رابعه بلخی : شعر (( در خیال )) شما گامی های فراوان دارد .  
جستن معشوق از طرف شاعر و در شعری ، (( سنی )) نه نخواهد ، همینطور رسم است . در قسمت شعری می توانید از کاتبین ادبی نهسندگان جوان رهنمای شهد فرهاد حاجب ازل " خبیبه :  
به املا و اثباتوجه کید بیته اشعر تان :  
دیشب که به خواب تو خیالات پتان بود .  
در کلبه " فزده گان اه و فغان بود .

ماریا رحیمی ازلیسه دوستی ( خواهر عزیز ، دیوان حافظ را که مام دارم ) . نوبه عطا ( تجربه تان را در شعرهای بیوزن توسعه بخشید ، استعداد خوب دارید ) . سمیرا نجیب سادات و خاطره های بیوزن بیزاد ازلیسه " مهم ( دوستی تان قابل نشمر نیست ) . عادل اختاری از وزارت امور عودت کندگان ( شعر انتخابی تان اگر قسم یک بیت تان :  
بی عشق ای طبیعتی نیست در جهان  
تا بیره درد کمر نشناسی دوام مکن )  
سخن مراد مسکین امسوق غ ولایت مزار شریف ( شعرتان گامتی های دارد با آنهم دوست آنرا نشمر کردیم استعداد تان را با مطالعه بیشتر پرورش دهید :

کنون از حال زار من مبرسید  
که فرم دوستان در عالم خود  
خراب یزار و حیران نمودی  
بت شیرین ادا می از غم خود ( )  
شکیلا نور از بوهنی علم طبیعی یک بیت از شعر انتخابی تان :  
ای قاسد آرزو نامه زد لانداری  
از هر تسلی زبانش سخنی ساز  
لینا نارام ازلیسه آریانا ( خواهر عزیز ) ماد را در بیت دربی ژانری به نام طرح ندارم به املا دقت کنید )  
اینه مقبل بنه آرزلیسه " مهم ( دوست عزیز شاعر ارسالی تان زنده باشید :  
ای صبا یا شهنه سالک از فلسفگی  
از فراق نان سیلو جان ما بر لب رسید  
برود یوار شورا این سخن باید نوشت  
تا یکی این زهر تلخ جنگ تحمیلی شید ( )  
میروس نژاد ازلیسه انصاری ( دستوزبان ) و زن قافیه و دیگر معاییر شعری را با موزید " رباعی تان لغزشهای فراوان داشت ) ، فرید احمد امید از مزا -  
ر شریف ( استعداد خوب دارید بیشتر زحمت بکشید آینه روشن شمارا استقبال میکند ، دوست از نزل تان :  
باز فصل باغ بوستان میرسد  
لبیل دل در گلستان می رسد  
سبز میگردد چمنزار امید  
نوعوس باغ خندان می رسد

شکیلا پوهس از مزار شریف ( طبع روان تان را روان تر میخوانیم سه بیت نزل تان با یاد داشت کوچک ما باز فصل نوبهاران آمده  
فصل شوق مند لیان آمده  
باز گلگهای فریبا و قشنگ  
سوی بوستان و گلستان آمده  
من شکیلا خوانم هر دم این سرود  
لبیل غیلم نزل خوان آمده  
وازه بوستان در مصراع جام ثقیل است اگر  
(( بوستان )) بسازم این نغمه رفع میگردد مصراع پنجم را به خاطر ثقلت و اژه هر دم این طور سازید خوب است :

فرهزبان خواند شکیلا این سرود ) . آریان از طب کابل ( شعری در رسا وجود دارد ، فقط بیشتر زحمت بکشید و شعر مطالعه کنید ) . ماریه " ک . ازلیسه رابعه " بلخی ( حرفهای که به آریان جان گفتیم در مورد شما نیز صدق میکند ) . تورن عبد -  
الصادق (( هارون )) از کینناری بگرامی ( دوستی های تان را به برنامه های نولکوری راد یوفرستید )  
شکیلا نجیب ازلیسه آریانا ( نامه تان با چها ر چشم رسید یک بیت از گردید های تان :  
چشم اگر این است ابرو این و ناز و شوه این  
الوداع ای صبر و تقوی الوداع ای عقل و دین )

# براسمه فال گرفته ایم

## متولدین ماه حمل

موفقیت های شایانی پیش رو دارید ، اما دقت کنید که متکبر و خودخواه نشوید . از صحت تان مواظبت کنید . بادوستان مهربانتر باشید . دیدار تازه در تنمیر سرنوشت شما نقش خواهد داشت .

## متولدین ماه میزان

ملامت ساختن دیگران برای برائت خود کار شایسته نیست . باید شهامت آنرا داشته باشید که خطاها و اشتباهات خود را ببینید و با پیشانی باز آنرا جبران کنید . کودکان عزیز می همسان خانواده تان میشوند . مجرد ها به ایجاد زنده گی مشترک تاجند روز دیگر آغاز می کنند .

## متولدین ماه ثور

عهر شدن و خصمانیت بی مورد عمر شمارانیم می سازد . از مصروفیت و کار بیشتر همیشه لذت می برید و این نکته بی است که متوجه آن نشده اید . قضاوت هرگونه میباید شما همانطور زنده گی نمایید که استید ، ضرورتیست مطابق میل هر یک باشید .

## متولدین ماه عقرب

ضعف بزرگ شما ، ضعف اراده تان است که نمیتوانید تصمیم عاقلانه بگیرید . دوری شما از خانواده و وطن کار نادرستی است . اعتماد شما نسبت به خانواده تان به جاست اما آنها بدون شما احساس کمبود مینمایند . مجرد ها دیدارهای خوبی در پیش دارند . دقت کنید انسان را با تمام ابعادش باید بشناسید .

## متولدین ماه جوزا

امید هایی که برای خوشی و خوشبختی در خانواده بزرگ شما ایجاد شده به واقعیت می پیوندد . یکی از مسافران شما به زودی نزد شما می آید و دیدار تازه شما با یک عزیزم کرده برای تان بسیار پر لذت خواهد بود . فضای خانواده تان را همواره شما نگه دارید سعی نکنید آنرا وقت و ناوقت از دست کنید .

## متولدین ماه قوس

بسیاری از عزیزان انتظار دارند تا شما با آنها مهربانتر باشید . کودکان بزرگ تان بیشتر به محبت نیاز دارد . کسانی که متاهل نیستند به فکر ایجاد خانواده میشوند ولی بهتر از مصارف اضافی صرف نظر نمایند . درس بزرگ زنده گی برای متولدین این ماه تحمل و شکیبایی است .

## متولدین ماه سرطان

تصمیم شما برای تحمل دشواریها و مشکلات عاقلانه است . زنده گی باغم های پیش زینماست . دیدار تازه ای که دارید برای شما امید های جدیدی میدهد . بدبینی و کدورت را از خود دور کنید و با امید های بزرگ خانواده تان رانیز جرات بخشید . آرزوهای تان بر آورده میشود و انهم در همین روزها .

## متولدین ماه جدی

خیالات بزرگی در سر دارید که با کار و پیگیری جدی میتوانید آنرا به واقعیت مبدل سازید . هیچگاه با شاگردان تان رویه نادرست نکنید آنها به محبت و آموزش نیاز دارند اگر آنرا درست تربیت نکنید عذاب وجدانی بزرگی شمارا از پت مینماید .

## متولدین ماه اسد

انتخاب دوست و یاور زنده گی تان کار معقول است . تشوشت روانی خود را دور سازید . خوبست که دل بسته گی های تان به کار زنده گی افزایش می یابد . بیشتر به فکر آموزش باشید . آنچه را که در رویاها تصویری کنید واقعیت خواهد یافت .

## متولدین ماه دلو

یا حق و ناامیدی را از خود دور سازید . تصمیم برای دوست داشتن یک کسی عاقلانه است . یک دوست خوب میتواند یک ثروت هنگفت و عظیم باشد . قدر دوستی را دانستن ، قدر زنده گی را دانستن است .

## متولدین ماه سنبله

سفری در پیش دارید که برای تان بر خاطره و جالب است . نامه های دوستان تان را بی پاسخ نماند . همسر تان را از خود دور سازید چون آریگانه پناه خود را در وجود شما می یابند .

## متولدین ماه حوت

به صحت تان توجه داشته باشید . ورزش مصروفیت بسیار خوب برای تان خواهد بود . نگذارید کسی از شما بی جهت آزرده شود . دیدار عاشقانه بی در پیش دارید ، امیدوار باشید که بخت با شماست .

# تهدیدهای فضا

## تهدید بود که سیاره بزرگی با کره زمین تصادم نماید

بیفتد . سیاره مارا بارچه بارچه ساخته چنان خاک و قیاری تولید میکند که ماها اتوسفیر را خواهد پوشاند و مانع رسیدن شعاع آفتاب خواهد گردید که در نتیجه یخبندان انسانها تلف خواهند شد و نباتات از زمین خواهند رفت . درباره جلوگیری از چنین حادثه منجمین نظر میدهند . یک راکت مجهز با کلاهک هسته ای میتواند چنین سیاره ای در حال تقرب را نشانه گرفته و پیش از آن ل شدن به جو زمین از بین ببرد . اما درین صورت نیز بارچه های سیاره به زمین خواهد ریخت . نظر بهتر آنکه در سال های ۱۹۸۰ آرایه شد میگوید به جای نابودی سیاره خونتر خواهد بود اگر مسیر آنرا توسط مواد منفجره انحراف دهیم .

ترجمه حسن نیر

بت خواهد کرد و یا با حرکت در لهره آفرین و تخریش اعصاب از نزدیکی زمین عبور خواهد نمود . حتی اگر سیاره اف سی ۱۹۸۹ به زمین نخورد سیاره مشابه بالاخره به آن اصابت خواهد کرد . سیاره های با عرض نیم میل در سیستم شمسی در حرکت اند و طور متوسط در هر ۱۰۰۰۰۰ سال داخل اتوسفیر زمین میشوند درین میان سیاره های بزرگتر به عرض پنج یاده میل وجود دارند که در هر ده میلیون سال یکصد میلیون سال به زمین اصابت میکنند که به تمامی سیاره ها خطر بزرگی را متوجه میسازد . همین سیاره ها به عقیده بسیاری دانشمندان ۶۵۰ میلیون سال پیش سبب نابودی حیوانات عظیم الجثه در روی زمین شدند به نظر عده ای از ستاره شناسان اگر این اجرام سماوی به زمین

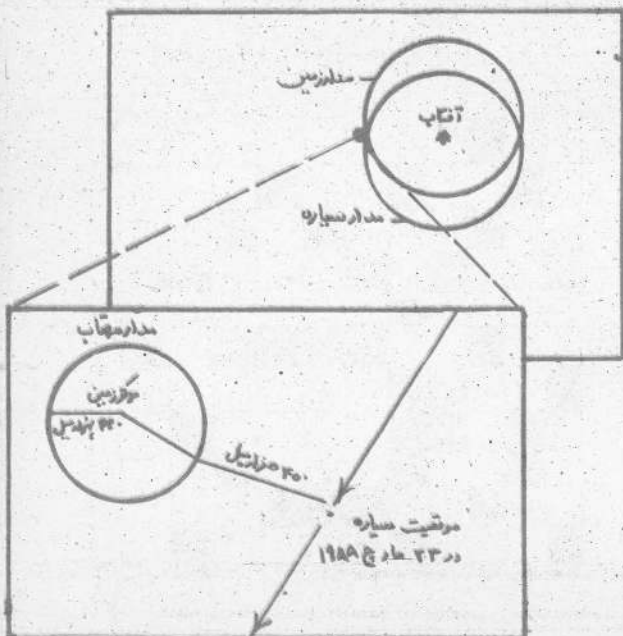
اریزونای شمالی کشف شد و ایسن درست او اسط مارچ بود که سیاره مذکور با مصونیت از زمین دور میشود . اقای هولت عکسهای این سیاره را که توسط یک تلسکوپ ۱۸ اینچ در رصدخانه بالامور در جنوب کالیفورنیای تهیه شده بود مطالعه کرد . گفته میشود عرض این سیاره شاید صد یارده بوده باشد و اگر به همین پیمانه کوچک هم بوده باشد در صورتیکه با سرعت ۵۰۰۰۰ میل فی ساعت به زمین اصابت میکرد . حفره ای به بزرگی یک میل که چندین صد فوت عمق میداشت ایجاد میتوانست یعنی گودالی به همان وسعت که در حدود ۴۰۰۰۰ سال پیش در اریزونای شمالی توسط یک سیاره ایکه به زمین افتید بود به وجود آمده است . اما چنین حادثه ای اگر امروز اتفاق افتد کافی است که مرکز عمده برجستگیت رانا بود کند . ستاره شناسان میگویند اف سی ۱۹۸۹ بر خواهد گشت . مانند زمین که به دور آفتاب گردش میکند منتهای به عوض ۳۶۵ روز ۳۸۰ روز را در مدار سیاره دریا سپری کند . دوباره از نزدیکی زمین بگذرد غالباً در یک فاصله مصون تر قرار خواهد داشت . اما منجم بریان ماریسن از رصدخانه هاروارد سمت سونیان که بر مبنای تخمینات هولت محاسبات خود را آرایه داشته میگوید در صورتیکه محاسبات ماد قیق باشد این سیاره میتواند با زهم خطری به وجود آورد یا اینکه به زمین اصابت

شبه بیست و سوم مارچ (۳ حمل) کجا بودید . خارج از منزل . همراه بادوستان یا مشغول تماشا شای برنامه های تلویزیون . به هر حال شما نمی دانستید که در همان لحظات در چند قدمی شما یک فاجعه قرار داشتید . شما ازین خطر آگاه نبودید . اما یک سیاره بزرگ به چنان فاصله نزدیکی از زمین به سرعت عبور کرد که در ۵۲ سال گذشته سابقه نداشته است .

اگر این صخره عظیم به زمین اصابت میکرد فاجعه ای مانند انفجار هزاران بم هایدروجن می آفرید و ملیونها انسان رانا بود میکرد و در صورتیکه این سنگ آسمانی به بحر می افتاد امواجی به بلندی صد مایتر ایجاد میکرد .

پیش ازینکه شمار زیاد به هراس بیفتید لازم است بفهمید که نزدیکترین فاصله این سیاره از زمین در حدود ۴۵۰۰۰۰ میل بود یعنی در حدود دو چند فاصله زمین با مهابت . با انهم در شرایط و محاسبات کیهانی امکان اصابت این صخره زیاد بعید نبود . از سال ۱۹۲۲ به اینسو هیچ سیاره به این پیمانه با زمین نزدیک نبوده است . در آن سال یک سیاره کوچک به قطر تقریباً نیم میل از عین فاصله از نزدیکی زمین عبور کرد .

این سیاره جدید که مطابق سیستم نمره گذاری رسمی اتحادیه بین المللی نجومی اف سی ۱۹۸۹ نامیده میشود . نخست توسط پروفسور هنری هولت از یوهنتون





# مسطرين

سفید بازی را شروع می کنند  
و در سه (۳) حرکت مهره سیاه را  
مات می کنند .

سفید بازی را شروع می کنند  
و در دو (۲) حرکت سیاه رامات  
می کنند .

# پرسش ها

## جدول ضرب المثلها

عمودی :

- ۱- نقر - لباس خر
- ۲- معکوس ان قوت است - جور برانگنده - بوی نیست .
- ۳- غم نداری انرا بخس - قوغی کمر - دزدی بی پای - معکوس ان اواز خر .
- ۴- ان بود برکتش نی - ی خ س
- ۵- ... حول بالله - نوشید نیست - بدون ان غذا لذتی ندارد .
- ۶- مزین به در کس به انگشت که نزنده ... معکوس ان شکایت .

- ۷- پروا (اصطلاحی)
- ۸- تکه ناکاره (اصطلاحی) نفس اصطلاحی - کاری کن که نی ان بسوزد نی کباب .
- ۹- یکی اواز صاف و رسا دارد و دیگری ... دارد - زیر بوریا .
- ۱۰- جنگ ... سر ... عدد شروع جدول .
- ۱۱- بایش رابسته کن همسایه ات را دزد نگیر - استم - همان خوک و همان ...

انقی :

- ۱- نام همین جدول ان را خدا کریم است .
- ۲- می گویند ... برادر ندارد - ... مردان دیر پخته می شود .
- ۳- تاک - برای ادم تبیل می گویند که ... تخی است - شل بی پای .
- ۴- بوج های بلند - پدر پدر کلان .
- ۵- دنیا را آب بگیرد اورا تانید بایش است - بالق لق سنگ مردار نمی شود .
- ۶- کوزه شراب - عربها

## چقدر پول دارند

سه دختر قرار گذاشتند که سینما بروند هر کس باید می گفت که چند انگانی با خود دارد . شکیبا گفت : من انقدر بیسه دارم که اگر با پول ماریا،  $\frac{1}{3}$  پول شعلانی جمع شود . ماریا گفت : من انقدر پول دارم که اگر با پول شعلا،  $\frac{1}{3}$  پول شکیبا نیز جمع شود . شعلان گفت : من ده انگانی دارم ولی با این ده انگانی  $\frac{1}{3}$  پول ماریا را نیز جمع کنید . حال شما گویید هر کدام انها چه اندازه پول با خود دارند

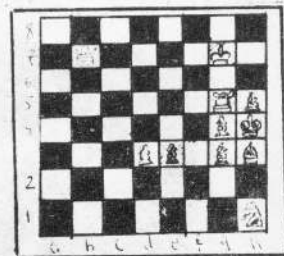
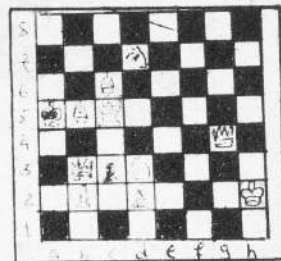
## مخاسبه کنید

می گویند که عمر اسپ رابه اساس دند انها پیش تعیین میکنند ولی بیایید ما و تمام رینجا قابلیت ریاضی خود را یکار بینه ازیم . ان اسپ چند سان عمر دارد در حالیکه  $\frac{1}{2}$  (یک بر دو) است

### جدول ضرب المثلها

	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱											
۲											
۳											
۴											
۵											
۶											
۷											
۸											
۹											
۱۰											
۱۱											

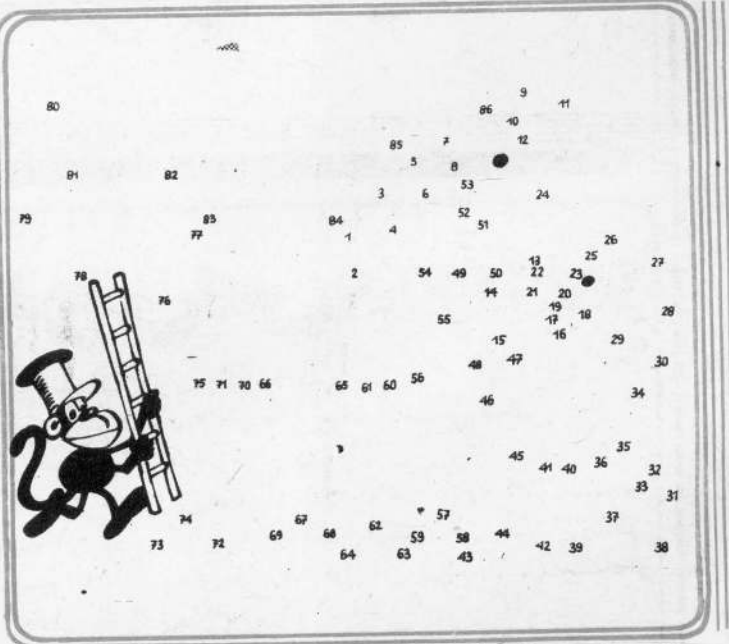
# سرگرمی‌ها



پیش ادبی

## حل کنید جایز بگید

### برای اطفال



اگر میخواهید بدانید که برای زینه چه صورت است اعداد را به ترتیب با هم وصل نمایید

درین شماره مجله ما پرسش های ادبی را مطرح می سازیم؛ دستداران مجله بخصوص علاقمندان عرصه ادبیات فرصت دارند تا یکی دو ماه درین مورد مطالعه نموده و سپس پاسخ های ما را ارسال بدارند. البته ما جایزه های عالی برای آنها در نظر داریم. میتوانید پاسخ هارابه زبان های دری و پشتو ارسال نمایید.

۱- مولانا جلال الدین بلخی کی بود و چند اثر ادبی از او جامانده است.

۲- سنایی چگونه شاعری بود و چند دیوان شعر دارد.

۳- کتاب فیه مافیه یک ارزیابی و نتیجه گیری کلی در یکی دو صفحه تهیه نمایید.

۴- فهرست نویسندگان معاصر افغانی را با نام آثار چاپ شده آنها آماده بسازید.

۵- شمد رباره آثار یکتا از نو- یسند و گان معاصر افغانی یک تحلیل و نقد صرف به حیث خواننده تهیه نمود. ما بفرستید.

۶- آیا شمد رباره نویسندگان قبایل آزاد معلومات دارید؟ لطفاً درین باره ما بنویسید.

۷- آثار رحمن بابا و خوشحال خان خټک کدام هاست؟

۸- دوره های ادبیات را در افغانستان چگونه مطالعه نمود. ایده درن خود را ازین دوره ها بنویسید.

۹- چه وقت وضع ادبی در کشور ما درخشندگی بیشتری داشت.

## صحنه گان

دینی الله عمرخیلی، فریده امید بلقیس احمدی، مریم دانستن، امیلا لطیف وردک، جاوید احمد زکی، محمد وکیل نایب، مسعوده توخی، احمد نوید وردک نورجان ضیایی عادله انورعزتی، شمیم حسن حمید، انیس نایل انزهرا تفتح محمد فتاح، سلم دانستن لیلما کاروز، خواجه ابراهیم نادره سیما، فرزبان جویان سیدعزت الله مجید، سوما فران فاطمه شریف، نادیه، معروفه درویش، سیدعزت الله مجید، گل علی فقیه فدایی، محمد فریدون خن، گل علی فهیم، سید احمد شاه حسینی، نصرت الله صحت، سید امرالله ناچه شکره انور، محمد عمرعزیز عبدالوهاب راسخ، وحید الله ابراهیمی، وحید الله حبیبی، رابعیه رحمانی، محمد مصطفی شرمیلا شریفی، فاطمه یادگار سونیا اسمعیار، مرخیمه محمودزاده احمد شکیب کوهستانی، صادق احمدی.

به اساس فرقه محمد وکیل نایب و فریده امید، مستحق جایزه شناخته شدند.

قابل توجه هوطنان!

فرقه کئی جوایز بوی های فروشگاه بزرگ افغان به تاریخ ۱۸ سرطان صورت می پذیرد.

ادرس اعلان شرکت ترانزیتی صفحه عقب را چنین تصحیح نماید:

ادرس: شعرنو مقابل پارک سړک نمبر (۷) مارکیت جاده عقب زین ننداری  
نمبر تیلون (۳۰۲۶۲)

# شرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی هرات



**باشرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی  
هرات در تماس شوید و مشکلات  
تان را به سهولت حل سازید**

آدرس: شهر نو مقابل پارک نمبر بیست و یک مارکیت

## هوس تیس HOSTESS

یک نام آشنا برای خانواده ها .  
صابون ، شامپو ، جلائی موی و مواد ظرفشویی هوس  
برای هر وقت برای هر کس ، برای هر جا .  
این اجناس را طور عمده از جاوید لهند ، کوچی مارکیست  
تملینده کی ان در کوچی مارکیست دکان موهن لعل و همده کانهایی  
شهر ولایات بدست آورید . همچنان این شرکت صابون ضد بخار  
( DM4 ) را تازه وارد نموده است .

نیازمندان عجله نمایند :  
تلفون نمنا ( ۲۰۰۰۹ - ۲۲۶۲۹ )

## وحید الله پلاستیک

وحید الله پلاستیک هر نوع اسناد و کارت های شمارا توسط  
ماشین بوش می کند . همچنان قرطاسیه مورد ضرورت د و ایسر  
و طلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد .

آدرس: میر و ایسر میدان مقابل بانک تیس

# فروشگاه ارزان

آدرس: شهر نو مقابل زینب نداری



ارزینام تازه ترین  
اجناس مورد  
نیازتان استقاده  
نمایید ارزان و به  
مفادیتما

# قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی مجلات و سایر جراید کشور را به سترس شما قرار میدهد همچنان هر نوع قرطاسیه مورد ضرورت دوايروطلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد.  
قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی توسط ماشین بصری اسناد و کارت دست داشته شمارا بونس میکند.

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی چوک میرو سیرتیز و نماینده کسب در چوک جاده میونه متصدت جسر افغان

صنایع ملی را تقویه نمایید

# فروشگاه

## بزرگ افغانان

بزرگترین مارکیت فروش بوتها ساخت وطن

۱۰ هزار افغانی جایزه

فقط با خرید یک جوره بوت

و بار هم

۵۰ هزار ۲۰ هزار ۱۰ هزار

# افغانی جایزه نقدی

صرف با خرید یک جوره بوت

بوتهای ساخت وطن با بوتهای خارجی رقابت میکنند  
بخرید و امتحان کنید

مشتریان محترم بلهای خرید را نگهداری کنید و  
در روز قرعه کشی که بعداً اعلان میگردد آنرا با خود داشته باشید



بزرگترین فروشگاه همیشه در خدمت شهروندان است  
قدای خوب قیمت مناسب

کتابخانه دیجیتال

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**